

افغانستان

احیای مجدد ملی و زدایش فقر

رول زنان در آینده افغانستان

افغانستان

احیای مجدد ملی و زدایش

فقر- رول زنان در آینده افغانستان

مارچ ۲۰۰۵

بانک جهانی

H Street NW, Washington, ۸۱۸۱ World Bank,

, USA,۳۳۴۰۲ DC

,۲۲۴۲-۲۲۵-۲۰۲ Fax,

Email: pubrights@worldbank.org «mailto:pubrights@worldbank.org»

تفویض عکس ها: کریسوف بوش کارمند بانک جهانی، کیکو میوه کارمند بانک جهانی / دفتر کابل،
مری فریچون / سازمان انکشافی ملل متحد، گورم پیدرسن، و داکار.

طرح و دیزان توسط: precisecenter@gmail.com Kabul-Afghanistan

چاپ توسط: شرکت مکرو گرافیکس

اختصارات

ACBAR	دفتر هماهنگ کننده موسسات برای کمک افغان ها
ACF	دفتر مبارزه علیه گرسنگی
ADB	بانک انکشاف آسیایی
AGG	گروپ مشورتی در امور جندر
AIHRC	کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
AREU	یونت تحقیق و ارزیابی افغانستان
ARTF	صندوق کمک های بازسازی افغانستان
CG	گروپ مشورتی
CDC	شورای انکشاف مردمی
CDC	مرکز امریکایی برای وقایه و جلوگیری امراض
CHA	موسسه همکاری افغانستان
DACAAR	کمیته دنمارکی برای کمک به مهاجرین افغان
EC	کمیسیون اروپا
EFA	تعلیم و تربیه برای همه گان
UE	اتحادیه اروپا
FAO	سازمان خوراک و زراعت
GDP	مجموع عواید داخلی
GER	تناسب مجموعی ثبت نام
IDA	کمک های انکشافی بین المللی
IDP	بیجا شده گان داخلی
IMF	دفتر صندق پولی جهان
IRA	جمهوری اسلامی افغانستان
ISAF	قوای بین المللی کمک و همکاری امنیتی (ایساف)
MDG	اهداف انکشافی هزاره

MICS	سروی گروپی چندین شاخصه
MMR	میزان مرگ و میر مادران
MOE	وزارت معارف
MOWA	وزارت امور زنان
MRRD	وزارت احیا و انکشاف دهات
MSF	دفتر دوکتوران بی سرحد
NDF	چارچوب انکشاف ملی
NATO	سازمان معاهده اتلانتیک شمالی (ناتو)
NDB	بودیجه انکشافی
NEEP	برنامه ملی کاریابی
NGO	موسسه غیر دولتی
NRVA	بررسی خطرات و آسیب پذیری در سطح کشور
NSP	پرگرام همبستگی ملی
PDPA	حزب دیموکراتیک خلق افغانستان
PIHAM (AHPIM)	مادیول بهبود تولید نسل و صحت مواشی
TDF	Terre des homes
UN	سازمان ملل متحد
UNAMA	اموریت کمکی سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما)
UNDCP	دفتر ملل متحد در امور مواد مخدر و جرایم
UNDP	سازمان انکشافی ملل متحد
UNESCO	دفتر تعلیمی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد
UNFPA	دفتر ملل متحد در امور نفوس و فعالیت های ذیربط
UNHCR	کمشنری عالی ملل متحد برای مهاجرین
UNICEF	ندق وجهی ملل متحد برای اطفال
UNODC	دفتر ملل متحد در امور مواد مخدره
WHO	سازمان صحی جهان

ارقام

چوکات ها

جدول محتویات


AFGHANISTAN
PROVINCE CAPITALS
NATIONAL CAPITAL
RIVERS
MAIN ROADS
RAILROADS
PROVINCE BOUNDARIES
INTERNATIONAL BOUNDARIES
0 50 100 150 Kilometers
0 50 100 Miles
This map was produced by the Map Design Unit of The World Bank. The boundaries, colors, denominations and any other information shown on this map do not imply, on the part of The World Bank Group, any judgment on the legal status of any territory, or any endorsement or acceptance of such boundaries.
UZBEKISTAN
TAJIKISTAN
TURKMENISTAN
PAKISTAN
INDIA
ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN
JAWZJĀN
BALKH
KUNDŪZ
TAKHAR
BADAKHSHĀN
FĀRYĀB
SAMANGĀN
BAGHLĀN
SARIPUL
BĀDGHĪS
NŪRISTĀN
KĀPĪSĀ
PARWAN
LAGHMAN
KUNAR
KĀBUL
WARDAK
NANGARHĀR
LOGAR
PAKTIKA
KOWST
HERĀT
GHOR
GHAZNĪ
URŪZGAN
FARĀH
PAKTĪKĀ
ZĀBUL
NĪMRŌZ
HILMAND
KANDAHĀR
KĀBUL
Faisabad
Tāloqān
Kundūz
Mazār-e Sharīf
Sheberghān
Saripul
Samangān
Baghlān
Meymaneh
Qal'eh-ye Now
Herāt
Chaghcharān
Bāmyān
Mahmūd-e Rāqi
Chārikar
Nūristān
Asadābād
Mehtarlām
Jalālābād
Meydan Shahr
Pol-e-Alam
Ghaznī
Gardīz
Kowst
Sharan
Tarin Kowt
Farāh
Qalāt
Kandahār
Lashkar Gāh
Zaranj
Tirich Mir (7690 m)
Khyber Pass
Paropamisus Range
Hindu Kush
Dasht-I Margo
Amu Darya
Murghab
Pamir
Pyandzh
Dārya-ye Qonduz
Morghāb
Harīrūd
Helmand
Farāh
Hārūt
Khāsh
Arghandab
Tarnak
Indus
Hāmūn-e Sāberī
Gowd-e Zereh
To Chardzhev
To Dushanbe
To Qūrghonteppa
To Kūlob
To Shazud
To Mary
To Mashad
To Chitral
To Mardan
To Peshawar
To Kohat
To Zhob
To Quetta
60°E
65°E
70°E
75°E
35°N
30°N

امتنانیه

این گزارش به وسیله گروپی که رهبری آنرا آستا اولیسن (SASES) بدوش داشته به حمایت و همکاری کارول لی دوک (SASES) لانت هیوارد پریچیت (SASES) لانا مریارتی (SASES) مایتریی ب. داس (SASES) و رتنا م. سودرشن (مشاور) تهیه گردیده است.

نظریات و مشوره های با ارزشی از کارن میسن (دایرکتر سکتور، SACAF) لوشیا فورت (PRMGE) و تارا ویشوانات (PRSP) که در قسمت مرور این گزارش همکار بوده اند دریافت گردید. این گزارش نیز از رهنمایی های سودمند وارن واترز (آمر سرپرست سکتور، SASES) و متعقباً از جونید ک. احمد (آمر سکتور، SASES) و از نظریات اشتراک کننده گان در مجلس مرور مسوده این گزارش که به تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۰۴ دایر گردیده بود و بصورت جداگانه از ژان مزوریلی (آمر SACAF در کشور)، بینجامین لووینسن (SASHD) فلیپ اوفریت (SASPR) اسگر کریستنسن (SASRD) و محمد عارف رسولی (MRRD) مستفید گردید. این گزارش تحت نظر آقای جفری س. راکی (دایرکتر سکتور در SASES) و الستیر میککنی (دایرکتر SACAM در سطح کشور) تهیه گردیده است.

این گزارش از گفتگو های نهایت مفید با موسسات ملی و بین المللی که در سکتور های مختلف، آنانیرا که این گزارش تحت پوشش قرار میدهد، مصروف فعالیت اند در ورکشاپ دایر شده در ماه سپتامبر، نیز مستفید گردیده است. بصورت عمومی، این گزارش بینش دولت را قراریکه در چارچوب انکشاف ملی دولت (اپریل ۲۰۰۴) منعکس گردیده و با تفصیل بیشتر در سند دیگر دولت - "تامین آینده افغانستان: دست آورد ها و مسیر ستراتیژیک به پیش (مارچ ۲۰۰۴)" انعکاس یافته منحیث اساس و بنیاد قرار داده است.

این گزارش ترکیب از معلومات های بوده که فعلاً پیرامون وضیعت زنان در افغانستان موجود بوده و از منابع مختلف جمع آوری شده و با تجارب بین المللی مقایسه گردیده اند. تلاش هاییکه برای تهیه این گزارش صورت گرفته اند ثابت کننده تعهد مشترک بانک جهانی با دولت افغانستان پیرامون رسیده گی به ناسازگاری وضیعت جندر در کشور میباشد. این گزارش یک سند برای تعین

خط مشی نبوده، ولی متشکل از معلومات های لازمه برای دولت افغانستان بوده تا در مباحثات پیرامون نقش زنان در آینده افغانستان از آن استفاده بعمل بیاید. در حال حاضر، چالش عمده با قاعده نمودن پالیسی ها، انکشاف و تطبیق اصلاحات در همکاری بین دولت افغانستان و منابع تمویل کننده بوده تا برنامه های عملی و موثری را فراهم نمایند که زمینه ساز اشتراک کامل زنان در بازسازی افغانستان باشد.



خلاصه اجراییوی

خلاصه اجراییوی

پسمنظر : درطول قرن بیستم، منازعات ومشاجره ها درمورد حقوق زنان و نقش آنها درجامعه افغانی با سرنوشت ملت گره محکم خورده است. زنان نه تنها بارعزت و ابرو بودن فامیل خویش بلکه سمبول حیثت و افتخار بودن ملت خویش را نیز متحمل گردیده اند. با درنظرداشت این اصل، موضوع جندر درصد سال اخیریکی ازمسایل اعم سیاسی را درافغانستان تشکیل داده ، و اقداماتیکه بخاطر اصلاحات دراین خصوص صورت گرفته توسط مخالفین به صفت یک عمل غیر اسلامی که باعث ایجاد درز درعفت وحرمت فامیلی میگردد تعبیر و مورد سرزنش قرارگرفته است. درجریان سالهای آشفتگی، نگرانی های که درمورد مصونیت زنان ایجاد گردید باعث آن شد تا تندروان به ارزش اجمتاعی زن درجامعه پی ببرند که این اصل توسط اکثریت پیروان ادیان آسمانی مورد حمایت قرارگرفت. با آنکه دراین مورد تبلیغات زیاد صورت گرفت ولی درجریان تمام زد و خورد ها زنان دستخوش تخطی های جدی حقوق بشرگردیدند. طالبان که داد از حفاظت و مصونیت زنان میزدند ولی با داشتن خصوصیت پس رو و ارتجاعی که ریژیم آنها داشت برعکس باعث آن میشد تا زنان را نگذارند حتی تحصیلات ابتدائی را فرا گیرند و محدودیت های که بالای رفت و آمد آنها وضع شده بود حتی باعث عدم مستفید شدن آنها ازخدمات ابتدایی صحی میگردید.

با فروپاشی ریژیم طالبان درسال ۲۰۰۱ میلادی، افغانستان با شناسائی این اصل که زن نصف از پیکر جامعه را تشکیل میدهد به یک مرحله آغازین دیگر پاه نهاد. توافقات بن روی توجه برنقش زن تاکید ورزیده و باعث ایجاد یک نهاد اختصاصی یعنی وزارت امورزنان درچارچوب دولت گردید. اساس ستراتیژی رشد وانکشاف زنان با وفق دهی جندر در چارچوب انکشاف ملی معین میگردد.

این گزارش یک سند برای تعین خط مشی نبوده، ولی متشکل از معلومات های لازمه برای دولت افغانستان بوده تا در مباحثات پیرامون حل اختلافات در امور جندر در افغانستان از آن استفاده بعمل بیاید. نقش زنان درآینده افغانستان معلومات موجود را درساحات مهمی که باعث اقدامات درخصوص رشد و انکشاف ، کاهش فقر وفراهم آوری رفا ه و آسایش انسانی برای زنان میشود

شناسائی و هماهنگ میسازد. گسترش تبعیض جنسی در افغانستان وسیع بوده ، و گزارش کنونی روی بعضی ازسکتور های کلیدی که برای برنامه های کوتا ه مدت و درازمدت حایزاهمیت میباشد تمرکزیافته است. خلاهای جندر بصورت گسترده درمسایل صحی، تعلیم وتربیه، دسترسی به منابع و امکانات و کنترول فرصتهای اقتصادی ، قدرت و امکانات سیاسی موجود بوده ، نه تنها زنان ودختران بصورت مستقیم دستخوش این نابرابری ها میگردند، بلکه این مسایل تاثیرات منفی خود را روی تمام جامعه میگذارد.

صحت: شاخصهای صحی افغانستان نشان میدهد که این کشور، خصوصاً دربخش صحت طفل و وضع صحی باروری زنان در بدترین وضعیت درسطح جهان قراردارد. با آغازپروسه بازسازی درسال ۲۰۰۲، شاخص های ذیل گزارش داده شد: اندازه مرگ ومیر اطفال کمتر از سن ۵ به ۲۵۷، اندازه مرگ و میراطفال نوزاد به ۱۶۵ ، و اندازه تخمینی مرگ و میرمادران حامله به ۱۶(درهر۱۰۰۰ تولد که طفل زنده بدنیا آمده است)؛ اندازه سوءتغذی مزمن(معتدل یا شدید طویل المدت) درحدود ۵۰ فیصد؛ و اندازه بسیار زیاد ناتوانایی که ازاثرعدم تطبیق واکسین پولیو، فلج دماغی و جنگها(مشتمل به حوادث ناشی ازماین ها) به بار آمده است. اندازه مرگ و میر اطفال در واقعات اسهالات، انفکشن های حاد تنفسی، و واکسین های جلوگیری کننده ازامراض به ۶۰ فیصد میرسد. اندازه مرگ ومیر کلان سالان مصاب به مرض توبرکلوز تخمیناً به ۱۵۰۰۰ نفردرهرسال میرسد که ۷۰ فیصد آنرا زنان تشکیل میدهد. سروی های که دراین اواخرصورت گرفته است نشان میدهد که تقریباً نصف تمام واقعات مرگ و میرزنانیکه درسنین باروری قراردارند ، درزمان حاملگی و تولد طفل رخ میدهد- سه برچهارحصه این واقعات قابل جلوگیری میباشد. طول عمراوسط درافغانستان به ۴۴.۵٪ سال تخمین شده است.

یک سلسله عواملی که باعث این همه گردیده است عبارت اند از، فقدان دسترسی به امکانات صحی اساسی - تنها ۴۰ فیصد نفوس کشور درمناطقیکه که خدمات صحی اساسی فراهم میگردد زیست مینمایند. براساس سروی های که درسال ۲۰۰۳ صورت گرفته تنها ۹ فیصد مردم درروستاها ازخدمات صحی اساسی مستفید میگردند، کمبود پرسونل اناث درمراکزخدمات صحی موجود بصورت اخص درمناطق روستائی؛ اختلافات مهیا بودن امکانات صحی را دردهات نسبت به شهرها نشان میدهد- کمبود ساختار های زیربنائی (سرک و امکانات ترانسپورتی) و امنیت که باعث عدم تغییرات و دسترسی میگردد، برعلاوه بصورت عموم کمبود آب آشامیدنی وعدم دسترسی به امکانات حفظ الصحه که باعث به میان آمدن امراض درآب میگردند، همه ازعوامل ایجاد چنین اوضاع بشمار میروند.

وضعیت خطرناک صحی زنان افغان ناشی ازتبعیض جنسی عمدی درخانواده ها نبوده ، بلکه ناشی ازفقر و کمبود عمومی امکانات صحی همراه با یک سلسله عوامل اجتماعی که بصورت اخص زنان ازآن متاثر میگردند، میباشد. ازدواج ها درسنین کم و پیوسته حمل برداشتن دربین زنان ویا به عباره دیگرباروری بسیار و مکرر، بدون دسترسی به حفظ الصحه لازم را نیز میتوان ازعوامل

[1] بانک جهانی - ۲۰۰۴ - ص ۱۰۵

وضعیت خطرناک صحی دانست. و سرانجام دریافت معلومات و همکاری صحی زنان ازپرسونل خدمات صحی مردان باعث کم علاقه گی زنان گردیده و نیزعدم آگاهی درمورد حفظ الصحه مادران دربین زنان و مردان و کم بود معلومات کافی درسایرامورات صحی، حفظ الصحه و تغذی جز این عوامل میباشد.

تعلیم وتربیه : ۳۶ فیصد کلان سالان درافغانستان باسواد بوده و تخمیناً ۲۱٪ فیصد زنان بالغ نیزبا سواد میباشند(سال ۲۰۰۱ م).یک لغزش و یا سکتگی قابل ملاحظه درشامل شدن اطفال درمکاتب درچند سال اخیر رخ داده است، درحال حاضر ۴ ملیون طفل شامل مکتب بوده که یک برسوم حصه آنرا دختران تشکیل میدهد، ولی با آن هم هنوزکم و بیش نصف اطفال که درسنین مکتب قرار دارند میتوانند به مکتب بروند که ازجمله ۴۰ فیصد آنرا دختران تشکیل میدهند. این رقم فرق تعداد دختران را نظر به هرزون برملانمی سازد، زیرا درتمام اطفالیکه درزون های شرق و جنوب به مکتب میروند صرف ۱۵ فیصد انرا دختران تشکیل میدهد. برعلاوه اختلافات جنسی ارقام متذکره اختلافات قابل ملاحظه را دربین تعداد اطفالیکه درشهر ها به مکتب میروند نسبت به دهات نیزبرملامیسازد. همچنان مکاتب با مشکل اندازه زیاد ترک نمودن مکتب توسط اطفال نیز روبرو میباشند، که درسال (۱۹۹۹ م) ۷۴ فیصد ازدختران درصنوف ۱ الی ۵ و ۵۶ فیصد پسران مکتب را ترک گفته اند.

دولت براساس بخشی ازاهداف ام دی جی(اهداف انکشافی هزار ساله) خویش درنظردارد الی سال ۲۰۱۵ صد فیصد اطفال باید شامل مکتب گردند که ازجمله ۵۰ فیصد آنرا دختران باید تشکیل بدهد. درراستای نایل شدن به این هدف مشکلات متعددی به نظر میرسد که کمبود مکاتب، خصوصاً مکاتب نسوان درمناطق روستائی ازجمله معضلات اعم بشمار میرود. این مشکل به پیمانه وسعتر درموجودیت مکاتب متوسطه نسوان که بسیار اندک و تک تک دربعضی مناطق موجود میباشد، به نظرمیرسد. فقدان امنیت، همراه با دوری راه و عدم موجودیت امکانات ترانسپورتی باعث عدم دسترسی دختران به مکتب میشود. کمبود معلمان اناث به ویژه دردهات، نصاب تعلیمی تجدید نشده برعلاه نقش مدام جندردربین مکاتب غریب و فاقد امکانات آب و بیت الخلاح نیزسبب عدم دسترسی یافتن دختران به مکتب میگردد. رسم و رواج عروسی نمودن دختران درسنین نوجوانی سبب آن میگردد تا والدین تحصیلات دختران شان را ضروری ندانسته و حتی غیرلازم بشمارند زیرا دربسیاری حالات دختران بعد ازازدواج به تحصیل خویش ادامه نمی دهند.

یک تعداد ازعوامل اجتماعی نیز تاثیرات منفی روی شامل شدن دختران به مکتب و ادامه تحصیلات آنها میتواند داشته باشد: موضوع اساسی بی امنی است، زیرا دشمنان دولت درحال حاضرفعالیتهای تخریبی خویش را متمرکزبه ویران نمودن و به آتش کشیدن مکاتب دختران نموده وبیشتربرضد تعلیم و تربیه دختران تبلیغ مینمایند. یکی ازعوامل دیگر تنگدستی و فقرمیتواند

بانک جهانی ، ۲۰۰۴، ص. ۱۳. نرخ سواد کلان سا لان مربوط به گرو پ ۱۵ و یا بالا تر از آن

باشد، با آنکه تعلیم و تربیه مجانی میباشد، ولی پرداخت قیمت گزاف لباس مکتب و قرطاسیه همراه با ممانعت های که دردریافت درآمد و یا معاش توسط دختران خانه وضع میباشد باعث آن میگردد تا دخترانیکه ازفامیل های فقیرهستند کم ترجانس شامل شدن به مکتب و حاصل نمودن علم را داشته باشند. ازدواج درسنین خورد بصورت اخص باعث عدم ادامه دادن تحصیلات دختران گردیده وخلاصه مفکوره منفی والدین نسبت به تعلیم و تربیه دختران شان به خصوص درپدران بی سواد منجربه عدم دسترسی دختران به تحصیل میگردد.

کار و به کار گماری (استخدام): زنان نقش بینهایت مهم را درهمه ابعاد تولیدات زراعتی بازی مینمایند. دربعضی ازمناطق اندازه کارزنان مساوی به اندازه کارمردان بوده ولی دربعضی مناطق بنابرمحدودیت های عنعنویی که بالای کارنمودن زنان خارج ازچارچوب خانه وضع میباشد زنان صرف درخانه مشغول پروسس غله جات (کوبیدن، پاک کاری، خشک نمودن و نگهداری غله) و نیز مسئولیت اکثریت کارهای امورمنزل ازقبیل(آشپزی، خیاطی، آوردن آب و محروقات، بافندگی و پرورش اطفال) را بعهده دارند. زنان نقش گسترده درتولید تریاک، تربیه مواشی و پروسس لبنیات دارند. برای اکثریت کاری که توسط زنان انجام میابد قیمت گذاری پولی نمی شود، ولی آنها سهم قابل ملاحظه را درتولیدات که درمارکیت ها عرضه میگردد ازقبیل میوه جات خشک، خشخاش، روغنیات، محصولات لبنیاتی و صنایع دستی ایفا مینمایند. سهم زنان درمحصولاتیکه از مواشی خانگی بدست میاید وبرای مصارف داخلی درمارکیت های ملی و بین المللی بفروش رسیده و جزاقلام عمده صادراتی کشوراز قبیل قالین، پوست ، ابریشم و قره قل را تشکیل میدهد، بسیار ارزنده میباشد. با آنکه درتولید اقلامیکه درداخل خانه صورت میگیرد مانند بافتن قالین ، عاید عمده فامیل را تشکیل میدهد زنان نقش عمده را بازی مینمایند ولی درقسمت فروش آن هیچ نوع سهمی نداشته و اکثراً فروش آن توسط طبقه ذکورخصوصاً مردان میانه سن صورت میگیرد.

زنان مشغول کارهای رسمی صرف درمناطق شهری بوده ، و فرصتهای کاری دربخشهای صحت و تعلیم و تربیه به یک حد معین پیش ازبروز جنگها برایشان مساعد بوده است. که این فرصتها با به میان آمدن رژیم طالبان و ایجاد محدودیت ها بالای زنان ازبین رفت. درحال حاضرتقریباً یک برسوم حصه معلمان را زنان تشکیل میدهد و تخمیناً ۴۰ فیصد خدمات صحی فاقد پرسونل طبقه اناث بوده که این خود یک مشکل عمده درفراهم آوری (خدمات صحی خصوصاً) برای زنان را تشکیل میدهد.

نقش عنعنوی زنان درافغانستان باعث بوجود آمدن معضلات درسهم گیری مساویانه آنها درفعالیتهای اقتصادی میگردد. بصورت اخص کارکردن زنان درخانواده ها بصفت آخرین منبع کاردر خانواده تلقی گردیده و اندازه معاش طبقه اناث فقط برابر به نصف ویا کمتر ازاندازه معاش مردان میباشد. زنان ازمهارتهای کاری که کمتر مارکیت کاردارد و تحصیلات نه چندان مکملی (اندازه تعداد زنان باسواد به ۲۱ فیصد میرسد) برخوردارمیباشند. بنرخ ۶.۳ باروری و با اندازه مرگ میر ۱۶۰۰ نفر درهر ۱۰۰،۰۰۰ تولد زنده طفل مسایل صحی و باروری بیشتر اوقات زنان را دربرمیگیرد. فقدان خدمات و ضرورت برای تولید اقلام زراعتی بخاطرامرارحیات باعث آن میگردد تا زنان نتوانند درمارکیت کارسهم بگیرند. زنان همیشه فاقد صلاحیت های داشتن مالکیت ، کنترول و دسترسی به وسایل و منابع عاید افزا ازقبیل سامان آلات ، زمین، و سایر حقوق قانونی رسیدن میراث محروم میباشد.فقدان سرمایه کار(تا

این اواخرداشتن صلاحیت کارنیز) فرصتهای کاری را که نیازمند سرمایه گذاری مقدماتی میباشد، محدود میسازد.

حقوق شرعی و صدا: درافغانستان خانواده های که براساس نظام پدرسالاری استوار میباشند وبراین عقیده اندکه شرم و حیا که دربین زن و مرد وجود دارد از دیدگاه مکمل بودن همدیگر نه از نگاه تساوی حقوق پنداشته میشود. ازاینکه زنان حفظ کننده عزت و ابروی خانواده میباشند، بناً گوشه نشینی و پاک دامنی آنها باعث نگهداری حیثت و شرافت فامیل میگردد که این خود منجربه کنترول (ومحدود شدن) روابط آنها با دنیای بیرونی میگردد. رسم و رواج های روی گیری و پرده نشینی که تمام زنان باید به اندازه های مختلف انرا رعایت نمایند باعث آن نیز میگردد تا مردان خود را حفاظت کننده زنان درفامیل شان دانسته و زن را بصفت ننگ و ناموس خویش مورد حمایت قراردهند و مسئولیت تامین احتیاجات و نیازمندی های آنها را بصفت یک مرد با غیرت داشته باشد.

به صفت یک تبعه افغان، مطابق به قانون اساسی زنان حق مساویانه دارند ولی از لحاظ حقوقی به عدم مساوات مواجه میباشند. همچنان ، اختلافات زیادی دربین قوانین و رسم رواج ها ، حقوق مدنی و حقوق اسلامی ونیز سیستم غیر رسمی قضایی فی مابین حقوق زن و مرد موجود میباشد که باعث کاستن حقوق زنان میگردد. سالهای متمادی جنگ و آشوب ها حفظ حقوق زن را متضرر و محدود ساخته و یک نظام تسلط بالای زن را حاکم و خشونت و بدرفتاری را درمقابل زنان درخارج ازخانه مروج ساخت. وخیم شدن وضعیت امنیتی دراکثریات نقاط کشور منجربه ایجاد مشکلات جدی برا ی تطبیق قانون، احترام به حقوق بشر و معرفی اصلاحات قضائی که نسبت به هرگروپ جامعه زنان بیشتر ازمزایای آن مستفید میشوند، میگردد.

قیمت و عواقب انزوای مداوم زنان: افغانستان یکی ازفقیرترین کشورهای دنیا ازنگاه عاید داخلی که به ۴.۷ بلیون دالر و عاید فی نفر ۲۱۲ دالر درسال میشود به غیر ازعواید که ازادویه جات مخدره بدست میاید، به شمارمیرود. سرنگونی رژیم طالبان و به میان آمدن فضای نسبی امن و صلح درکشورفرصت آنرا به دولت افغانستان (و منابع بین المللی که درافغانستان کارمینمایند) داد تا بخاطررشد اقتصادی مدوام کشور کارو فعالیت نمایند.

ساختاراقتصادی درسال ۲۰۰۳ بصورت قابل ملاحظه متکی بر زراعت بوده (۵۲ فیصد عاید مردم را تشکیل میدهد) درحالیکه صنعت و عرضه خدمات هر بخش ۲۴ فیصد اقتصاد را تشکیل میداد. مصون ساختن آینده افغانستان (ال ۲۰۰۴ م) رشد سالانه کشور را به ۹ فیصد درطی ۱۲ سال آینده پیش بینی نمود و آن هم در صورتیکه اقتصاد مبتنی بر کوکنار را نیز از بین برده باشند که یک رشد

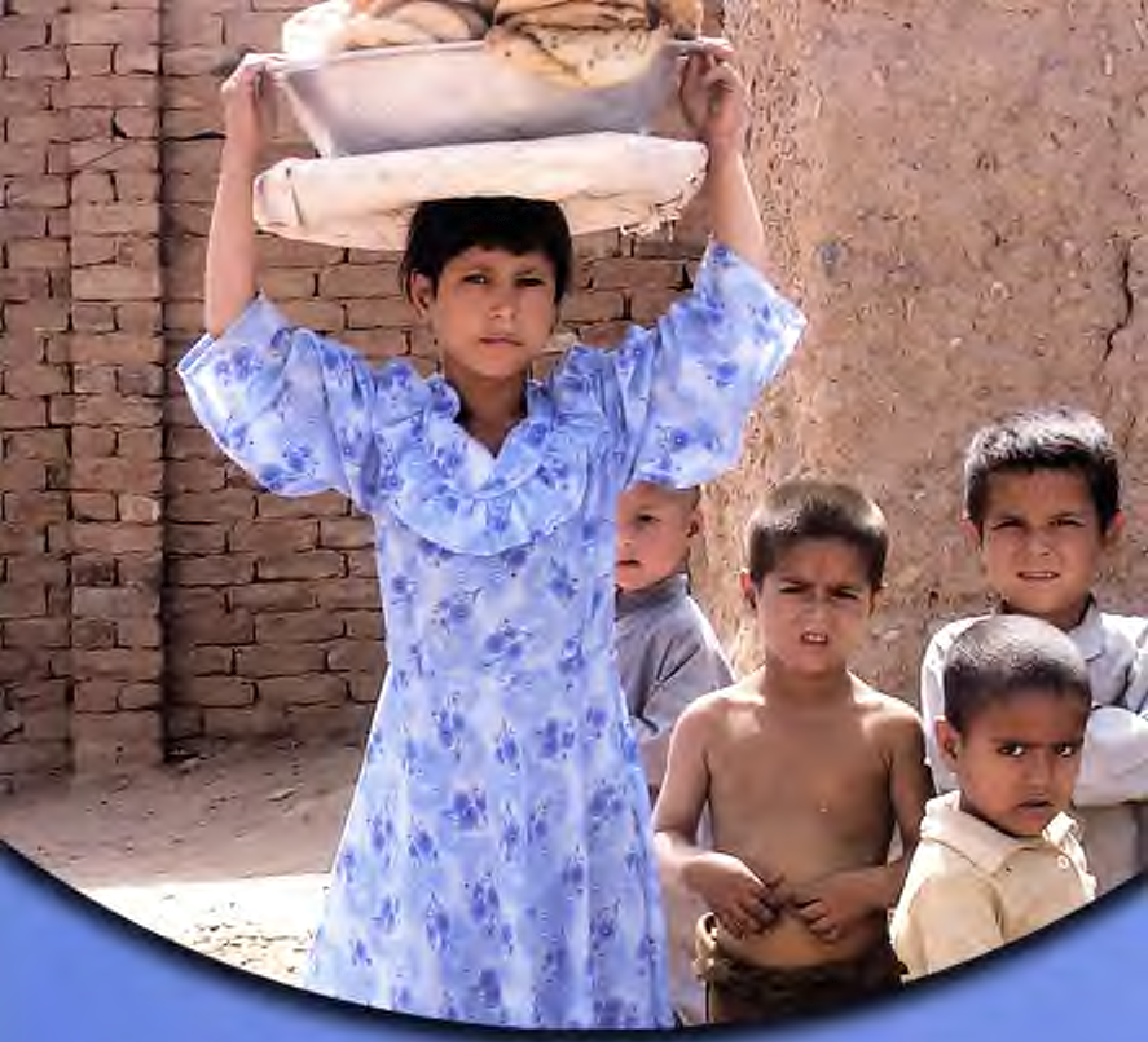
بانک جهانی ، ۲۰۰۴، ص. ۲

مناسبی میباشد. البته بیدون سهم گیری فعال زنان درتمام امورات زندگی ممکن نخواهد بود به چنین سطح پیشرفت درهرسال نایل گردید. البته باید گفت که در شرایط فعلی معلومات موثق درمورد نقش زنان درهربخش را نمیتوان بدست آورد، که علت آن عدم ذخیره معلومات و نیز بخاطریکه درافغانستان مانند سایر کشورها نقش و سهم زنان درساحه اقتصاد غیر قابل دید و فاقد قیمت گذاری میباشد. با آنهم بصورت عموم با استفاده از معلومات دست داشته میتوان گفت که زنان نقش کلیدی را درحال حاضر و درآینده بازی مینمایند.

راپور پیشنهاد میکند که تحت شرایط حاکم فعلی اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی در کشور ساحات عمده کار در عرصه کمک به مساوات در جنسیت، و رایج ساختن جنسیت در تصامیم گیری و برنامه های انکشافی موارد ذیل در نظر باید گرفته شود:

- ✓ تقویه قابل ملاحظه استخدام زنان دز سکتور های صحت و تعلیم و تربیه که تا ثیر مستقیم و مثبت بالای داخله ای دختران در مکاتب، دسترسی زنان به خدمات صحی، خدمات مبارزه علیه مرگ و میر مادران و بصورت عموم صحت اطفال و خانواده هاخواهد شد.
- ✓ تقویه رول زنان دز زراعت در عرصه ترویج و تریننگ، سهولت های کریدت، و فرصت های وسیع بازاریابی
- ✓ انکشاف فرصتهای خواستار مهارتهای مسلکی و بیدون مهارتها قابل قبول از دیدگاه اجتماعی برای زنان در سکتور شهری در چاره جویی به مشکل موجودیت فامیلهای زیادیکه سرپرستی آن بدوش زنان میباشد
- ✓ اصلاحات قانونی و حقوقی در قوانین مدنی و فامیلی که بی عدالتی جنسیت را در عرصه ازدواج، طلاق و میراث از بین ببرد
- ✓ جمع آوری معلومات تفکیک شده به اساس جنسیت در تمام سکتور تا که مصروفیت مردان و زنان را نشان بدهد و با توانمندی نظارت بر انکشافات بعدی و تا ثیر سرمایه گذاری را نشان بدهد.

هریک این اهداف نیازمند یک سلسله اقدامات میباشد، بشمول فراهم آوری یک چارچوب مناسب نهادها تا زمینه تریننگ زنان مساعد ساخته، تحکیم ماسبات بازار برای شان، دسترسی به قرضه ها و مواظبت از اطفال؛ فراهم سازی امتیازات بخاطر جلوگیری ازترک تحصیل توسط دختران ضروری پنداشته میشود. همچنان پایین آوردن سطح مرگ و میر مادران حامله از راه فراهم سازی امکانات صحی مناسب درمناطق دوردست(خصوصاً عرضه خدمات) میباشد.همچنان یک سلسله تلاشها و اقدامات باید درجهت بلند بردن سطح آگاهی و فراهم سازی خدمات صحی توسط زنان با درنظرداشت دستیابی آنان به این خدمات باید روی دست گرفته شود. جای تعجب نیست که با درنظرداشت وضعیت کنونی فقدان معلومات درداخل و درمورد افغانستان وتجارب محدود درمورد این نوع اقدامات، معین نمودن اندازه تاثیرات این اقدامات وتلاشهای فوق الذکر را بصورت دقیق ناممکن میسازد. ولی براساس تجارب ازسایر کشورها، ممکن است تا سطح بلند رفتن وضعیت اسایش و رفاه زنان، مردان و اطفال را تعین و مشخص نمود بلکه این اقدامات نتایج مثبت را دردورنمای یک کشور میتواند درقبال داشته باشد. درحالیکه اندازه پیشرفت و تغییرات را نمیتوان به آسانی بصورت دقیق معین نمود، با درنظر داشت اندازه کنونی اختلافات جندر باید موضوع فواید پالیسی قسمی اعیا رگردد تا به مسایل عمده که ازاولویت ها بشمار میرود رسیدگی صورت بگیرد.



فصل اول

مقدمه

مقدمه

درسال ۲۰۰۱، بعد از سقوط رژیم طالبان، افغانستان به مرحلهء نوین داخل شده وبه سهم نیم نفوس جامعه، یعنی زنان رسمیت داده شد . بعد از سالها شمولیت خیلی کم زنان در امر زنده گی و امور عامه درنتیجه توافقات بن، توجه خاصی به نقش زنان مبذول گشته وبرای این منظور یک ساختار متعهد و مسؤول حکومتی بنام وزارت امور زنان ایجاد شد . ستراتیژی وبرنامه اساسی برای پیشرفت زنان از لحاظ جنسیت طرح ومعین گردید .

انکشاف و پیشرفت به سوی برابری، از لحاظ جنسیت برای مایک مسئاله اساسی، بنیادی و هسته ئی پنداشته می شود. نخست از همه ما تدابیر واقداماتی را مد نظر می گیریم، تا برای زنان ودختران آن حقوقی که درنتیجه پالیسی ها وسیاست های درحاشیه قرار دادن ومنزوی نمودن در رژیم طالبان وتهدیداتی که به زنده گی شخصی آنها درزمان جنگ وتصادمات متوجه بود، رااعاده می نمائیم . برای حمایت و پشتیبانی آن، ما ضرورت خواهیم داشت تابرای زنان امکانات وفرصت های خاص آماده شود، که دوشا دوش مردان وجوانان درزنده گی و امور عامه سهیم گردند . مسایل قابل توجه شمولیت مجدد زنان درماموریت ها، کار وفرصت ها ی عایداتی، ارتقای دانش مسلکی آنها بوده، که درنتیجه منزوی نمودن ودرحاشیه قرار دادن آنها طی سالها مناسب به مقتضیات عصرنبوده، تقویت مهارت های منجمنت وآشنایی باتکنالوژی معاصر جای کار آنها می باشد. ازینجاست که ما باید برای تقویت ظرفیت های زنان ودختران برنامه ها وپروگرام های خاص را طرح کنیم .

بعد از دو دهه جنگ ، تخریب وبیجاشدن، تعدادی از مردم افغانستان به مشکلات و چالش های بی مانند و خطیری روبرواند که عبارت از اعمار مؤسسات وظرفیت هائی بوده تا راه را برای پیشرفت هموار سازد ، این وظایف در مارچ ۲۰۰۴ درسند استراتیژیک تحت نام "تحفظ اینده افغانستان" مستند گردیده است .تدویر موفقانه لویه جرگه قانون اساسی افغانستان در سپتمبر ۲۰۰۳ وبرگذاری انتخابات ریاست جمهوری در اکتوبر ۲۰۰۴ درین راستا بحیث سنگ های بنیادی واقدامات محوری پنداشته می شود .

علی ا لرغم برابری از لحاظ جنسیت دربرابر قانون، از سال ۱۹۶۴ چوکات حقوقی ایکه زنده گی زنان افغان را رهنمایی می کند، مخلوطی ازقوانین عنعنوی ، قانون اسلامی ، رسوم وعنعنات حاکم می باشد، که همه آن درمورد نقش های مرد وزن بیشتر از برابری تأکید می ورزند . درهمین چوکات وسیع درمورد موقف زنان ازلحاظ منطقوی تفاوت قابل ملاحظه وجود دارد وحتی بیشتر بین گروپ های جامعه در ساحات شهری ودهاتی ، تعلیم یافته وغیر تعلیم یافته مشاهده می شود.

اهداف و پروسه ارزیابی جنسیت درسطح کشور:

درحمایت و پشتیبانی از مساعی و پالیسی های دولت و بانک جهانی، ارزیابی جنسیت را درسطح کشور بخاطر تشخیص ساحات حاد وحساس، که در آن عملیات واقدامات بخاطر برابری جنسیت درامر تحکیم پیشرفت ورشد ، تقلیل غربت و رفاه عامه بشری مؤثریت دارد ، انجام داده است . سطح تبعیض از لحاظ جنسیت درافغانستان ابعاد گسترده داشته وگزارش حاضر بالای بعضی ازسکتورهای کلیدی ایکه خاصتاً برای اعمار کوتاه مدت وطویل المدت هردو حایز اهمیت بوده، تاکید می ورزد . اندازه وتفاوت هائی از لحاظ جنسیت درافغانستان درساحات صحت ، معارف ، درفرصت های اقتصادی وعرصه های قدرت وسیاست گسترده ترمی باشد. درحالیکه زنان ودختران مستقیماً ازین نابرابری ها متاثر ومتضرر گردیده و اثرات منفی آن درتمام جامعه محسوس است. ارزیابی جنسیت درسطح کشور این واقعیت را اشکارمی سازد که بهبود حالت زنان برای اعمار مجدد کشور ضروری بوده وسرمایه گذاری قابل ملاحظه درین عرصه منافع بزرگ رابه ارمغان خواهد آورد .

بحران سیاسی واجتماعی، امکان تحقیق و ریسرچ اندک را فراهم ساخته و جمع آوری ارقام دقیق که درگذشته، درسطح کشور طی چند دهه صورت گرفته و چند تحلیل تجربوی براه انداخته شده، باعث خلا درفهم ودانش درمورد جنسیت بوده وعاری از واقعیت هامی باشد . درنتیجه از روشی که درینجا ازآن کارگرفته می شود گزارشات از اوضاع ایکه حاوی مسایل اساسی نا برابری ها ازلحاظ جنسیت درسکتور های صحت ، معارف ، زراعت، استخدام وحقوق قانونی است، ترتیب وجمع اوری شود . هدف این ارزیابی تشخیص مسایل کلیدی درشرایط افغانستان درعرصه برابری جنسیت بوده وبالخاصه سهیم ساختن زنان درپروسه های انکشاف هم منحیث مستفید شونده گان وهم بمثابه همکاران فعال می باشد . بخاطر نیل به این هدف از روشی که جهت مستند ساختن رسیده گی غیر مساویانه و نابرابر به خدمات ، منابع وامکانات اقتصادی ، روشن ساختن مواقع آساسی وعمده ایکه در مسایل رسیدن به برابری قرار دارد، ازیکطرف واز طرف دیگر مستند نمودن سهم مهم زنان درامور منزل واقتصاد ملی که بطور وسیع از نظر دور انداخته شده و موانع ودشواری هایی که درعرصه توسعه نقش زنان و درعرصه اقتصادی وجود دارد ، می باشد . مستند ساختن این کمبود دربرابری برای زنان درسکتور های مختلفه درفصل موقف حقوقی زنان بطور دورنمای وسیع از لحاظ جنسیت درامور

منزل وخارج ازآن مطرح گردیده، که برمبنای آن عوامل اساسی وجذری که درقسمت نابرابری ازلحاظ جنسیت وجود دارند، بطور همه جانبه موقف خیلی نابرابر زنان را ازلحاظ حقوقی برجسته وتشخیص می کند، که درهمه عرصه های زنده گی درجامعه بطور کل فقدان صدای آنها رانشان میدهد .

منحیث یک جزء پروسه فورمولبندی نمودن ارزیابی جنسیت درسطح کشور درسپتمبر ۲۰۰۴ درکابل یک ورکشاپ تدویر یافت که در آن از تعداد وسیع نماینده گی ها و مؤسسات بین المللی وملی ایکه درسکتور های مختلفه فعالیت دارند وطی این گزارش از آن یاد آوری گردیده، دعوت بعمل آمده بود. هدف این بود تا درمورد از تجارب خوب و درسهایی که درزمینه اموخته شده و ازدست آوردهائی که مؤسسات ونماینده گی های مختلفه، درنتیجه قریب به بیش از دودهه کار شان درافغانستان که ندرتاً از محوطه و چوکات پروگرام های تخصصی شان خارج شده، مستفید شد . تقریباً دوی برسه شاملان آن افغانها بودند، که این امر انعکاس دهنده صلاحیت واهلیت محلی میباشد که طی این سالها بوجود آمده است .

انگیزه و مفهوم جنسیت

درافغانستان نقش زنان وموقف آنها درجامعه باسرنوشت ملی گره خورده است. زنان نه تنها سمبولها ونمونه های ناموس وعزت خانواده بوده، بلکه به مثابه ناموس وعزت وارمانهای ملی نیز هستند.بدینترتیب جنسیت یکی از مسایل سیاسی شده بود، که صد سال درافغانستان جریان داشت و اکثریت تلاشهای اصلاحات ورفورم های درست ونادرست توسط مخالفان غیر اسلامی بمثابه چالش دربرابر پاکی عقیده وخانواده خوانده شده است . مفکوره های عزت وحیا که نشان دهنده نورمهای فرهنگی وعملکردها بوده، بالای حیا وعفت زنان تاکید ورزیده ومردان را نفقه اوران ومحافظان خانواده میدانند . درسال ۱۹۲۹ حکومت شاه اصلاح طلب، امیر امان الله خان بزودترین فرصت بعد از آوردن اصلاحات، به شمول الغای رسم پرده (جدانمودن و پرده زنان) وپیشبرد سیستم مختلط تعلیم سقوط کرد و این امر بیش از ۳۰ سال دیگر را پیش از محمد داود خان صدراعظم آن دور در ۱۹۵۹ ایجاب کرد، تا زنان بطور رسمی تشویق شوند، که پرده را دور کنند واین نظر را درچالش بگیرند که پرده بطورکلی یک التزام مذهبی است .
دراواخر دهه ۱۹۷۰ رهبران رژیم کمونیستی (PDPA) ، که قدرت را در ۱۹۷۸ گرفتند، رفورم های جدید رابه شمول الغای ((مهر عروسی)) و تعلیم برای زنان بالغ را اعلان کردند که درنتیجه آن اپوزیسیون در برابر رژیم PDPA و اشغال شوروی تقویت شده ، بنام ((جهاد)) و بمثابه عمل جلوگیری کننده از انحراف درپاکی وارزشهای اسلامی توسط نیروهای کمونیستی پنداشته شد .

---

[1]کمیته نجات بین المللی، پاملرنه، کمیته سویدن برای افغانستان، انستیتوت آموزشی افغانستان، مدیکا موندیالی، گروه طبی بین المللی، اکسفام، امداد بین المللی، تیری هومس، کمیته انکشاف دهات بنگله دیش، انسجام برای کمک های بشری، میرسی کورپس، پرواز، صندوق مالی توسعه ملل متحد برای زنان، WAO، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، برنامه تعلیمی زنان افغان، شبکه زنان افغان، برنامه توسعه مهارت های زنان افغان، سازمان مهاجرت بین المللی، حزب آزادی افغانستان، اتحادیه سرتاسری زنان افغان، D.E.D.GTZ، انجمن ارشاد زنان و اطفال، عضویت بورد مشترک انتخابات، موسسه صلح سویس، اداره انکشافی ملل متحد/ وزارت احیأ و انکشاف دهات.

نقش نخستین مردان درین صورت بمثابه مدافعین عقیده (مجاهدین) محافظین ناموس وعزت ملت وخانواده بود . در دهه ۱۹۹۰ حقوق زنان در افغانستان بمثابه مساله قابل مناقشه باقی ماند . زمانی که رژیم حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) درسال ۱۹۹۲ سقوط کرد و یک ائتلاف احزاب مجاهدین درکابل مستقر شد ، فرامین صادر شد تا زنان حجاب، یعنی پوشاندن سر ، بازو ها وپا ها را رعایت کنند. قوماندانان محلی دردیگر شهر هاعین فرامین رادر دوران جنگ های داخلی محلی و در جریان منازعه و جنگ داخلی دهه ۸۰ و دهه ۹۰، بالخاصه بین سالهای ۱۹۹۲-۱۹۹۵ اعلام نمودند.

گروه های مسلح نورمهای عنعنوی ننگ ، ناموس وحیا رابه وسایل جنگ مبدل ساخته و به بدرفتاری جنسیتی وبی عفت ساختن زنان گروپ های مخالف پرداخته، درنتیجه ظرفیت های مردمی را درعرصه مقاومت نظامی تقلیل دادند.[۲] درعکس العمل بااین اندیشه ها درمورد امنیت ومصونیت، زنان باعث تحمیل موازین سخت تر توأم با سلوک عنعنوی غیر قابل پذیرش را که درنتیجه موازین محافظه کارانه مقدس بروز کرد، گردیدند. این انکشاف توسط رژیم طالبان، که مطابق نظر شان هرنوع نقش زنان را خارج از منزل رد مینمود ، متوقف گردیده ومنتج به پالیسی هایی شد که عزت ، پاکیزه گی وتقدس خانواده راتحت نام ودفاع از تفسیرات مذهبی مورد حمله قرار دادند.

تعریف نقش جنسیتی درجامعه افغانی وفرهنگ آن تا حدی مرکزی است که هرنوع تغییرات مورد نظر وپلان شده خواهان مشاورت هانه تنها با خانواده ها بوده، بلکه باهمه جامعه می باشد. مردان وزنان تا حد زیادی عین ارزشهای فرهنگی رابه شمول نقش مسایل جنسیتی بکار برده وتلاش می ورزند که آنرا بالای جوامع خود بقبولانند . سالهای جنگ تخریبی جوامع را در حالت اولی خود نگهداشته و به عدم اعتماد مقامات خارجی تقویت بخشیده و تابعیت آنها را به ارزش های محافظه کارانه بیشتر ساخت. ارتباطات با همی و وحدت اجتماعی مردم افغانستان که طی سال های بحرانی با مشکلات، الام و درد ها یکجا بوده و متوقع است علی الرغم نورم های سختگیرانه اجتماعی به آن توجه شود. از این لحاظ هر نوع تلاش برای تغییر و تحول مشاورت های قوی را بین جوامع و دهات متأثر شده، ایجاب میکند. امروز نفوس تخمین شده افغانستان در حدود ۲۴ میلیون، که عاید سالانه آنها قریب به ۳۱۵ دالر امریکایی (بشمول اقتصاد تریاک) بوده، که در سطح جهان پائین ترین رقم را نشان میدهد.

---

[۲] سازمان عفو بین المللی ۱۹۹۹

بکس شماره ۱: شرح وقایع به تربیب زمانی (کرونولوژی)

۱۸۸۰-۱۹۰۱	امیر عبدالرحمن خان تلاش ورزید تا ازدواج مردی با زن برادر متوفی خود ملغی قرار دهد، عمر ازدواج را بالا برده و برای زنان حق طلاق را مطابق شرایط خاص تضمین کند.
۱۹۰۱-۱۹۱۹	امیر حبیب الله خان مصارف عروسی را محدود ساخت. موصوف در سال ۱۹۱۹ بقتل رسید.
۱۹۱۹	جنگ سوم افغان و انگلیس که در نتیجه آن افغانستان استقلال کامل را بدست آورد.
۱۹۱۹-۱۹۲۹	امیر امان الله خان، اولین قانون اساسی و اصلاحات قانونی را بمیان آورد. سعی ورزید تا جامعه و فرهنگ را مدر نیزه کند. عمر ازدواج برای زنان را تا ۱۸ و برای مردان تا ۲۱ سال ارتقأ داده شد. تعداد زوجات را ممنوع قرار داد.
۱۹۲۹	شاه امان الله در نتیجه قیام قبایل علیه اصلاحات تبعید گردید. جنگ داخلی شعله ور شد.
۱۹۳۰-۱۹۳۳	نادر شاه، بالاثر حمایت قبایل و موسسات مذهبی بقدرت رسید. وی در سال ۱۹۳۳ بقتل رسید.
۱۹۳۳-۱۹۷۳	دوره زمامداری محمد ظاهر شاه
۱۹۴۹	در نتیجه اصلاحات در انتخابات پارلمان لیبرال بوجود آمد. قانون ازدواج تصویب شد. پرده اختیاری شد، زنان به پوهنتون، قوای بشری و حکومت راه یافتند.
۱۹۵۰	اقدامات علیه مخالفین و پایان تجربه لیبرال. سردار داؤد در سال ۱۹۵۳ بصفت صدراعظم توظیف شد. با اتحاد شوروی روابط ایجاد شد.
۱۹۶۳	داؤد وادار به استعفا شد، زیرا موصوف طرز دکتاتورانه حکومت داشت، با پاکستان روابط متشنج گردید. قانون اساسی و اولین انتخابات سرتاسری.
۱۹۶۳-۱۹۷۳	شاهی مشروطه و دموکراسی پارلمانی مستقر شد. این دوره بخاطری ناکام شد که قانون دقیقاً مورد اجرأ قرار نگرفت و به احزاب رسمیت داده نشد. گروپ های کمونیستی و اسلامی تشکیل گردید، که زیاد تر در محوطه پوهنتون با هم در تصادم بودند.
۱۹۷۱-۱۹۷۳	خشکسالی شدید که عمدتاً در صفحات مرکزی منتج به قحطی گردید. حکومت در حل و منجمنت این بحران غیر فعال و ناکام ماند.
۱۹۷۳	کودتای سردار محمد داؤد خان که از جانب گروپ کمونیستی پرچم حمایت شد. پالیسی اصلاحات اتخاذ و بالای حریفان سیاسی محدودیت و قیودات وضع شد.
۱۹۷۵	اقدام اغتشاش تحت نام اسلام ناکام شد. فشار علیه مخالفان اسلامیت مذهبی.
۱۹۷۷	قانون اساسی جدید. قانون مدنی و قانون جزا (مبتنی بر شریعت مگر بدون جزای حدود). زنان حقوق برابر را بدست آوردند تا قضیه های طلاق را بر پا کنند. محاکم خانواده گی تأسیس شد. علیه مخالفین کمونیستی تعقیبات و اعمال فشار آغاز شد.
۱۹۷۸	کودتای هفتم ثور. کودتای خونین علیه رئیس جمهور داؤد خان توسط گروپ های متحد شده کمونست خلق و پرچم(PDPA)نور محمد تره کی بحیث صدراعظم تعیین گردید. قانون اساسی سال ۱۹۷۷ ملغی قرار داده شد. فرمان شماره ۷ درباره حقوق برابر برای زنان، تعیین مهر و مصارف عروسی، منع عروسی های اجباری صادر گردید. فرمان شماره ۸ اصلاحات ارضی وسیع ولی با بنیاد های ضعیف اعلان و متعارف شد.
۱۹۷۹	اغتشاش و مقاومت سرتاسری مردمی که بطور وحشیانه سرکوب می شد. جنگ داخلی بین حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) و تره کی توسط حفیظ الله امین بقتل رسید و جای وی را گرفت. در دسمبر ۵۰،۰۰۰ نیرو های شوروی کشور را اشغال کرد. حفیظ الله امین کشته شد و ببرک کارمل بصفت رئیس جمهور گماشته شد.
۱۹۸۹	خروج قوای شوروی. مجاهدین کنترول قسمت اعظم اطراف کشور را بدست آوردند. تعداد زیاد مهاجرین در نتیجه جنگ ها و تخریبات به کشور های دیگر رفتند. در همان دهه نزدیک به ۶ ملیون رسید.
۱۹۹۲	رئیس جمهور نجیب الله موافقه کرد تا از قدرت کنار رود و ائتلاف مجاهدین کابل را به تصرف در آورد. جنگ های تنظیمی ذات البینی طی چند سال بعدی باعث تخریب کابل و کندهار شد. فرمان در مورد حجاب نافذ و محدودیت ها بالای گشت و گذار زنان در محلات عامه وضع گردید.
۱۹۹۴	ظهور طالبان
۱۹۹۶	طالبان کابل را اشغال و نجیب الله را بقتل رساندند. بالای ماموریت ها و وظایف زنان قیودات وضع و مکاتب دختران مسدود شد، برای زنان پرده کامل اجباری و برای مردان تراشیدن ریش منع اعلان گردید.
۱۹۹۸	طالبان مزار شریف آخرین شهر بزرگی را که از جانب ائتلاف شمال اداره میشد نیز به تصرف خود در آوردند.
۱۹۹۹	سازمان ملل علیه افغانستان قیودات اقتصادی وضع کرد. خشکسالی کشور را متأثر ساخت.
۲۰۰۱	سال سوم **خشکسالی**. رژیم طالبان سقوط می کند. توافقات بن امضأ شد. حامد کرزی بصفت رهبر اداره مؤقت تعیین می شود.
۲۰۰۴	قانون اساسی جدید توسط لویه جرگه تصویب شد.
۲۰۰۴	تدویر انتخابات ریاست جمهوری

علاوه بر آن شاخص های اجتماعی در سطح جهانی از بدترین شاخص هایی میباشد که دارای تباین و خلای زیاد از لحاظ جنسیت است.[۳] افغانستان دارای شاخص های بدتر در عرصه های صحت عامه، معارف و اقتصاد در سطح جهان می باشد. دو دهه جنگ داخلی نه تنها سبب سقوط خدمات تأسیساتی و بنیادی گردید، بلکه به زنده گی یومیه مردم اسیب رسانیده آنرا تخریب نموده و باعث تداوم سلب بیشتر حقوق زنان شده است. در اواخر سال ۲۰۰۱ خدمات دولتی بشمول حفظ الصحه عامه و معارف متوقف شد، که تاثیر خیلی منفی را بالای زنان و اطفال وارد ساخت. نظر به گزارش انکشاف ملی بشری (۲۰۰۴) افغانستان در فهرست شاخص های انکشاف بشری سازمان ملل متحد، از ۱۷۸ کشور مقام ۱۷۳ را در عرصه انکشاف از لحاظ جنسیت دارد، که تنها نایجریا و بورکینه فاسو از افغانستان در ردیف پائین قرار دارند. گرچه همزمان با انکشاف تدریجی مؤسسات دموکراتیک از سال ۲۰۰۲ در همه سطوح جامعه افغانی تزئید آگاهی مبین این واقعیت است که انکشاف اقتصادی و اجتماعی ضرورت به سهم همه منابع فعال و مستعد انسانی، از جمله زنان دارد.

پالیسی و چارچوب نهادها برای انکشاف وضع زنان

وزارت امور زنان MOWA طی موافقت نامه بن بوجود آمد و توسط حکومات مؤقت و انتقالی افغانستان مؤظف گردید، تا برای انجام مسؤلیت در زمینه ارتقای نقش زنان سعی کند. وزارت امور زنان که از سال ۱۹۲۸ تحت نام (انجمن تحفظ زنان) جهت ارتقای نقش زنان وجود داشت، به مثابه یک اداره‌ء شبه حکومتی این (انجمن) همزمان با ارزش های متحول رهبری سیاسی در افغانستان طی قرن بیست انکشاف نمود.

وزارت امور زنان مسؤولیت انسجام امور دولت را در زمینه پیشرفت زنان در همه عرصه های زنده گی اجتماعی بعهده دارد، تا تفاوت ها و تبعیضات از لحاظ جنسیت کاهش یافته و تدریجاً تساوی حقوق از لحاظ جنسیت فراهم شود. طبیعی است هدف این اقدامات هم آهنگی پالیسی از لحاظ جنسیت بین وزارت ها و ستراتیژی انکشافی است، ولی اولتر از همه بالای نیازمندی تفاهم و ظرفیت سازی در سطح حکومت جهت تحلیل از لحاظ جنسیت تأکید میورزد، تا بطور وسیع مالکیت و تعهدات در زمینه انکشاف کند. وظایف اساسی آن عبارت از پاسداری (Advocacy)، حمایت تخنیکی، هم آهنگی، نظارت و مونیتورنگ انکشاف است. این وزارت سعی میورزد، تا به سکتور ستراتیژی ها رسیده و در آگاهی دادن به مؤسسات ملی مؤثر بوده و از تطبیق پروژه ها حمایت کند. وزارت امور زنان مصمم است تا با وزارت های زیربط از طریق مراکز اساسی امور جنسیت (GFP) و اعزام

[۳] بانک جهانی، ۲۰۰۴. صفحه سوم

نماینده گان گروپ مشاورتی جندر (جنسیت) (AGG)[۴] به گروپ های مشاورتی پروگرام های ملی (CGs) که مسایل مربوط به پلانگذاری و ستراتیژی ها را هم آهنگ میسازد، ارتباطات ساختاری را به وجود اورد. چوکات ملی انکشاف (NDF) شمولیت زنان را در روند اساسی به مثابه مسئله عمده ستراتیژی، ارتقای نقش زنان میداند و از این لحاظ یکی از ترجیحات و اولویت های اساسی وزارت امور زنان عبارت از تعلیم و تربیه، صحت زایمان، رشد اقتصادی و رسیده گی حقوقی میباشد.

وزارت امور زنان یک پلان ستراتیژیک پنج فقره یی برای سال های ۱۳۸۳-۷ و بعدی را فورمولبندی نموده است. این پلان به کمیته ملی بودیجه ارائه گردیده است، که تحت عنوان پروگرام عامه سرمایه گذاری وزارت امور زنان در عرصه امور پاسداری (*Advocacy*) و حمایت از هم آهنگی در NDB می باشد.

وزارت امور زنان ارتباطات و علایق خود را با دونر ها، مؤسسات ملل متحد و مؤسسات غیر دولتی NGOs بطور وسیع و خصوصاً از طریق AGG بر قرار ساخته، تا بخاطر دفاع و حمایت از داعیه زنان پیرامون مسایل حاد را بدست آرد.
این اقدامات شامل برپا نمودن یک ((پلاتفورم عملیاتی)) عام برای لویه جرگه قانون اساسی و ظرفیت سازی کاندیدان، پیشنهادات عملی به کمیسیون انتخابات جهت شمولیت زنان در ثبت نام رای دهنده گان، حمایت از تعلیمات اساسی برای زنان در سطح ولایات میباشد.

جدول ۱: وزارت امور زنان - ۱۳۸۳ - ۷ اهداف ستراتیژیک برای پیشرفت زنان	
ظرفیت ها	چانس دوم، اموزش سریع شده برای زنان و جوانان[۵]
امکانات	ارتقای مهارت ها برای عواید پایدار و کاهش غربت، بالخاصه در دهات
مقتدر ساختن	پیشرفت زنان در ساختار های فیصله سازی و حکومتی
مصؤنیت	انکشاف تحفظ حقوقی و فزیکی برای زنان، بشمول جلوگیری از استثمار آنان
ظرفیت سازی	برای تحلیل های جنسیت، انکشاف پالیسی و بودیجه سازی در وزارت های کلیدی

[۴] گروپ مشورتی در باره جنسیت یکی از شش گروپ های عامه است (سایر سازمان حقوق بشر محیط زیست، امور بشری، نظارت و ارزیابی و مجادله با مواد مخدر) اعضای آنها به گروپ های برنامه مشورتی جهت هارائه نگرانی های مشخص و ضرورت های ایشان موظف گردیده اند. اعضای این گروپ ها توسط حکومت پیشنهاد گردید که تعداد آنها در حدود ۱۸-۱۵ نفر که از میان آن دونر ها و نماینده گی های ملل متحد که دلچسپی خویشرا در موضوعات عامه، جمع نماینده گان اختصاص جامعه مدنی اظهار داشته اند. AGG به یک گروپ بزرگ بی نظم که عامل باالقوه برای شریک نمودن اطلاعات را افزایش داده است، مبدل گردیده است آنها عامل باالقوه برای اتخاذ تصمیم در باره پالیسی و یا راهکار (ستراتیژی) مستقیم کاهش میدهد

[۵] با تمرکز توجه خاص در باره ۲۴-۱۵ سال گذشته، جهت عنوان نمودن اهداف هزاره انکشاف در باره تساوی جنسیت.

واضح است که این ظرفیت سازی برای آن است تا آنها مسؤلیت خود را در زمینه تحلیل جنسیت انجام دهند ولی این ظرفیت بخاطر انجام دادن این وظایف ضعیف بوده و نقش آن بحیث مدافع در مسایل اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی با مؤسسات ملی و دولتی که مسؤولیت خاص یک ارگان مشخص نمیباشد، تا هنوز روشن و واضح نیست.

موسسات غیر دولتی NGOs:

مؤسسات بین المللی و ملی هر دو تقریباً یک دهه در پروگرام های زنان سرمایه گذاری نموده اند و بسیاری آنها تجربه کافی را نیز بدست اورده و کارمندان ماهر اناث دارند که بطور غیر علنی با برقع ها همراه با محرمان خود طی سالهای محرومیت زنان از زنده گی عامه، کار کردند. همین زنان کتگوری جدید زنان کارکن را تشکیل میدهند که بسیاری آنها تجربه خوب و مهم کارمؤثر را در ساحات دهاتی دارند. مساعدت ها و حمایت آنها از امور صحی، معارف، پروسه های روستایی و عایداتی توسط تعداد کثیری از NGOs جدید که از طریق سرمایه گذاری قرضه های کوچک، انکشاف و رشد تجارت کوچک، تعلیمات حقوق بشر، مشاورت های حقوقی و سواد، مدافعت و تحفظ زنان و دختران تحت خطر، تقویت یافته است. ارگان هم اهنگی برای کمک و همکاری ACBAR شبکه وسیع مؤسسات غیر دولتی NGOs بین المللی و ملی یک گروپ حمایوی و پاسداری جنسیت را بمثابه یک NGO خود تأسیس کرده و یک یک نماینده زنان را از موسسات بین المللی و ملی، بصفت اعضأ در وزارت امور زنان MOWA و AGG نامزد نموده است.



فصل دوم

صحت

صحت

زنان افغانستان در دوران حاملگی وزایمان به خطر فوق العاده مرگ روبرو بوده ومرگ و میر مادران درین کشور درسطح جهانی رقم بالاتر رانشان میدهد . مراقبت قبل از زایمان ، امکانات تحفظ صحت مادران و پرسونل تربیت شده صحی عملاً دراکثری قسمت های کشور وجود ندارد که منتج به فیصدی زیاد مرگ و میر مادران واطفال قبل از وقت می شود . همزمان با این عدم رسیده گی به خدمات با کیفیت صحی ، سایر عوامل مانند فقدان غذای لازم ، سر پناه وآب صحی اشامیدنی ، ازدواج درسن پائین ، تعدد حمل وفقدان مراکز صحی و زایشگاه ها باعث صحت ضعیف زنان درافغانستان می شود[۶].

علل اساسی وعمده شاخصهای تنبیه کننده درافغانستان، عبارتند از فقر وجنگ های دو دهه که باعث متوقف شدن ترقی اقتصادی واجتماعی گردیده، عواید خانواده ها رابر هم زده ومعیوبیت هایی را در سطح بالا باعث شد. همچو اوضاع بالای مرگ ومیر زنان واطفال تاثیر خیلی منفی نمود، ولی درانزمان شواهد ومدارک درمورد تبعیض عمدی جنسیتی درسکتور صحت وجود نداشت ، استثنی تنها طالبان بودند که بالای مسئله سهولت ها وامکانات جداگانه طبی برای مردان وزنان تاکید داشتند که درنتیجه درعرصه خدمات صحی برای مردان وزنان تفاوت هایی رونما گردید . در حالیکه فکتور ها مانند غربت زیاد وفقدان سهولت های صحی و کارمندان آموزش دیده وروش حاکم فرهنگی درزمینه پرده داری و حجاب تاثیرات ناگوار بالای صحت زایمان زنان وارد ساخت . درین فصل بالای شرایط مادی ومحدودیت هایی صحبت می شود که صحت زنان را درصورت عدم رسیده گی به خدمات صحی

---

[۶] اطبا برای حقوق بشر، ۲۰۰۲

وهمچنان نورمهای حاکم اجتماعی - فرهنگی ایکه این محدودیت ها را بیشتر می سازد، تاکید می ورزد.[۷]

مرگ و میر طفل و مادر:

سروی هایی که درسال ۲۰۰۲ ازجانب UNICEF ومراکز صحی ایالات متحده امریکا برای کنترول وجلوگیری از امراض درچهار ولایات افغانستان صورت گرفته ( ) اندازه مرگ مادران، (MMR) را ۶۰۰،۱ درهر صد هزار تولد تخمین می کند . درین احصائیه تفاوت های زیاد از لحاظ ساحات جغرافیوی دیده می شود ، بطور مثال کابل دارای ۴۰۰ مرگ درهر صدهزار، درحالیکه بدخشان ۶.۵۰۰ درهر صدهزار بوده، که رقم درشت وبزرگ را درزمینه مرگ مادران درسطح جهانی نشان میدهد.[۸] درمقابل مرگ ومیر مادران درپاکستان ۵۰۰ ودر ایران ۷۶ نفر است[۹]. تناسب مرگ ومیر زنان که درنتیجه زایمان درکابل واقع می شود از ٪۱۶ درکابل جائی که درزمان سروی تنها یک شفاخانه وجود داشت و ٪۶۴ دربدخشان جائی که موجودیت ورسیده گی به امکانات صحی خیلی محدود است، بود . درحالیکه خطر زنده گی برای وفیات زنان زمان زایمان ۱ در۱۵ می باشد، مطالعه UNICEF/CDC همچنان نشان داد ، زمانیکه مادر طفل نوزاد می میرد، درانصورت در هرچهار طفل یکی برای روز اول چانس زنده ماندن را دارد.

ارقام موجود صحی نشان میدهد، درحالیکه وضع صحی درافغانستان برای اکثریت نفوس کشور خیلی رقت بار است، درینجا در واقعیت خرابی بیشتر درمقایسه با زمان قبل از جنگ وجود ندارد. علی الرغم آن تاثیرتخریبی جنگ وخشک سالی موجود بالای همه خدمات عامه درافغانستان، حالت قبل از جنگ، احصائیه های بدتری درزمینه دارد . وفیات و یا مرگ و میر پاینتر از۵ سال از ۳۶۰ درسال ۱۹۶۰ به ۲۶۰ در ۱۹۹۰و۲۵۷ در ۲۰۰۲ کاهش یافت . همچنان وفیات مادران از ۳۰۷۰ درهر صد هزار در ۱۹۷۸ تا رقم ۱۶۰۰ و طول عمر از ۳۸ سال در ۱۹۷۰ به ۴۳ سال امروز رسیده[۱۱]. به هر حال، از سال های ۱۹۷۰ بهبود دروضع، درنتیجه فراهم اوری خدمات پراگنده توسط NGOs طی سالهای جنگ ودرگیری وجود دارد . بیشتر از ٪۸۰ سهولت های صحی بشکل فعالیت های

---

[۷] منابع: مجتمع سروی متعدد شاخص مضاعف صندوق ملل متحد برای اطفال پوشش ملی دارد، اما جمعیت کوچی ها را احتوا نمیدارد. حتی بی باوری ها راجع به ارقام واقعی وجود دارد مانند شاخص نفوس که بر اساس میزان رشد مبتنی بر ارقام سروی که در سال ۱۹۷۹ به عمل آمده، تخمین گردیده است که نظر به مقاومت که در برابر حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان صورت گرفت بطور کامل نتیجه از آن حصول نگردید. سایر منبع مهم سروی ۲۰۰۰ MICs هستند که تنها شرق افغانستان را احتوا نموده است، و تفصیل بیشتر، اما مطالعات محدود منطقوی مانند مرگ ومیر در افغانستان (۲۰۰۲) چهار ولایت را احتوا میدارد، مرگ و میر در هرات (۲۰۰۲) و تندرستی زنان و حقوق بشر در افغانستان (۲۰۰۱). یک مطالعه نفوس در چهار منطقه جغرافیوی اعم بوسیله اطبا برای حقوق بشر و صندوق وجهی ملل متحد برای اطفال و سروی تغذی و تندرستی شورای انکشافی در ولایت بادغیس (۲۰۰۱)

[۸] مرگ و میر در افغانستان: بزرگی، عوامل یا موجبات فکتور های خطر و وقایه. سروی مناطق دهاتی و شهری را احتوا میدارد (کابل، لغمان، کندهار، و بدخشان)، معلومات جمع آوری شده در باره تخمیناً ۸۵.۰۰۰ زن

[۹] http://unicef.org/infobycountry/index.html

[۱۰] Wilma Doedens / WHO / RHR / ۲۱-۰۹-۰۱

[۱۱] بانک جهانی ۱۹۷۸ صفحه ۳۷، در هونته نقل قول گردیده است.

اداره غیر دولتی NGOs وجود دارد، ولی هنوز دور است که همه ساحات را احتواء کند ، عمدتاً این فعالیت ها متمرکز در ساحات شهری وساحات نزدیک به سرحد با پاکستان می باشد . نکته اساسی درزمینه شاخصهای اجتماعی وبالخاصه درشاخصهای اجتماعی برای زنان افغانستان درمسیر بهبودی دراماتیک، که طی چند دهه گذشته دربسیاری کشورهای روبه انکشاف حتی نهایت فقیر صورت گرفت شامل نه گردید . بدنیترتیب افغانستان از جهان دیگر خیلی ها عقب ماند و حال باید از یک بنیاد واساس نهایت پایین جهت بدست آوردن اهداف رشد و انکشاف هزار سالگی (MDGs) پیش رفت .

جدول ۲ : شاخصهای صحت تولدات

شاخص	سال	ارقام
اندازهء وفیات یا مرگ و میر قبل از ۵ سالگی	۱۹۶۰	۳۶۰
	۱۹۹۰	۲۶۰
	۲۰۰۲	۲۵۷
	۲۰۰۳	۱۷۲
اندازهء مجموعی وفیات یا مرگ و میر	۱۹۶۰	۷.۷
	۱۹۹۰	۷.۱
	۲۰۰۲	۶.۸
	۲۰۰۳	۶.۳
اندازه مرگ عادی	۱۹۷۰	۲۶
	۲۰۰۲	۲۲
اندازه تولدات عادی و طبیعی	۱۹۷۰	۵۱
	۲۰۰۲	۴۸
اندازهء زنده گی متوقع حین تولد	۱۹۷۰	۳۸
	۲۰۰۲	۴۳
	۲۰۰۴	۴۴.۵ ×
وفیات مادران	۱۹۸۵ -۲۰۰۳	۱۶۰۰

منبع : www.unicef.org/infobycountry/afghanistan_statistics.html – www.unfpa.org/emergencies/afghanistan/factsheet.html

× National Human Development Report,۲۰۰۴

یک مطالعه ولایت هرات نمایانگر آن است که رقم نهایت بلند مرگ ومیرزنان حین حمل و تولدات را میتوان بطور وسیع جلوگیری کرد. این نتیجه مستقیم ازدواج های درسن خیلی کم وجوان دختران (نظر به ارقام UNIFEM ٪۵ برای دخترانیکه پاینتر از سنین ۱۸ سالگی عروسی می شوند)،[۱۲] صحت وتغذیه ضعیف ، تولدات مکرر و متعدد و عدم رسیده گی به خدمات ولادی ونسائی.[۱۳] مادران کم سن و کم خون بارشد کم استخوان های سرین با خطر زیاد تولدات ناسالم وعواقب ناگوار آن برای مادر و طفل روبرو هستند وآنها ممکن حمل را ادامه داده نتوانند ومعمولاً حین زایمان با ضیاع خون مواجه می شوند. سایر مطالعات همچنان واضح ساخته که ۴۰ درصد وفیات و مرگ و میر اطفال درنتیجه عوامل قابل جلوگیری و وقایه از قبیل اسهالات وامراض شدید جهاز تنفسی می باشد.[۱۴] اینجا ارقام ملی برای عمر متوسط برای دختران وجود ندارد، مگر درحین مطالعه دریافتیم که ۱۵ سال (از ۵ الی ۳۹) خواهد بود . مطالعات پوهنتون Tufts که با ارقام ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA) استوار است، معلومات می دهد که ٪۱۶ دختران پاینتر از عمر ۱۵ سالگی عروسی می شوند ، درحالیکه ٪۵۲ زمانی عروسی می شوند که به عمر ۱۸ سالگی ویا بیشتر از آن میرسند.[۱۵]

علت عمده وفیات ومرگ و میر مادران عبارت از جریان خون ، ضیاع خون(٪۲۴) و زایمان با بندش(٪۳۲)[۱۶] می باشد. با این رقم میتوان موجودیت زیاد کم خونی رانیز یکجا کرد (MICS ۲۰۰۲ برای مناطق جنوبی و شرقی افغانستان ٪۹۱-٪۵۵ راثبت کرده است).[۱۷] بیشتر از ٪۹۰ زنان درخانه زایمان می کنند وبیشترین این تولدات بدون حضوریابی وکمک افراد تربیه شده صحی می باشند . حتی اگر کدام کلنیک ابتدایی تحفظ صحی موجود هم باشد ، ٪۷۰ آن قابلیت وصلاحیت فراهم ساختن خدمات بنیادی برای مادر و طفل را ندارند در حالیکه ٪۹۰ شفاخانه ها تجهیزات لازمی را برای اجرای C-sections ندارند . علاوتاً بطور وسیع دربرابر زنان ممانعت هایی وجود دارد، تا از جانب کارکنان صحی مرد تداوی شوند ، بالخاصه دربخش مسایل ولادی ونسائی . بدینترتیب واقعیت این است که طی سال ۲۰۰۲ درحدود ٪۴۰ مراکز صحی اساسی کارکنان مراقبت صحی نداشتند ،تنها ٪۲۴ محض

[۱۲] www.unifem.org: نقش رهبری زنان در بازسازی افغانستان

[۱۳] دوکتوران برای حقوق بشر ۲۰۰۲ صفحه ۵، یک سروی بر بنیاد نفوس از ۴.۴۸۶ زن از ۳۴ شهر و شهر های دهاتی و قریجات در هفت ولسوالی از ۱۳ ولسوالی هرات

[۱۴] اداره ریسرچ و ارزیابی افغانستان (AREU) صفحه ۴۸ یاداشت ۶۲.

[۱۵] مرکز قحطی بین المللی فنیستین، ۲۰۰۴ پاورقی ۱۵۳

[۱۶] یونسف/ شورای انکشافی؛ ۲۰۰۳

[۱۷] سروی خوشه ای شاخص های مضاعف (MICs)، که در سال ۲۰۰۰ در شرق افغانستان انجام شده است.

یک دوکتور زن ، ٪۲۱ حداقل یک نرس و ٪۲۰ تنها یک قابله داشتند[۱۸] و با آن ارام بودند. جای که کارکنان صحی اناث حضور دارند، استفاده از امکانات ووسایل مراقبت صحی بطور دراماتیک ازدیا د می یابد، طوریکه در کلنیک حمایت شده از جانب MSF در بهارک ولایت بدخشان دو مرد و دو زن بحیث دوکتوران کارمی کردند.[۱۹] چنین کلنیک دراشکاشم و دشت برچی نشان دهنده مراجعین زیاد اناث بودند.[۲۰]

حتی درموجودیت کارمندان صحی اناث ، زنان حامله نمی توانند توجه لازم طبی را داشته باشند . دراشکاشم گزارش گردیده است که دربسیاری حالات مشکل حین زایمان از خویشاوندان وملاها کمک خواسته شده که آنها برای مریض تعویذات وآیات قران پاک آماده نموده بودند.[۲۱] درعین حال مطالعه درهرات نشان داد که زنان به تسهیلات وامکانات کمتر دسترسی داشتند ، سایر عوامل وفکتور ها نیز در مرگ ومیر حین ولادت ها نقش داشته است که عبارتند از: ۱) زنان وخانواده شان علامات خطر را در صورت امکان حالات وقوع مرگ دردوران حاملگی وزایمان درک نمی کنند و بدینترتیب از پیچیده گی های ممکنه جلوگیری کرده نمی توانند. ۲) زنان اکثر اوقات نمی توانند برای خدمات مراقبت صحی پول بپردازند، حتی زمانی که خطر را نیز احساس می کنند. ۳) فقدان امکانات ترانسپورتی برای زنان مریض اینرا ناممکن می سازد تابه کلنیک صحی به وقت معین برسند (۳Ibid.p.) از آنجائیکه زنان معمولاً باید با افراد مرد خانواده خود درزمینه طلب مساعدت های مراقبت طبی مشوره کنند وبه هرحال به کمک آنها جهت سفر به کلنیک صحی ضرورت دارند ، نداشتن دانش وسایل صحی ولادی ومراقبت صحی مانند عدم آگاهی خود زنان یک مشکل ومانع درزمینه پنداشته می شود .

گرچه تلاشها ومساعی کتله ای که از ۲۰۰۲ باینطرف صورت می گیرد، نتایج خود را نشان میدهد . اولین مطالعه همه جانبه درمورد زنان واطفالی که ازجانب دفتر احصائیه مرکزی افغانستان و یونسیف درسال ۲۰۰۳ صورت گرفته، اشکار ساخته که مرگ ومیر تخمینی زمان ولادت از ۱۶۵ به ۱۱۵ در هر ۱۰۰۰ تولد ومرگ قبل از ۵ سالگی از ۲۵۷ به ۱۷۲ درهرهزار تولدات پائین آمده.[۲۲] علاوتاً فراهم اوری بسته های اساسی خدمات صحی (BPHS) به ۶۰ فیصد نفوس توسعه یافته، ٪۹۵ اطفال علیه سرخکان وفالج واکسین

---

[۱۸] یونسف/ شورای انکشافی/ وزارت صحت عامه افغان، ۲۰۰۲، اداره ریسرچ و ارزیابی، ۲۰۰۳، صفحه ۴۸، یاداشت ۶۲.

[۱۹] دفتر ارزیابی ستراتیژیک، ۲۰۰۱. صفحه ۳۶ طرح نمونوی از ۴۵ قریه

[۲۰] ریلی، B et al ، ۲۰۰۴

[۲۱] اداره ارزیابی ستراتیژیک، ۲۰۰۱. صفحه ۴۰-۳۶

[۲۲] یونسف، ۲۰۰۴، سروی بر بنیاد مصاحبه های انفرادی با ۲۰.۸۰۰ خانواده در ۳۲ ولایت سراسر کشور صورت گرفته است.

چوکات شماره ۲ . آموزشدهی به قابله ها

ازسال ۱۹۹۹ International Medical Corps (IMC) درحدود هزار پرسونل ولادی و کارکنان اساسی صحی (مرد وزن) را درمناطق روستایی ولایات پکتیا ، پکتیکا ، بامیان ، ننگرهار ، کندهار وکابل تربیه نموده است. با درنظر داشت محدودیتهای زیاد درحصه اداره وتنظیم پیچیده گی های ولادی، مؤسسات ونمایندگی هانیز سیستم ارجاع نمودن رابوجود آورده اند.

در مناطق شهری، دایه و قابله ها خانوادگی بطور موفقانه برای زنان نادار زمینه رسیده گی به کارکنان ماهر ولادی و مراقبت نوزادان فراهم میسازد. **Terre Des Hommes** از سال ۱۹۹۵ در ولسوالی های فقیر کابل از سال ۱۹۹۵ فعال بوده و در این اواخر به کندهار نیز توسعه یافته است. دایه و قابله ها از جانب جوامع شهری و دهاتی خود شان انتخاب میشوند و آنها مراجعین و مریضان را بر اساس ((تک تک به دروازه)) تشخیص میدهند. در حالیکه گزارشات ارزیابی نشان دهنده تقلیل در وفیات ولادی طی این مدت گردیده، ارتباطات نزدیک با جوامع به Terre Des Hommes امکان داد تا به مسایل خیلی حساس از قبیل خشونت های خانواده گی و بد رفتاری با اطفال نیز رسیدگی کنند. وظایف این مؤسسه از جانب وزارت امور زنان، شبکه ملی محافظت زنان که شامل مؤسسات و نماینده گی های تخصصی از قبیل Medica Mondiale (رای مشاورت های روانی و حمایت حقوقی) و ریاست امور حقوقی وزارت امور زنان (خشونت از لحاظ جنسیت و بدرفتاری با اطفال) حمایت و پیشتبانی میشود.

گردیده اند . اکنون در ٪۶۰ مراکز صحی کارکنان صحی اناث موجود اند . گرچه این شاخصهای خیلی مثبت بوده، ولی راه طویل هنوز باقی است[۲۳].

تفاوت های جنسیت در وفیات

بر اساس راپور انکشاف بشری ملی ۲۰۰۴ که تازه طبع شده است، طول عمر متوسط متوقع زایمان در افغانستان ۴۴.۵ سال بوده، که در سطح جهانی کمترین رقم را در مقابله با نایجریا، بورکینه فاسو و گینی بیسا، تشکیل میدهد. تنها سیرالیون نسبت به افغانستان در سطح پائین تر قرار دارد. در کشور های همسایه، پاکستان و ایران اوسط عمر ۶۰.۸ و ۷۰.۱ است. گرچه زنان از لحاظ بیولوژیکی در تداوم عمر امتیاز دارند، ولی این بقا و تداوم عمر در سطح منطقه نیز خیلی پائین بوده و تنها نیپال نسبت به افغانستان در این مورد در سطح پائین میباشد. تناسب از لحاظ جنسیت در کشور های جنوب آسیا (به استثنای سریلانکا)، نشان دهنده شاخص حالت ضعیف صحی را نسبت به مردان نشان میدهد. در افغانستان نیز در حدود ۹۴ زن در برابر ۱۰۰۰ مرد میباشد- مگر تناسب نفوس از لحاظ جنسیت، مانند بنگله دیش و هندوستان میباشد. بدین ترتیب افغانستان ازلحاظ مرگ و میر در سطح منطقه در تفاوت های جنسیتی در حالت نسبتاً بهتر قرار دارد. گرچه ارقام احصائیوی از بادغیس در مورد اندازه های وفیات مرگ و میر از لحاظ عمر نشان دهنده ان است که در افغانستان در مرحله زایمان بطور مشخص جدیت دارد و از انجائیکه زنان تقریباً سه برابر

---

۲۳ افغانستان - پیشرفت ولایات. سروی خوشه ای شاخص های مضاعف ۲۰۰۳. اداره مرکزی احصائیه و یونسف، می ۲۰۰۴. سروی بر بنیاد مصاحبه ها انفرادی با ۲۰.۸۰۰ خانواده در ۳۲ ولایت سراسر کشور بعمل آمده است

بیشتر در خطر مرگ بین سنین ۱۵-۴۹ قرار دارند:

جدول ۳: رقم وفیات از لحاظ سن و جنسیت در بادغیس(۲۰۰۱)			
گروپ سن (سال ها)	مردان	زنان	هر دو جنسیت
۰- ۵	۲.۸۶	۲.۲۳	2.51
۵ -۱۴	۰.۲۰	۰.۱۵	۰.۱۸
۵ -۴۹	۰.۱۸	۰.۴۷	۰.۳۲
۵۰ +	۰.۷۶	۰.۶۹	۰.۷۳
تمام سنین	۰.۶۹	۰.۷۴	۰.۷۲

× تعداد وفیات در هر ۱۰۰۰۰ در روز :

منبع : یونیسف و CDC سروی تغذیه و صحت در ولایت بادغیس ۲۰۰۱

اینجا معلومات کم در مورد تفاوت جنسیتی بین اهالی در زمینه تغذیه و رسیده گی به مراقبت صحی وجود دارد، مگر دیده میشود که تغذیه با شیر مادر برای دختران پیشتر از پسران متوقف میشود: تغذیه طفل از طریق سینه مادر در عمر ۱۵-۱۲ ماهگی برای ٪6.7 پسران بوده ولی، این رقم برای دختران ٪۱۱ میباشد.۲۴

باروری و پلانگذاری خانواده

در افغانستان، والدین نوزادان علاقه مندی زیاد برای بچه دارند نه برای دختر، که چنین حالت در همه کشور های همسایه وجود دارد. در سال ۱۹۷۰ پیش از انکه جنگ آغاز شود، تناسب ۲ با ۱ پسر گزارش میشد[25] و زنان قراء بیشتر خواهان اطفال (بچه ها و دختران) نسبت به زنان شهری بودند. در تعدادی از کشور های آسیای شرقی و جنوبی باعث سقط جنین از لحاظ جنسیت بطور دراماتیک تعداد زنان را کاهش میدهد. خوشبختانه در مورد افغانستان چنین شواهد وجود ندارد، زیرا در افغانستان تا هنوز تکنالوژی تشخیص جنسیت قبل از تولد در دسترس نیست و جایکه تعداد زیاد حمل گزارش شده که قسماً درنتیجه ازدواج ها در سنین طبی بوده و این واقعیت را انعکاس میدهد که تعداد زیاد اطفال (بچه ها و دختران) منحیث رحم وکرم پنداشته میشوند. داشتن اطفال زیاد بمثابه شبکه مصؤنیت اجتماعی در یک کشوری که در آن جا سیستم طب و صحی و جود ندارد، در جامعه که درآنجا اختلافات از طریق تجاوزات و قدرت با داشتن حمایت اولاد حل میگردد، محسوب می شود. اطفال منحیث سمبول حیثیت زنان اهمیت دارند، از انجائیکه حیثیت زنان در خانواده نظر به تعداد اطفال بهتر شده و بالخاصه درنتیجه پسران که از

[24] حرکت آنسوی دو دهه جنگ: پیشرفت ولایات. سروی خوشه ای شاخص های مضاعف ۲۰۰۳، افغانستان، یونسف/ اداره مرکزی احصائیه. ۲۰۰۳

[25] هونته ۱۹۷۸، صفحه ۲۰

ایشان متولد گردیده اند[۲۶]، و ناکامی در حمل اساس و دلیل کافی برای مرد بوده تا تفاضای طلاق کند. سروی حاضر بین زنان پشتون نشان داده که تعداد قابل خواهش اطفال در حدود ۷-۱۰ بوده، در حالیکه ملاحظات اقتصادی و حالت ناگوار صحی مادران علل و دلایل عمومی برای مردان و زنان بوده، تا حمل های خود را محدود سازند.[۲۷] اندازه حمل های کنونی ثبت شده ۶.۸ بوده، در حالیکه کاهش را نسبت به اندازه قبل از جنگ که در سال ۱۹۶۰ در حدود ۷.۷ گزارش شده بود، نشان میدهد. در این زمینه میتوان محاسبات و اندازه های زیاد (تولدات زیاد) را در کمپ های مهاجرین علاوه کرد، که در آنجا طبق گزارش دوپری (Dupree) تعداد حمل در حدود ۱۳.۶ میباشد.[۲۸] معلوم نیست که در قبال این ارقام تا کدام سرحد سروی کلی و قابل اعتماد وجود دارد، ولی از ازدیاد در اندازه های حمل در جریان سال های جنگ در بسیاری فرهنگ ها غیر معمول است.

اندازه زیاد حمل باعث ازدیاد سالانه رشد نفوس گردیده که مطابق یک منبع در حدود ۳.۸٪ سالانه رشد را در سالهای ۱۹۹۲-۲۰۰۲ نشان میدهد.[۲۹] در نتیجه چنین رشد نفوس مشکلات را در سطح انفرادی در خانواده بنا بر دشواری ها برای صحت مادر ببار آورده و از جانب دیگر بالای اقتصاد و رفاه خانواده تاثیر منفی میگذارد. سروی NRVA اشکار می سازد که اندازه خانواده ارتباط مستقیم به مصارف فی نفر داشته و غربت همچنان با معارف، سواد و صحت موازی می باشد.[۳۰] در سطح ملی رشد سریع نفوس اندازه رسیدن منافع به مردم را (به مفهوم اوسط عاید سرانه) در هر بخش و اندازه رشد اقتصادی کاهش میدهد.

رهنمای خانواده افغانستان در سالهای ۱۹۷۰ زمانی که ریاست رهنمای خانواده در کابل با توسعه شعبات آن در ۲۰ ولایت، که یک سال بعد صورت گرفت، مروج گردید.زنان بطور مشخص این واقعیت را درک کردند که بسیاری تولدات اطفال و نبودن مراکز صحی تولدات بالای صحت آنها تاثیر زیاد دارد، در حالیکه عکس العمل مردان به مسئله رهنمائی خانواده بطور قابل ملاحظه سرد بود. اندازه استعمال وسایل جلوگیری از حمل طبق UNEPA طی سالهای ۷۳-۱۹۷۲ دو در صد گزارش گردیده است.
در سالهای ۱۹۸۰ به مسئله کنترول حمل توجه کم صورت گرفته و ریاست رهنمای خانواده بعد از حکومت مجاهدین در سال ۱۹۹۲

---

[۲۶] آذربایجان - موغدم. ۲۰۰۲ صفحه ۲۵

[۲۷] گروپ کاری افغانستان، ۲۰۰۱. سروی تحت پرسش مراجعه به مطالعه رهنمای خانواده در دو منطقه شرقی و جنوب شرقی، کمیته سویدن برای افغانستان ۱۹۹۹، سروی تندرستی زایمان و ابن سینا و P هونته، ۱۹۸۵

[۲۸] Dupree, N.H, ۸۹۹۱

[۲۹] www.who.int/country/afg

[۳۰] بانک جهانی، ۲۰۰۴: ۱۵

بسته شد[۳۱]. درین زمینه گزارش کم از استعمال وسایل ضد حمل صورت گرفته (جدول ۴). که این قابل تعجب نبوده و نمایانگر عدم آگاهی و عدم رسیده گی به میتود های جلوگیری از حمل می باشد.

در حالیکه گسترش وسایل ضد حمل در افغانستان، تنها ۱/۵ گسترش آن در پاکستان و ۱/۱۱ برابر گسترش این وسایل در بنگله دیش می باشد، سروی های کنونی نشان داده که زنان در افغانستان و شوهران آنها مایل اند تا اندازه خانواده شان را محدود کنند. جائی که زنان خواهان محدود ساختن حمل بوده، رسیده گی به وسایل ضد حمل شاخص مهم و تعیین کننده می باشد. تخمینات گسترش و سایل ضد حمل به اندازه زیاد نظر به مناطق مختلف است و مانند سایر کشور ها تفاوت های منطقوی زیاد داشت، با ۲٪ گسترش وسایل ضد حمل در منطقه جنوب شرقی در مقایسه با ۸.۴٪ در منطقه شرقی توسط MICS در سال ۲۰۰۰ گزارش گردیده بود.

جدول ۴: گسترش وسایل جلوگیری از حمل در جنوب آسیا و کشور های معین اسلامی

	استعمال وسایل جلوگیری از حمل بین زنان عروسی شده از ۱۵-۴۹ سال، تمام میتود ها (٪)	استعمال وسایل جلوگیری از حمل بین زنان عروسی شده از ۱۵-۴۹ سال، میتود های معاصر (٪)
افغانستان	۵	۴
بنگله دیش	۵۴	۴۳
هندوستان	۴۸	۴۳
اندونیزیا	۶۰	۵۷
ایران	۷۴	۵۶
مالیزیا	۵۵	۳۰
نیپال	۳۹	۳۵
پاکستان	۲۸	۲۰
سریلانکا		
ارقام پیشتر از ۱۹۹۷	۶۶	۴۴

منبع: *PRB* ۲۰۰۲ *World Population Data Sheet*

۳۱ گروپ کاری افغانستان، ۲۰۰۱

در حالیکه ارقام در مورد فیصله تولدات در افغانستان در فقدان است، شواهد موجود نشان میدهد که زنان بطور علنی امکان کم در زمینه اظهار نمودن در مورد تعداد داشتن اطفال را دارند،[۳۲] در واقعیت نیازمندی آنها در زمینه وسایل ضد حمل کمتر پاسخ گفته شده. سروی پوهنتون Tufts در سال ۲۰۰۳ دلچسپی زنان را در زمینه کنترول تولدات در ولایات بادغیس، هرات، کابل، کندهار و ننگرهار نشان داد و چندین زن اظهار کردند که شوهران شان از وسایل ضد حمل حمایت می کنند.[۳۳] حتی سروی که از جانب Terre des Hommes ۳۰ زن در ۱۲ ساحات کابل صورت گرفت، نشان داد که ٪۹۸ زنان دلچسپی شان را در مورد رسیدن به وسایل ضد حمل اظهار کردند و ٪۹۶ تاکید ورزیدند که شوهران شان با میتود های پلانگذاری خانواده گی موافقت دارند.[۳۴]

دانش در مورد پلانگذاری خانواده و استفاده از آن بین ساحات دهاتی و شهری طبق ارقام MICS، ۲۰۰۳، ٪۲۱ زنان در شهر ها و تنها ٪۶ زنان دهات که پاینتر از ۵۰ سال عمر دارند از وسایل ضد حمل کار می گیرند.[۳۵] ارقام موجود نماینگر آن بوده که آگاهی و استفاده از میتود های ضد حمل نسب به سایر مناطق خیلی بیشتر در قسمت های غربی کشور است. بدینترتیب زنان درولایت هرات زیاد تر خواهان استفاده از وسایل ضد حمل نسبت به زنان در کابل می باشند و حتی ولایات خیلی فقیر و با خدمات کم مانند فراه و نیمروز شاخص بهتر و بالاتر از رقم اوسط در سطح ملی در زمینه استفاده از میتودهای ضد حمل دارند. حتی یکی از ولایاتی که در مسایل جنسیت خیلی حساس است یعنی در کندهار در مورد آگاهی و استفاده از وسایل ضد حمل پیش است. علت شاید این باشد که بسیاری افغانهای ساحات غربی در ایران مهاجر بودند و در آنجا با پلانگذاری خانواده گی آشنایی حاصل کردند. (و این نماینگر ان است که در ولایت بامیان در صفحات مرکزی افغانستان آگاهی عمومی در مورد وسایل ضد حمل بالا بوده، زیرا بسیاری شیعه ها از ساحات مرکزی در ایران مهاجر بودند).

---

[۳۲] ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی، ۲۰۰۳

[۳۳] مرکز قحطی بین المللی فنیستین، ۸۷-۲۰۰۴ :۸۶

[۳۴] سروی تیری دیس هومس راجع به رهنمای خانواده در شهر کابل، کنفرانس مطبوعاتی ۲۵ آپریل، ۲۰۰۲

[۳۵] حرکت نمودن به آنسوی دو دهه جنگ: پیشرفت ولایات. سروی خوشه ای شاخص مضاعف، ۲۰۰۳، افغانستان. یونسف/ اداره مرکزی احصائیه. اداره انتقالی افغانستان. ۲۰۰۳

چوکات شماره ۳: مد ل های در مورد پلانگذاری خانواده - ایران و بنگله دیش

مقایسه ایران با افغانستان در زمینه حمل و پلانگذاری خانواده گی خیلی دلچسپ می باشد. بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ان کشور، پلانگذاری خانواده نبود و نظر مسلط این بود که اسلام مردم را به پلانگذاری خانواده گی تشویق نمی کند. بعد از آغاز جنگ ایران و عراق مقامات سیاسی و مذهبی برای داشتن اطفال زیاد تبلیغ می کردند تا ملت از طریق ازدیاد نفوس قوی و مستحکم شود. در نتیجه درسال ۱۹۸۸ رشد نفوس در کشور سالانه ٪۳.۹ باقی ماند که با رشد نفوس کنونی افغانستان قابل مقایسه می باشد. این باعث نگرانی شدید میان پالیسی سازان گردید، زیرا آنها درک کردند که همچو ازدیاد نفوس از ظرفیت های موجود دولت فراتر رفته و حکومت نخواهد توانست تا برای مردم غذا، معارف، خانه و کار فراهم سازد. بناً پالیسی ها بطور شدید تغییر یافته و راه را برای پروگرام های پلانگذاری خانواده گی طوری مساعد ساخت که قبلا نظیر ان دیده نه شده بود. رشد سالانه نفوس ایران طی یک دهه ٪۱.۴۷ تقلیل یافته واین در نتیجه تعهد قوی سیاسی با پشتیبانی رهبران مذهبی، یکجا سازی پلانگذاری با مراقبت صحی ابتدایی و تعلیمات همه جانبه در سطح مکاتب و جامعه برای مرد و زن امکان پذیرفت. موازی بااین انکشاف سطح سواد خیلی زیاد ارتقأ یافت. در مقابله با ٪۲۵ سواد بین زنان در ۱۹۷۰ امروز ٪۷۰ سطح سواد بین اناث می باشد.[۳۶]

بنگله دیش همچنان نتایج مهم در زمینه کنترول رشد نفوس دارد و طی ۲۰ سال اخیر اندازه حمل ها از ۶.۴ به ۳.۳ توسط هر زن رسیده است. علاوتا استفاده از وسایل ضد حمل توسط زنان کمتر از سن ۵۰ سالگی از ٪۳ به ٪۵۴ ارتقا یافته است. این نتایج در نتیجه اعمار کلنیک های پلانگذاری و طب یا صحت خانواده گی در تمام کشور بوده، بیشتر از ۳۵۰۰۰ کارکنان اناث مشاورت هایی در زمینه پلانگذاری خانواده مستقیماً به هر فامیل میرسانند و از کمپاین وسایل ارتباط جمعی استفاده می کنند، تا در مورد پلانگذاری خانواده آگاهی را بوجود آورد. شرط و اساس برای این دست اورد ها قبل از هر چیز تعهد قوی سیاسی بود.[۳۷]

فقر، جنگ و جنسیت: تاثیرات دیگری بالای صحت

درسکتور صحت ، تصویری درزمینه مردم دهات، که کمتر از خدمات صحی مستفید، میشوند روشن است . در۱۹۷۷-۱۹۷۶ درتمام افغانستان ۱۷۶ نفر نرس - قابله های تربیت شده با تصدیق های حکومتی موجود بودند ، ازجمله این تعداد تنها ۱۵۰ آن درولایت کابل بودند.[۳۸] امروز تناسب مراکز اساسی صحی یک مرکز برای نفوس قریب به ۴۰.۰۰۰ نفر درصفحات مرکزی و شرقی بوده وتخمین یک مرکز برای ۲۰۰.۰۰۰ نفوس درجنوب می باشد. ۱۹ ولسوالی بصورت کل سهولت های صحی ندارد.[۳۹] در٪۳۸ ولسوالی ها درسرتاسر کشور اکثریت مردم (بیشتر از٪۵۰) به مراقبت ابتدایی صحی رسیده گی ندارند . نزدیک به بیشتر از نیم

[۳۶] Peterson, S.۸۹۹۱ Larson.J, ؛ ۲۰۰۴

[۳۷] www.EngenderHealth.org/itf/bangladesh

[۳۸] هونته، ۱۹۷۸، صفحه ۱۷

[۳۹] والدمن و حنیف، ۲۰۰۲

پاسخ دهنده گان درسروی پوهنتون Tuft درولایات بادغیس ، هرات ، کابل ، کندهار وننگرهار که توانستند برای رسیدن به بعضی از مراکز نوع مراقبت صحی بطور اوسط سه ساعت سفر کنند. بدینترتیب مریضان مایل اند تا آن حد انتظار کنند که مشکلات صحی شان قبل از سفر به مراکز طبی تشدید وحاد تر شود.[۴۰]

توزیع ناهموار سهولت های صحی از لحاظ جغرافیایی حتی درنتیجه تقسیم غیر برابر کارکنان اناث صحی هنوز وضع راناگوار ساخته است . درسال ۲۰۰۲ درولایت بلخ درهر ۵۸۹۸۸ نفر نفوس یک نرس زنانه بود، درحالیکه درولایت غور برای ۴۷۰۵۰۰ نفر نفوس یک نرس وجود داشت . درولایت وردک برای ۵۹۰۰۰ نفوس یک نرس قابله بود ودرهلمند ۴۷۵۱۰۰ نفر یک نفر قابله داشتند . درنیمروز وخوست حتی یک مرکز اساسی صحی برای مراقبت تولدات وزایمان با داشتن دوکتوران زن ، معاون دوکتور ، نرس وقابله وجود نداشت.[۴۱]

بیشتر از نصف شفاخانه ها درافغانستان درکابل موقعیت دارد وتنها برای یک بر پنجم نفوس تمام کشور خدمت می کند . نظر به ارقام WHO تقریباً ۲۷۰۰ از ۳۹۰۰ دوکتوران و ۶۰۰ از جمله ۹۹۰ نرس قابله ها تنها درکابل مصروف خدمت اند، درحالیکه بقیه حصص و مناطق کشور توسط باقیمانده چند کارکنان حرفوی صحی پوشانیده می شود.[۴۲] در واقعیت درین اواخر تخمین گردید که تنها به کمتر از ۸٪ تولدات درسطح کشور[۴۳] از جانب کارکنان تربیه شده صحی رسیده گی شده است. درحالیکه درکابل برای ۱۰۰۰ نفر نفوس یک دوکتور ، درولایت بامیان برای هر ۱۰۰۰۰۰ نفر یک دوکتور موجود می باشد.[۴۴] درزمینه تسهیلات صحی دردهات درحالات بسیار خوب یک تن کارمند صحی وجود دارد ، که آن هم دارای آموزش خیلی کم طبی بوده که ده ها سال قبل انرا دریافت نموده است . تعداد دوکتوران جمع ۷۰۰۰ محصلان طب میتواند تابه تعداد کارکنان صحی دهاتی درسطح کشور افزونی بخشد ، که درنتیجه هرم صحت ابتدایی به سر ایستاد خواهد شد، و بالای مراقبت صحی معالجوی توجه معطوف خواهد شد، درحالیکه افکار مردم درمورد صحت عامه خیلی کم رشد کرده است.[۴۵]

---

[۴۰] مرکز بین المللی قحطی فنیستین، ۲۰۰۴، صفحه ۷۸-۷۴

[۴۱] یونسف و شورای انکشافی، ۲۰۰۲

[۴۲] سازمان صحی جهان در افغانستان، ۲۰۰۱ (انتشار یافته)

[۴۳] گزارش ارزیابی ضرورت ها اداره انکشافی ملل متحد V. مصؤنیت اجتماعی، صحت و تعلیمات: صحت: www.undp.org . به تاریخ ۱۴ فبروری، دستیاب گردیده است.

[۴۴] وزارت صحت عامه، سازمان صحی جهانی، ۲۰۰۱

[۴۵] والدمن و حنیف، اداره ارزیابی و تحقیق افغانستان (AREU، ۲۰۰۲، پاورقی ۱۲)

تداوم غربت ، جنگ ونورمهای جنسیت تاثیرات منفی دیگر بالای صحت زنان ومردان دارد. پالیسی های شدید ضد زنان رژیم طالبان از اواسط ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ وسالهای جنگ خطرات امراض روانی زنان را بیشتر ساخته است.[۴۶] بطور مثال مطالعه وفیات مادران درهرات[۴۷] اشکار ساخت که تعداد زیاد زنان افغان از خفقان ودیپرشن وسایر پرابلم های صحی مربوط به صدمات Trauma ویا هم مصیبت ها ی ناشی از تلفات جانی در زنده گی شان رنج می برند. شواهدی که دردست Medica Mondiale یک مؤسسه المانی بین المللی، که جهت حمایت زنان درحالت جنگ و اوضاع بحرانی کارمی کند گزارش می دهد که یکی ازشفاخانه های ولایت هرات ۱۶۰ واقعه تلاشهای خودکشی را بین دختران وزنان در سنین ۱۲ الی ۵۰ ثبت کرده است. واین واقعیت توسط کارکنان کمک دهنده بطور وسیع درک شده که این مشکل کم تخمین گردیده، زیرا از مناطق شهری گذارشات واقعی داده نشده است.۴۸

فقدان وقلت تغذیه که از عدم تحفظ غذایی منشاء می گیرد ومسایل مربوط به صحت ازلحاظ مسلک ، مسایلی قابل ملاحظه دیگری می باشد. , MICS۲۰۰۲[۴۹] گذارش داده که ٪۱۴ اطفال بطور جدید باکم وزنی روبرواند و ٪۲۵ آنها بطور حاد دچارمی باشند ، گرچه ارقام از لحاظ جنسیت بطور جداگانه وجود ندارد.,UNICEF ۲۰۰۲ و CDC ارزیابی تغذیه اطفال را دربادغیس ازجمله ۵۰۷ خانواده انجام داده است ، که درآنجا سوء تغذی مزمن برای ٪۶۲ پسران و ٪۵۴ دختران گذارش گردیده است. درحالیکه گسترش سوء تغذی حاد برای هردو ٪۶-۷ بود.[۵۰] بالاخره مشکلات مربوط به شغل وکار زنان رابطور مختلف متآثر می سازند بطور مثال: دخترانی که درکارگاه قالین بافی درجوانی عمر کارمی کنند، با پرابلم های اعصاب و چشم بالاثر تمرکز خیلی زیاد (فکری وجسمی) دچار می شوند. سایر شواهد درمورد تاثیرات جنگ وغربت بالای صحت، کم بدست آمده واین یک ساحه قابل توجه برای تحقیق بعدی می باشد.

برنامه های ابتکاری توسط NGOs:

NGOs راه ارایه خدمات موثر صحی درحالات مختلف افغانستان نشان داده است با انکه دریک سطح ومعیار کوچک بوده است، از طرق وروشهای مختلف کارگرفته شده، تا زنان دهات درزمینه صحت زایمان معلومات وخدمات دریافت کنند، ز کلنیک های سیار وموبایل توسط موسسات مانند رفاه بین المللی (Relief International (RIکارگرفته شد، که درپنج ولسوالی ولایت

---

[۴۶] سر مقاله توسط پاول بولتن و T.S.Betancourt: صحت روانی بعد از جنگ در افغانستان، بحث در باره ادامه مطالعات جدیدB.L.Cardozo et al: صحت روانی، مصؤنیت اجتماعی، وظایف اجتماعی، و معلولیت در افغانستان بعد از جنگ و et al Willim.F.Schote، نشانه های صحت روانی دوام جنگ و سرکوبی در مناطق شرقی افغانستان JAMAکنفرانس مطبوعاتی ۱۳ آگست.

[۴۷] مرگ و میر در ولایت هرات ضرورت به تحفظ حقوق زنان، دوکتوران برای حقوق بشر ۲۰۰۲:۷..

[۴۸] اسفندیاری. ۲۰۰۴

[۴۹] سروی شاخص مضاعف توسط یونسف انجام یافته است، و CIET.International

[۵۰] سروی تغذی و تندرستی در ولایت بادغیس افغانستان. فبروری-مارچ ۲۰۰۱، یونسف و مرکز برای کنترول و جلوگیری امراض (CDC)

چوکات شماره ۴ : مردان بمثابه شریکان درعرضه خدمات صحی

درافغانستان شاید بیشتر از دیگر فرهنگ ها این خیلی اهمیت دارد، تا مردان بمثابه شریکان کلیدی درخدمات تولدات وزایمان دخیل شوند . دربعضی از پروگرام ها ، صحت وقایوی وحفظ الصحوی ، خطرات موسمی مانند ملاریا و معلومات بنیادی صحت زایمان به مردان وزنان دهات از طریق اعضای هردو کمیته ها OXFAM وکمیته سویدن برای افغانستان (که درزمان رژیم طالبان اغاز گردید وهمه کلنیک های ان یکجا شد) انتقال شد. درسطح دهات کارکنان صحی ویا هم کارکنان عنعنوی صحی برای زایمان توسط خود مردم دهات انتخاب شدند . درارتباط با یک کلنیک این مردان وزنان توسط کارکنان حرفوی کلنیک معمولاً طی پروگرام های یکماهه تحت تربیه وآموزش قرار گرفتند و به دهات خود برگشتند، تامعلومات جدید خودرا با اهالی قریه شریک سازند . برای اینکه با کارمندان اناث درولایات بدخشان ، بامیان کمک صورت گیرد OXFAM از پالیسی استخدام زوج ویاهم فراهم ساختن بود وباش ومصارف اساسی برای محرم کار گرفت - تجربه ایکه ازجانب بسیاری موسسات بطور موفقانه (مانند DACAAR) بطورمورد استفاده قرار گرفت تا تعلیمات صحی را در زمان رژیم طالبان عرضه کنند . برای کار درسطح قریه مشاورت ها با ملا ها و ریش سفیدان نقش مؤثر نه تنها در زمینه پذیرش محتویات پروگرم داشت، بلکه درحصه اجازه دادن به زنان قریه توسط مردان نیز کمک کرد.

ننگرهار با سفر از مرکز ان جلال اباد خدمت می کند . انستیتوت اموزشی افغانستان(AIL) سه ولسوالی ولایت کابل را از واحد مستقر درمیربچه کوت تحت پوشش قرارمیدهد . هردو مؤسسه مراقبت مستقیم را با طرق وقایوی یکجا ساخته که از جانب افراد حرفوی غیر طبی تطبیق مینماید، تا ازین طریق برای زنان امکانات فراهم کنند. طی پنج سال گذشته AIL درحدود ۱۰۰۰۰ مربیون اناث راتربیه کرده تادر قراء ودهات خودبه زنان آموزش صحی بدهند . ارتباطات آنها را با وزارت معارف یکجا ساخته (بمثابه به فراهم کننده تعلیمات) کلنیک های موبایل همچنان سیمینار های مسلکی صحی را درمکاتب برای کلان سالان واطفال پیش می برند . رفاه بین المللی (RI) ساحه فعالیت های خود را درزمینه تعلیمات صحی وقایوی ازطریق معلمان سواد حیاتی وهمچنان کارکنان صحی قراء توسعه میدهد و کلنیک های سیارخود را در ان ولسوالی ها متمرکز می سازد، جایکه زنان درپروگرام های غیر رسمی تعلیمی اشتراک می ورزند .

تاثیرات پالیسی

شاخصهای صحی در افغانستان به تناسب جهانی درسطح خیلی پایین وناگوار قرار دارد ، خصوصاً زمانی که درمورد صحت طفل وصحت زایمان مادران صحبت می شود . اندازه وفیات قبل از ۵ سالگی از ۲۵۷ نوزاد ۱۶۵ بوده ومرگ تخمینی مادران دروقت زایمان ۱۶ (درهر۱۰۰ زایمان) ، اندازه سوء تغذیه مزمن (حالات متوسط وحاد یا خرابی وضع) نزدیک به ٪۵۰ بوده و سطح بالای معیوبیت از پولیو و فلج[51] دماغی (مرگی) وجنگ (ماین های زمینی) ارقامی است که وضع تآسف اور را نشان میدهد .

[51] بیماری فلج عامل عمده برای معیوبیت است. اما مساعی جهت ریشه کن کردن پولیو در طی دو سال گذشته موفقیت های زیادی در زمینه به مشاهده رسیده است.

سروی های کنونی واضح ساخت که نزدیک به نصف مرگ ومیر بین زنان سنین قابل زایمان درنتیجه حمل ها وزایش طفل صورت می گیرد - و اضافه از ۳/۴ این وفیات قابل جلوگیری ووقایه می باشد . بین اطفال ، اسهالات و انتانات جهاز تنفسی وامراض قابل وقایه توسط واکسین از ٪۶۰ وفیات جلوگیری می کند، وبین کلان سالان توبرکلوز باعث نزدیک به ۱۵۰۰۰ وفیات سالانه می شود ، که در حدود ٪۷۰ از واقعات کشف شده ازمیان زنان بود . عمر متوسط متوقع درحدود ۴۳ سال تخمین گردیده است.

عوامل وفکتور هاییکه باعث این وضع می گردد و از جمله عوامل عرضه خدمات قرار اتی است:

- ✓ عدم دسترسی به سهولت های صحی - تنها ٪۴۰ اهالی درساحات تحت پوشش خدمات صحی زنده گی دارند وتنها در ٪۹ خانواده های دهاتی سروی شده سال ۲۰۰۳ دارای سهولت های صحی درقریه گزارش گردیده است.[۵۲]
- ✓ نبود کارکنان صحی اناث درمراکز سهولت های صحی بالخاصه مناطق دهاتی
- ✓ تفاوت زیاد موجودیت سهولت ها وامکانات صحی درقراء وشهرها
- ✓ فقدان سرکها و وسایل ترانسپورت ومصؤنیت، تحرکات ورسیده گی ها را کاهش می دهد.
- ✓ سیستم صحت عامه ، به شمول موجودیت کارکنان صحی در دهات خیلی کم نسبت به مراقبت ومعالجه درسیستم صحت ابتدایی انکشاف دارد
- ✓ نداشتن اب صحی اشامیدنی وتسهیلات حفظ الصحوی
- ✓ نداشتن وعدم رسیده گی به معلومات پلانگذاری خانواده گی ومیتودهای جلوگیری از حمل.

فکتور ها وعوامل اجتماعی که بطور منفی بالای صحت زنان تاثیرمی نماید و عدم قابلیت انها تابه مراقبت مناسب صحی رسیده گی کنند عبارتند از

- ✓ عمر کم برای ازدواج که باعث تولدات بیشتر وخیلی زود می گردد
- ✓ غربت و فقر
- ✓ ممانعت ها وعدم اجازه دادن به زنان تا از کارکنان صحی مرد کمک طبی دریافت نمایند
- ✓ نداشتن آگاهی میان مردان وزنان درزمینه مراقبت صحی مادران حامله
- ✓ آگاهی ناکافی درزمینه حفظ الصحه وتغذیه
- ✓ نداشتن اگاهی درزمینه پلانگذاری خانواده

[۵۲] بانک جهانی، ۲۰۰۴، صفحه ۱۰۵



فصل سوم

تعلیم و تربیه

تعلیم و تربیه

دولت افغانستان بطور واضح تعهد خود را بخاطر تعلیم وتربیه دختران اعلام داشته است:

> شواهد حاکی از آنست که سرمایه گذاری درمعارف با تلاش ومساعی خاص جهت شمولیت دختران یگانه سرمایه گذاری خیلی با اهمیت درانکشاف هر کشور می باشد . دخترانی که به مکتب میروند زمانی که بزرگ می گردند کشور خود را تغییر می دهند . آنها تمایل دارند تا دیر تر عروسی کنند وکم طفل داشته باشند وانها زیاد تر با صحت می باشند . آنها درزمینه ازدیاد عواید خانواده کمک می کنند ودرنتیجه انها بالای رسیده گی اطفال خودشان به معارف ومراقبت صحی پافشاری می کنند.[۵۳]

درسال ۲۰۰۱ اندازه عمومی سواد کلان سالان درافغانستان تخمین ٪۳۶ بود ، درحالیکه برای زنان کلان سال این رقم ٪۲۱ بود.[۵۴] سروی شاخصهای کثرتی خوشه ای ۲۰۰۳ تفاوت زیاد بین شهر و قریه را برای هردو جنسیت اشکار ساخت.[۵۵] این ارقام گواه بران است که شاخصهای معارف افغانستان درسطح جهان خیلی بدتر است واینکه دختران درقراء و قصبات بطور خاص محروم بوده که

---

۵۳ تحفظ آینده افغانستان، ۲۰۰۴:۱۳

۵۴ نرخ سواد آموزی کالان سالان ارتباط به گروپ سنین ۱۵ فوق دارد. گزارش ارزیابی کشوری EFA، ارقام در باره آموزش که نه تنها معدود و نا مکمل است، تاکید میدارد؛ بلکه موثوقیت ارقام قابل دسترس نیز خیلی ها سوال بر انگیز است در نتیجه به منظور ارائه بهتر ارقام بدینترتیب به چنین گرایش در رابطه به وضعیت تعلیم و تربیه در افغانستان اشاره میشود.

۵۵مطابق سروی خوشه ای چندین جانبه ارقام به سطح کشور (۲۰۰۳)، میزان بی سوادی به سطح کشور (عمر فرد بالاتر از ۱۵ ساله) ٪۵۶.۸ برای مردان و ٪۸۵.۹ برای زنان تخمین گردیده است. اما با در نظر داشت تفاوت های بزرگ شهری و دهاتی برای هر دو جنس (٪۴۰ بوده، که ٪۶۳.۹ برای مردان و ٪۷۱.۹ در مقابل ٪۹۱.۹ برای زنان محاسبه شده است).

چنین وضع طی ده ها سال ادامه داشت.۵۶

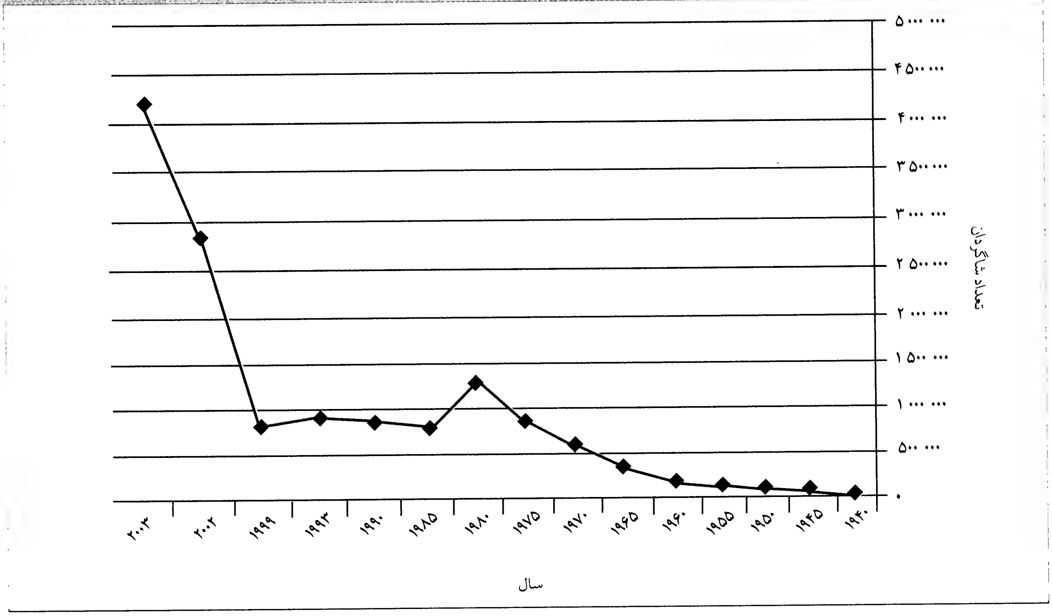
این فصل اجمال جریانات را در شاخصهای کلیدی معارف در افغانستان خلاصه می کند و همچنان محدودیت های اساسی را در زمینه برای دختران بطور اخص برجسته می سازد. در حالیکه افزایش قابل ملاحظه در زمینه شمولیت دختران به مکاتب بعد از سقوط حاکمیت طالبان صورت گرفته است، نزدیک به نصف اطفال سنین مکتب تا هنوز شامل مکتب نه شده اند. علاوتاً تفاوت های زیاد منطقوی، شهری و دهاتی در زمینه وجود دارد شماری از عوامل عرضه کننده که اطفال و بطور خاص دختران را در زمینه رسیده گی به مکاتب متأثر می سازد، عبارتند از نبودن تسهیلات و امکانات مکتب بطور مشخص مکاتب ابتدائیه و لیسه های دخترانه، فقدان معلمان اناث و عدم مصؤنیت. عوامل اجتماعی- فرهنگی همچنان تشخیص شده که بالای پروسه شمولیت و تداوم مکتب تاثیر دارد مانند غربت، هدف گیری مکاتب دختران توسط مخالفان دولت کنونی، و اندیشه های فرهنگی خرافاتی در مورد اینکه معارف ((غیر ضروری)) و یا ((زیان اور)) برای دختران است. در افغانستان ممانعت های منطقوی و اتنیکی قابل ملاحظه وجود دارد که نه تنها به معنی محدودیت ها بوده بلکه از لحاظ امکانات نیز قابل درک می باشد. بطور مثال در بعضی از مناطق تحرک زنان زیادتر نسبت به دیگر محلات می باشد. گرچه این دشوار است تا ممانعت های فرهنگی را از تحرک و مصؤنیت جدا ساخت. به هر اندازه که محدودیت های زیاد بالای تحرک زنان و اجازه رفتن دختران به مکتب مربوط به وضع ضعیف امنیتی می باشد، که ممکن در نتیجه ثبات سیاسی بهبود خواهد یافت؟ تا هر اندازه که تقاضا از طریق نبودن عرضه خدمات معلمان اناث محدود تر می شود به تعقیب ارتباط به مصؤنیت و تفاوت های نورم فرهنگی پیدا می کند؟

بعد از سقوط طالبان افغانستان در تاریخ خود شاهد اندازه زیاد شمولیت در مکاتب بود که بیشتر از ۴.۳ میلیون طفل در مکاتب ابتدایی و لیسه ها در سال ۲۰۰۳ که یک ثلث ان را دختران تشکیل میداد. در گروپ سنین ۷-۱۲ سال ٪۶۷ پسران و ٪۴۰.۵ دختران

---

۵۶ منابع : منبع مواد با احتوا نمودن وسیعتر معارف برای همه (EFA) ۲۰۰، گزارش ارزیابی کشوری که در هر دهه تدوین میگردد، گرفته شده است. گزارش ۲۰۰۰ بر اساس ارقام مکاتب برای نیمه اول دهه EFA انتشار یافته است. هکذا، ارقام مکاتب در سال ۱۹۹۹ از جانب ۲۵ نماینده گی های امداد موسسات غیر حکومتی بین المللی که از تعلیمات اساسی حمایت مینمایند در ۲۲ ولایت منجمله ۲۹ ولایت جمع آوری گردیده است. بعد از دوران منازعه احصائیه های تعلیمی در هونته ۱۹۷۸ میسر بوده است. گزارش EC عکس العمل سریع میکانیزم ارزیابی هیئت (تعلیم و تربیه) که بوسیله Lahr و مغدم آذربایجانی (۲۰۰۲) همچنان در سطح ملی در محدوده و جمع ارقام بعد از ۲۰۰۱ مبتنی بر مشوره و بازدید ترتیب، میباشد. سروی تعلیمات دختران (.Altai Consulting Dec۲۰۰۳(مبتنی بر ۳۰۰ مصاحبه های عمیق در ۶ ساحات جغرافیوی (شهر و دهات کابل، هرات، بامیان، خوست و کندز)، میباشد. مرکز بین المللی قحطی فنیستین. پوهنتون توفتس، سروی های را در ارتباط به مصؤنیت انسانی و معیشت روستائی افغان ها ۲۰۰۵-۲۰۰۲ که توسط (دفتر خطر ملی و ارزیابی آسیب پذیری ملی)، بکار برده میشود و همراه با تحقیق مقدماتی که توسط این پوهنتون در ولایات بادغیس، بلخ، هرات، کابل، قندهار، و ننگرهار بعمل آمده، انجام داده است.

شکل ۱: رشد شمولیت شاگردان: صنوف ۱-۱۲ (۲۰۰۳-۱۹۴۰)



منبع: بانک جهانی، ۲۰۰۴ب، ضمیه تخنیکی، صفحه ۵

شمولیت در مکاتب را تشکیل میداد[57] چنین سطح بلند شمولیت دختران بطور مشخص یک دست اورد پنداشته می شود. همچنان تعداد مکاتب از ۳۸۰۰ در سال ۲۰۰۲ به ۷۱۴۳ در حال حاضر رسید.[58] بانک انکشاف اسیا ADB گزارش میدهد که تقاضا برای تعلیمات دختران خیلی زیاد بوده و مکاتبی که برای دوره های غیر رسمی زمستانی در سرتاسر کشور بعد از سقوط طالبان افتتاح شد در سال ۲۰۰۳ از حد زیاد پر گردید، حتی درمناطق عنعنوی پشتون نشین مانند گرشک در ولایت هلمند ۵۰۰ دختر به روز اول حاضر شدند. در پوهنتون کابل، بیشتر از ۱۸۰۰۰ محصل در سال ۲۰۰۲ در کانکور اشتراک ورزیدند. بدینترتیب تقاضا برای معارف خیلی بالا بوده ولی محدودیت های جدی در زمینه نیز وجود دارد. جهش شمولیت و داخله کمیتی بیشتر برای نصف اطفال دارای سنین مکتب و ٪۴۰ دختران وجود دارد. علاوه بران این ارقام تفاوت های دراماتیک و خیلی زیاد را از لحاظ منطقوی شهر و ده با کمتر از ٪۱۵ دختران در تمام تعداد داخله در نه ولایات شرق و جنوب پنهان می سازد. نظر به سروی UNO/ESSP که در سال ۱۹۹۳ انجام شده ٪۷۰ تمام شاگردان مکاتب ابتدایه از مناطق دهاتی بودند که انهم تفاوت های زیاد از لحاظ منطقه و ولایت داشت.

---

[57] اداره مرکزی احصائیه و یونسف، ۲۰۰۴

[58] ریاست پلان، وزارت معارف، ۲۰۰۳ (اشاره به برگه گزارش) پیشرفت در باره تعلیمات اجباری، (صنوف ۹-۱)، ۲۰۰۴

بین ٪۷۰ شاگردان شامل مکاتب در ساحات دهاتی ٪۶۵ پسران و تنها ٪۵ دختران بودند، د رحالیکه از جمله ٪۳۰ شاملان مکتب در ساحات شهری ارقام نشاندهنده ٪۲۳ برای پسران و ٪۷ برای دختران بود[59] در اینجا هم تفاوت قابل ملاحظه و عدم تعادل منطقوی مشهود بود- در ۱۹۹۰ ٪۳۶ تمام سهولت ها و امکانات مکاتب ابتدایه در مناطق شمال وجود داشت که به ٪۲۷ نفوس خدمت میکرد. در سال ۱۹۹۹ وضع نسبتا در تعادل امد، مناطق جنوبی که کمتر خدمات بدست می اورد سهم خود را از ٪۱۱ به ٪۲۶ مکاتب ازدیاد بخشید، در حالیکه غرب همچنان از ین لحاظ عقب ماند.

در چوکات منطقوی جنوب اسیا، افغانستان در معارف خیلی زیاد عقب و در حاشیه باقی مانده است. در حالیکه سالهای اوسط در مکتب برای دختران ۲.۵ سال در پاکستان ۱.۸ سال در بنگله دیش ودر افغانستان کمتر از یک سال می باشد. تفاوت های مشابه بین افغانستان و تمام منطقه از لحاظ سالهای اوسط تعلیم برای مردان نیز موجود می باشد. چنین حالت بالای سطوح مهارت و محصولات نیز اثرات جدی دارد، که برای انکشاف دراز مدت و بالخاصه بالای پروسه جاری اعمار مجدد کشور خیلی اهمیت دارد.

مفهوم پالیسی

رشد وارتقای تاریخی پالیسی تعلیمی وسیاسی ان، عامل وفکتور عمده در انکشاف نا هموار معارف درافغانستان می باشد . حکومات بعدی وگروه های سیاسی از معارف وبا لخاصه از تعلیمات دختران به مثابه تخته خیز برای انجام مانورهای ایدیالوژیک استفاده کرده اند . سالهای جنگ بالای تأسیسات معارف و رسیده گی به ان تأثیرات ناگوار خود را بجا گذاشته است . درسال ۱۹۳۵ تعلیمات ابتدایه بطور رسمی جبری ورایگان اعلام گردید که توسط قانون اساسی سال ۱۹۶۴ تضمین شد ، ولی تطبیق سرتاسری ان درسطح کشور برای سالهای مدید بافقدان مواجه گشت . درسال ۱۹۷۵ ، چندین سال قبل از جنگ(که درنتیجه کودتای ثور توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان درسال ۱۹۷۸ آغاز شد)، تنها ٪۱۱.۴ نفوس افغانستان دارای سنین شش ساله وبیشتر باسواد بودند ، وبخش قابل ملاحظه نفوس مرد نسبت به زنان باسواد بودند . درساحات شهری ٪۱۴.۸ مردان با سواد بودند، درحالیکه برای زنان دهات این رقم از ٪۰.۶ پاینتر بود.[60]

طی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مکاتب وموسسات تعلیمی به میدان های مجادلات ایدیالوژیک بین کمونست های محلی و نهضت های اسلامی مبدل گشت،[61] وبعد از کودتای کمونستی سال ۱۹۷۸ ، سیستم مکتب اولین قربانی جنگ طولانی بود. حکومت حزب

---

[59] Lahr و مغدم آذربایجانی، ۲۰۰۴:۱۴

[60] هونته، ۱۹۷۸

[61] اویسین، ۱۹۹۵

دموکراتیک خلق (PDPA) در مرحلهء نخست برای شمولیت زیاد در مکاتب فشار آورد و همچنان پروگرام های خیلی پر توقع تعلیمات کلان سالان را به راه انداخت که کارکنان احساساتی محلی حزب زنان قریه را وادار می ساخت، تا در ین پروگرم ها حاضر گردند. حکومت از سیستم مکتب استفاده می کرد، تا موقف خود را استحکام ببخشد و حتی بیش از ۵۰۰۰۰ افغان را به اتحاد شوروی سابق جهت تربیه، و تعلیم فرستاد.[۶۲] عکس العمل جدی در مورد غیر قابل جلوگیری بود و باعث مقاومت علیه حکومت گردید، قسمت اعظم تاسیسات موجود معارف مورد حمله قرار گرفت و توسط مجاهدین تخریب شد. همچنان حزب دموکراتیک خلق افغانستان PDPA و بعداً مجاهدین از سیستم معارف بخاطر اهداف سیاسی شان استفاده کردند، حتی بیش تر از آنکه حکومات قبل از سال ۱۹۷۹ نموده بود. کیفیت معارف زیان دید و ساحات دهات صدمات خیلی شدید را متحمل شد، تعداد زیاد معلمان کشته شده ومکاتب تخریب گردید. در سال ۱۹۸۳ وزارت امور خارجه افغانستان در سازمان ملل متحد اعلام نمود که ٪۵۰ مکاتب افغانستان تخریب شده و در سال ۲۰۰۳، بانک انکشاف آسیائی (ADB) تخمین داشت که ٪۸۰ تعمیرات تمام مکاتب در همه سطوح یا اسیب دیده و یا هم بصورت کل تخریب شده اند.

اکثریت مؤسسات رسمی تعلیمی در افغانستان از صنف ۱-۱۲ از لحاظ جنسیت جداگانه بوده و تنها ٪۱۲.۳ مکاتب (تمام صنوف) مکاتب دختران بود، تفاوت های جغرافیوی نیز خیلی زیاد بود- ٪۳۰ لیسه های کشور در کابل موقعیت داشت و در بعضی از ولایات حتی برای دختران هیچ لیسه وجود نداشت.[۶۳] در سال ۱۹۷۹ در حدود ۳۵۰۰ مکاتب در تمام کشور موجود بود،[۶۴] و تنها ٪۱۳.۱ آن مکاتب دختران بود. حکومت PDPA از پالیسی تعلیمی غیر اسلامی پیروی داشت که در نتیجه رسیده گی ازدیاد یافت و در سال ۱۹۹۰ تقریبا ٪۲۰ مکاتب ابتدائیه، مکاتب دختران بود. گرچه تداوم جنگ بعد از سقوط حکومت PDPA در سال ۱۹۹۲ باعث خرابی وضع امنیتی شد و به تیزی در شمار مکاتب پسران و دختران کاهش بعمل امد. در سال ۱۹۹۳ تنها ٪۱۳.۲ مکاتب، مکاتب دختران بود- که این بازگشت عقبی به وضع ۱۵ سال پیش بود.[۶۵] رسیده گی به معارف از سال ۱۹۹۴ به اینطرف در نتیجه پالیسی های هیولایی و وحشیانه طالبان در عرصه معارف برای دختران و ماموریت زنان هنوز خرابتر گردید. در سالهای ۹۷-۱۹۹۶ تعلیم برای اناث منع قرار گرفت و تنها ٪۲ از مکاتب مدیریتی (که از جانب حکومت رهبری می شد) مکاتب دختران بود، در حالیکه مکاتب زیاد پسران تدریجا به مدارس (مکاتب مذهبی) در ان دوره تبدیل گردید. علی الرغم همین محدودیت های

---

[۶۲] گزارش ارزیابی AFA کشور- افغانستان .html.۱unesco.org/wef/countryreports/afghanistan/rapport_۲www

هونته ۱۹۷۸، صفحه ۲۴

[۶۴] یک مکتب فعال در یک قریه که به طور عموم صنوف ابتدائیه ۱ الی ۳ را تنها تحت پوشش قرار میدهد.این مکتب اکثراً کدام تعمیر رسمی را در اختیار ندارد. (Lahr و مغدم آذربایجانی، ۲۰۰۲)

[۶۵] گزارش ارزیابی ۲۰۰۰ EFA کشور، افغانستان

رسمی، تعلیمات ابتدایی برای زنان تا یک درجه ادامه داشت و از جانب موسسات غیر حکومتی NGOs حمایت می شد. اگر این مکاتب را به این تعداد علاوه کرد، تا اندازه یک تعادل ازدیاد در مکاتب دختران ظاهر می گردد، که به ۱۴.۵٪ کل تعداد مکاتب سال ۱۹۹۹ می رسد و عمدتا در نتیجه ازدیاد مکاتب دختران که از جانب موسسات غیر حکومتی NGOs در مناطق شرقی و مرکزی افغانستان جای که طالبان مکاتب دختران (که از جانب حکومت تنظیم می شد) را بسته می کردند، تمویل می گردید و باقوت استقبال می شد. سبب دیگر ازدیاد در تعادل مکاتب برای دختران طی دهه ۱۹۹۰ همچنان قسماً در نتیجه کاهش تعداد مکاتب پسران در سرتاسر کشور بود.

رقم داخله در مکاتب

طوریکه قبلاً تذکر داده شد رقم شمولیت ها تا اواسط دهه ۱۹۶۰ خیلی پائین ماند، زمانیکه ازدیاد تدریجی طی دهه های بعدی صورت گرفت، ولی تا هنوز تفاوت های زیادی از لحاظ جنسیت و مناطق شهری و دهاتی وجود داشت. در سالهای ۱۹۸۰ در نواحی شهر در نتیجه حکومت PDPA بهبودی در امکانات تعلیمی رونما شد، ولی معارف در مناطق دهاتی در نتیجه جنگ متحمل زیانهای زیادی گردید. در دهه ۱۹۹۰ تاسیسات شهری سقوط و مسوولیت دولت برای سکتور معارف در سرتاسر کشور تقلیل یافت. رسیدن طالبان به قدرت دولتی باعث بسته شدن مکاتب دختران شده و طبق شاخص میزان شمولیت مجموعی (GER) برای دختران رسیده گی به معارف ۵٪ بود (به استثنای شمولیت دختران در مکاتب غیر رسمی) در ارتباط به زنان تعلیم یافته ۷۰٪ معلمان ماهر اناث در کابل که طالبان انها را از کار محروم ساخته و این امر تاثیر منفی بالای تعلیم و تربیه پسران نیز وارد ساخت، در حالیکه تعداد زیادی از زنان معلم مصروف در سکتور غیر رسمی جهت تدریس آماده بودند.[۶۶] مساعدت هایی از جانب جامعه کمک دهنده در استقامت پروژه ها بدون کدام ستندرد بود، با آنهم در نتیجه آن امکانات شمولیت در مناطق دهات با مودل

جدول ۵: تناسب عمومی داخله نظر به جنسیت

	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۳
رقم شمولیت در تعلیمات ابتدایی در محل زیست (اناث)	۱۹	۳۲	۴۰
رقم شمولیت در تعلیمات ابتدایی در محل زیست (ذکور)	۳۵	۶۳	۶۷
رقم شمولیت در تعلیمات ابتدایی در محل(مجموعی)	۲۷	۴۹	۵۴
رقم شمولیت در تعلیمات ابتدایی در محل(٪)	۳۴	۳۲	۳۴

منبع : بانک جهانی، ۲۰۰۴، صفحه ۱۵، یونیسکو، سال ۲۰۰۰

[۶۶] از بره کات و واردیل، ۲۰۰۱ صفحه ۲۹ نقل شده است. (E/CN ۲/۲۴/۰۰۲/۸۱,para,۵۳)

های جدید حمایوی - جامعه دهاتی اولی انکشاف کرد. از جانب دیگر فقدان ستندرد و معیاری بودن معارف به مؤسسات امکان داد تا با مناطق دهاتی کار کنند تا طرق متبادل را انکشاف دهند[۶۷].

ازدیاد شمولیت در سالهای ۱۹۹۰ باعث توزیع ناهموار در مناطق گردید، در مناطق سرحدات شرقی ازدیاد قابل ملاحظه نسبت به صفحات مرکزی دیده می شد. چنین ازدیاد شمولیت در نتیجه فعال بودن زیاد NGOs در مناطق شرق بود.ارقام شمولیت برای سال ۲۰۰۳ (در سنین ۷-۱۲سال) انکشاف خیلی مثبت برای ٪۶۷ پسران و ٪۴۰.۵ دختران نشان داد. (ولی درسال ۱۹۹۵ تنها ٪۸ ازدیاد به ملاحظه رسیده است،[۶۸] در صورتیکه بالای ارقام باور داشت). اگر به شمولیت های خالص دقیقاً و از نزدیک دیده شود، شکل جداگانه تفاوت های زیادی از لحاظ منطقوی و جنسیت را برملا می سازد. رقم شمولیت خالص به ٪۸۰ برای هر دو، دختر و پسر در شهرهای کابل، هرات و مزارشریف رسید. علاوتا در محلات شهری، ولایت بدخشان و هرات[۶۹] - تعداد مشمولین دختر از پسران سبقت جستند. از جانب دیگر در سه ولایات بادغیس، هلمند، و اروزگان شبکه شمولیت مجموعی کمتر از ٪۲۰ با تناسب ٪۱ کمتر برای دختران در ولایات بادغیس و زابل گزارش شده است.

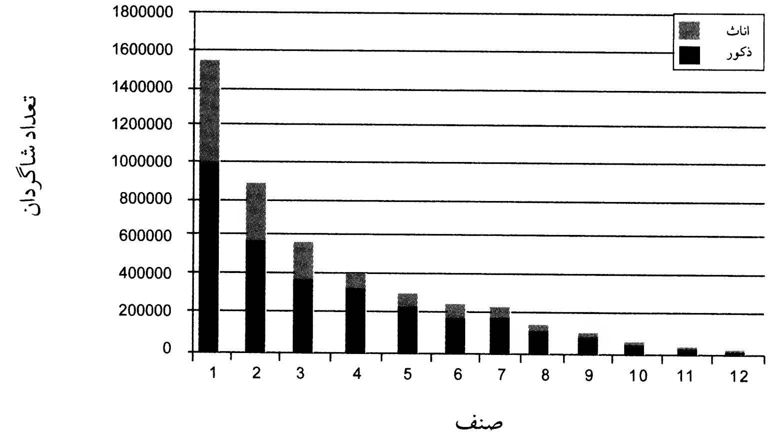
جدول ۶: تغییرات در توزیع مشمولین بین مناطق در جریان دهه EFA (عارف برای همه)		
مناطق	۱۹۹۰	۱۹۹۹
صفحات شمال	٪۲۲.۴	٪۱۸.۵
مشرقی	٪۵.۸	٪۱۷.۴
مناطق غربی	٪۹.۶	٪۳.۴
مناطق جنوبی	٪۵.۲	٪۲۳.۸
صفحات مرکزی	٪۵۷	٪۳۶.۸
منبع: *The EFA۲۰۰ country Report,۲۰۰ Afghanistan, UNESCO*		

[۶۷] جنبش جهانی برای گروپ کاری اطفال افغانستان، ۲۰۰۱

[۶۸] اداره مرکزی احصائیه و یونسف، ۲۰۰۴

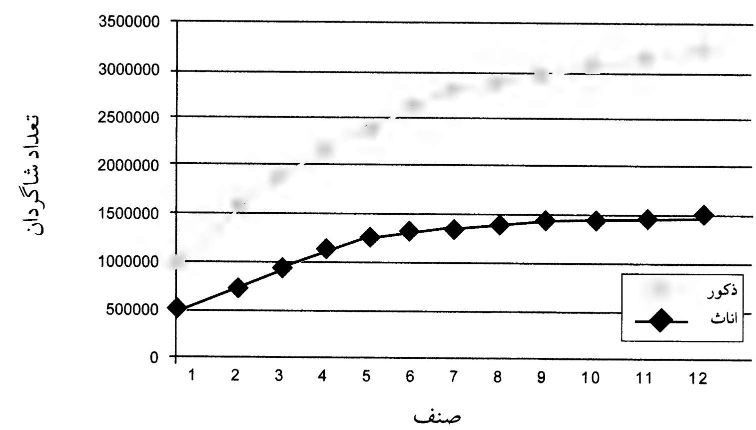
[۶۹] نرخ شمولیت خالص ٪۸۷ در شهر کابل (پسران ٪۹۲، دختران ٪۸۱، ٪۸۶ در شهر هرات (٪۸۴ پسران، ٪۸۸ برای دختران) و ٪۸۵ در مزار شریف (٪۸۶ پسران، ٪۸۵ دختران) بانک جهانی ضمایم، ۲۰۰۴

شکل ۲: ثبت نام شاگردان نظر به صنف: ۲۰۰۳



منبع: وزارت تعلیم و تربیه، ریاست پلان

شکل ۳: ثبت نام مجموعی شاگردان نظر به جنسیت



منبع: سرمایه گذاری در باره آینده افغانستان. یادداشت در مورد پالیسی تعلیم و تربیه بانک جهانی (مسوده، ماه جون سال ۲۰۰۴: صفحه ۵)

شمولیت در مکاتب ثانوی برای هر دو پسر و دختر کم بود، ولی از اواخر سال ۲۰۰۱ بهبود قابل ملاحظه دیده شده در حالیکه در انزمان، هیچ مکتب ثانوی دختران باقی نبود، مقامات طالبان تعداد موجود محدود مکاتب اناث را مسدود کردند. تعداد کمی دختران به چند مکتب ثانوی در صفحات شمال- شرقی افغانستان در ساحات خارج از کنترول طالبان میرفتند.[۷۰] رسیده گی به تعلیمات ثانوی در نتیجه شماری از عوامل بالخاصه تعداد و محل موقعیت مکاتب ثانوی محدود بود. در گذشته بسیاری از مراکز ولسوالی ها یک لیسه پسران ویک لیسه دختران داشت و تعداد متعلمان شهری زیاد بود. شاخصهای NRVA نشان میدهد که امکانات مکاتب ثانوی برای دختران در مناطق دهاتی هنوز هم شدیدا محدود است.

میزان نگهداری

قسمیکه قبلاً روی این مطلب بحث صورت گرفته، اندازه ها یا درجات ثبت نام صرف یک بخش از داستان می باشد و نگهداری شاگردان در مکتب بخش بزرگ و اصلی دیگری از داستان میباشد. هانت (Hunte) در ۱۹۷۸ تعداد نهایت بیشتر از شاگردان که بطور چشمگیر در لیسه ها ترک تعلیم می نمایند، گزارش داده است و این افزایش شاگردان ترک تعلیم در نتیجه بلند رفتن سطوح و سویه های تعلیمی بوجود آمده است؛ درین گروپ سن، فقط ٪۱۱.۹ شاگردان ذکور ثبت نام نموده بودند که بمقایسه شاگردان اناث که سن شمولیت در لیسه را پوره کرده بودند و تعداد شان به ٪۱.۴ میرسید، یک فیصدی بیشتر داشت و فیصدی شاگردان اناث در لیسه خیلی پائین بود.[۷۱] ارزیابی هایی که درین اواخر انجام گردیده، نشان میدهد که تا سال ۱۹۹۹ در قسمت نگهداری شاگردان در مکاتب یک بهبودی اندک بوجود آمده بود. شواهدی که از دهه ۱۹۹۰ بدست آمده حاکی از آنست که مشکلاتیکه در راه نگهداری بسطح پائین وجود دارد تمام شاگردان دهاتی را بدون در نظر داشت جنسیت (مرد و زن) نسبت به شاگردان شهری بطور قابل ملاحظه بیشتر متاثر میسازد، مگر همچنان شاگردان اناث که این موقع را از دست داده بودند که تعداد زیاد شان در مکاتب نگهداری شوند، ازین فرصت شاگردان ذکور هم بهره برداری کردند- بدون شک بعلت تمام تغییرات بزرگ در اوضاع اجتماعی و نهضت های سیاسی مربوط به آموزش طبقه اناث در طول مدت دهه ۱۹۹۰ یک بهبودی قابل ملاحظه بمشاهده میرسد. نه در مورد تعداد شاگردان هر صنف ثانوی و نه هم در مورد میزان های تکمیل سرتاسر صنف ۱۲ کدام معلومات تازه موجود است. در سال ۱۹۹۳، از ۱۰۰ شاگرد تقریباً سه شاگرد در صنف اول ثبت نام نموده و صنف دوازدهم را تکمیل نمودند.[۷۲] در سال ۱۹۹۹، اوسط شاگردان ترک تعلیم در صنوف ۱-۵ ٪۵۷ بوده و فیصدی اناث که تعلیم را ترک میکردند ٪۷۴ و فیصدی ذکور که تعلیم را ترک میکردند ٪۵۶ بود.

---

[۷۰] Lahr و مغدم آذربایجانی، ۲۰۰۲، صفحه ۱۳

[۷۱] هونته، ۱۹۷۸، صفحه ۲۵

[۷۲] سروی از جانب پوهنتون نبراسکا در اوهاما، ۱۹۹۳ نقل قول از (Lahr، و مغدم آذربایجانی، ۲۰۰۲، صفحه ۱۶)

جدول ۷: بقای گروپهای تعلیمی در دهه۲۰۰۰ - ۱۹۹۰												
صنف و جنسیت (مرد و زن)	اولمنطقه		دومصنف		سومصنف		چهارمصنف		پنجمصنف		ششمصنف	
دهات ذکور	۱۰۰۰		۶۸۰		۵۷۰		۴۶۰		۳۵۰		۲۷۰	
دهات اناث	۱۰۰۰		۵۰۰		۴۳۰		۲۹۰		۱۹۰		۱۵۰	
شهری ذکور	۱۰۰۰		۶۰۰		۵۵۰		۴۹۰		۴۲۰		۳۴۰	
شهری اناث	۱۰۰۰		۵۴۰		۴۵۰		۳۵۰		۲۷۰		۲۱۰	
	۱۹۹۳	۱۹۹۹	۱۹۹۳	۱۹۹۹	۱۹۹۳	۱۹۹۹	۱۹۹۳	۱۹۹۹	۱۹۹۳	۱۹۹۹	۱۹۹۳	۱۹۹۹
مجموع ذکور	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۶۶۰	۹۳۶	۵۷۰	۷۲۸	۴۷۰	۵۷۷	۳۷۰	۴۹۴	۲۹۰	۴۴۰
مجموع اناث	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۵۴۰	۹۰۸	۴۴۰	۶۸۹	۳۲۰	۴۲۶	۲۳۰	۳۵۱	۱۸۰	۲۶۱
منبع: ارزیابی گزارشات کشوری سال ۲۰۰۰ آموزش برای همه *EFA*. افغانستان. یونسکو، ۲۰۰۰												

تحصیلات عالی

پوهنتون کابل در سال ۱۹۳۲ تأسیس گردید، مگر در افغانستان تا سال ۱۹۶۱ فقط ذکور میتوانستند که در پوهنتون متذکره تحصیلات عالی خویشرا به پایه اکمال برسانند. در سال ۱۹۶۱ تمام دانشکده ها به شکل آموزش مختلط مبدل شدند، یعنی ذکور و اناث با هم یکجا بصورت مختلط تحصیل میکردند و پوهنتون ننگرهار در همین سال تاسیس و دیری نه گذشته بود که به تعقیب آن پولی تخنیک کابل تأسیس گردید. در سال ۱۹۷۵، ۱۲ فیصد محصلین طبقه اناث بودند.[۷۳] بعد از سال ۱۹۷۸، پرسونل پوهنتون کابل اذیت و آزار را متحمل شدند که از جمله آنها بتعداد ۳۵ تن اعضای دانشکده ها اعدام گردیدند و ۲۶۰ تن دیگر آنها از کشور مهاجرت نمودند. از جانب دیگر، مؤسسات تحصیلات عالی در بلخ، هرات، کندهار، فاریاب و کندز افتتاح گردیدند- یک مجموع از ۱۲ مؤسسه تحصیلات عالی منحیث یک بخش از پالیسی دولتی PDPA از طرف پوهنتون کابل رهنمائی میگردید که تحصیلات عالی را توسعه بدهد.تا دهه ای جنگ داخلی سال ۱۹۹۰، این سیستم تحصیلات عالی به اندازه زیادی صحیح و سالم یعنی بی عیب بود. در سال ۱۹۹۰، یونسکو تخمین نمود که در آنجا بتعداد ۱۳۴۲ تن استادان به سطح عالی موجود بودند، که یک ربع آنها از طبقه اناث بود و طبقه اناث یک ثلث از مجموعه محصلین را نیز تشکیل میداد. به هر صورت، ازان به بعد، بسیاری از استادان که پوهاند و کادر مسلکی بودند کشور را ترک نمودند گرچه پوهنتون بلخ در طول مدت دهه ۱۹۹۰ بکار خویش ادامه داد و در سال ۱۹۹۶ این پوهنتون هنوز هم با داشتن ٪۴۰ محصلین اناث و ٪۲۰ هیأت استادان اناث فخر میکرد و به آن می بالید.[۷۴]

[۷۳] Kalmthout، ۲۰۰۱

[۷۴] بانک انکشاف آسیائی، ۲۰۰۳ صفحه ۲۰. مصاحبه با مسؤلین محلی در مزار شریف ۱۹۹۶

در دههء ۱۹۸۰ نخستین پوهنتون خصوصی برای مهاجرین افغان در پاکستان با حمایت مالی عربستان تاسیس گردید و به هفت تنظیم مجاهدین که در پاکستان شناخته شده بودند، مربوط شناخته شد. پوهنتون های دیگر توسط احزاب سیاسی در پاکستان افتتاح گردید که یکی از آنها منحصر به طبقه اناث بود، مگر تمام آنها به سبب نبود تصدیق و تآئید دولتی در سال ۱۹۹۸ توسط مقامات پاکستانی مسدود گردیدند. در سال ۱۹۹۹، پوهنتون های مسدود شده به عنوان یک مؤسسه با هم پیوستند که تحت نظارت و مراقبت مقامات پاکستانی فعالیت میکرد و کمپ ها برای ۱۵۰۰ متعلم و ۷۰۰ محصل افتتاح گردید.[۷۵]

بطور متداول طبق معلومات وزارت تحصیلات عالی در سال تعلیمی ۰۳-۲۰۰۲ بیشتر از ۱۱۰۰۰ محصلان در پوهنتون ها درکابل و ولایات کشور ثبت نام کرده بودند، که منجمله ۳۰٪ از آنها زنان بودند. بیشتر از نصف محصلان در چهار مؤسسه تحصیلات عالی در کابل و بصورت مقایسوی تعداد محصلان اناث که در آنجا ثبت نام کرده بودند نسبت به ولایات بیشتر بود. در سال ۲۰۰۳ ثبت نام محصلان به ۳۱۰۰۰ تن افزایش یافت (۱۹٪ از آنها محصلین اناث بودند) و در تمام ۱۷ مؤسسات تحصیلات عالی کار و فعالیت میکردند.[۷۶] بهر حال، محصلین اناث از ولایات، کسانیکه خواستند تحصیلات عالی خویش را در پوهنتون کابل تعقیب نمایند، به مشکل محدودیت دسترسی به لیلیه ها مواجه میشوند.[۷۷] به این ترتیب زمانیکه پس به موسسات تعلیمی مراجعه میکنند تعداد آنها هنوز هم در وزارت تعلیم و تربیه بمراتب کمتر نشان داده میشود، جائیکه فقط ۴٪ کارمندان عالی اداره (بشمول آمرین شعابات، معاونین و وزیر) زنان هستند.[۷۸]

موانعی سد راه تحصیلات اناث

موسسه سروی خوشه ئی شاخص های مضاعف (MICS) در سال ۲۰۰۳ این مسئله را که چرا شاگردان (از سن ۷ تا ۱۲) در مکتب ثبت نام نشده اند، مورد بحث قرار داده است.[۷۹] خانواده های شهری و دهاتی هر دو "بعد مسافه را" بمثابه یک دلیل بسیار عمومی پنداشته و روی همین دلیل اطفال خویش را به مکتب نمی فرستند. در حالیکه ۲۹٪ والدین روستائی بدلیل غیر مکفی بودن سهولت های مکتب و ۲۴٪ نبودن سهولت های جداگانه، بگونه مثال، عدم موجودیت یک مکتب دختران، پسران/دختران شان رابه مکتب نمی فرستند، اینها دلایل بسیار عام نیستند زیرا نفوس شهری نسب به نفوس روستائی با سهولت های خوبتر و بهتر مکتب مورد توجه و خدمت قرار میگیرد یعنی از سهولت های بهتر برخودار اند. بهر حال، کارخانگی، و فرا گرفتن تعلیم بالکل اکثراً از طرف هر دو خانواده های شهری و دهاتی غیر ضروری تذکر داده میشوند، با این نوع طرز تفکر اکثراً در بین خانواده های شهری

---

۷۵ Dupree.N جون ۱۹۹۹، جنبش جهانی برای گروپ کاری اطفال، جون ۲۰۰۱

۷۶ بانک جهانی، C، ۲۰۰۴

۷۷ گزارش انکشاف ملی بشری، ۲۰۰۴ صفحه ۶۹

۷۸ Lahr و مغدم آذربایجانی، ۲۰۰۲، صفحه ۲۴

۷۹ اداره مرکزی احصائیه و یونسف، ۲۰۰۴

جدول ۸: علت ثبت ننمودن نام اطفال (از ۷- ۱۲ ساله) در سال ۲۰۰۳						
	مسافه (٪)	سهولت های ناکافی (٪)	عدم موجودیت مکاتب جداگانه (٪)	کار خانگی (٪)	غیر ضروری (٪)	عاید خانواده (٪)
شهری	۲۵.۵	۹.۶	۱۳.۶	۱۸.۷	۲۰.۱	۱۰.۱
دهاتی	۳۹.۵	۲۹.۰	۲۳.۶	۱۶.۹	۱۴.۱	۶.۶
ملی	۳۷.۲	۲۵.۸	۲۲.۰	۱۷.۲	۱۵.۰	۷.۱

منبع: پیشرفت ولایات افغانستان. شاخص های متعدد سروی دسته جمعی در سال ۲۰۰۳. دفتر مرکزی احصائیه / یونسف، سال ۲۰۰۴

دلچسپی کافی موجود است، یعنی با این نوع طرز تفکر دلچسپی کافی دارند. این ارقام به طراحان برنامه های تعلیمی یک اشاره روشن است که نبودن دسترسی و فقدان سهولتهای کافی بشمول نبودن مکاتب جداگانه دختران یا اناث، موانع بزرگ را در مورد ثبت نام یا شمولیت در مکتب به بار می آورد. عوامل دیگر عبارت اند از نبودن بیت الخلا ها و آب صحی در مکاتب، بانک انکشاف آسیائی گزارش میدهد که تخمیناً یک ثلث از مکاتب منبع آب قابل تشخیص را ندارند. و کمتر از ۱۵٪ برای استفاده اطفال بیت الخلا ها وجود دارند[۸۰] و این مشکل شاگردان خاصتاً دختران کلان سن را از ماندن در مکتب دلسرد میسازند. با در نظر داشت نابرابری هیجان انگیز منطقوی که در ثبت نام در مکتب مشاهده میگردد، این سعی و تلاش زیادی را می طلبد که در توسعه دادن پوشش مکاتب با کیفیت در سرتاسر کشور، بخرچ داده شود. تا جائیکه به نفوس شهری ارتباط دارد، توجه افزایش یافته، باید به تقاضا های خانگی خانواده ها در مورد کار اطفال و تامین آن مبذول گردد و برنامه آموزشی والدین را قانع خواهد ساخت که تعلیم نه تنها مناسب، بلکه ضروری نیز میباشد.

معلمین اناث

شمولیت دختران در مکاتب نه تنها بوسیله موجودیت مکاتب دختران یا اناث تصمیم گرفته میشود یا تعیین میگردد، بلکه بوسیله این هم تعیین میگردد، که آیا در آنجا معلمین اناث موجود هستند یا خیر؟ تقسیمات معلمین شهری- دهاتی تا اندازه زیاد به نفع مناطق شهری نامساوی بود و (تا هنوز هم است)، خاصتاً در پایتخت و دیگر شهر ها در شمال و غرب کشور. برعلاوه معلمین سیستم تعلیمی نیز قربانی جنگ و عدم امنیت شدند که این افراد هوا خواهان کودتای هفت ثور در سال ۱۹۷۸ حزب دموکراتیک خلق افغانستان را در بر میگرفت. مکاتب منهدم و تخریب گردید و بسیاری معلمین بقتل رسیدند زیرا آنها وقتیکه ارزشهای دولت کمونیستی را ارائه میکردند، درک و شناسائی گردیده بودند.

---

[۸۰] بانک انکشاف آسیائی، ۲۰۰۳، صفحه ۸

جدول ۹: تناسب معلمین اناث در طول زمان (مکاتب ابتدائی و ثانوی)			
سال	تعداد مجموعی معلمین	فیصدی معلمین اناث از معلمین اناث	تعداد تخمینی
۱۹۷۹	۳۷ ۰۰۰	۲۰٪	۷ ۴۰۰
۱۹۹۰	۱۶ ۵۰۰	۵۹٪	۹ ۷۰۰
۱۹۹۳	۲۳ ۲۰۰	۱۳٪	۳۰۰۰
۲۰۰۰	۲۷ ۲۰۰	۱۰٪	۲ ۷۰۰

منبع: گزارشات ارزیابی کشوری *EFA*، ۲۰۰۰. افغانستان. یونسکو، ۲۰۰۰ صفحه ۱۲، لهر و آزربایجان مقدم، ۲۰۰۲، صفحه ۱۰

طی دهه ۱۹۹۰، تعداد مطلق معلمین به کار گماشته شده کاهش یافت و تناسب معلمین اناث نیز کم گردید، با نتیجه ای که در سال ۲۰۰۰ تعدادی از معلمین اناث بین یک نصف و ۱/۳ هر آنچه که در سال ۱۹۷۹ بوده، از این تعداد معلمین بیشتر از ٪۶۰ آنها بیرون از مکاتب دولتی (در مکاتبی که سازمانهای غیردولتی آنهارا اداره میکردند) کار میکردند. در حال حاضر در آنجا بیشتر از ۷۰۰۰۰ معلمین موجود اند که ٪۲۸ (یعنی تقریباً ۱۹۶۰۰) از آنها معلمین اناث هستند، مگر از نظر جغرافیائی و نابرابری تقسیمات معلمین دهاتی-شهری هنوز هم چشمگیر هستند: بگونه مثال، در ولایت خوست در آنجا برای صنوف ۱- ۹، ۱۳۷۴ معلم موجود اند و صرف ۹ تن از ایشان معلمین اناث هستند.

وزارت تحصیلات عالی یک نابرابری مشابه جنسیت (مرد و زن) در بین اعضای تدریسی خویش را تجربه میکند. درسال ۲۰۰۳ در حدود ٪۱۲ از استادان از طبقه اناث بودند، مگر در حالیکه آنها 1/6 از پروفیسران را که داری شهادتنامه های لیسانس بودند

جدول ۱۰: تعداد معلمین اناث برای صنوف ۱-۹		
منطقه	معلمین اناث	تعداد مجموعی از معلمان
کابل	۷.۰۲۸	۸.۸۲۱
بدخشان	۵۶۹	۳.۳۱۵
زابل	۳۷	۸۶۰
خوست	۹	۱.۳۷۴

منبع: ریاست پلان، وزارت تعلیم و تربیه، سال ۲۰۰۳-اقتباس از گزارش *Card*: پیشرفت در مورد تعلیمات اجباری (صنوف ۱-۹)، سال ۲۰۰۴: جدول ۳.

جدول ۱۱: تناسب استادان نظر با جنسیت و تحصیلات : ۲۰۰۳						
	ذکور		اناث		مجموع	
لیسانسه	۸۴۰	۴۶٪	۱۵۸	۹٪	۹۹۸	۵۴٪
ماستر	۶۵۰	۳۵٪	۶۱	۳٪	۷۱۱	۳۹٪
داکتر	۱۳۰	۷٪	۲	۰٪	۱۳۲	۷٪
مجموع	۱۶۲۰	۸۸٪	۲۲۱	۱۲٪	۱۸۴۱	۱۰۰٪
منبع : بانک جهانی احصائیه سال ۲۰۰۴						

فقط دو استاد از طبقه اناث در مقایسه با ۱۳۰ پروفیسر از طبقه ذکور، دکتورا (PhD) داشتند (جدول شماره ۱۱ را مشاهده کنید)

تشکیل میداد و فقط ۱/۱۳ از استادان دارای شهادتنامه ماستری از طبقه اناث بودند.

ازدواج و نورم های اجتماعی

نورم ازدواج قبل از وقت هر دو موانع یا مشکالات اجتماعی و قانونی را در اداره آموزش و تعلیم دختران ایجاد میکند. دختران نه تنها به نسبت مسؤولیت های خانگی شان که بعداز ازدواج افزایش می یابد ترک تحصیل مینمایند، بلکه به سبب انفاذ یک قانون که در نیمه دهه سال ۱۹۷۰ تصویب گردیده بود و مانع ادامه دادن تعلیم در ۲۰۰۳ مورد تائید قرار گرفت که این امر باعث ایجاد موانع در راه ادامه آموزش آنها گردید و به دلایلی ازآن دفاع میگردید و منظورش این بود "که از دختران غیر متاهل حمایت بعمل آرند، تا آنها در بارهء مقاربت یا مجامعت از همصنفان متاهل خویش تفصیلات و معلومات بی پرده و صریح را نیا موزند".[۸۱] بنابران، وزارت تعلیم و تربیه برای اینکه نیازمندی های دختران متاهل را در کابل فراهم نماید، یک لیسه مسلکی را در وزارت امور زنان تأسیس نمود. در سال ۲۰۰۴، بالاخره این قانون به ابتکار وزارت امور زنان ذریعه فرمان ریاست جمهوری تغییر کرد و تحریمی که در برابر زنان متاهل غرض فراگیری دروس در لیسه ها وضع گردیده بود، برداشته شد. با رفع و بر چیدن موانع رسمی هنوز هم دختران متاهل یا شوهر دار که نمی خواهند در مکتب بمانند در کنار دختران غیر متاهل (غیر شوهر دار) با مشکلات روبرو میشوند؛ زیرا برحسب گزارش مدیران مکاتب مختلف اعتراضات از جانب سایر والدین شاگردان و پیشوایان مذهبی توقع برده شده میتواند. بصورت عنعنوی، اکثریت والدین افغانی تا اندازه زیاد در برابر تعلیمات رسمی برای دختران بی تفاوت اند یا حتی مخالف تعلیمات رسمی برای دختران میباشند.[۸۲]

تعداد زیادی از والدین محافظه کار به این عقیده بودند و هستند که تعلیمات رسمی در مکاتب اخلاق دختران را فاسد میگردانند

---

۸۱ از گزارش بازسازی افغان که توسط انستیتوت گذارش جنگ و صلح تهیه گردیده است، نوامبر ۵، ۲۰۰۳

۸۲ Bahgam و Mukhatari، ۲۰۰۴، صفحه ۱۴-۱۵

و این تعلیمات رسمی تمام جامعه را مسموم خواهد نمود چونکه زنان و دختران منبع عزت و حیثیت فامیل هستند.[۸۳] همچنان در آنجا چنین برداشت یا تلقی موجود است که تعلیمات رسمی در آماده ساختن اطفال در جوامع دهاتی برای نُقش های جنسیت (مرد و زن) شان بصفت بزرگسالان-دختران منحیث خانمان و مادران، بچه ها منحیث تأمین کننده گان، و حامیان کدام ربط ندارد، یعنی به تعلیمات رسمی ارتباط ندارد.

در بدخشان، که یک اقلیم نسبتاً مطلوب برای آموزش و پرورش اناث مشخص گردیده، باوجود این اقلیم نسبتاً مطلوب شاگردان اناث مایل اند که تقریباً در سن بلوغ ترک تحصیل کنند، زیرا آنها در خانه نگاه داشته میشوند، تا برای ازدواج آماده گی بگیرند (که این ازدواج شاید در سن ۱۳ سالگی صورت گیرد). بعضی اوقات علت ترک تحصیل اینست که فامیل ها نمی توانند که برای دختران جوان خویش برقع بخرند که آنها در حین رفتن به مکتب آنرا بپوشند. اگر شاگردان اناث بعد از رسیدن به سن بلوغ بتوانند که در مکاتب به تحصیل خویش ادامه بدهند، پس بسیار محتمل بنظر میرسد که شاگردان اناث نسبت به شاگردان ذکور صنف ۱۲ خویش را تکمیل نمایند. شاید علت آن زمینه ئی مصارف اقتصادی و زمینه نگاه داشتن شاگردان در مکتب باشد که مصرف شان نسبت به شاگردان اناث بیشتر است.[۸۴] مگر حتی جائیکه در آنجا گرایش ها یا روش بر ضد تعلیمات برای دختران، برای شاگردان اناث روستائی تحرک نسبتاً محدود ایشان این حق نظری را کاهش میدهد. شاگردان بطور خاص شاگردان اناث آنسوی قریه سفر نمی کند، حتی آنسوی قریه قدم زده نمی توانند و این امر منتج به یک تفاوت فاحش بین شاگردان ذکور و اناث بر حسب قابلیت ایشان میگردد که در ولسوالی خویش به مکاتب ثانوی دسترسی پیدا کنند.

علاوه بر این مسایل، بعد از سقوط طالبان ریکارد شمولیت دختران در مکاتب یک شاخص یا علامت روشن از گرایش مثبت موجوده بین اکثریت نفوس در برابر تعلیم و تربیه خاصتاً دختران میباشد. در مکاتب دختران که بعد از سقوط طالبان در تمام نقاط افغانستان بمنظور اجلاس غیر رسمی انسانی باز گردید بسیار مزدحم بود، یعنی مکاتب لبریز شده بودند، حتی در مناطق بسیار عنعنوی مانند گرشک در ولایت هلمند جائیکه بتعداد ۵۰۰ دختر در روز اول سال تعلیمی حضور یافتند.[۸۵]

در سال ۲۰۰۳ یونیسف یک مطالعه از گرایش ها را در برابر تعلیم و تربیه به کار انداخت و پذیرفت که در افغانستان در مورد تعلیم و تربیه دختران اولویت ها در سطح پائین قرار دارد و باید راه هایی جستجو گردد، که وضع را تغییر دهد.[۸۶] دریافت ها تشویق کننده بودند به این معنی که آنها ارزش های صریح مثبت را که توسط مردان و زنان در سرتاسر گروپهای اجتماعی به تعلیم و تربیه مربوط دانسته شده، آشکار ساختند و علاوه براین آنها آشکار نمودند که تفاهم و توافق نظر در این مورد اینست که تعلیم و آموزش

[۸۳] شویته اظهار میدارد که بر بنیاد تحقیق ساحوی که در سه محل شهری انجام شده نه تنها آموزش دختران پرگزند پنداشته شده است، اما امکان دارد شیربها (ولور) سقوط نموده، هرگاه عروس باسواد باشد ازینرو "کسی نخواهد خواست که با زن تعلیم یافته ازدواج نماید"

[۸۴] بدخشان، واحد ارزیابی ستراتیژیک، ۲۰۰۱، صفحه ۳۳-۳۴

[۸۵] بانک انکشاف آسیائی، ۲۰۰۳

[۸۶] گروپ مشورتی التای، ۲۰۰۳

برای بچه ها و دختر ها باید منحیث فریضه دینی پنداشته شود. در بین نسل دارای سن شمولیت در مکتب آرزو و تمنای شان برای کسب آموزش یکسان و متفقانه بود و یا دلچسپی تام بچه ها نیز باعث التفات دختران گردیده که تعلیم و آموزش را بدست بیاورند. در ارتباط آموزش دختران در بین فشار ها، عوامل مهم که به ارتباط تعلیم دختران تشخیص گردیده عبارت بودند از مخالفت اولیای بی سواد و این خود یکی از فشار ها بشمار می رود مخصوصاً پدران قسمیکه دیده شده اند، آنها در خصوص اجازهء اطفال شان که به مکتب بروند تصمیم گیرنده گان کلیدی هستند. دیگر موانع مهم که تشخیص گردیده اند نبودن دسترسی دختران

چوکات شماره ۵: نو آوری و اساس کار جهت رشد تعلیم و تربیه دختران

کمیته نجات بین المللی با مردمان محلی مذاکره نموده است که در مورد ادامه تعلیم دختران کلان سن تا به سطوح دروهء ثانوی مشورهء ایشان را بدست آرند، تا دختران کلان سن بتوانند تعلیمات خویش را بوسیله وسایل ترانسپورتی که از طرف روستا برای مکتب ثانوی ایشان که در یک قریه همجوار موقعیت دارد تهیه میگردد، ادامه دهند، که در آن قریه گروپ های صنف اول دختران کلان سن را در یک اوقات جداگانه در یک صنف تدریس میکند و بر مبنای فراهم نمودن یک خانه که در قریه متذکره موقعیت دارد استفاده بعمل میآورد. مشوره های قریه مشابه که بر فضیلت تعلیم و تربیه برای تمام گروپ های شاگردان اناث هم سن پافشاری و تاکید میکند، توافق پیرامون فراهم آوری فرصت های آموختن دانش را برای زنان جوان تسهیل نمود، که آنها فرصت فراگیری دانش را از دست داده اند و یا نتوانستند که تعلیمات خود را در اثنای سالهای جنگ و محرومیت سیاسی تکمیل نمایند.

مؤسسه آموزشی افغانستان به این نکته پی برده است، که قریه جات در باره ارتباط شان با تعلیمات مناسب صحی می اندیشند. پیشنهادات قریه که دروس خانگی یا مواظبت صحی علاوه بر مضامین مورد ضرورت علمی برای شاگردان اناث به سطح دورهء ثانوی را در بر بگیرد چیزیکه منحیث نقش های مناسب جنسیت پنداشته میشوند، آنرا ادامه میدهد. مگر آنها بر حسب مؤثریت و نتایج فرصت را بمنظور تمرین خوب نیز پیشنهاد مینمایند و به این ترتیب شاید کمک کند که نیازمندی های عملی جنسیت طبقه اناث را مرفوع نماید. علوم خانگی به مفهوم وسیع آن غیر از تاثیر بالقوه اش که بالای صحت خانواده و تغذیه دارد در دیگر جوامع سنتی به تعلیم و تربیه اناث پیشقدم کمک نموده است. نظریات کلی که به ارتباط تعلیم و تربیه اناث از روستاها کسب گردیده نیز مضمون و محتوا چانس دوم را در مورد تعلیم و تربیه برای دختران تعیین میکند. در تجربه ای که کمیته نجات بین المللی آنرا انجام داده، توجه بالای امتزاج حیات و مهارت های معیشت که درخور شرایط محلی می باشد، متمرکز گردیده است.

در بارهء رفع کمبود شدید معلمین اناث، از طرف کمیته سویدن، پاملرنه و کمیته نجات بین المللی از طریق پذیرش زنان که از طرف قریه انتخاب گردیده (و خاصتاً برای گروپ های خورد سن در صورت امکان یک معلم مرد) با سویه های پائینتر تعلیمی (معمولاً دارای تحصیلات صنف ۹) اقدام صورت گرفته است و آموزش را برای معلمین فراهم میسازد، که آنها در حین اجرای وظیفه بواسطه نظارت کردن و مشوره دادن حمایت میگردند. در حالیکه ضعف این شیوه شاید کیفیت تعلیم و تربیه باشد، با این هم این تعلیم و تربیه، اناث را دو باره استقرار بخشیده است که بوسیله جنگ یا فقدان معلمین شایسته مختل گردیده بود و این همچنان برای اولین بار بطور قابل ملاحظه تعلیم و تربیه اناث را در یک تعداد از قریه جات تسهیل نمود، که در آنجا هیچگاه وجود نداشت. بگونه مثال: پاملرنه در بین شاگردان خویش که در ولایات لوگر، پکتیا، پکتیکا، وردک و غزنی داشت سهم شاگردان اناث ۴۸٪ در صد بود. بر سر نظارت موثر بیشتر تاکید صورت میگیرد که کیفیت تعلیم و تربیه را حمایت و نگهداری کند.

بمکتب که دور از خانه های ایشان موقعیت دارند، عوامل دیگر ناشی از کارخانگی و فقر، یعنی فامیل ها بدون مزد/عاید پسر و دختر شان قادر نیستند که مصارف مکتب ایشان از قبیل یونیفورم مکتب، قرطاسیه و امثالهم را تهیه بدارند. بصورت عمومی این مطالعه دریافت که فقر در رفتن بچه ها و دختران به مکتب که آموزش را بدست آرند یکسان نقش بس بزرگ و مهم را بازی میکند و خاصتاً ملاحظات در مورد جنسیت (مرد و زن) (بگونه مثال، طرز تفکر منفی در جهت تعلیم و آموزش دختران یک نقش ثانوی را بازی می کند.[۸۷] شاید دلایل آن این بوده باشد که فامیل های غنی تر که آنها کمتر به مزد و قابلیت های بدست آوردن عاید اطفال ایشان متکی هستند دسترسی بهتر به وسایل جهت حمل و نقل اطفال ایشان خاصتاً دختران که به مکتب بروند در اختیار دارند و شاید نسبت به فامیل های فقیر دارای تحصیلات بهتر و خوبتر بوده باشند و با این ترتیب آنها بخاطر تعلیم و آموزش آطفال خود بیشتر بالای تعلیم و تربیه تاکید میکنند.

بصورت عموم با وجود اینکه یک برخورد مثبت در رابطه به تعلیم و تربیه در بین مردم موجود است، موضوع تعلیم و تربیه دختران هنوز هم یک عرصه ای جدالی میباشد، که در اثنای اواخر سال ۲۰۰۲ بشکل مصور توضیح داده شده؛ زمانیکه یک تعداد آتش زنی و دیگر حملات خشن و بی رحمانه در یک تعداد از ولایات در مکاتب اناث صورت گرفت. این حملات اکثراً بوسیله تهدید های تحریری که دختران را اخطار میداد که به مکتب نروند، صورت میگرفت.[۸۸] این حملات شبیه حملات دهه سال ۱۹۵۰ میباشد، زمانیکه محافظه کاران افراطی علیه تعلیم و تربیه دختران احتجاج کردند و حتی در کندهار بالای شاگردان اناث به وسیله تیزاب پاشی حمله کردند. عکس العمل های شبیه علیه شاگردان اناث روی لوچ، که دامن های کوتاه داشتند در کابل در دهه سال ۱۹۷۰ سراغ گردید.[۸۹] به هرصورت، امروز این فقط یک چند رویداد مجزا نیستند، بلکه یک پدیده تکراری نیز میباشد که هردو وضع ناکافی امنیتی اند و سطح عمومی خشونت را که در جامعه خیلی بلند است، انعکاس میدهد. اگر این روند جایز شمرده شود و ادامه پیدا کند، والدین شاگردان جرئت نخواهندکرد که دختران خود را به مکتب در قسمت های بسیار دور افتاده و از لحاظ سیاسی بی ثبات بفرستند.

نتایج پالیسی

در افغانستان میزان بزرگسالان که سواد دارند ۳۶٪ در صد تخمین گردیده است، در حالیکه زنان بزرگ سال که سواد دارند، به موجب امار در سال ۲۰۰۱ ۲۱٪ [۹۰]در صد تخمین گردیده است. در طی دو سال گذشته یک افزایش قابل ملاحظهء در ثبت نام و شمولیت در مکتب صورت گرفته است و چهار ملیون طفل در حال حاضر در مکتب شامل اند، که یک بر سوم ایشان دختران میباشند، اما این هنوز هم فقط تعداد کمی بیشتر نسبت به نصف اطفالی که دارای سن مکتب رفتن هستند و ۴۰٪ در صد آن دختران اند ارائه میدارد. این ارقام نا برابریهای هیجان انگیز منطقوی را با دخترانیکه کمتر از ۱۵٪ در صد از مجموع ثبت نام را در نه ولایت که در شرق و جنوب کشور موقعیت دارند ارائه میدارند، پنهان مینماید. بر علاوه عدم تساوی جنسیت، چنین ارقام همچنان عدم

[۸۷]مرکز بین المللی قحطی فنیستین

[۸۸]E/CN.۴/۳۰۰۲/۶

[۸۹] دوپری، ان، ۱۹۹۸

[۹۰]بانک جهانی، ۲۰۰۴، نرخ سواد کلان سالان به گروپ سنین ۱۵ ساله و بالاتر از آن ارتباط دارد.

تساوی زیاد لاینقطع جنسیت شهری-روستائی را نیز انعکاس میدهد. مکاتب نیز با میزان های بیشتر ترک تعلیم مجادله میکنند که آنرا کاهش دهد طوریکه در سال ۱۹۹۹ گزارش داده شده که ٪۷۴ در صد از دختران در صنوف ۱-۵ به مقایسه بچه ها که ٪۵۶ در صد در صنوف متذکره ترک تعلیم میکنند.

مقصد و مرام دولت اینست که اطفال دارای سن مکتب صد در صد شمولیت در مکتب را منحیث یک بخش از اهداف انکشافی دوره هزار ساله برای سال ۲۰۱۵ برای سهم هدفمند شمولیت دختران به ٪۵۰ بدست بیاورند.
فشار ها که در قسمت تعلیم و تربیه دختران موجود اند ناشی از هردو عوامل جانبی عرضه و تقاضا میگردد، مگر این عوامل متقابلاً تقویت کننده هستند.

موانع گوناگون در راه رسیدن به این مقصد موجود اند. موانع از جانب عرضه قرار ذیل اند:

- ✓ عدم سهولت های مکتب، مخصوصاً در مکاتب دختران در ساحات مناطق دهاتی خاصتاً مکاتب ثانوی دختران کم و پراگنده اند.
- ✓ عدم امنیت که با مسافه بهم پیوست گردیده اطفال مخصوصاً دختران را از دسترسی به تسهیلات مکتب ممانعت میکند.
- ✓ نبود معلمین اناث، خاصتاً در مناطق دهاتی
- ✓ نصاب تعلیمی که موعد آن سپری گردیده بشمول بازی نمودن نقش های نمایشی جنسیت
- ✓ ناکافی یا عدم سهولت های مکتب بشمول نبودن تهیه آب و سهولت های بیت الخلا
- ✓ از شمولیت عادی دختران متاهل جلوگیری بعمل می آید

عوامل گوناگون اجتماعی بالای شمولیت دختران در مکاتب تاثیر منفی دارد و علاوه بر این بالای میزان نگهداری ایشان وقتیکه آنها به سن بلوغ میرسند، نیز تاثیر منفی دارد و عوامل مذکور قرار ذیل اند:

- ✓ امنیت: مخالفین سیاسی حکومت موجوده، مکاتب دختران را مورد هدف قرار میدهند و حملات دهشت افگنی از قبیل بمباری یا به آتش کشیدن مکاتب و کمپاین بر ضد تعلیم و تربیه دختران.
- ✓ فقر: گرچه تعلیم رایگان است، مگر برای فامیل های بی بضاعت هزینه، یونیفورم مکاتب و قرطاسیه باب توام بازیان خانگی دختران/فعالیت های بدست آوردن عاید یک عامل باز دارنده در راه شمولیت آنها میباشد.
- ✓ ازدواج در سن کم و بار وری بیشتر به مفهوم اینست که ازدواج و مادری چنانچه در دختران به مشاهده رسیده است، فقط دورنمای پیشه، سبب شمولیت کم در مکتب میگردد و همچنان بالاثر میزان کم نگهداری باعث خارج شدن دختران متاهل از مکتب میگردد.
- ✓ والدین، خاصتاً برخورد منفی پدران در برابر تعلیم و تربیه دختران.

بر حسب نتایج پالیسی، مداخلات مورد ضرورت، چنانچه در مورد صحت، تامین صریح از زیربنائی تعلیمی هستند که تعمیرات و مکاتب جداگانه برای دختران، کتب درسی، مواد آموزشی، استخدام جدید و آموزش معلمین اناث انکشاف یک نصاب تعلیمی مربوط و تهیه آب کافی و تسهیلات بیت الخلا را در بر میگیرد. میکانیزم هایی که نه تنها شمولیت در مکتب را افزایش دهد، بلکه کیفیت تعلیم را نیز افزایش دهد، بسیار مهم اند و نگهداری شاگردان در مکتب نیز بی نهایت مهم خواهد بود. چنانچه در مورد

صحت، چیزیکه بسیار اهمیت دارد، اینست که چطور این مداخلات و پالیسی در زمینه تعلیم و تربیه صورت خواهد گرفت. دراینجا ضرور است که دو مسئله با هم مرتبط را مخاطب قرار بدهیم: (i) عدم تجانس برحسب منطقه، ساحات دهاتی/ شهری و (ii) از لحاظ کلتوری، وسایل رساندن خدمات تعلیمی را تهیه کنیم. مانند مداخلات مربوط صحی، تعلیم و تربیه نیز از طریق شیوه ئی که قریه آنرا بکار انداخته رسانده شده میتواند که سیستم های موجوده حکومت محلی و موسسات محلی را بکار میبرد، همانطوریکه سیستم های حسابدهی را بکار میبرد. در بین ابزاری که شاید به منظور فراهم آوری تعلیم و تربیه برای دختران در نظر گرفته شود، ابتکارات پول نقد و جنسیت مقید یا شرطی هستند. مثلاً در مورد شامل کردن و بعد ازان نگهداشتن دختران در مکتب یا به تعویق انداختن ازدواج همزمان با فرستادن دختران به مکتب ثانوی. به هر حال، قبل ازین، موجودیت مکاتب مناسب نیاز خواهد داشت که حمایت گردد تا از خطر سقوط نجات پیدا کند.



فصل چهارم

کار و استخدام

کار و استخدام

در خصوص گستره اقتصادی حیات، در آنجا پوتنسیال زیادی برای تساوی بیشتر فرصت ها بین زنان و مردان ما موجود است که باید درک یا به آن پی برده شود؛ زیرا زنان ما اکثراً نامرئی یا نادیدنی هستند و این به معنی آن نیست که آنها همیشه در نظر گرفته نشده اند یا محروم ساخته شده اند. در آینجا کاریابی در جامعه افغانی در حیات روزمره افغانان ناچیز است که به نحوی هر دو عضو اناث و ذکورش را در بر نمی گیرد. اما در آنجا یقیناً جای زیاد برای کار موجود است که باید انجام گردد، مگر ما واقعیت بین هستیم. این متضمن روشهای نوین، وسایل جدید، تکنالوجی های جدید خواهد بود و علاوتاً متضمن بعضی گرایش های جدید نیز خواهد بود.[91]

اقتصاد افغانستان دایم بر مبنای زراعت استوار بوده و این تخمین گردیده است که تا ٪۸۰ نفوس افغانستان در مناطق دهاتی بسر میبرند. که تا سال ۲۰۰۳ تخمین زده شده که آنها در حدود ٪۵۳ در تولید ناخالص داخلی و ٪۶۷ در کار فزیکی سهم میگرفتند، زراعت (بشمول حاصلات زراعتی، مواشی، جنگلداری و ماهی گیری) در اقتصاد افغانها جایگاه مرکزی دارد.[92] زراعت و فعالیت های مربوطه آن یک وسیله بزرگ برای سهمگیری زنان در اقتصاد میباشد. تولید عمدتاً در تحت تسلط مربوط معیشت فامیلها با تقسیم بندی کار مبنی بر سن و جنسیت که بصورت درست و دقیقاً تعریف و تصریح گردیده میباشد. موقعیت ها، جمع آوری نمونه حاصلات، وابستگی قومی، اقتصاد و سابقه تعلیمی نیز جهت، تقسیم بندی مشخص کار در یک خانواده معین و مشخص تاثیرات چند بعدی دارد، زیرا قریه جات نسبت به سهم زنان در زراعت از هم فرق میکنند. سبزیکاری بصورت عموم نسبت به تولید غله جات زنان را بیشتر درین پیشه دخیل میسازد و خانواده های فقیر نسبت به خانواده های ثروتمند به شمولیت بیشتر زنان در فعالیت های بدست آوردن عاید ضرورت دارند.

---

[91] چارچوب انکشاف ملی، صفحه ۱۳

[92] بانک جهانی، ۲۰۰۴

این فصل سهم زنان را در زراعت و تولید مواشی و تغییر منطقوی مورد بحث قرار میدهد و علاوه بر این سایر فعالیت های تولید عاید توأم با فکتور های مختلف اجتماعی را که ایشان را متاثر میسازد، نیز مورد بحث قرار میدهد. آشکار گردیده است که زنان در کلیه ابعاد تولید زراعت یک نقش مهم را بازی میکنند-در مناطق معین نهاده زمانی زنان با نهاده زمانی مردان یا بعباره دیگر نیروی مصرف شده زمانی زنان یا نیروی مصرف شده زمانی مردان مساوی اند، در حالیکه در مناطق دیگر عنعنات، فعالیت زنان را به امور منزل که شامل رسیده گی به وضع غله جات، حفظ، نگهداری و مراقبت خانه، و فعالیت های مربوط به اولاد داری است، محدود میسازد. در بسیاری حالات فعالیت زنان وجه پولی و عایداتی نداشته یعنی با پول معامله نمی شود. ولی در تعدادی از موارد آنها در کار تولیدی برای مارکیت ها چون جمع آوری میوه خشک، تریاک، چوب سوخت (هیزم)، لبنیات، و صنایع دستی حصه میگیرند و سهم شان چشم گیر میباشد. اشتغال زنان در سکتور رسمی خاصتاً در بخش خدمات ملکی چون صحت عامه و معارف از سال ۱۹۶۰ باینطرف رو به افزایش است. در حال حاضر، تقریباً یک ثلث معلمین مکاتب از زنان تشکیل شده است و با ازدیاد تعداد شاگردان جدید الشمول اناث در مکاتب، البته به تعداد بیشتر معلمین اناث ضرورت میباشد. در سکتور صحت، حدود ۴۰٪ مؤسسات صحی با کمبود کارمندان زن مواجه است. که اگر کمبود تسهیلات صحی در دهات به آن علاوه شود، مانع عمده در برابر عرضه خدمات ضروری صحی به نیمی از نفوس اناثیه کشور میگردد.[۹۳]

بر خلاف موارد صحت و معارف، وضع اشتغال و جنسیت (زن و مرد) در افغانستان شباهت نزدیک به سایر کشور های جنوب آسیا چون پاکستان و هندوستان میرساند. میزان سهم زنان افغانستان در کار های اجرتی ۳۵.۸٪ با سایر کشور های منطقه قابل مقایسه است. این میزان نسبت به کشور های بنگله دیش ۴۲.۵٪، نیپال ۴۰.۵٪، سریلانکا ۳۶.۹٪ در سطح نازل قرار دارد، ولی در مقایسه با کشور های هند ۳۲.۵٪ و پاکستان ۲۹.۵٪ میزان بالا دارد.[۹۴] گرچه توزیع ارقام استخدام سکتوری نظر به جنسیت (زن و مرد) در دست نیست، احتمال میرود این میزان بلند اشتغال زنان در کار اجرتی بنابر ضرورت اقتصاد گله داری و زراعتی بوجود امده است. دوم، فقر است که زنان را به کار و اشتغال اجرتی در افغانستان میکشاند؛ چنانکه در سایر کشور های جنوب آسیا دیده میشود، میزان بالای فقر بدون شک موجب میزان بالای سهمگیری زنان در کار و اشتغال اجرتی شان گردیده است.

---

[۹۳]منابع: ارزیابی آسیب پذیری ملی(NRVA)ز سال ۲۰۰۳ ارقام برای ۱۸۵۰ قریه تقریباً در کلیه ولسوالی ها در کشور را فراهم میسازد، به استثنای ساحات محدود در جنوب که نظر به دلایل نا امنی این مناطق تحت پوشش قرار نگرفته است. این ارقام یک منبع برای گروپ زنان مالیتا در کار میباشد: جنسیت، ثروت، مزد ها، و استخدام در دهات افغانستان ۲۰۰۲-۲۰۰۳. این اطلاعات جامع با یک تعداد از سروی ها و مطالعات ژرف از ساحات محدود جغرافیوی تحت پوشش تکمیل گردیده است، مانند شبکه مطالعات موردی، مطالعات که منجانب داکار (لغمان، غزنی، و جاجی) به اجرا گذاشته شده، مطالعات افغان اید در بدخشان و مطالعات در ارتباط به اقتصاد خاشخاش (کندهار و بدخشان) و مطالعات موردی ویلی در ارتباط به مناسبات زمین در بامیان به معرض اجرا گذاشته شده است. مطالعات آسیب پذیری شهری از ساحات نهایت محدود تحت پوشش جمع سروی مارکیت های کوچک که تصویر این مطالعات را تکمیل مینماید، به عمل آمده است.

[۹۴]بانک جهانی، SIMA

زراعت واشتغال زنان

در قریه جات و مناطق روستائی افغانستان، مانند سایر کشور ها در منطقه، زن و مرد هر کدام نقش خاص خود را در اقتصاد دهاتی بازی میکنند. شواهد سروی ها در لغمان، غزنی، بدخشان، بامیان، پکتیا، هلمند، فاریاب و سر پل نشان میدهد[۹۵] که زنان و دختران در یک تعداد از کار های زراعتی، از آماده ساختن زمین (کرد) برای بذر تخم، خیشاوه، سبزی کاری و غرس درختان میوه دار گرفته تا فعالیت های بعد از جمع آوری حاصلات چون شستن، خشک کردن سبزیجات، میوه جات و خسته باب برای مصارف خانگی و توزیع به مارکیت سهم میگیرند. ضمن یک سروی در بدخشان،[۹۶] مشاهده شده که زن ها تقریباً ٪۳۷ کار خانواده گی را عهده دار میباشند. در حالیکه مرد ها فقط ٪۱۵ آنرا اجرا مینمایند. دختر ها ٪۲۷ و بچه ها ٪۲۱ کار خانواده را اجرا مینمایند. در قسمت فعالیت های زراعتی، سهمگیری مردان و زنان از نقطه نظر صرف وقت تقریباً ارزش مساوی دارد. مگر طوریکه زنان بیشتر در امور خانه داری میپردازند، مردان بیشتر در امور زراعتی و مالداری سرو کار داشته میباشند. تفاوت های زیادی نظر به منطقه وجود دارد. اما در مجموع در بدخشان زن ها نسبت به ولایات جنوب و شرق نقش عمده ای در تولیدات زراعتی و حیوانی بازی مینمایند. بدخشان ولایتی است که از حیث تساوی حقوق مرد و زن نسبت به اکثر ولایات دیگر پیشرفته تر شناخته میشود.

مطالعه ئی که در باره بدخشان انجام گردیده نیز به این مطلب اشاره میکند، که ماهیت فعالیت های زراعتی مردان و زنان از هم متفاوت اند که احتمالاً به دیگر مناطق نیز قابل تطبیق خواهد بود. فعالیت زنان از قبیل آماده ساختن زمین، نهال شانی/کشت و بکار بردن کود کیمیاوی وظایف همزمان هستند و معمولاً در یک وقت محدود انجام میگردند. در مقایسه، فعالیت های زنان از قبیل خیشاوه نمودن فعالیت های متواتر روزمره ایشان میباشند، که از زمان کشت کردن تخم تا به خرمن کردن و درو کردن فصل دوام پیدا میکند. با وجود اینکه عین وقت در فعالیت های زراعتی بمصرف میرسد، به صورت عمومی کار های زنان کمتر آشکار و بمقایسه کار های مردان دارای ارزش کمتر پنداشته میشوند. تولیدات زنان نسبت به فروش آن ها اکثراً مبادله میگردد و این امر به حیث یک علت و یک نتیجه سهم کمتر آنها در اقتصاد روستائی میباشد. این نوع گرایش حتی به تعداد از محصولات که توسط زنان تولید گردیده وسعت پیدا میکند که تنها به جنسیت متبادله شده میتواند، مگر فروخته شده نمی تواند؛ زیرا فروختن آنها یک عمل ننگین پنداشته خواهد شد. عدم روابط تبادله پولی بین خانواده نیز در شبکه سازی و انسجام نقش دارد و به این ترتیب یک جنبه از انکشاف سرمایه اجتماعی میباشد.

---

[۹۵] سلسله مطالعات موردی منجانب اداره ریسرچ و ارزیابی افغانستان (, Adam Pain AREU) and Alice Kerr Wilson ۳۰۰۲، مطالعات ستراتیژی از جانب برنامه کنترول مواد مخدر ((UNDCP و ۴ &۶ ,David Mansfield ۱۰۰۲ Wilding John ؛ و ,.Moghadam, S- Azarbaijani ۲۰۰۲؛ ، دفتر ارزیابی ستراتیژیک. ۲۰۰۱، .(Christoph Klinnert (ed ۷۹۹۱, (Christoph Klinnert (ed ؛ Probably ۷۹۹۱ a) N.d. .(Azarbaijani-Moghadam, S. (ed ؛ Jo Grace ۸۹۹۱ b ؛(۴۰۰۲

[۹۶] افغان اید، ۲۰۰۱، سروی در اشکاشم، وردج و ولسوالی ارگو به راه انداخته شده است.

یک تحقیقی که در مورد سه قریه در ولایت لغمان صورت گرفته، کار زنان را در یک موقعیت دیگر منطقوی نشان میدهد و اگر چه تصویر کلی باهم شباهت دارد، با این هم در آنجا در اندازه سهمگیری زنان تفاوتهای محلی دیده میشود.[۹۷] یک ترکیب از فکتور ها دریافت گردید، که مشارکت زنان را در تولید زراعتی نه تنها درین قریه جات مشخص تحت تاثیر قرار میدهد، بلکه زنان در خانواده های فقیر یا خانواده های که نسبتاً تعداد کمتر کارگر /اعضای نان آور کمتر دارند، متمایل اند که بیشتر در کار های زراعتی بیرون از خانه مشارکت کنند. اگر نیازمندی بقدر کافی بیشتر باشد، زنان باوجود نورم های متداول یا رایج اجتماعی، شاید در زمین های دیگر مردم حتی به شکل کار اجرتی اشتغال ورزند. این یک پدیدهء نوین نیست بلکه برای سالیان متمادی در خانواده های فقیر یک حق انتخاب بوده است.

بسا سروی های کوچکتر و تحقیقات نمونه ئی نشان داده است که زنان به یک طریقه مهم و مؤثر در عاید فامیلی سهم میگیرند- لاکن تفاوتهایی که بین مناطق و گروپهای عایداتی موجود اند، آنقدر زیاد اند که از کلیت ها یا اطلاقهای عام بسیط باید اجتناب شود. در حال حاضر، سروی ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA) یک اساس مقداری وسیعتر را جهت تحلیل فراهم می آورد. در سال ۲۰۰۳ طبق گزارش ملتا (Maletta) ٪5.5 از گروپ های ثروتمند،[۹۸] که در طی سال گذشته در بعضی فعالیت های سودمند (به استثنای نگهبانی منزل و سایر فعالیت های غیر اقتصادی، سهم گرفته اند که شامل غذا در برابر کار یا سایر فعالیت های امدادی)، با بلندترین فریکانس در شمال، شمال شرق، و غرب میباشد. یک نظر دقیق به ارقام آشکار میسازد که اوسط ها نظر به تفاوت های بزرگ آموزنده یا آگاهی بخش نیستند-از تقریباً ٪۸۰ یا بیشتر از ان زنان در شمال، شمال شرق و غرب نسبت به زنان در جنوب ٪۱۴ در صد کمتر است.

ساختار فرصت ها و نورم های کلتوری

نقش زنان در تولید زراعتی تا اندازه زیاد بوسیله دوره حیات خانواده، موقعیت کشت زار های خانواده و دیگر کار های تولید مجدد و تولیدی زنان مشخص گردیده است، که در طی سال زراعتی زنان بعهده میگیرند. موجودیت کار کافی در خانواده اکثراً بدان معنی بوده میتواند که به زنان ضرورت نیست که در زراعت بیرون از محوطه فامیل سهم بگیرند. به هر حال، به بیوه ها، زنانی که اطفال خرد سن دارند، یا دخترانیکه عروسی کرده اند، ضرورت خواهد بودکه خاصتاً در کار محصولات زراعت کمک نماید.[۹۹] این مشاهدات و ملاحظات وسیعاً در مطالعه نقش های جنسیت در زراعت تائید گردیده است، که در پنج قریه در ولایات فاریاب و سر پل، جائیکه گریس (Grace) این مطلب را به اختصار بیان میدارد، "هر قدر که یک خانواده غنی تر باشد، به همان اندازه تعداد زنانی که در زمین کار کنند، کمتر اند. همچنان طوری وانمود میگردد که کار کردن در زمین به زنان یک لکه بدنامی پنداشته می

---

[۹۷] کیپر ویلسن و پین، ۲۰۰۳

[۹۸] برنامه ارزیابی آسیب پذیری ملی ۱۸۵۰ قریه در تقریباً کلیه ولسوالی های کشور را تحت پوشش قرار میدهد. در هر قریه برنامه آسیب پذیری ملی در سه سطح ارقام را جمع آوری مینماید: قریه جات، هر سه گروپ های ثروت و خانواده ها را در بر میگرد. مجموع ارقام کمپیوتری مشتمل بر اطلاعات در باره ۱۸۵۰ قریه و ۵۶۰۰ گروپ های ثروت و تقریباً ۱۳۰۰۰ خانواده میباشد.

[۹۹] مطالعات ستراتیژیک شماره ۶.

شود، قسمیکه این توضیح میدارد، فامیل متذکره فقیر است".[۱۰۰] این مشاهده یا ملاحظه که در سرتاسر افغانستان اعتبار عمومی دارد، بصورت مصؤن پذیرفته شده میتواند.

با برنامه خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA) اکنون ارقام زیاد در دست است که نمای عمومی شرایط را که از مطالعات جداگانه در سطح ولسوالی های مختلف بوجود آمده است، در معرض دید قرار میدهد . در تمام ولسوالی ها و در تمام گروپ های اجتماعی این مفهوم قبول شده است که مرد نان آور خانواده است و زن سر پرستی کار خانه را عهده دار میباشد. با آنهم، بسیاری از خانواده ها به این مفکوره بسنده نمی کنند و زن باشکال مختلف در امور فامیلی و اداره آن سهم میگیرد. اما این مفکوره در گروپ های ثروتمند جداگانه، متناسب به سودمندی کار زن به اندازه های مختلف انعکاس میابد. در گروپ زن های فقیر این مفکوره انعکاس بیشتر دارد، مثلاً ٪۶۰ در مقابل ٪۴۶ در گروپ زن هاییکه زنده گی نسبتاً بهتر دارند. این فیصدی در مناطق شمال و شمال غرب نسبت به سایر مناطق میزان خیلی بالا دارد. بعضی از کار های خاص مثلاً "خدمتگاری در خانها در گروپ های بسیار فقیر تمرکز یافته است. سایر فعالیت ها قریباً به شکل مساویانه در بین تمام گروپ های تمول دیده میشود.[۱۰۱]

یک نسبت معکوس در میان تمول و کار ملاحظه میشود مثلاً فریکونسی کار بالا میرود در حالیکه درجه تمول پائین میآید یا به عباره دیگر هرچه فقیرتر، کار بیشتر و هر چه متمول تر کار کمتر . مگر بعضی کار ها یا پیشه هایی هم هست که روند معکوس دارند. یعنی اکثراً توسط گروپ های متوسط یا بالائی تمول اجرا میگردند؛ مثلاً سوزن دوزی یا خیاطی البسه. بدینطریق یک نوع طبقه بندی کار ها بین گروپ های بالائی تمول و پائینی آن یعنی طبقه بسیار فقیر وجود دارد. سوزن دوزی (چکن دوزی) سه مرتبه بیشتر در طبقه متمول تا طبقه بسیار فقیر رواج دارد . در حالیکه "خدمتگاری در خانه ها" پیشه خاص طبقه بسیار فقیر می باشد. در مقابل یکصد گروپ بسیار فقیر که این کار را میکند، فقط شش گروپ متوسط به ملاحظه رسیده است. یعنی یک در مقابل ۱۶.

در تعریف "فعالیت اقتصادی"[۱۰۲] فعالیت هایی چون تبادله کار و محصولات (رایگان) میان خانواده ها که مخصوصاً زن ها دران دخالت دارند، مستثنی شده است و چنان معلوم میشود که کار های بعد از جمع آوری حاصلات (خشک کردن/پاک کردن/نگهداری) که معمولاً زن ها انجام میدهند، و نقش مهم زن در جنوب، در جمع آوری حاصلات کشت خاشخاش که خانواده ها آنرا اجراء میکند و دران سه وقت غذا بجای مزد کار روزانه آنها میباشد، نیز مستثنی شده است. جدول نمبر ۱۲، وسیعاً

---

[۱۰۰] جو گریس، ۲۰۰۴

[۱۰۱] مالیتا، ۲۰۰۳، صفحه ۱۲-۱۰، جدول ۱۰.۲-۱۰.۹

[۱۰۲] "عالیت اقتصادی" با شاخص های استفاده از استخدام با مراجعت نمودن به جستجوی فعالیت ها و به معرض اجرا گذاشتن هر گونه کار به منظور هدایت نمودن به درامد پولی و یا (منحیث یک مورد خاص) و امرار معیشت از طریق زراعت و حتی در صورتیکه محصولات برای فروش نباشند، مالیتا (۲۰۰۳)، پاورقی ۱. صفحه ۹).

جدول ۱۲: سهم گیری زنان در امور مختلف عایداتی در سالهای ۲۰۰۲-۰۳ (به فیصدی)									
	هرکار دیگر	درو یا جمع آوری حاصلات	کار های دهقانی یا زراعتی	سوزن دوزی (چکن دوزی)	کار های دستی	بافت	خیاطی	خدمتگاری در خانه ها	هیزم کشی
محل	۵۵.۵	۶.۲	۱۱.۹	۹.۳	۱۳.۰	۱۷.۸	۲۰.۸	۱۱.۷	۹.۱
شمال	۹۰.۲	۲.۳	۲۰.۳	۱۹.۳	۲۴.۴	۴۲.۱	۲۷.۹	۳۰.۱	۲۱.۸
شمال شرق	۸۰.۹	۱۳.۰	۲۱.۱	۲۰.۴	۱۳.۸	۱۹.۲	۲۸.۵	۱۸.۸	۶.۸
غرب	۷۹.۹	۴.۱	۸.۱	۶.۸	۵.۸	۴۶.۵	۲۱.۶	۱۲.۰	۴.۵
غرب مرکزی	۴۵.۰	۶.۱	۶.۹	۳.۰	۱.۳	۱۷.۷	۱۳.۹	۸.۷	۲.۶
مرکزی	۳۳.۸	۷.۱	۸.۳	۶.۵	۴.۳	۹.۲	۱۶.۹	۳.۲	۳.۴
جنوب	۱۳.۷	۰.۱	۱.۶	۲.۲	۲.۷	۲.۵	۸.۱	۱.۴	۲.۱
شرق	۳۹.۰	۱۵.۸	۲۱.۳	۰.۷	۰.۱	۰.۰	۳.۳	۱۱.۸	۲۳.۸
جنوب غرب	۵۲.۷	۰.۰	۰.۲	۸.۹	۵۰.۵	۰.۲	۴۶.۹	۰.۲	۰.۰

فقط کار های که به تکرار دیده میشوند گرفته شده است. نهال شانی، آبیاری، شبانی، جمع آوری گیاهان وحشی غیر از چوب فقط در چند مورد گرفته شده اند.

منبع: مالیتا، ۲۰۰۳

فعالیت های اقتصادی منطقوی زنان را مخصوصاً در جنوب که فعالیت زنان در چهار دیواری خانه محدود شده است، نشان میدهد. در حالیکه تناسب نسبی منطقوی در جدول واقعی می نماید، قیمت های مطلقه جدول، کار مفید زنان را البته انچنانیکه هست، در معرض دید قرار نمی دهد.

کشت میوه جات: نوع نبات و درخت یک منطقه در سهم گیری زنان در کار تولید محصولات زراعتی تأثیر بسزا دارد. تولید غله جات سهم کمتر زنان را ایجاب میکند، در حالیکه باغداری (چون سبزیجات، خربوزه و غیره)، میوه جات و خسته باب در مجموع مستلزم کار و زحمت زیاد زنان و دختران میباشد. اینها اقلام صادراتی مهم هستند که تقریباً نیمی از عواید صادراتی کشور را در سال ۱۹۷۰ که افغانستان یک کشور صادر کننده بزرگ میوه جات خشک بود، تشکیل میداد.[۱۰۳]

---

۱۰۳ افغانستان: سروی سکتور باغداری، سازمان غذا و زراعت FAO، ۲۰۰۳، صفحه ۲۲

چوکات نمبر ۶: کشت آلو بالو در غزنی

در ده حمزهء ولایت غزنی یک نوع آلو بنام آلوبخارا از محصولات سردرختی پر خرید یا پول آور است که تقریباً ۹۴٪ دهقانان آن را پرورش میدهند. حدود ۳۰٪ از زمین های قابل آبیاری با باغ های آلوبخارا، نسبت مفاد بالائی که دارد، پوشیده شده است. آن فامیل هایی که فاقد زمین هستند، تمام زن ها و دختر های جوان شان در فصل جمع آوری آلوبخارا، آلوچینی میکنند و این یگانه کاری است که قرار راپور، زنها ازان مزد دستیاب میکنند. سورت بندی و پروسس آلوبخارا، کار بسیار پرزحمت است. زن ها و دختر ها تمام روز از طلوع تا غروب آفتاب با دقت تمام آلو می چینند. زن ها شکایت داشتند ازینکه علاوه بر کار خانه دست هایشان تمام روز با شیره تیزابی آلوبخارا آلوده میباشد.[۱۰۴]

تریاک: در حال حاضر، تریاک از عمده ترین محصولات زراعتی تجارتی (پول ساز) در افغانستان است و زنان در شمال و شمال شرق افغانستان در تولید آن نقش بسیار مهم دارند. زنان در مراحل مختلف پرورش و بهره گیری از کشت خاشخاش، نقش خاص خود را ایفا مینمایند. چون کشت، خیشاوه، طاقه کردن، نیشتر زدن تخمدان، جمع آوری شیره (تریاک)، پاک کاری مزرعه، شکستن تخمدان و گرفتن دانه ها، پاک کردن تخم ها، و پروسس حاصلات جانبی چون تیل و صابون.[۱۰۵] نقش زنان در کشت خاشخاش نسبت به کشت مثلاً گندم بسیار با ارزش و برجسته است. زنان و اطفال هر دو از کار شان در جمع آوری تریاک در بدخشان مزد میگیرند.[۱۰۶] مگر در مناطق جنوب که محافظه کاری زیاد است و زمینداران بسیار متمرکز میباشند، نقش زنان در کار کشت خاشخاش تنها در پخت و پز و تهیه غذا برای کارگران اجیر سیاریکه کار جمع آوری محصول خاشخاش را میکنند محدود میگردد.[۱۰۷] اما در شرق و در جنوب جمع آوری تریاک، زمان کار تشدیدی هم برای زنان و هم برای مردان است. تهیه غذا و آب (چای) برای تعداد زیاد کارگران اجیر، بیش از حد به حجم کار زنان میافزاید.[۱۰۸]

قیمت نازل کار زنان سبب شده است که کشت گیاهان زراعتی پرزحمت چون خاشخاش[۱۰۹] برای خانواده ها یک امکان جالب باشد این کشت همچنان بصورت کار وسیع دوجانبه یا حشر نیز صورت میگرد. گرچه فکر میشود که زحمت کار حشر را مستقیماً

[۱۰۴] Klinnert, ۱۹۹۷a

[۱۰۵] مطالعات ستراتیژیک ۴ و ۶

[۱۰۶] بدخشان سروی جنسیت و برنامه ارزیابی در زمینه حساسیت جنسیت، اگست ۲۰۰۱، افغان اید.

[۱۰۷] Mansfield, ۲۰۰۲

[۱۰۸] ibid

[۱۰۹] مطالعات ستراتیژیک شماره ۶

مردان بدوش میکشند ولی زنان و اطفال خانواده هم در کار حشر فعالانه دخیل میباشند.[۱۱۰] بسیاری از زنان خود را با کار در زمین های خودشان، در زمین های اقارب شان و تهیه غذا برای کارگران حشر با کار بیش از حد مواجه میبابند. در مناطق شرقی زن ها، کار کارگران روز مزد را نسبت به کار حشر ترجیح میدهد. زیرا در صورت کارگران اجیر خوراک تهیه نمی شود، در حالیکه کار حشر به تهیه خوراک ضرورت دارد.[۱۱۱] نقش اجتماعی زنان را از تنظیم کارحشر شان برای کشت خاشخاش، که کار بدون مزد را در کشت خاشخاش فراهم میسازد، میتوان به وضاحت ملاحظه نمود.[۱۱۲]

عایدات ضمیموی : معیشت اکثر خانواده های روستائی و دهاتی متضمن کار و اشتغالات گوناگون است. چون حصول غله جات، مالداری، چوب شکنی، مزدور کاری و فعالیت های خرد و کوچک دیگر و زنها اکثراً در فعالیت های اقتصادی و زراعتی نیز اشتغال میورزند. در قریه جات کوهستانی،[۱۱۳] مثلاً در لغمان بریدن چوب و فروختن آن یک شغل موسمی عمدهء برای مردان و هم برای زنان است و وسیله ایست برای عایدات خانواده در فصل زمستان.

همینطور، جنگل پسته که در زمین های دولتی در دشت های شمال میروید، مال عامه است و اقتصاد خانواده ها را از طریق کار دسته جمعی اعضای خانواده دران جنگل و جمع آوری پسته کمک مینماید. حکومت و اداره محلی رفتن مردم به جنگل را کنترول میکند و در وقت جمع آوری محصول (که شول پسته نامیده میشود :مترجم) اعلان میکند، تا تمام مردم قریه جات به جنگل رفته،

چوکات نمبر ۷: جمع آوری هیزم
در قریه C، غالباً زنان جوان و میانه سال سه ساعت تا محل چوب خشک میروند، چوب جمع میکنند، حدود ۸ تا ۹ سیر (۵۶ - ۶۳ kg) پشتاره می بندند و به قریه میاورند. جمع آوری چوب یک کار مشکل و طاقت فرساست که اکثر مردان ازان شانه خالی میکنند و ترجیح میدهند تا کار نسبتاً سبکتر در پاکستان بیابند. زن های سالخورده میل رفتن به جنگل را ندارند و در عوض دختران جوان و عروسان (سنوها) خود را برای جمع آوری چوب میفرستند. زن ها چوب را برای هیزم جمع میکنند و همانجا میشکنند، در حالیکه مرد ها شاخه ها و کنده های بزرگ را که در ساختن کلکین و دروازه بکار میرود، جمع آوری می نمایند.[۱۱۴]

---

[۱۱۰] اشر به کار مردمی بدون مزد ارتباط داده میشود. این یک سیستم معاوضه است حالیکه هرگاه یک نفر برای کسی دیگر کار نماید و دیگری انتظار برده میشود که اقدام به مثل یا جبران کردن آن را دریک وقت دیگر انجام دهد. کییر - ویلسن و پین، ۲۰۰۳، صفحه ۱۲)

[۱۱۱] مطالعات ستراتیژیک شماره ۵

[۱۱۲] مانسفیلد، ۲۰۰۲، صفحه ۱۱

[۱۱۳] بطور مثال دیده شود، کییر - ویلسن و پین، ۲۰۰۳ و کلینرت a۱۹۹۷، b۱۹۹۸

[۱۱۴] کییر - ویلسن و پین، ۲۰۰۳، صفحه ۲۳-۲۲

پسته بچینند. تمام مردان و بچه های جوان برای چندین روز پسته میچینند و در بازگشت به قریه زنان و اطفال، شب و روز کار میکنند تا پسته چیده شده را از پوست جدا و پاک شده آنرا در بازار به دلالان و تجاران بفروشند.[۱۱۵] بدبختانه، در نتیجه جنگ و خشکسالی گفته میشود که جنگلات پسته نابوده شده است.

مالداری : بسیاری از خانواده های روستائی و دهاتی برای مصارف خانواده گی خود چون گوشت، شیر، پشم، تخم وغیره و بعضاً هم برای فروش، احشام نگهمیدارند. اقتصاد شبانی (مالداری) سهم قابل ملاحظه ای در اقتصاد ملی دارد. زن ها و اطفال نگهبانان عمده حیوانات هستند. بچه ها حیوانات را به چراگاه میبرند و زن ها و دختر ها برایشان کاه یا علوفه تهیه میکنند. چون زن ها مسؤلیت عمده در قبال حیوانات را دارند، بناهای مالداری شان در اکثر نقاط در جنب و جوار خانه های مسکونی شان جا داده میشود تا از چوچه های نو تولد و حیوانات مریض مراقبت صورت گیرد و شیر دوشیدن و جمع آوری علوفه و در آخور کاه دادن و تغذیه کردن برایشان آسان باشد. در بعضی ساحات و مناطق کوهستانی شمال چون پنجشیر و بدخشان نقش زنان در اداره امور احشام خیلی فراتر رفته و بعضاً بدون فامیل جهت مراقبت از احشام و گرفتن محصولات شیری از آنها به چراگاه های تابستانی ییلاق میروند.[۱۱۶] اکثر خانواده های روستائی از خود حیوانات دارند.[۱۱۷] تولیدات عمده مواشی قبل از منازعه و خشکسالی از طرف کوچی های سیار صورت میگرفت که در آنها از لحاظ تقسیمات سن و جنسیتی کار، مشابه به مردم روستائی ده نشین تنظیم

چوکات نمبر ۸: زنان و مواشی

پروژه تندرستی احشام و اصلاح محصولات آن متعلق به سازمان غذا و زراعت (PIHAM/FAO) نقش و استعداد ها را در مرد ها و زن ها جهت پرورش احشام و خاصتاً استعداد زن ها را در تشخیص و معالجه حیوانات مریض پرورش داده است. پروژه متذکره که یک کورس تربیوی مقدماتی ویترنری را برای کارگرهای زن ترتیب داده بود، زن های دهاتی را بحیث یک قشر استفاده کننده و با استعداد در تربیه مواشی و بحیث متخصصین صحی آنها تشخیص داده است. علت آن البته مراقبت روزانه ایست که نه تنها از حیوانات مینمایند، بلکه توجه صمیمانه به صحت و تشخیص امراض در حیوانات از خود نشان میدهند. درس هایی که از پروژه فوق الذکر آموخته شده نشان میدهد که زنها در تربیت مواشی و مراقبت از آنها نقش مهم دارند و می توانند بالای رفتار شوهران و سایر اعضای خانواده خود در نگهداری و تربیه مواشی نیز تأثیر گذار باشند و روش آنها را تغییر بدهند.[۱۱۹]

[۱۱۵] مشاهدات خودی از ساحه کار در ولایت سمنگان ۷۹-۱۹۷۷

[۱۱۶] کندیوتی (۲۰۰۴ صفحه ۱۲) وضعیت مشابه برای پنجشیر هنگامیکه افغان اید گزارش از بدخشان را تهیه مینمود، را توضیح می نماید.

[۱۱۷] کلینرت، ۱۹۹۷b, ۱۹۹۷a و آذربایجانی مغدم، ۱۹۹۸

[۱۱۸] فیردیناند، ۱۹۶۹

[۱۱۹] هیل، ۱۹۹۷

میشد.[118] قبل از خشکسالی، اقتصاد شبانی با محصولات خود چون قالین، گلیم، پوست، پشم وغیره سهم قابل ملاحظه ای در اقتصاد ملی میگرفت. قالین و گلیم عمدتاً توسط زن ها تولید میگردید و زن ها در تولید پشم و پروسس یا آش دادن پوست و چرم و همچنان در ساختن پوش محافظوی ساسج از روده نقش برجسته ای از خود ایفا مینمایند.[120]

طبقه بندی حرفوی و اجتماعی

نوعیت کار، حرفه یا اشتغال زن ها از لحاظ وضع اقتصادی‌اجتماعی خانواده های آنها تعیین میگردد. دریکطرف طیف، وضع اقتصادی‌اجتماعی زنهای بسیار فقیر قرار دارد، که به کار های دستی زراعتی و مزدوری بیرون از خانه اشتغال داشته میباشند (هرگاه موجود باشد) و در سر دیگر طیف، زن ها از فامیل های برتر که سروکار شان با کارهای نشسته و خانگی میباشد، قرار گرفته اند.[121] در مجموع، یک سروی جدید نشان میدهد که بیشتر از ۵۵٪ زن ها دریک نوع فعالیت های اقتصادی اشتغال دارند و تفاوت بین گروپ های تمویل که زنان تحت آن در کار ها و اشتغالات مختلف سهم میگرند، نسبتاً کم میباشد (حدود ۴۶٪ در قسمت

جدول ۱۳: کار زنان نظر به گروپ ثروت

زنان که اقلاً در یکی از فعالیت ها حصه میگرند

	جمله	جمله گروپ تمول		
		متوسط/بهتر	فقیر	بسیار فقیر
جمله	۵۵.۵	۴۶.۳	۵۹.۸	۶۰.۶
شمال	۹۰.۲	۷۹.۶	۹۶.۱	۹۵.۰
شمال شرق	۸۰.۹	۶۷.۱	۸۶.۶	۸۹.۳
غرب	۷۹.۹	۷۷.۳	۸۳.۲	۷۹.۱
غرب مرکزی	۴۵.۰	۴۲.۱	۴۲.۳	۵۰.۶
مرکزی	۳۳.۸	۲۲.۷	۳۸.۵	۳۹.۹
جنوب	۱۳.۷	۹.۸	۱۵.۶	۱۵.۶
شرق	۳۹.۰	۱۶.۵	۴۹.۱	۵۱.۴
جنوب غرب	۵۲.۷	۵۲.۸	۵۲.۵	۵۲.۸

منبع : مالیته، ۲۰۰۳

[120] برای استفاده نمودن به اروپا صادر گردیده است، ۲۰۰۴، صفحه ۲

[121] گریس، ۲۰۰۴

زنان متمول و ٪۶۱ در قسمت زنان بسیار فقیر).[۱۲۲]

یک رابطه معکوس بین تمول و کار وجود دارد، مثلاً تکرار کار افزایش میآبد در حالیکه ثروت یا تمول کاهش مییآبد. اما بعضی از فعالیت ها روند معکوسی دارند، آنها بیشتر از طرف انانی صورت میگیرد که سطح ثروت یا سرمایه بالاتر دارند و بنا بران یک طبقه بندی بین فعالیت های متعدد وجود دارد و سوزن دوزی سه مرتبه بیشتر در میان زنان ثروتمند رواج دارد، در حالیکه خدمتگاری در خانه ها مخصوص فقراست و ۱۶ مرتبه بیشتر از ثروتمندان در فقرا مروج میباشد. از بافت و صنایع دستی تقریباً بصورت مساوی در تقسیم بندی اقتصادی‌اجتماعی کار گرفته می شود و از فعالیت دلخواه زنان میباشند (چون دختر در هر حال باید کار سوزن را جهت جهیزیه خود یاد داشته باشد) و یک کار پسندیده اجتماعی و پول آور شمرده میشود. کار در کشت زار ها، جمع آوری هیزم، و خصوصاً خدمتگاری در خانه ها کار مخصوص طبقه بسیار فقیر است که نسبت احتیاج شان انجام داده میشود. دو کار اول فراتر

جدول ۱۴ : درجه بندی اجتماعی کارهای عایداتی زنان در ساحات روستایی

نسبت میزان سهمگیری (بهترها - بسیار فقیر)

	سوزن دوزی	خیاطی	بافت	صنایع دستی	جمع آوری حاصلات	دیگر کار های دهقانی	جمع آوری هیزم	خدمتگاری در خانه ها
جمله	۳.۱۶	۲.۳۴	۱.۱۹	۱.۰۴	۰.۳۰	۰.۲۸	۰.۲۱	۰.۰۶
شمال	۷.۷۷	۳.۷۴	۱.۴۳	۱.۷۵		۰.۲۵	۰.۰۶	۰.۰۴
شمال شرق	۴.۳۵	۶.۱۳	۰.۷۳	۰.۵۴	۰.۴۶	۰.۲۹	۰.۵۰	۰.۰۲
غرب	۱.۶۸	۶.۴۷	۱.۱۵	۰.۹۹	۰.۱۲	۰.۵۸	۰.۰۶	۰.۰۳
غرب مرکزی		۵.۰۷	۲.۷۹			۰.۱۳		
مرکزی	۰.۹۵	۰.۸۵	۰.۷۰	۰.۹۲	۰.۳۲	۰.۲۴	۰.۴۶	۰.۲۵
جنوب	۰. ۸۳	۰.۹۴	۰.۸۵	۰.۵۷		۰. ۱۴	۰.۲۸	۰.۲۵
شرق		۲.۹۷			۰. ۳۲	۰.۲۷	۰.۳۵	۰.۲۴
جنوب غرب	۱.۱۳	۱.۰۹		۰.۹۷				

ارقام، تناسب فیصدی کار زنان گروپ های جداگانه را بین طبقه متوسط /فقیر و بسیار فقیر نشان میدهد. رقم بالاتر از ۱ تکرار (فریکونسی) کار زن های طبقه بالاتر است در حالیکه پائینتر از ۱ تکرار (فریکونسی) کار در طبقه زن های بسیار فقیر میباشد. از طبقه متوسط غریب یعنی فقرا درین اشارات صرف نظر شده است ارقام وقتی نشان داده شده اند که هر دو گروپ نهایی از خود راپور ارائه داشته اند.

منبع : مالیته، ۲۰۰۳

[۱۲۲] مالیتا، ۲۰۰۳

از کار معمول و روزانه زن هاست و ایجاب میکند که در حیطه فعالیت های معمول مردان باشند و کار سوم مشمول یک نوع اجبار و بنده گی و دون پایگی است و از نظر اجتماعی یکنوع تحقیرشمرده میشود.

خلای اجرت از دیدگاه جنسیت

تقریباً هیچ اقتصادی نیست که بین زن و مرد اجرت مساوی قایل باشد ولو در مقابل کار مساوی و افغانستان ازین امر مستثنی نمی باشد. در زراعت، زن تنها قسمتی از اجرت مرد را دریافت میدارد، حدود ٪۵۰ تا ٪۶۰ در مقابل یک کار مشخص. برنامه خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA) معلومات مفیدی درین باره ارائه میدارد. این خلای اجرت نشان دهنده ارزشی است که بکار زنان و به جو اجتماعی فقر زنان داده میشود؛ مثلاً حالاتیکه زن نان آور خانه یا سر پرست فامیل میباشد.

نتایج سروی برنامه خطر و آسیب پذیری ملی نشان میدهد، که نسبت اجرت میان زن و مرد در کشت کاری ٪۵۱، در جمع آوری حاصلات ٪۶۱ و در سایر کار های زراعتی ٪۵۰ است. در صورت اشتغالات غیر زراعتی، اجرتیکه برای زن در کار صنایع دستی میدهند، تقریباً ٪۴۱ معاش مرد میباشد و در بافنده گی این نسبت ٪۵۳ است. برای مرد در بافندگی روزانه ۱.۱۷ دالر امریکائی میدهند، در حالیکه برای زن ۰.۶۲ دالر امریکائی داده میشود. یک زن که چوب یا هیزم جمع آوری میکند برایش ٪۵۳ مزد مرد پرداخته میشود. یعنی ۰.۸۱ دالر فی روز برای زن و ۱.۵۴ دالر فی روز برای همکار مردش. در کار های خانگی برای زن ها حتی از اطفال هم کمتر اجوره داده میشود. مثلاً بطور متوسط برای زن ۰.۵۹ دالر فی روز و برای طفل که عین کار را انجام میدهد ۰.۷۴ دالر

جدول ۱۵: اجرتهای روزانه برای مردان، زنان واطفال، ۲۰۰۳ (دالر آمریکایی فی روز)

	کاشتن	جمع آوری حاصلات	دیگر کار های زراعتی	صنایع دستی	بافت	جمع آوری هیزم
مرد ها	۱.۶۹	۲.۰۸	۱.۸۶	۱.۶۳	۱.۱۷	۱.۵۴
زن ها	۰.۸۶	۱.۲۶	۰.۹۳	۰.۶۶	۰.۶۲	۰.۸۱
اطفال (۱۴-۶)	۱.۲۲	۱.۰۵	۰.۹۰	۰.۸۴	۰.۸۱	۰.۷۲

منبع : مالیته، ۲۰۰۳

جدول ۱۶ : اجرت های غیر زراعتی برای زنان ۲۰۰۳ (دالر آمریکایی فی روز)								
	کار خانگی	صنایع دستی	بافت	سوزن دوزی	خیاطی	کار های دیگرجمع آوری		کار
						چوب	دیگران	
افغانستان	۰.۵۹	۰.۶۶	۰.۶۲	۰.۸۴	۰.۹۱	۰.۸۱	۰.۶۶	۰.۴۱
شمال	۰.۴۴	۰.۵۲	۰.۶۲	۰.۶۴	۰.۶۲	۰.۴۳	...	۰.۲۲
شمال شرق	۰.۶۸	۰.۸۶	۰.۸۲	۰.۹۲	۱.۱۳	۱.۵۳	...	...
غرب	۰.۳۸	۰.۴۰	۰.۴۷	۰.۲۸	۰.۵۹	...	۰.۷۶	...
غرب مرکزی	۰.۳۲	...	۰.۴۰	...	۰.۷۱	...	...	...
مرکزی	...	۱.۲۸	۱.۲۰	۱.۲۸	۱.۵۳	...	...	
جنوب	...	...	...	...	۱.۷۵	۱.۰۳	...	...
شرق	۱.۱۹	...	...	...	...	۱.۰۶	...	...
جنوب غرب	...	۰.۵۸	۰.۴۲	۰.۵۹	۰.۶۳			

منبع : مالیته، ۲۰۰۳

فی روز پرداخته میشود. کدام توضیح روشن که چرا چنین است موجود نیست، ممکن بخاطر این باشد که اطفال در گشت و گذار خود جهت کاریابی کمتر مقیدند تا زنان. یک زن که برای کار خانگی از طرف دیگران استخدام میشود ۲۸٪ کارگر (مرد) ساختمانی و ۴۱٪ کارگر (مرد) شبانی را حاصل مینماید.

حق مالکیت و کنترول بالای منابع

نرخ بالای سهمگیری در کار تشدیدی، به زن ها حق کنترول بالای منابع و دسترسی به حق مالکیت را خود بخود تفویض نمی نماید؛ چنانچه در بسیاری از قریه جات کوهستانی منجمله لغمان[۱۲۳] دیده میشود، فعالیت های اقتصادی زنان در قریه بالای همه آنهاییکه در اقتصاد خانه سهم میگیرند و عواید حاصله در کنترول مرد میباشد، (فعالیت های که اساساً زن در کار آن سهم میگیرد)، تقسیم میگردد و آن فعالیت هاییکه پول یا عاید میآورند، عاید آن از طرف خود زن کنترول میشود، مصرف عاید از محصولات زراعتی، اگر موجودباشد در اکثر فامیل ها از صلاحیت مردان است. مطالعات افغان اید در بدخشان میگوید با آنکه مرد و زن به

[۱۲۳] بطور مثال دیده شود کیر-ویلس و پین، ۲۰۰۳، و کلینرت، ۱۹۹۷ الف، ۱۹۹۷ ب

یکسان وقت خود را در کار زراعتی و مالداری بمصرف میرسانند، کنترول - مصرف درآمد ها و عایدات حق ویژه یا انحصاری مرد میباشد. عین چیز در مورد عایدات از فروش پشم که منبع مهم درجه دوم عاید در قریه جات کوهستانی لغمان شناخته شده است، صدق مینماید. به عین شکل، مواشی هم یا در اختیار خانواده (مال مرد و زن هردو) است و یا در اختیار مرد میباشد. تنها مرغ است که قرار راپور داده شده عملاً منحصر به زنها میباشد.[۱۲۴]

عادات و عنعنات محلی در قسمت میراث زن از قوم بقوم و از محل تا محل فرق میکند. در یک مطالعه مناسبات زمین در ولایت فاریاب،[۱۲۵] ویلی، می نویسد: در حالیکه میراث زنان در بین قوم تاجک به ثبت رسیده است، هیچ واقعه میراث بیوه ها چون خانه یا زمین در قوم عرب و پشتون به ملاحظه نمی رسد. ملکیت زمین زنان در قوم ازبک معمول نیست. از جانب دیگر، ملکیت زنان در ولایت لغمان معمول است و چنانچه از یک مطالعه سه قریه در الینگار برمیآید،[۱۲۶] حدود ٪۵۰ ملکیت زمین با زن ها تعلق دارد که از میراث به آنها رسیده است. واقعیت اینست که زن ها کنترول کمتر بالای زمین دارند. به شکل بالاستحقاق یا بالارث زنان دارای حق مالکیت زمین هستند، مگر در عمل یا بالفعل وضع طوریست که زن ها خیلی کم ازین حق مالکیت خود استفاده میکنند. چه در صورت استفاده از مالکیت، بسا امتیازات دیگر فامیلی را از دست میدهند و این وضع بیشتر در ولایات شمال مراعات میگردد.[۱۲۷] ویلی درضمن یک سروی در بامیان[۱۲۸] مشاهده کرده است که ملکیت زمین از طرف زنان دران ولایت یک موضوع (زنده) نیست. سروی در ۱۵ قریه فقط ده مورد (٪2.5) ملکیت زنان را نشان میدهد که همه شان البته بیوه ها نبوده اند. عادت (رفتار) عمومی در زمینه طوریست که خواهریکه از پدر میراث میبرد آن را به یک برادر خود تسلیم می نماید. یک زن در زمینه چنین اظهار داشت:

"دختر ها طبق احکام شریعت اسلام زمین میراثی خود را میگیرند ولی قرار نیست که آنرا در اختیار خود داشته باشند و اگر آنرا در اختیار خود بگیرند، درانصورت از برادر ها نباید انتظار داشته باشند که در صورت بروز مشکلات از آنها وارثی نمایند. برادرم تحفه خواهرم را پذیرفت، در عوض برایش یک گوسفند و البسه خرید. او را عزت واحترام کرد. و در عین حال، بزرگان قوم را جمع کرد و از ما خواست که طور شاهد بنویسیم که خواهرش ملکیت زمین خود را باو بخشیده است."

[۱۲۴] کیر-ویلسن و پین، ۲۰۰۳، صفحه ۱۴، ۱۹۹۷ الف، ۱۹۹۷ ب

[۱۲۵] ویلی، ۲۰۰۴

[۱۲۶] کیر-ویلسن و پین، ۲۰۰۳

[۱۲۷] مشاهدات خودی از اطراف تاشقرغان ساحه خلم، در s۱۹۷۰

[۱۲۸] ویلی، ۲۰۰۴، صفحه ۷۰

استخدام در شهر ها

استخدام زنان خارج از محیط خانه در شهر ها محدود است و تابع قیودات شدید میباشد. در سال ۷۶-۱۹۷۵ تقریباً ٪۵.۶ مامورین دولت از زنان تشکیل شده بود و در سکتور صنایع از ۳۶۸۷۵ کارمند تنها ۱۵۳۶ نفر آن را طبقه اناث تشکیل میداد.در تصدی کود برق مزار شریف بیشترین تعداد زن ها استخدام شده بودند و همچنان در فابریکات پروسس مواد غذائی و مشروبات و کتان بافی تعداد زیاد زن های کارگر، کار میکردند.[۱۲۹] در زمان جمهوریت دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) قوای کارگری زن در شهر ها توسعه یافت و زن ها در تمام بخش های مهم دولتی علاوه بر نیرو های پولیس، اردو، در صنعت و تجارت نیز گماشته شدند. زن ها درس میدادند، مطالعه میکردند و چون قاضی در محاکم فامیلی و در مسایلی چون، طلاق و جدائی زنان، تأدیب اطفال و سایر مسایل فامیلی فعالیت داشتند. وقتیکه طالبان بقدرت رسیدند اولتر از همه بخدمت رسمی زنان پایان دادند. تخمین زده میشود که تنها در کابل ۴۰.۰۰۰ زن شامل خدمت عامه بودند. اینها ٪۷۰ تمام معلمین در کابل، ٪۵۰ کارمندان دولت و ٪۴۰ داکتر های شفاخانه ها را تشکیل میدادند.[۱۳۰] وظایفی چون داکتر طبی، معلمی و کار دفاتر چون اداره، دیزاین انجنیری وغیره ادامه وظایف مادری و امور خانه تلقی و بحیث کار مناسب برای طبقه نسوان شناخته شده بود.[۱۳۱]

اما طالب ها در مجموع خدمت نسوان را از دفاتر و بخش های دولتی حذف کردند که موجب اعتراض بین المللی در ۱۹۹۶ و یک سازش که به زن ها بدون رفتن به دفاتر شان معاش داده شود، گردید. در سال ۱۹۹۹ یک راپور سکرتر جنرال ملل متحد در قسمت حذف فعالیت های زنان و دختران در افغانستان حاکی ازان بود که زنان به منظور کاهش مصارف دولتی از کار شان در شعبات دولت منع شده اند. مشاور خاص در امور زنان و پیشرفت گفته است که در نیمه سال ۲۰۰۰ مجموعاً ۵۸۷۴ زن افغان در سازمان امداد بین المللی در افغانستان استخدام شده بودند (بشمول ۱۰۲۰ داکتر و کارگر طبی،۲۰۶۶ دایه و طبی، و ۹۰۰ نانوای WFP در مزار شریف و جلال آباد).[۱۳۲] از استخدام طبقه اناث در بخش های دولتی در دوره طالب ها معلومات در دست نیست. ارقام ریاست احصائیه

[۱۲۹] هونته، ۱۹۷۸، صفحات ۳۴-۳۸

[۱۳۰] ۹۵/۷۹۹۱/۴E/CN گزارش نهائی از حقوق بشر در افغانستان که توسط آقای چونک- هیون پیک تقدیم شده است، گزارش ویژه در مطابقت به قطعنامه کمیسون حقوق بشر ۷۵/۱۹۹۶ و پراگراف ۷۷

[۱۳۱] ارزبایجانی - مغدم، ۲۰۰۲ صفحه ۱۱

[۱۳۲] برکت و واردل، ۲۰۰۱، صفحات ۱۷-۲۴

مرکزی در سال ۲۰۰۳ نشان میدهد که ٪۲۱ تمام مامورین دایمی دولت را زن ها تشکیل میداده است.[۱۳۳] شواهد موجود حاکی ازآن است که ظرفیت تعلیمی زن ها در مقایسه به مرد ها خیلی پائین میباشد.[۱۳۴]

امکانات کار زنان در مارکیت های شهری در حال حاضر بسیار محدود است این یکی از عوامل فقر در شهر ها میباشد. کار مخصوص زنان غیر حرفوی در شهر خدمتگاری در خانه هاست. سروی در قسمت خانواده ها که زن سر پرستی آنها را بعهده دارد، نشان میدهد که ٪۵۲ زنانیکه در کابل و جاهای دیگر کار میکنند، در بافت، سوزن دوزی، و یا کالاشوئی دیگران اشتغال دارند. در ٪۴۸ خانواده هاییکه زنان عهده سر پرستی دارند اگر زن ها خود شان کار نمیکنند، فرزندان بزرگ شان (خرد تر از ۱۵ سال) بشکل متفرقه برای حصول مزد کم، کار میکنند و در ٪۲۷ خانواده هایی که مرد عهده دار سرپرستی است، زن ها و مرد ها هردو بکار اشتغال دارند.[۱۳۵]

دسترسی زنان به مارکیت های کار شهری نسبت عواملی: چون قیودات تاریخی، مهارت پائین، امکانات محدود، نورم های شدید کلتوری، تفکیک حرفوی زن و مرد و یک تعداد دیگر عوامل دموکراتیک (جمعیت شناسی) که نگهداری اطفال از مهمترین آنهاست، مقید گردیده است. نظر به یک سروی IRC. ٪۴۰ زنان دلیل عدم شرکت خود را در فعالیت های مارکیتی نگهداری اطفال عنوان کرده اند. کودکستان برای بار اول در سال ۱۹۸۰ تحت پروگرام انکشاف اطفال در کودکی که از شوروی سابق الهام گرفته شده بود، تاسیس شد که درین کودکستان ها مکاتب، دفاتر دولتی، و فابریکات، تسهیلات شیرخواره گی، کودکستان قبل از سن مکتب و کودکستان های اطفال را (از ۳ ماه تا ۷ سال) تهیه میکردند. در سال ۱۹۹۰ در مجموع ۲۷۰ کودکستان قبل از سن مکتب در کابل وجود داشت که دران ۲۳۰۰ معلم از ۲۱۰۰۰ طفل مراقبت میکزدند.[۱۳۶] مانند تمام سازمان های دیگر کودکستان نیز در آشوب دهه ۱۹۹۰ به تعقیب حذف زنان از مارکیت کار، مسدود گردید. در پاسخ به شکایت زنانی که در دفاتر دولتی کار میکنند، کودکستان ها اکنون در یک تعداد از وزارت خانه ها دوباره گشوده شده اند. علاوه بر بعضی امکانات در استخدام اجرتی، زن ها در سکتور غیر رسمی نیز شامل کار میگردند. یک سروی تازه در قسمت سرمایه گذاری کوچک[۱۳۷] در شهر های مزار شریف، پلخمری، بامیان، هرات و قندهار نشان داده است که زن ها در کار آرایشگاه ها، خیاطی وغیره و همچنان در کار تولید (بافت قالین وغیره) نسبت به مردها سبقت دارند.

---

[۱۳۳] E/CN.۶/۲۰۰۵/۵. وضع زنان و دختران در افغانستان. گزارش منشی عمومی، ۲۰۰۴

[۱۳۴] بانک جهانی، ۲۰۰۴

[۱۳۵] گرس، ۲۰۰۳، صفحه ۱۲-۱۳، ۳۱

[۱۳۶] بانک انکشاف آسیائی، ۲۰۰۳، کمک های USAID برای افغانستان، جون ۲۰۰۴
/۸۰wwwc.house.gov/international_relations/

[۱۳۷] Horus Banque et Finance, ۲۰۰۲

تعداد کمی از زنان در کار دلالی و تجارت اشتغال دارند، بدلیل اینکه این کار ها بیشتر با بیگانگان در قرار داد میباشند. در میان متشبثین (کار آفرینان) سروی شده، بصورت اوسط زن ها کارگران بیشتر (۴.۸) نفر استخدام میکنند تا مرد ها (۲.۳) نفر. چون فعالیت های زنان مانند قالین بافی و خیاطی مستلزم کار شاقه بیشتر میباشد. اکثر کارمندان زن از خویشاوندان و اعضای فامیل شان میباشند. فعالیت های زنان در مقایسه به مردان در حجم کمتر صورت میگیرد و سرمایه گذاری شان حدود ۱۵ تا ۲۰ فیصد سرمایه گذاری مرد ها است و عاید شان نیز حدود ٪۲۵ عاید مرد ها میباشد. نا آرامی و عدم مصؤنیت مانع پیشرفت هر دو (زن و مرد) شناخته شده است. اما زن ها کمبود مهارت و کمبود تقاضا و کمبود تهیه کننده گان را بیشتر از مرد ها عنوان میکنند. کمبود سرمایه مانع پیشرفت کار هم در فعالیت زن ها و هم در فعالیت مردها است.

یک سروی در مورد سوداگران کابل[۱۳۸] حاکی از آن است که گرچه زنان در اقتصاد شهری فعال هستند، مگر سروی نشان میدهد که مهارت حرفوی در زن ها باستثنأی سکتور صنایع دستی و مهارت های عنعنوی در دیگر بخش ها نسبتاً کم میباشد. تائید این ادعا، حقیقتی است که در جمله مصاحبه کننده گان، قسمت اعظم ٪۵۴ بی سواد، ٪۱۱ فارغ مکاتب ابتدائی، ٪۶ فارغ متوسط، ٪۱۶ فارغ لیسه و ٪۱۳ تحصیلات بالاتر داشته اند، به ملاحظه رسیده است. این تجاران کابل یک پس منظر تحصیلی بهتر نسبت به زن های متوسط شهر دارند. موانع که درین قسمت از طرف زنان تجار عنوان شد عبارت بودند از(الف) عدم دسترسی به مارکیت (ب)مشکل ملاقات با دکانداران و تنظیم امکانات خرید و فروش (ج) اتکاء به اقارب مرد شان در تنظیم امور غیر تولیدی کسب و کار.محل کار تجاران زن که در سروی کریدت اشتراک کرده بودند، تقریباً ٪۹۹ در خانه است و علاوه بر آن زن ها کار و تشبث خود را تجارت رسمی نمی شمارند.

تقریباً نیمی از زنان تجار ادعا دارند که عایدات خود را خود کنترول میکنند و ٪۴۰ زنان میتوانند بدون اجازه اقارب مردینه خود قرضه بگیرند. دلچسپ اینکه، در گروپ مورد توجه، زنانیکه در قسمت کار با مردم بخش تجارت خود بسیار فعال هستند (چون کسب مواد اولی، ارزیابی مارکیت ها، مذاکره با مغازه داران وغیره) آنانی بوده اند که شوهران تعلیم یافته داشته اند (فارغ صنف ۱۲ یا بالاتر) و آن هاییکه محدودیت تجارت یا فعالیت خود را از ناحیه قیود فامیل و عدم اجازه رفتن به مارکیت و یا عدم اجازه تماس به مردم و مشتریان میداند گفته اند که اقارب مردینه شان بی سواد بوده اند و یا فقط یک یا دو سال مکتب خوانده اند.

[۱۳۸] متنی، ۲۰۰۲، با مجموعاً از ۸۷ اناث متشبث مصاحبه ها شده

خانواده های دارای سرپرستی زن و آسیب پذیری

در سال ۱۹۷۰ قبل از جنگ (منازعه) باوجودیکه پدیدهء بیوه گی در زن ها میزان بالا داشت (٪۱۳.۲ زن در مقابل ٪4.5 مرد) خانواده هاییکه زن از آنها سرپرستی میکرد، بسیار کم یا نایاب بودند، ٪۱.۱ در شهر ها و ٪۱.۲ در قرا و قصبات روستاها.[۱۳۹] برعکس در سال ۱۹۹۶، تخمین ۴۵۰۰۰ بیوه جنگ در کابل وجود داشت که هر کدام بطور اوسط از ۶ نفر نان خوار وارسی میکردند.[۱۴۰] تخمین موجوده خانواده هاییکه زن متکفل سرپرستی آنها است، در افغانستان بین ٪۱۶ در کابل[۱۴۱] تا ٪۴ و ٪۲۰ در سه ولسوالی بدخشان، میباشد.[۱۴۲] فریکونسی بالای خانواده هاییکه سرپرست زن دارند، نشان میدهد که فقر رایج و سالهای منازعه چقدر در شبکه اجتماعی و میکانیزم حمایت دوجانبه عنعنوی مردم، تأثیر نابسزا (نامطلوب) داشته است.

نظر به ارقام ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی (NRVA)، خانواده هاییکه سرپرستی شان با زن هاست فقیرتر از اوسط میباشند. نسبت خانواده هاییکه سرپرستی آنها زنها است در دو کوینتال فقیرترین (٪۹.۳) بیش از دوچند سطح کوینتال بسیار بالا است (٪۳.۹). مصارف سرانه در خانواده هاییکه سرپرستی آن با زن هاست حدود ٪۱۴ پایان تر از خانواده هاییست که سرپرستی آنها متعلق به مرد ها میباشد. ارقام ارزیابی خطر و آسیب پذیری ملی نشان میدهد که سرپرستی یک تعداد بالاتر از اوسط، فامیل های بی زمین با زن هاست (٪۱۵ تقریباً دوچند نسبت سمبول در مجموع) و این از دست دادن استحقاق رسمی دارائی زن را به نفع

چوکات ۹: .بوگی و فقر شدید: عواقب منازعات و جنگها

در بسیاری از حالات مهمترین سرمایه انسانی خود را (مرد دارای سن کار) وحق کار کردن خارج از خانه، خود را (در دهاتدور دست اطراف) از دست داده اند. با درنظرداشت فقر و تهی دستی که در میان اکثر بیوه زن ها دیده میشود، ضرورت توسعه امکانات ایجاد کار پردرآمد برای زن ها نیاز مبرم میباشد. دریک مطالعه مناسبات زمین در فاریاب، ویلی روی وضعیت بیوه زنان که تعداد شان تنها در ولایت فاریاب به ۳۰.۰۰۰ میرسد، توجه کرده است. با آنکه بزرگان و اربابان قریه از توجه بحال زنان بیوه اطمینان میدهند، زنان از تبعیض در مورد حقوق و ملکیت های شان شکایت زیاد دارند. از دست دادن مرد خانواده که نان آور و سرپرست خانه میباشد و با کار در مزرعه بحیث کارگر زراعتی ما احتیاج خانواده خود را تأمین میکند، بیوه های بیچاره را به تنگدستی و مستمندی گرفتار ساخته است. ازدواج مکرر یک چاره مناسب است و زنان می توانند از طریق این کار هم برای خود و هم برای اطفال خود مسکن و خوراک فراهم گردانند. از جانب دیگر، بیوه زن های شهری نسبتاً در موقعیت بهتر قرار دارند. از جمله ۲۷ بیوه زن (بیوه جنگی) که در شهر میمنه از طرف ویلی مصاحبه شده اند، نیمی از آنها در کار خانه ها و دیگران یا در نانوائی ها و هم در کار سوزن دوزی برای دکاکین اشتغال داشته اند.

---

[۱۳۹] هیونته، ۱۹۷۸. صفحه ۱۱

[۱۴۰] E/CN.۴/۲۰۰۲/۵/۵. راپور نهائی در زمینه حقوق بشر در افغانستان که از جانب شاغلی چونک- هیون پایک راپورتر خاص در توافق با اعلامیه کمسیون حقوق بشر ۵۹/۱۹۹۴، پاراگراف، ۷۱، ارائه شده است.

[۱۴۱] کاریتا س انترنشنل، ۲۰۰۳

[۱۴۲] افغان اید، ۲۰۰۱

اقارب مردشان بعد از مرگ شوهر نشان میدهد و این واقعیت روی ابعاد اشکالات حقوق زن در جامعه افغانستان روشنی میاندازد و نشان میدهد که زن های سر پرست خانواده در پهلوی اینکه سرمایه انسانی (تعلیمات) ناکافی دارند.

تأثیرات پالیسی

از مشخصات برجسته ساختمان اقتصادی افغانستان یکی استیلای سکتور غیر رسمی دران است. گرچه مشکل است اندازه عمومیت اقتصاد غیر رسمی در اقتصاد عمومی کشور بطور وضوح مشخص گردد، ولی تخمین زده میشود که ٪۹۰- ٪۸۰ فعالیت های اقتصادی در افغانستان در سکتور غیر رسمی صورت میگیردکه نقش عمده در احیأی مجدد اقتصاد و تحرک تازه آن بازی کرده است. تبادله خدمات رایگان و بدون پرداخت پول میان خانواده ها که زنان دران نقش عمده دارند، گسترده است.[۱۴۳]

باوجود این موقف عنعنوی زنان در افغانستان که دایماً در تسلط مردان بوده است، خود یک مانع است و در سهم گیری مساوی آنها در فعالیت های اقتصادی، خاصتاً در قسمت زنانیکه متکفل اعاشه و اباته خانواده های خود هستند وگذاره برای شان بدون داشتن یک نان آور مرد، دشوار میباشد، تأثیر میگذارد. باالخصوص، در خانواده هاییکه در فقر و تنگدستی حاد قرار دارند، کار اجرتی زنان آخرین چاره شناخته میشود و مزد روزانه آنها معمولاً نیمی از مزد مردها یا کمتر ازآن میباشد. زن ها مهارت مارکیتی کمتر دارند و از تعلیمات کمتر برخوردار میباشند (فیصدی سواد زنان ٪۲۱). در پهلوی اینها قیود دیگری هم هست که نباید نادیده گرفته شوند. باروری زیاد و کثرت مرگ ومیر اطفال و مادران، مسئله زاد ولد و رسیده گی به صحت اطفال وقت زیاد زنان را میگیرد. عدم موجودیت خدمات کافی و ضرورت به تولید محصولات زراعتی جهت خوراک نیز بالای زن هاییکه میخواهند در مارکیت کار حصه بگیرند، قیود از خود میگذارد. زن ها اکثراً از ملکیت، کنترول و دسترسی به سرمایه های سود آور (حاصل ده) چون زمین، وسایل، مواد و همچنان حق قانونی شان به میراث، کنار گذاشته شده اند. کمبود سرمایه کاری امکانات دست زدن به فعالیت های را که آغاز شان به سرمایه گذاری مقدماتی نیازمند است، محدود میگرداند.

زراعت و فعالیت هایی مربوط به آن وسیله یی است که زنان را در سهم گیری های آینده، در اقتصاد کشور پیوند میدهد. در پالیسی یی که بر بنیاد ضروریات جامعه مطرح میگردد، زنان طوری باید در نظر باشند که از محصولات زراعتی و سایر عواید، بهره اولین نصیب آنها باشد.

---

[۱۴۳] بانک جهانی، ۲۰۰۴

در داخل سکتور غیر رسمی امکانات سهم گیری و حصول عواید زنان باید افزایش یابد و افزایش در استخدام زنان در سکتور عامه تضمین گردد.

- ✓ تقویه سهمگیری زنان در تولیدات حیوانی و زراعتی از طریق تریننگ و ترویج، تسهیلات کریدتی و امکانات توسعه مارکیت تقویت یابد. تحقیقاتی تطبیقی و پالیسی متمرکز، که زن دران هدف تولیدات زراعتی و حیوانی باشند، بوجود آید.
- ✓ انکشاف فرصتهای استخدام لازمه مهارتها و غیر مهارتها که از نظر اجتماعی قابل قبول باشند در سکتور شهری که جوابگوی نیازمندیهای رقم بالای فامیلهای درای سرپرست زن
- ✓ تأمین همکاری میان گروپ های زنانی که فعالیت های غیر رسمی دارند و تقویت آن ها از طریق رهنمائی شان در قسمت مسایل مارکیتی، تخنیک ترتیب مواد، میتود های مارکتنگ و محاسبه قیمت های مارکیت وغیره. حفاظت از حق ملکیت و میراث زنان و تقویت امکانات تولیدی آنها و توجه به صورت های برجسته آسیب پذیری روستائی.
- ✓ تامین حق میراث و دارایی زنان، تا تقویه ظرفیتهای زنان منحیث مولیدین شده باشد و تا پاسخ جوانب مهم آسیب پذیری حیات دهاتی شده باشد.
- ✓ تسریع تطبیق طرح قرضه های کوچک (MISFA) خاصتاً در قشر زنان. یکجا کردن مهارت ها توسط تریننگ و آموزش حرفوی با فراهم آوری قرضه های کوچک و تقویه آن در جهت سروی های مارکیت و حسابداری.
- ✓ بهبود بخشیدن به پروگرام های هدفمند امحای غربت تا به گروپ های خیلی اسیب پذیر مانند خانواده هایی با سرپرست زنانه مصؤنیت حد اقل فراهم گردد.
- ✓ بهبود و ارتقای مهارت های حرفوی و تخنیکی در سکتور های صنایع دستی حرفوی جهت افزایش عواید و پوتانسیال صادراتی آن.
- ✓ حمایه از زنان درای کار و بار و بزنس، از راه تهیه کریدت ها، مواد خام، تریننگ ها و مارکیت ها.
- ✓ تقویت عمده استخدام کارمندان زن در عرصه سکتور های صحت عامه و معارف، که این امر بالای شمولیت دختران در مکاتب، رسیده گی زنان به خدمت صحی جلوگیری از مرگ و میر در وقت زایمان و صحت عمومی اطفال و خانواده تاثیر عمده خواهد کرد.
- ✓ جمع آوری ارقام مناسب احصاییوی که از لحاظ جنسیت تفکیک شده باشد در تمام سکتور ها تا اشتغال زنان و مردان را نشانداده و تا نظارت از انکشافات بعدی و تاثیرات سرمایه گذاری را ممکن سازند.





فصل پنجم

حقوق قانونی و صدا

حقوق قانونی و صدا

قانون اساسی افغانستان که از جانب لویه جرگه قانون اساسی سال ۲۰۰۳ تصویب شده است مشعر است که هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع (شهروندان) افغانستان ممنوع است (ماده ۲۲) اتباع افغانستان در برابر قانون دارای حقوق برابر اند (ماده ۲۳). ازینجا میتوان اذعان کرد که برابری حقوق مرد و زن توسط قانون تضمین گردیده است. ماده ۴۵ علاوه می کند که دولت باید تدابیر لازم بخاطر اسایش فزیکی و روانی خانواده، بالخاصه طفل و مادر، تحفظ اطفال و امحای عنعنات که خلاف موازات دین مقدس اسلام می باشد، اتخاذ کند.[۱۴۴]

موافقت نامه بن در زمینه فراخوان برای ایجاد یک حکومتیکه متعهد به تامین حقوق از لحاظ جنسیت و کاملا نماینده باشد، تاکید کرده و بالای اهمیت اشتراک زنان در اداره مؤقت پا فشاری نمود.

علی لرغم برابری از لحاظ جنسیت، زنده گی زنان افغان هنوز با لاتر تصورات حاکم در زمینه امتیاز نقش های بین مرد و زن نسبت به برابری ان تحت تاثیراست. زنان افغان تا هنوز یک گروپ مساوی الحقوق بدون تفاوت های اتینکی، منطقه، وضع اجتماعی-اقتصادی، سطح معارف، زنده گی در خانواده، شهروده دور اند.

به هر حال زنده گی زنان در خانواده و زنده گی خانواده گی متمرکز بوده که عرصه اساسی فعالیت انها پنداشته میشود. حقوق و وظایف آنها از طریق سیستم های رسمی و غیر رسمی که بالترتیب جای و مقام انها را در خانواده و جامعه واضح می سازد معین می گردد.

---

[۱۴۴] قانون اساسی افغانستان سال، ۱۳۸۲

درین فصل درمورد تشکیل ارتباطات جنسیت در خانواده با در نظر داشت نقش محدود انها در فیصله سازی و کنترول دارائی ها و اثاثیه خانواده و امور پلانگذاری خانواده، صحبت می شود.

وضع مطیعانه و محکوم زنان در فضای دموکراتیک از موقف خیلی ضعیف قانونی انها سرچشمه می گیرد، بالخاصه در ارتباط با قانون خانواده گی و سیستم عدلی غیر رسمی و همچنان در نتیجه این واقعیت که رسیدگی زنان به این سیستم ها خیلی محدود است. در فرجام این فصل قابلیت زنان را بخاطر اظهار استعداد انها جهت اظهار و تبارز خودشان، تا بالای زنده گی خود شان کنترول داشته و در امور فیصله سازی در سطح ملی و بین المللی صلاحیت داشته باشند و در شورای جدید انتخابی محلی (CDCs)، انتخابات پارلمان آینده و شوراهای ولایتی و ولسوالی ها کمتر نباشد مطرح میسازد.[۱۴۵]

فامیل و خانواده

ارتباطات از لحاظ جنسیت در افغانستان وسیعاً از طریق ارزشها که، ناشی از رسوم خانواده بر اساسات پدر شاهی می باشد، مشخص و معین می گردد. خانواده وسیع و تسلسل نسل (قوم)[۱۴۶] نقش مرکزی در نظم اجتماعی و تاسیس تشخصات اجتماعی دارد. بدینترتیب خانواده پدری نقطه عطف و اساس تشخص مرد و زن و فکتور کلیدی در ارتباطات و جز متشکله در ساختار اجتماعی می باشد. اهمیت خانواده پدری و قوم از فیصله و تصامیم در زمینه علایق ازدواجی با خانواده ها و یا قوم و یا هم وفاداری ها و علایق سیاسی در سطح ملی توسعه می یابد. تمام گروپ ها از لحاظ خیل (غیر انفرادی) در دهه ۱۹۶۰-۱۹۷۰[۱۴۷] ستون فقرات جنبش کمونیستی را تشکیل میداد، در وقت طالبان این ارتباطات به شکل قبیلوی با طالبان در ۱۹۹۰ بوجود آمد.

بیست سال جنگ تاثیرات خود را بالای جامعه افغانی انداخت، ولی شبکه های نزدیک خانواده گی و گروپ بندی های قومی باقی ماند و برای افراد بمثابه امنیت شخص ادامه کرد. گرچه بیشتر این سرمایه اجتماعی افغانها با تداوم جنگ، تبعید، خشکسالی

---

۱۴۵ منبع: مرکز بین المللی ضد گرسنگی فینستین، پوهنتون توفتس مصونیت بشری و معیشت افغانهای روستایئ، ۲۰۰۲-۲۰۰۳ با ازستفاده از ارقام سروی NRVA ریسرچ خودشان در بادغیس، بلخ، هرات، کابل، کندهار و ننگرهار را یکجا ساخته است این ارقام دارای معلوماتی است که نقش زنان را در امور اتخاذ فیصله در پنج ولایت نشان میدهد. سایر ارقام از سروی ها و مطالعات در ساحات جغرافیائی محدود تحت پوشش گرفته شده است، مانند راپور AREU در مورد NSP (۰۰۴) که در شش ولسوالی مطالعات قضایا، راپور های سازمان عفوبین المللی و باز رسان و ناظ حقوق بشر و مطالعات انتروپولوژیکی و قانونی (حقوقی) را احتوا می کند.

۱۴۶ قوم یک مفکوره نسبتی و وضعیتی است، که جهت ریفرنس "گروپ" شخص یا در یک گروپ اتینکی یا نسب، نسب فرعی، جامعه محلی و یا هم شعبه مذهبی مورد استفاده قرار میگیرد. ازین لحاظ زمانی که از قوم ریفرنس داده می شود، در ان صورت به هویت و تعلقیت ابتدائی فرهنگی وی مراجعه می شود (اولیسن ۱۹۹۴)

۱۴۷ در مورد بحث پیرامون حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ستراتیژی و انعکاسات محلی در زمینه انقلاب ثور ۱۹۷۸، اولیسن ۱۹۸۳ دیده شود.

۱۴۸ بانک جهانی، ۲۰۰۴

منحیث (بطور مثال در NRVA) یکی از فکتور و عامل کلیدی در ستراتیژی های کمکی پنداشته شد واین وضاحت آن است که چرا حالت امروز بد تر نه شده است.[۱۴۸]

در این نظم جامعه که عمدتاً بالای ارتباطات خونی استوار است، زنان و اولاد های شان بمثابه یک ملکیت میراثاً خانواده توسعه یافته شوهر پنداشته می شود.[۱۴۹] زنده گی مردان نیز در چوکات وظایف و مسوؤلیت های شان در قبال خانواده بزرگ که از طریق حاکمیت مطلقه سر براه مرد خانواده ادامه دارد. در عین حال تحرک (گشت و گذار) انتخاب و امکانات برای اعضای مرد خانواده نسبت به زنان خیلی وسیع بوده که بطور مجموعی زیر دست و تحفظ مرد بوده، بدون آنکه سن آنها در نظر گرفته شود، برادران میتوانند که بمثابه محرمان خواهران بزرگ سال بوده و به آنها احکام صادر کنند. شوهر و خانواده بزرگ مسؤول کنترول زنده گی زنان- ملکیت، ارتباطات ازدواجی و اطفال آنها می باشند. اکثریت دختران در سنین پائین و کوچک عروسی شده و حتی به پسران دیگران در وقت تولد به نام وعده می شوند. این یک عنعنه و رواج است که عروسی باید در قوم خود صورت پذیرد و معمولاً ازدواج بین خاله زاد و عمو زاد عام است.

در حالیکه این امر از نگاه دلایل جینتیک نیز دلایلی دارد، ولی معمولاً نسبت به دادن زن به خانواده بیگانه به فامیل قوم ترجیح داده می شود و امکان دارد که برای عروس شرایط بهتر از جانب خسر خیل شان فراهم گردد، زیرا انها خویشاوندان قریب شان هستند. اطفالیکه در نتیجه ازدواج متولد می شوند در زمرهء قوم پدرشان منسوب می شوند. زنان خانواده، ناموس و عزت مشترک خانواده و خیل می باشند و ازین لحاظ این خیلی اهمیت دارد تا پاکی، عفت و حیای زنان تضمین گردد و عادات و روابط آنها (از لحاظ جنسیتی تنزل نه کند) با جهان خارج تحت کنترول باشد. این چوکات نورماتیفی تحرک برای پرده بوده که جدای و برقعه پوشیدن را لازمی دانسته و ازین طریق روابط جنسیتی توسط مفکوره محرم رهبری گردیده و در نتیجه روابط مردان و زنان تنها با آنهای بر قرار شده میتواند که با آنها از لحاظ خونی و یا هم ازدواج علایق نزدیک داشته باشند، یعنی شوهر و خانم، والدین، اطفال، دوگانه ها و آن خویشاوندانی که با آنها عروسی و ازدواج ممنوع باشد. در نتیجه نقش زنان خارج از حریم خانه بطور کافی محدود می گردد و طوری که در یک ضرب المثل محلی بالای آن تاکید صورت گرفته که: ((برای زن تنها خانه و یا گور)).

[۱۴۹] بویسن، ۲۰۰۴

ازدواج ها بین خانواده ها صورت گرفته و نه به شکل انفرادی بین افراد و در بسیاری حالات از جانب خانواده شاه به پدر عروس قسمتی از دارائی داماد پر داخته می شود. دارائی پرداخته شده از جانب داماد جبران برای انتقال حقوق و مسؤولیت ها از جانب خانواده عروس به خانواده داماد می باشد. سروی های جدید در مورد مقدار مهر و یا هم قیمت عروس وجود ندارد، مگر در سالهای ۱۹۷۰ با عوامل و فکتور های مانند علایق اتنیکی محل زنده گی دهاتی و یا شهری، موقف اجتماعی - اقتصادی و تحصیلی، ملکیت عروس عواید چندین ساله داماد را تشکیل میداد.[۱۵۰] امروز مهر عروسی از ۵۰۰ دالر امریکایی الی ۲۵۰۰ دالر امریکایی گزارش گردیده است (در حالیکه عاید سالانه سرانه در حدود ۲۱۲ دالر امریکایی تخمین شده است).[۱۵۱]

بسیاری جوره های جدید ازدواجی با خانواده داماد باقی می ماند و عروس جوان تحت قومانده خشو (مادر حقوقی) قرار میگیرد. وی تدریجاً پرستیژ و حیثیت را در خانواده جدید در ارتباط به تعداد اطفال و ترجیحاً پسرانی که از او متولد شده، کسب می کند. مادران سالخورده با پسران زیاد شخصیت خود را تحمیل نموده و حمایت پسران وی باعث نفوذ وی در خانواده توسعه یافته و جامعه محلی میشود. اکثریت زنان نفوذ زیاد و فراتر را بالای پسران داشته، نسبت به اینکه بالای شوهران داشته باشد و این امر اکثراً ناشی از تفاوت قابل ملاحظه عمر شوهر و زن می باشد. تقدس مادر بودن و مادران در گفتار های زیاد محلی وضاحت یافته مانند ((جنت در پای مادرن است)).

یکی از مفکوره های اساسی در اتباط خصوصیات اجتماعی و پرورش اطفال عبارت از تربیه می باشد، که به سلوک و عادات و کیفیت ارتباطات انها با دیگران متعلق می شود. چهار جز عمده تربیه عبارتند از: زبان خوب و پاک، احترام به بزرگان و والدین، نظافت بدن و مهمان نوازی. تربیه: بدینترتیب نه تنها متعلق به حرکات اطفال و برخورد انها می باشد- بلکه این خود کیفیت اخلاقی را انعکاس میدهد. اطفال دارای تربیه خوب، خوبتر تظاهر می کنند، زیرا انها تفاوت ها را بین خوب و بد درک می کنند. این فهم اخلاقی از دین و مذهب ریشه گرفته و بدینترتیب تربیه برمبنای تعلیمات مذهبی انکشاف یافته است. در حالیکه هر دو پسران و دختران باید اصول بنیادی تربیه را یاد بگیرند، دختران باید دارای صفاتی مانند حیا باشند، در حالیکه جرأت، خصوصیت و صفتی است که بین پسران انکشاف می کند.[۱۵۲]

جنسیت نقش عمده را در تعیین اجتماعی شدن اطفال دارد: بمثابه یک بچه و یا مرد باید جهان و مشکلات انرا دانسته و مسؤولیت را در قبال ان داشته باشد. در مقابل برای دختران زمان و وقت که انها بیرون ازخانه بسر می برند به مرور زمان بعد از بزرگ شدن محدود و محدود تر می شود و فشار اجتماعی بالای انها بخاطر رفتار مناسب و باقی ماندن در خانه ازدیاد می یابد. حتی اطفال دیگر در امر کنترول و تبصره نمودن بالای عادات دختران سهیم می شوند، بطور مثال پسران مسؤولیت تحفظ خواهران و عادات شان را دارند. از انجاییکه زنان جز ناموس و عزت خانواده هستند این قابل تعجب نیست که عادات و سلوک دختران منشا و منبع مناقشه بین خانواده بوده وچنین مناقشات کمتر نسبت به سلوک پسران بروز می کند. دختران از قبل طوری تربیه شده اند تابا حیا بوده و

---

[۱۵۰] اولیسن، ۱۹۸۲ و کریستینسن ، ۱۹۸۲ دیده شود.

[۱۵۱] یونسف، ۲۰۰۱ الف

[۱۵۲] دی بیری، ج، و فاضلی، ای. , et al ۲۰۰۳.

عادات خود را طوری محدود سازند تا از علل و دلایل خشونت های خانواده گی جلوگیری کنند. زمانی که دختر رشد می کند معیار های اخلاقی که وی دارد مجبور است که به هرگونه روابط نزدیک با دیگران خدا حافظی گفته و در زمینه تحرکات، اظهارات و علایق متقابل اجتماعی شان قیودات و محدودیت ها وضع می گردد. رهنمود بخاطر ارتباط متقابل با جنسیت متقابل ترجیحاً در کتگوری محرم آمده که وی نیز مردی بوده که بمثابه محافظت کننده دختر و یا زن از لحاظ شهرت وی باشد. طالبان ازین مفکوره زیاد استفاده کرده و باینترتیب به هیچ زن اجازه نبود تا در محلات عامه بدون همراهی محرم حاضر شوند. ملاحظات درمورد پاکیزه گی دختران یکی از محرکات مهم واساسی برای ازدوج شان درعمر جوانی بوده، تا بدینوسیله خطر روابط جنسیتی قبل از عروسی کاهش یابد، زیرا بکارت قبل از عروسی یکی از تقاضای های مطلق می باشد. عدم قابلیت ((اثبات)) بکارت درشب عروسی میتوان دارای عواقب خیلی جدی شده و امکان رد عروسی را نیز دارد.[۱۵۳]

بخاطریکه از چنین کارشرم اور فامیلی جلوگیری کند، والدین تمامی تدابیر احتیاطی وجلوگیری کننده مانند محدود ساختن تحرکات دختر درحریم خانواده، خارج ساختن وی از مکتب حین بلوغیت جهت درپرده در آوردن شان از نظر های مردان غیر خویشاوند وغیره، را اتخاذ می کنند. بخاطر بدست اوردن ((حیثیت)) عروس بسیاری دختران چانس حصول تعلیم را از دست داده وعروسی زودرس انها را از دوران بلوغیت وجوانی محروم می سازند. مگر میان حلقات محافظه کار افغان مانند سایر جوامع عنعنوی مفکوره دوران جوانی بین بلوغیت وجوانی کدام مفهوم ندارد . دختری که حیض ونفاس دارد میتواند صاحب طفل شودوبدینترتیب زن می شود.[۱۵۴]

اطفال[۱] بخاطری تولد وبزرگ شد ه اند تا دربرابر خانواده احساس مسوؤلیت کنند وحتی از دوران سالهای خیلی جوانی عمر بعضی از وظایف را انجام دهند، نورمهای مختلف برای پسران ودختران همچنان درنوع از خواسته ها وتقاضا ها انعکاس می یابد که خانواده آنها درباره کارشان دارند، درحالیکه ٪۱۱ بچه ها درسنین ۷-۱۳ حداقل نیمی روز کارمی کنند(که درحدود ۴-۱۲ ساعات

---

[۱۵۳]. بطور مثال . دیده شود اولیسن، ۱۹۸۲

[۱۵۴] یونسف، ۲۰۰۱

[۱۵۵] یونسف/احصائیه مرکزی، ۲۰۰۳

کاربوده) ((جهت بدست اوردن عاید خارج ازمنزل))، این تنها برای ٪۵ دختران این گروپ می باشد. دختران ازجانب دیگر مسوؤلیت بیشتر را در امور منزل دارند، که ٪۲۳ آن برای نصف روز درمنزل کارمی کنند، درحالیکه ٪۱۱ از پسران دارای عین سن (۷-۱۳ سال) درمنزل کارمی کنند.بدینترتیب تعداد زیاد دختران مکلف اند تادرمنزل وخارج از آن کارکنند- ٪۲۸ که هم درخانه و هم در خارج از منزل کار می کنند. درحالیکه تعدادبچه های که همچو حالت را دارند به ٪۲۲ می رسد.[۱۵۵]

عنعنه پرداخت مهرعروس باعث تفاوت زیاد سن میان عروس وداماد می شود، از آنجاییکه داماد مکلف است تا رقم مقرره مهر را قبل از عروسی مهیاکند. تفاوت عمر بین جوره باعث ازدیاد تعداد بیوه ها نیز می شود. دردهه ۱۹۷۰ رقم بیوه گی برای زنان سه برابر بیشتر نسبت به مردان بود ٪۱۳.۲ زنان عمر ۱۵ سالگی وبیشتر از آن دربرابر ٪۴.۵ مردان عین گروپ سن بیوه شده بودند.[۱۵۶] (این علی الرغم بیشترین رقم مرگ ومیر برای زنان در دوران زایمان نسبت به مردان عین عمرمی باشد-فصل ۲ دیده شود). علت دیگر برای همچو رقم بیشتر بیوه گی بین زنان عبارت از عروسی دیگر مردان بوده که برای زنان همچو حالت نیست. این نمونه ها ومثال درین روز ها مشابهت هایی دارد.

سالهای جنگ وتبعید دورنماها وچالش های جدیدی را درخانواده های مستحکم اداره شده توسط مردان بوجود اورده است. مهاجرت واشنایی با نورمها وامکانات دیگر مانند تعلیم و وظایف برای زنان بسیاری ازخانواده ها را بیشتر به این واقعیت روبرو ساخته که به زنان بیشتر اجازه دهند تا از منزل بیرون بروند- غربت زیادو . . . فقر مطلق و تهی دستی دیگران را نیز به انجام کار های مشابه مجبور میسازد، مادامیکه آنها میبینند که افراد ثروتمند قادر به دسترسی استطاعت عزت و افتخار میباشند، فقراازین رهگذار شرمسار میگردند.

چوکات ۱۰ : کشت خاشخاش

مبتنی بر یک سروی که اخیراً در باره کشت خاشخاش براه انداخته شده یک رقم را در باره زارعین فقیر که در برداشت محصول آن سروکار دارند به نسبت کوتاهی در تادیه قروض خویش (در نتیجه از بین رفتن محصولات خاشخاش) به زندان افگنده شده، را نشان میدهد. گزارش حاکی است که مادر شخص نامبرده که پسر وی که با زرع خاشخاش مبادرت داشت و مالک زمین از اداره ولسوالی در مورد رهایی موصوف التماس نموده و اصرار می ورزیدند که خانم از این فامیل موصوف را در این عرصه کمک خواهند نمود تا قرضه زمت خویشرا تادیه نماید. بدینترتیب سهم دار محصول از حبس رها گردیده اما احساس شرمساری می نمود. موصوف اظهار نمود که (هیچ خانم و مادر دیگر بالای زمین در این ولسوالی کار نمی نمایند)تنها این خانم و مادر من است که با من کار مینمایند. دختر نه ساله و پسر جوانم با من همچنان کار خواهند نمود. ایشان به مکتب رفته نخواهند توانست زیرا با من در کشت زمین کمک خواهند نمود. این است مصیبت ناشی از چنین وام.[۱۵۷]

---

[۱۵۶] سپتلر، ج.ا و فرانک، ن، ۱۹۷۷ که از هونته، ۱۹۷۷ نقل قول شده است.

[۱۵۷] دیپارتمنت مخدرات و جنایات بین المللی از دفتر خارجه دولت مشترکه، ۲۰۰۴

جدول ۱۷ : زنان در تصمیم گیری پیرامون مسایل ذیل هیچ نقشی ندارند				
ولایت	بکار بردن درآمد خانواده	فروش دارائی تولیدی خانواده	فروش اشیای غیر تولیدی خانواده	رهنمای خانواده و ازدواج اطفال
بادغیس	٪۵۰ از قریه ها در کلیه ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در کلیه ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در کلیه ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در کلیه ولسوالی ها
بلخ	٪۲۶ از قریه ها در ٪۵۶ ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۵۴ ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۶۲ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۳۹ ولسوالی ها
هرات	٪۲۶ از قریه ها در ٪۵۰ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۹۳ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۹۳ ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۷۱ از ولسوالی ها
کابل	٪۲۶ از قریه ها در ٪۷۱ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۵۰ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۲۹ از ولسوالی ها	٪۲۶ از قریه ها در ٪۵۷ از ولسوالی ها
ننگرهار	٪۵۰ از قریه ها در ٪۷۴ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۸۹ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۸۹ از ولسوالی ها	٪۵۰ از قریه ها در ٪۹۵ از ولسوالی ها
منبع : مصؤنیت انسانی و معیشت روستائی افغان ها ۲۰۰۴، مرکز بین المللی قحطی فینسنین، توفتس				

با وجود تغییر تدریجی در قوانین، مطابق سروی که از جانب برنامه خطر و آسیب پذیری ملی و پوهنتون توفتس بعمل آمده زن افغان هنوز هم نفوذ محدود در تصمیم گیری درون فامیل را دارا میباشد. در ولایات بادغیس، هرات، کابل و ننگرهار از زنان و مردان پاسخ دهنده راجع به نقش زن در تصمیم گیری استفاده از درآمد خانواده، فروش اشیای تولیدی و غیر تولیدی، همچنین در باره تصمیم گیری در باره داشتن تعداد اطفال و عروسی آنها پرسش بعمل آمده است. روی همرفته، برتری زنان در تصمیم گیری محدود بوده است، اما زنان در ولایات بلخ وکابل به تناسب ولایاتی مانند بادغیس و ننگرهار، نمایانگر بکار بردن نفوذ بیشتر می باشد[۱۵۸] هنگامیکه زنان به سن پیری میرسند و پسران آنها جوان میگردند، ایشان نفوذ بیشتر را در فامیل و خانواده خویش بدست میاورند. برای بیوه زنان، بهر حال وضعیت متفاوت است. حال آنکه در تهی دستی ناشی از مرگ شوهر خویش ممکن بوده غوطه ور گردیده باشند و بدینترتیب تمامی نفوذ خویشرا در فامیل از دست میدهند، امکان دارد آن ها نفوذ بیشتر بالای زنده گی شخصی خویش بدست بیاورند. این مورد در اثنای مطالعات از وضعیت بیوه ها در شهر میمنه توسط یک خانم بیوه به ویلی چنین توضیح گردیده است.[۱۵۹]

---

[۱۵۸] مرکز بین المللی ضد گرسنگی، ۲۰۰۴. طی سروی در بادغیس ۱۲ قریه در سه ولسوالی تحت پوشش امد، در بلخ در ولسوالی ها، در هرات در ۱۶ قریه و ۴ ولسوالی، در کابل در ۱۶ قریه و ۳ ولسوالی، در کندهار در ۱۶ قریه و سه ولسوالی، در ننگرهار ۱۶ قریه و ۵ ولسوالی تحت پوشش قرار گرفت. تیم سروی نزدیک به ۳۵۰ تن از مرد و زن مصاحبه ها را انجام دادند.

[۱۵۹] ویلی، ل، الدن، ۲۰۰۴

"هنگامیکه شما یک زن بیوه هستید، شما خود مشاهده خواهید کرد که چگونه در مضیقه قرار دارید. شوهران حتی پول را که شما از خامک دوزی بدست میاورید، کنترول مینمایند. من امروز بیشتر از سوزن دوزی حاصل بردم، نسبت اینکه از شوهرم بدست آورده باشم." و به سخن یک زن دیگر که میگوید "زیرا ما آنقدر فقیر هستیم، بناًبه خویش اجازه میدهیم که بکار کردن در شهر روی آوریم، ازاینکه ما با شوهران خویش ازدواج نموده ایم، بناً ما آن کار را کرده نمیتوانیم. این پذیرفته شده که زنان بیوه همچو کار ها را میتوانند انجام دهند، اما زنان شوهر دار همچو کار ها را نمیتوانند انجام دهند."

موقعیت حقوقی

هنگامیکه زنان افغان به موجب قانون اساسی سال ۱۹۶۴ از حقوق مساوی بر خوردار بودند، سیستم شرعی حقوق متمایز را برای زن و مرد تضمین نموده بود. به موجب قانون مدنی سال ۱۹۷۷ اصلاحات مهم در زمینه بوجود آمد که زنان اجازه یافتند، تا شوهر خویشرا بدون رضایت فامیل انتخاب نمایند، همچنان به زنان اجازه میدهد تا پیمان حق دریافت طلاق را هنگامیکه شوهر شان به گرفتن خانم دیگر مبادرت می ورزند بدست آورند. تنظیم نمودن تعدد زوجات و تعبیر اعلامیه رسمی طلاق توسط شوهران مست و سرخوش بی اعتبار گردیده است.[۱۶۰] در جریان سال های کشمکش و فروپاشیدن نظام دولتی، قانون مدنی ۱۹۷۷ بیش ازآن مورد تطبیق قرار نگرفته و قانون غیر رسمی فامیلی حنفی[۱۶۱] و قانون متعارفی در دایره یا محیط فامیلی عملاً مورد اعتبار قرار گرفت. چارچوب حقوقی که زنده گی زنان افغان را هدایت مینماید، متشکل از اختلاط قانون مدنی، قانون متعارفی، قانون اسلامی (حنفی و اهل تشیع) و عنعنه، که در واقع همه ئی آنها بر نقش مرد و زن که متمم یک دیگر هستند در رابطه به تساوی حقوق شان، تاکید مینماید. قانون سال ۲۰۰۳ در رابطه به وظایف قوه قضائی اظهار میدارد که بدینطریق، چوکات قانونی که دران وضع زنده گانی زنان بررسی و هدایت میگردد، مخلوطی از قوانین مدنی، متعارف، اسلامی (شریعت حنفی و شیعه) و عنعنات است که همه آنها بالای نقش سازنده و ستایش آمیز مرد و زن تکیه میکنند تا مساوات بین آنها. هر زمانیکه در قسمت کدام مسئله، حکم صریحی یا مادهء در متن قانون اساسی دیده نشده، محکمه در روشنائی احکام مندرج در قانون اساسی از احکام وفق شریعت حنفی در مورد کار میگیرد (ماده ۱۳۰). استثناً درین مورد مسایل انفرادی مردم شیعه مذهب است که محکمه می تواند در مورد آن ها فقه یا احکام مذهب شیعه را تطبیق نماید (ماده ۱۳۱). صراحت ندارد که کدام قوانین در حال حاضر مورد تطبیق هستند مگر در ظاهر قوانین که در دهه دموکراسی (سال های ۷۳-۱۹۶۳) به تصویب رسیده اند، مورد تطبیق میباشند. چه در توافقات بن نیز قانون اساسی ۱۹۶۴ بحیث ریفرنس قرار گرفت.[۱۶۲] ازین بر میآید که حقوق زنان بر مبنای قوانین چون قانون ازدواج ۱۹۷۱/۱۳۵۰ و قانون تعقیب جرایم

---

[۱۶۰] لاو، ۲۰۰۲

[۱۶۱] مکتب و یا مذهب حنیفی از اولین مکاتب ارتودکس قانون مذهبی سنی است که اکثریت مردم افغانستان از ان پیروی دارند. مکتب قانون حنفی توسط نعمان ابو حنیفه (۷۶۷) در شهر کوفه عراق بیناد گذاری شده است و بنیاد مکتب و مذهب حنفی، بر بنیاد تفسیر قوانین اسلامی قران مجید، عنعنات پیغمبر (ص) جامعه (ملاحظات عمومی جامعه مومنان)، وقیاس (منطق و استدلال شباهتی) استوار است. علاوتاً عنعنات محلی بمثابه منبع دومی قانون اسلامی در مکتب قانون اسلامی حنفی پذیرفته شده است.
(philter.ucsm.ac.uk/encyclopaedia/islam/sunni/hana..html)

[۱۶۲] عفو بین المللی، ۲۰۰۲ الف

۱۹۶۵/۱۳۴۴ که کمیسیون اصلاحات قضائی آنها را بحیث اساس در تهیه مسوده قوانین جدید که الان در دست تهیه میباشند شناخته است، تنظیم میگردد. پاکدامنی و شکسته نفسی و رویهمرفته سلوک زن ها نشان دهنده انعکاس از افتخار فامیلی میباشد. اکثر از مشکلات خانگی و موارد مشتمل بر هرگونه ملاحظات ناشی از سرپیچی زنان با موضوعات داخل فامیل ارتباط داشته است.

قیودات بالای تحرک زنان و توقعاتی که آنها حین خروج از منزل میباید با یکی از وابستگان مرد خویش همراه باشند، صلاحیت آنها جهت دسترسی شخصی شان را به محاکم محدود مینماید. از این گذشته، مطابق اصول شریعت گواهی یک زن در محاکم نصف از ارزش گواهی یک مرد است و بدینترتیب وکیل مدافع یک زن امکان دارد در تثبیت بی گناهی نامبرده با مشکلات مواجه گردد. طلاق بر بنیاد بدرفتاری خانگی میتواند افزایش یابد.
اما مقررات قانونی که بد رفتاری های خانگی را که در درون خانه بوقوع می پیوندد و محاکم بطور عادی زنان را که از جانب شوهران شان مورد بدرفتاری قرار میگیرند دوباره مسترد نموده و برای شان میگویند که به یک سازش با هم کنار آیند.[۱۶۳]

افغانستان یک تعداد از میثاق های بین المللی در رابطه به تساوی حقوق زن و مرد، مشتمل بر میثاق درباره حقوق سیاسی زنان، میثاق درباره پاداش برای کارگران زن و مرد در برابر کار بربنیاد ارزش مساوی و میثاق درباره تبعیض در رابطه استخدام و اشتغال امضأ نموده است.[۱۶۴] این معیار های قبول شده بین المللی از قرار معلوم حقوق خانواده گی را متأثر نمی گرداند.
در ۵ مارچ ۲۰۰۳، افغانستان، پیمان ملل متحد درباره محوه کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (منعقده در سال ۱۹۸۰) را به تصویب رسانید[۱۶۵] چنانچه مانند سایر پیمان های بین المللی که تصویب گردیده اقدامات قانونی و اداری را جهت دادن حمایت حقوقی از تعهد دولت ها به منظور پیشرفت زنان خواستار میگردد. وقتی که رویداد ها اتفاق می افتد، سوی تعبیرات گسترده یی پیرامون حقوق واقعی زنان و موقعیت قانونی ایشان ادامه میباید.[۱۶۶]
تخطی های گسترده در اکثر موارد از حقوق زنان و دختران، مشتمل بر بد رفتاری های فزیکی، ازدواج زیر سن، بدل دختران به منظور حل و فصل دشمنی های خانواده گی وغیره توسط سازمان عفو بین المللی در جریان بازدید های اخیر شان گزارش داده شده است.[۱۶۷]

---

[۱۶۳] مرکز بین المللی ضد گرسنگی ۲۰۰۴، صفحه ۱۰۲. عفو بین المللی، ۳۹ :۲۰۰۳

[۱۶۴] عفو بین المللی، ۱۸ :۲۰۰۳

[۱۶۵] افغانستان نیز به میثاق بین المللی حقوق اجتماعی و سیاسی و پیمان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جنوری ۱۹۸۳ پیوسته است. افغانستان کنوانسیون منع هر نوع تبلیغات علیه زنان را در اگست ۱۹۸۰ و کنوانسیون حقوق اطفال را در سپتامبر ۱۹۹۰ امضا نموده و در مارچ ۱۹۸۴ انرا تصدیق و تائید کرد. (ناظر حقوق بشری، ۲۰۰۱، یاداشت ۳۲)

[۱۶۶] لاو، ۲۰۰۲

[۱۶۷] سازمان عفو بین المللی ۲۰۰۴، ۲۰۰۳، ۲۰۰۳ الف، ناظر حقوق بشری، ۲۰۰۱

قوه قضائیه

کارمندان قوه قضائیه افغان دارای درجات گسترده تعلیمی و آموزشی میباشند. اکثر آنها از مکاتب دینی، همراه با اینکه یک تعداد محدود آن که از مکاتب شرعیات یا دانشکده حقوق پوهنتون کابل فارغ گردیده اند. حقیقتاً، بر حسب مطالعه که توسط تیم پوهنتون توفتس بعمل آمده، بسیاری آنها فاقد آموزش اعم در قوانین حقوقی و اسلامی میباشند. دانشکده حقوق و شرعیات در رابطه به آموزش که فراهم می سازند بطور قابل ملاحظه از هم فرق دارند.[۱۶۸]

فارغان سنتی اصول شرعیت نماینده گی از اردوگاهای محافظ کار در قوانین حقوقی افغان میکنند، در حالیکه فارغان دانشکده حقوق نماینده گی از اردوگاهای خیلی پیشرفته نموده، که این ها، از قواعد قانون اساسی ۱۹۶۴ و اصلاحات حقوقی در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ عقب مانده اند. در حال حاضر فارغان از مدارس شرعی اکثریت اعضای رهبری قوهء قضائیه را تشکیل داده که احتمالاً بالای جریان اصلاحات قضائی تاثیر می افگنند.[۱۶۹]

قوه قضائی کشور در تحت تسلط انحصاری مردان قرار داشته، که هنوز این حالت بطور گسترده وجود دارد. از مجموع ۲.۰۰۶ پست قضات، تنها ۲۷ پست متعلق قضات به اناث میباشد. به استثنای یک تعداد روسای جوان محاکم فامیلی در کابل، زنان موقف های کلیدی را در داخل داد گاهای قضائی دریافت نموده نتوانستند. در جائیکه زنان منحیث قضات ایفای وظیفه مینمایند، گزارشات حاکی است که آنها وظایف مشابه همکاران مرد خویشرا نمی توانند ایفا نمایند. قضات زن تمایل به اجرای کار ها در ظرفیت های مانند محرر داشته و ندرتاً در داوری های موارد قضائی سهم میگیرند. بطور عام، مقاومت قابل ملاحظه در داد گا ها علیه شمولیت بیشتر زنان در قوه قضائیه به مشاهده میرسد.

اگر چه، تقریباً ٪۲۵ شاگردان حقوق در پوهنتون های بلخ و کابل را زنان در بر داشته،[۱۷۰] که بدینترتیب ذخیره یی برای دست یافتن توازن بهتر تساوی زنان و مردان در این عرصه بوجود آمده است. زنان افغان که به محاکم توصل میورزند، عمدتاً موارد آتی از قبیل طلاق، محافظت اطفال، میراث و سایر موضوعاتی که عموماً منحیث حقوق فامیلی تصنیف بندی میگردد، را احتوا مینماید. این ساحه حقوق گزارش داده شده بطور عاجل[۱۷۱] نیازمند اصلاحات بوده، زیرا بالاثر بودن وظیفه مخصوص محاکم فامیلی در زمینه درخور اهمیت است. این محاکم در اداره حکومت نجیب الله (۹۲-۱۹۸۶) ایجاد گردیده بودند و در حکومت ربانی حفظ گردیده، اما در زمامداری طالبان بساط آن بر چیده شد.

ازدواج و طلاق

در بارهء ازدواج، پیمان ازدواج که از طریق انتخاب میاید، عقد گردد. سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۶ و برای پسران ۱۸ سال را در نظر گرفته است. بهر حال، شرایط واضع در طرز العمل قانون جنائی که به موجب آن آنهای را که به ازدواج اجباری پائینتر از

---

[۱۶۸] بخاطر مباحثه پیرامون انکشاف مکاتب مذهبی، اولیسن ۱۹۹۰ دیده شود.

[۱۶۹] مرکز بین المللی ضد گرسنگی فینستین، ۲۰۰۴، صفحه ۲۰۴-۲۱۱

[۱۷۰] سازمان عفو بین المللی، ۲۰۰۳

[۱۷۱] مطابق نظر حقوقدانان اناث که از جانب گروپ بحران بین المللی با آنها مصاحبه ها صورت گرفته است.

سن قانونی مبادرت میورزند محکوم نماید، وجود ندارد. ماده ۹۹ از حقوق در باره ازدواج اظهار میدارد که ازدواج اشخاص نابالغ ممکن بوده توسط اولیای آنها پیش برده شود، از قانون شریعیت دانسته می شود که شخص مانند ولی شرعی می تواند سن حد اقل قانونی برای ازدواج را تعیین نماید و این کاملاً نادیده گرفته شده است. در حال حاضر کوتاهی در مورد امتناع از مبادرت ورزیدن به ازدواج اجباری منحیث یک تخطی جنائی ناشی از طرز برخورد پرسونل قوه قضائی و عمومیت آن در اجتماع، وجود دارد. وزارت امور زنان در حال حاضر از افزایش سن قانونی ازدواج برای زنان به سن ۱۸ سالگی دفاع نموده، بر علاوه یک ضرورت به تصویب رسیدن مجدد قانون که ازدواج را در سطح ولایتی ثبت مینماید، مطرح است.

ارقام جامع در باره سن واقعی ازدواج وجود ندارد، اکثریت مناطق کشور فاقد امورات ثبت نمودن ازدواج و تولد میباشد و بسیاری مردم سن واقعی خویشرا نمی دانند. سن ازدواج در عمل بین شهر و مناطق دهاتی و مطابق به چگونگی سابقه قومی و اقتصادی از هم فرق میکند. در مناطق روستائی[۱۷۲] ازدواج نمودن با دختران جوان یک امر معمولی است. شواهدی در سالهای اخیر از تهیدستی و فقر ناشی از درگیری های مسلحانه و خشکسالی که منتج به کاهش سن ازدواج برای دختران به حد بیشتر گردیده، وجود داشته و در برخی موارد تا سطح نرسیدن به سن بلوغ سقوط نموده است. این برخی از اقدامات است که به منظور کاهش دادن تعدادی از وابستگان که میبایست در درون خانواده تغذیه گردند و هم قسماً یک طرق برای بلندبردن وجوه پولی برای زنده ماندن خانواده بوسیله دریافت طویانه (بهای عروسی) بکار میرود.[۱۷۳] شیربها اکثراً از مردان کهن سال و یا برای ازدواج های خانم دوم و سوم گرفته میشود.[۱۷۴] میدیکا موندلی در اثنای کار خویش در محبس زنانه کابل در جریان سپتامبر دسمبر ۲۰۰۳ افشا نموده که از ۳۲ نفر افراد اناث زندان، ٪۶۰ آنها کسانی را تشکیل میدهند که در تحت سنین ۱۶ سالگی عروسی نموده و ارقام نشان دهنده یک رابطه بین ازدواج اطفال و بدرفتاری ها و خشونت های فامیل بوده است.[۱۷۵]

ازدواج اطفال و قرار دادن مستقیم زنان برای فروش تحت اعم از قوانین مدنی و اسلامی ممنوع گردیده است. اگر چه تعریف از "طفل" برداشت گوناگون داشته است. مرضیه با سیل یک قاضی اسبق افغان و بنیان گذار انجمن قضات زنان افغان در کابل خاطر

۱۷۲ "ک دختر باید نخستین عادت ماهوار شان را در خانه شوهر و نه پدر وی داشته باشد"

۱۷۳ اتمر، برکت و سترند، ۱۹۹۸، راپوری که در سال ۲۰۰۲ برای WFP از جانب کیسترین دونین از گروپ رفاهی گول ایرلند نوشته شده، این گزارش فروش دختران را در ولایات دور افتاده شمال جوزجان را بر ملا ساخته است. وی قرای را دریافت کرده که از در آنجاتعداد زیادی از دختران با سنین ۸-۱۲ معمولاً در معادل پول ۳۰۰ تا ۸۰۰ دالر فروخته شده اند. "با هر کس که ما صحبت کرده ایم تاکید ورزیده که این عمل طی چهار سال خشکسالی صورت گرفته.) دونین می نویسد، وی علاوه می کند قرای که غذای WFP را دریافت کرده فروش دختران کاهش یافته است (ایبید)

۱۷۴ مرکز بین المللی ضد گرسنگی ۲۰۰۴، صفحه ۱۰۹

۱۷۵ بهگام و مختاری، ۲۰۰۴

چوکات ۱۱، ازدواج اطفال و فقر

ارقام اخیر منتشره از اداره‌ء (UNICEF) نشان میدهد که تقریباً ٪۱۶ از اطفال افغان در تحت سنین ۱۵ و در حالیکه ٪۵۲ آنها در تحت سنین ۱۸ سالگی ازدواج نموده اند. بالاثر مطالعه که از جانب پوهنتون توفتس انجام یافته دریافت گردید که ازدواج اطفال در ساحاتی که آنها تحقیقات را به راه انداخته اند شیوع یافته است، مانند ولایات بادغیس، هرات، کابل، قندهار و ننگرهار الی ٪۳۰ از فامیل ها در برخی ولایات گزارش داده شده که دختران پائینتر از سن ۱۵ ساله خویشرا عروسی مینمایند. مطالعه متذکره چیز های بیشتر را در باره‌ء تادیه شیربها که اکثراً در واقع به مردان کهن سال و یا معمولاً به دامادانی که دو و یا سه خانم دارند، افشا مینماید. اکثریت از والدین اظهار نموده اند که آنها اساساً ناگزیر گردیده که دختران تحت سن ازدواج خویش را به دلایل اقتصادی به شوهر دهند.[۱۷۶] اطلاعات مشابه توسط یک گزارش که بوسیله میدیکا موندلی (می ۲۰۰۴) تهیه گردیده است، در آن استدلال میگردد که واقعات ازدواج اطفال حتی در مناطق شهری به حد اعلی خویش رسیده است. گزارش متذکره به یک شبکه محافظوی مطالعات نمونوی که از افراد تعلیم یافته در هرات بعمل آمده، جایی که ٪۲۸.۵ پاسخ دهنده گان که قبل از سنین ۱۶ سالگی ازدواج کرده اند، مراجعه نموده است.

نشان نموده است[۱۷۷] "ه قانون وجود دارد، رواج وجود دارد و هم فقر عظیم بیداد میکشند. وی اشاره نموده است: هر چند که عنعنه پذیرفتن بهای عروسی در بدل برگرداندن دختر برای ازدواج جهت فروش به همان اندازه ارزش آن چنانچه ایجاب میکند معادل نبوده و قابل ملاحظه نمیباشد. فامیل داماد گمان برده می شود که بخشی از بهای ارزش طویانه را در باره تهیه لباس دختر و مراسم عروسی به مصرف میرساند. هنگامیکه حزب دموکراتیک خلق افغانستان (PDPA) در سال ۱۹۷۸ تلاش ورزید که عنعنه بهای عروسی (طویانه) را از میان ببرد، با مقاومت نیرومند مردم مواجه گردید. ازدواج های مرتب یا اراسته همچنان پرابلم هایی را به بار آورده اوان این که ازدواج های اجباری اتفاق افتاد. در گزارشات سازمان عفو بین المللی آمده است که مواردی از ازدواج های اجباری مورد توجه محاکم قرار گرفته، اما در مورد آغاز کردن هر گونه طرزالعمل های جنائی علیه محکومین به ناکامی آنجامیده است.

ازینرو ازدواج ها قرار داد رسیده گی به روابط بین فامیلی ها نسبت به قرار داد بین ازدواج طور انفرادی پنداشته شده، وجه از معاملات ازدواج با مبادله دختران به منظور حل و فصل و یا تحیکم اقتصاد و یا روابط سیاسی بین فامیل ها و حتی بین گروپ هایی از قبایل شاید در نظر گرفته شده باشد. سوال رضایت دختر (و در بسیاری موارد همچنان از داماد) مشکل است که دراین زمینه به میان آید.

بر حسب گزارش کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، محدودیت دسترسی زنان به عدالت در تلاش نمودن ایشان به خودکشی و قربانی خودی مساعدت نموده است. متجاوز از صد زن جوان در ولایت هرات گزارش شده که خود را در میان شعله ها انداخته اند و تعدادی از زنان به منظور نجات دادن خویش از ازدواج های اجباری خود را در دریای کوکچه پرتاب نموده اند. والی هرات و مقامات بلند رتبه حکومتی زنانی را که بمنظور امتناع از ازدواج های اجباری دست به خود کشی زده اند این عمل ایشان را محکوم

---

[۱۷۶] مرکز بین المللی ضد گرسنگی، ۲۰۰۴، صفحه ۱۰۹

[۱۷۷] کا وفمن ، ۲۰۰۳

نموده و آظهار داشته اند که آنها به عنعنه خویش بی احترامی نموده[۱۷۸] و احتمالاً نشان دهنده تربیه بد بوده است. (بحث در باره‌ء تربیه فوق دیده شود).

حق طلاق نزد مرد هاست، نسبت به زن ها. بهر حال، یک زن حق گرفتن طلاق شرعی را دارد حینی که یک شوهر خانم خویشرا از طریق اظهارات قضائی، خواه شفاهی و یا کتبی باشد طلاق نماید. اساس برای جدائی شرعی مشتمل است بر رنج بردن شوهر از مریضی غیر قابل علاج، کوتائی و یا ناتوانی در تامین کردن نفقه خانم خویش، غیابت بدون دلیل نزد خانم برای بیشتر از سه سال و یا محبوس بودن برای ده سال و بیشتر ازآن، دراین صورت خانم میتواند که بعد از پنج سال نخست طلاق خویشرا خواستار گردد.[۱۷۹] طلاق در افغانستان عمومیت ندارد و این مسئله برای یک زن که در جستجوی طلاق باشد، مایه شرمساری پنداشته میشود. زنان همچنان حفاظت از اطفال بزرگتر و معیشت خویشرا از دست داده و ناگزیر میگردند که نزد فامیل خویش اگر آنها وی را بپذیرند مراجعت نمایند.

چوکات ۱۲: پناه دادن موقت برای زنان

در استقامت نظریه یی که راجع به آن دفاع میگردد، "کار کردن بهتر است از حرف زدن". یک تعداد محدود از زنان ابتکارات را جهت فراهم نمودن مواظبت برای زنان و یا دخترانی که منازل شانرا به منظور فرار نمودن از برخی حوادث غیر قابل قبول در زنده گی شان ترک گفته، اتخاذ نموده اند. در پهلوی نهاد های پیشقدم بوسیله شهدا، سه سازمان دیگر خدمات محافظوی مشابه در کابل و نیمروز انکشاف داده است. مقصد کلی جهت فراهم ساختن یک ترکیب از مواظبت های حقوقی، صحی، روانشناسی اجتماعی، اقتصادی و تعلیمات غیر رسمی به منظور بلند بردن ظرفیت های زنان و زمینه ها برای ادامه دادن زنده گی آنها، میباشد. برخلاف، ترس از آن وجود دارد که بالاثر مهارتی که در حرف زدن توسط زنان و همچنان بوسیله مردان در زمینه به میان میاید چنین مراکزی زنان و دختران را دور از ارزو های فامیل های ایشان به خویش جلب می نمایند. اما مهاجرین در زمینه بسیار محتاط هستند. آنها مراجعین را طریق شبکه ارتباطی مراجعه نسبت به بنیاد در های باز میپذیرند و غالباً شیوه میانجیگری را همرای فامیل ها از طریق روش های مسلکی منحیث نخستین استقامت از اقدام خویش ترویج مینمایند. دسترسی به حدودی از مسایل زنان، مشتمل بر خشونت های شدید خانوادگی و نخستین توقفگاه برای زنان که در هنگام فرا رسیدن عید[×] از زندان رها میگردند. علاوتاً پذیرفتن یتیمان جوان مونث که بعد از گذشت سیزده سال بالغ پنداشته میشوند که میباید در یتیم خانه تأمین گردند. مانند سایر زنان، آنها با مهارت های معیشت و خیلی ها مهم است که با تعلیمات رسمی مشتمل بر کار با کمپیوتر و انگلیسی آماده گردند.

× برحسب معمول، رئیس جمهور به منظور فرا رسیدن عید فرمان رهایی زندانیان را از حبس صادر مینمایند، از زمره یک تعداد زنان رها شده از زندان افرادی میان آنها وجود دارند که بازگشت آنی به منازل خویشرا برای شان مصؤن نمی پندارند. آنها وزارت امور زنان را که یک همکار نزدیک برای فراهم نمودن سر پناه مؤقت برای شان، تا زمانیکه راه های حل درازمدت که توسط کارمندان حرفوی حقوقی بدست میابد، محسوب میدارند.

[۱۷۸] مرکز بین المللی ضد گرسنگی، ۲۰۰۳، صفحات ۱۰۴-۱۰۵

[۱۷۹] لاو، ۲۰۰۲، صفحه ۲۵

زنا

با توجه فوق العاده یی که مردم در قسمت عزت، ننگ، ناموس و اقدامات پیشگیرانه در قسمت کنترول از تمایلات جنسیتی زنان از خود نشان میدهند زنا[۱۸۰] یک جرم بسیار شدید شناخته میشود. زنا و سایر مقاربت های نامشروع جنسی به حیث یک عمل جنائی در افغانستان تلقی میگردد. با اینکه مردان با ارتکاب جنایت زنا متهم و یا مجرم شناخته میشوند، سازمان عفو بین المللی خاطر نشان میسازد سیستم عدلی کشور بطور نامتناسب در بارهء تعقیب قانونی زنان به ارتکاب جنایت زنا تاکید میدارد.[۱۸۱] (وکات ۱۲ دیده شود). تجاوز ورزیدن به ناموس همچنان شامل زنا و یا اعمال مشابه با زنا پنداشته میشود، چنانچه این عمل در قانون وابسته به جزا محدود گردیده است. پروبلمی که توسط این مورد از قانون مدنی بوجود آمده و تفسیری که از جانب سازمان عفو بین المللی در رابطه به تعقیب و پیگرد زنان در ارتباط به تجاوز به عفت شان پرسش به میان آمده، شرح داده شده است. "شما میبینید که ما یک مشکل در قوانین مدنی خویش داریم. هرگاه یک زن از تجاوز به عفت خویش گزارش دهد، احتمال دارد که موصوفه به ارتکاب جرم زنا به حبس محکوم گردد" در جریان سالهای کشمکش های داخلی، تجاوز به ناموس و عفت و تخطی های جنسیتی توسط گروپ های مسلح منحیث یک وسیله بی حرمتی و ترساندن فامیلی و تمامی اهالی در مجموع مورد استفاده قرار گرفته است. اطفال خورد سال نیز دستخوش شکار آدم ربائی و تجاوزات جنسی گردیده اند. بنابر فقدان میکانیزم های مؤثر جهت تحقیق نمودن تجاوزات مربوط جنسی، اکثریت بزرگ چنین تخطی بطور دوامدار گزارش داده شده و تقریباً هیچگاه در معرض تحقیق و تعقیب عدلی قرار نگرفته است.[۱۸۲]

چوکات ۱۳: وکلای مدافع برای فراهم آوری عدالت برای زنان

میدیکاموندلی مهارت ها و ظرفیت وکلای مدافع را که با قضایائی سخت موجود در مواد قانون را سرو کار دارند، ارتقا میدهد؛ در یک مورد آزادی یک زن بر بنیاد طرز العمل موضوع صرفاً محافظت گردیده است. سازمان متذکره نشریه های درباره قانون ازدواج و طلاق و حقوق بعد از بازداشت را آماده و به وزارت های ذیربط و به نمایندگی های امور زنان توزیع نموده است. نشریه متذکره در تشریک مساعی با ستره محکمه منحیث رهنمود برای وکلای مدافع به دری تهیه گردیده است. در یک مدت بیشتر از ده ماه، میدیکاموندلی به میزان ٪۶۸ (۱۱۶ موضوع) رهائی متعلق به زنان محبوس شده را تامین نموده است. در شهر کابل ٪۴۶ از جرایم اخلاقی که در ماه جنوری ثبت گردیده بود به ٪۲۷ در طی ماه جون کاهش یافته است. این ها بوسیله طی نمودن خیلی ها سریع مراحل دعاوی اخلاقی و بر بنیاد عدم موجودیت شواهد موجب شده به محکمه و دفاعیه موفقانه ارائه شده توسط انجمن مشاورتی، بدست آمده است. در سایر موارد، طلاق و سرپرستی اطفال به زنان اعطا گردیده است.

---

[۱۸۰] زنا عبارت از روابط نا مشروع مرد وزن یا جماع جنسی بین افرادی بوده که با هم در ارتباط قانونی ازدواجی قرار ندارند.

[۱۸۱] در جون ۲۰۰۲، در حدود ۳۰ زن در زندان کابل توقیف شده که اکثریت آنها نظر به اظهارات وزارت امور زنان نظر به تخلف از موارد مختلفه قانون مدنی از قبیل ابا ورزیدن از زندگی با شوهران، امتناع از ازدواج با فردی که از جانب والدین شان انتخاب گردیده و یا اینکه از خانه های والدین و یا شوهر متهم به فرار قرار داده شده بودند) گرفتار و بندی شده اند (لاو، ۲۰۰۲)

[۱۸۲] سازمان عفو بین المللی، ۲۰۰۴

قانون جنائی همچنان حد[۱۸۳] مجازات را به جنایات مانند سرقت، زنا و مقاربت جنسیتی قبل از ازدواج مقرر میدارد. این مجازات مشتمل است بر پرداخت تاوان و تلافی برای آن موارد شخص که دستخوش جرایم گردیده که این امر خلاف قانون شریعت میباشد. بطور مثال، حد مجازات برای شخص محکوم شده به انجام زنا مجازات مرگ را از طریق سنگسار شدن، خواستار میگردد. قانون جزائی همچنان تخفیف از فتوای دعوای به قتل رساندن که در بدل دفاع از عزت مرتکب گردیده باشند اجازه میدهد. بطور مثال، هرگاه یک مرد خانم خویشرا که مرتکب انجام زنا گردیده باشد به قتل برساند برمبنای همین قاعده از مجازات معاف میگردد.

میراث

حقوق میراث زنان در یک تعداد از روستا ها و دهات در افغانستان رعایت گردیده، اما در سایر نقاط با بی اعتنائی همراه بوده است. قانون مدنی که در اواسط سال ۱۹۷۰ ترتیب گردیده و بطور فرضی توسط محاکم مورد استفاده قرار میگیرد، در بارهء حقوق ملکیت بیوه ها (و دختران) روشن است، اما در باره اینکه چگونه تقسیم ملکیت تنظیم گردد کمتر وضاحت داشته است. بر بنیاد روش های عنعنوی مسلط در کشور گرایش های برای پایمال نمودن اعم از اصول شرعی (چنانچه مردم محلی آنرا منحیث قوانین شرعی میدانند) و قانون مدنی وجود دارد.[۱۸۴] مطابق قانون اسلامی حق میراث یک دختر نصف حصه یک پسر بوده در حالیکه یک خانم صرف ۱/۸ حصه از ملکیت شوهرش مستحق دانسته میشود. چنانچه این مورد در فصول گذشته شرح گردیده که حق زنان در میراث زمین خیلی ها اسمی بوده نسبت به واقعی بودن آن در اکثر موارد، چون زن امکان دارد که زمین موروثی خویشرا برای برادر خویش بمنظور ادامه دادن حمایت و تحفظ از موصوفه انتقال داده، و یا هرگاه زن خواسته باشد که زمین خویشرا نگاه دارد دراینصورت کنترول واقعی بالای زمین متعلق به اقارب موصوف بوده و اینکه بالای زمین چه کشت می نماید و یا خوا محصول آنرا میفروشد و یا نی به ایشان تعلق دارند. بطور عموم به ملاحظه رسیده که زنان سهم خویش را به شکل لباس عروسی که در هنگام ازدواج بطور (جهیز) از خانه پدر با خویش میآورند، دریافت میدارند.

سیستم های غیر رسمی عدلی و قضایی

در افغانستان اتکای بیشتر بالای میکانیزم های غیر رسمی شکل جرگه، میان پشتون ها و به طریق شورا میان اهالی دری زبان، که متشکل از بزرگان، علما[۱۸۵] و سران اقوام و یا فامیل های توسعه یافته از قرا و یا گروپ هایی از قبایل، میگردد.[۱۸۶] جرگه و شورا پروبلم های اهالی را مشتمل بر موضوعاتی که به ارتباط ملکیت زمین، موضوعات فامیلی و جرایم میگردند، حل و فصل میدارند. چون جرگه و شورا در سراسر افغانستان بطور انحصاری از مردان متشکل گردیده زن ها قادر به دسترسی به این میکانیزم های غیر

---

[۱۸۳] حدود عبارت از مجازاتی است که برای اعمال ممنوعه در قران آمده است. حد عبارت از حق و خواست الله (ج) است، در همچو موارد اگر قضیه نزد قاضی آورده می شود هیچگونه عفو و حل مسالمت امیز در آن مجاز نیست.

[۱۸۴] ویلی، ۲۰۰۴ الف، صفحات ۵۱-۵۲

[۱۸۵] سپین گیری- ریش سفیدان (به معنی ریش سفیدان)

[۱۸۶] بویسن، ۲۰۰۴

رسمی بدون حمایت و کمک از اعضای مرد فامیل خویش نمیباشند. در جریان اتخاذ تصمیم گیری جرگه و شورا منابع مختلف از قبیل: دساتیر شریعت، مقررات قبیلوی و سایر مسایل متعارف را بکار میبرند. بر بنیاد برتری موضوعات متعارفی در تصامیم جرگه/شورا بطور وسیع به ضرر زنان بوده، چنانچه مسایل متعارفی در سراسر افغانستان حقوق اندکی را نسبت به دساتیر اسلامی و یا قانون مدنی در موضوعات در رابطه به میراث، ملکیت و ازدواج به زنان اعطا مینماید. عدم دسترسی زنان به جرگه و شورا همچنان مشکلات آنها را در ارتباط به جرایم علیه شان تشدید نموده، بطور مثال در مورد قتل که به عنوان عفت و یا ناموس انجام میپذیرد مرتکبین آن بطور عموم مجازات نمیشوند.

قوانین متداول تنوع خود را از عقاید ثمر بخش و قابل ترمیم قضائی میگیرند تا از عقاید سختگیرانه قضائی که خاصه قوانین غربی و بین المللی امروزی میباشد. نسبت اینکه یک فرد بنابر ارتکاب اعمال نادرست به زندان فرستاده شود از موصوف در مورد تادیه تاوان مادی و عذر خواهی برای شخص که دستخوش قربانی گردیده مطالبه میگردد.[۱۸۷] برخی اوقات این موارد صرف با ترجیح دادن از طریق جبران مادی مورد حل و فصل قرار می گیرد، و مجازات برای زنا بر بنیاد اصول شرعی مورد اجرا قرار داده میشود. نورم ها بطور قابل ملاحظه ئی بوسیله قبایل و گروپ های منطقوی، و اقوام پشتون ها و برخی گروپ های تاجک در شمال در ارتباط به مجازات برای زنا و فرار از منزل در زمینه اجرای فتوای مرگ برای جفت (زن و شوهر)، از هم فرق دارند. همچنان تقاضا نمودن دختران از فامیل متهم در زمینه جبران کردن در حالات موارد قتل عمومیت دارد. مراجع رسمی عدلی، توقیف بازداشت شونده گان و اعضای جرگه های محلی در مزار، جلال آباد و هرات اعمال مشابه و باهم پیوسته را گزارش داده اند.[۱۸۸] هنگامیکه، یک دختر در بدل داده میشود، بعداً بطور اجباری با یک مرد فامیل که دستخوش قربانی واقع گردیده عروسی میگردد، در حالیکه چنین جرایم به بد نسبت داده میشود، جریمه های گوناگون برای بد های مختلف وابسته به شدت جرم میباشد.[۱۸۹] سازمان عفو بین المللی خاطر نشان مینماید که این اعمال مسبب نقض کردن ممانعت در برابر غلامی و تبعیض نژادی و همچنان در بر داشتن شکنجه و بیرحمی، غیر انسانی و یا رفتار تحقیر کننده میباشد.[۱۹۰]

صدای زن در مسایل عامه

سیستم های متعارفی طرز حکمروائی محلی در جریان نسل ها در افغانستان بوجود آمده و در بسیاری از محلات تا امروز در معرض اجرا قرار دارند. حال آنکه جرگه/شورا، در پرنسیپ دموکراتیک است و از طریق رضایت و موافقت عمومی بکار میرود. تنها مرد ها میتوانند در آن مشارکت نمایند. جرگه در اصل در یک سطح حقوقی ملی از اوان اساسگذاری افغانستان در سال ۱۷۴۷،

---

[۱۸۷] خرم، ۲۰۰۳

[۱۸۸] سازمان عفو بین المللی، ۲۰۰۳

[۱۸۹] بد مربوط به جنایتی است که از گفته یک کلمه نا مناسب تا قتل و یا هم به ناموس کسی تجاوز است (خرم، ۲۰۰۳)

[۱۹۰] سازمان عفو بین المللی، ۲۰۰۳

هنگامیکه جرگه ای از قبایل پشتون احمد شاه درانی را منحیث پادشاه شان "بطور مساویانه از بین شان" از بین خویش برگزیدند، بالا گرفته است. ازینرو همواره اجلاس بزرگ (لویه جرگه) منحیث یک تجسم از نماینده گی واقعی مردم افغانستان به مشاهده رسیده است.[۱۹۱] به موجب تصویب قانون اساسی در لویه جرگه سال ۱۹۶۴، به زن ها نماینده گی معین در سطح ملی جرگه ها اعطا گردیده است. حالانکه این وضعیت در سطوح محلی مطرح نبوده است. بهرحال:

سطح محلی : امروز، زنان افغان به مقیاس وسیع کشور، نقش واقعی در انتخاب نمودن سران محلی نداشته و سهمگیری آنها به پیمانه زیاد در اتخاذ تصمیم گیری در قریه ها و دهات شان محدود گردیده است. این مشاهده توسط تمامی موارد مطالعات وسروی جامع که دراین اواخر توسط ارزیابی خطر ملی و آسیب پذیری بعمل آمده تائید گردیده است. مطالعه که توسط پوهنتون توفتس انجام یافته نشان میدهد که اکثریت از پاسخ دهنده گان دهاتی اظهار داشته اند که زنان روستائی در انتخاب نمودن سران قریه، ساحه و ولسوالی و در هرگونه از مراجع رسمی عامه، حق رأی ندارند. در بادغیس، قندهار و ننگرهار ۱۰۰٪ اعم از مرد و زن پاسخ دهندگان اظهار داشته اند که زنان نقش انتخاب نمودن سران قریه خویشرا نداشته اند. در هرات و کابل، بیش از ۹۵٪ از پاسخ دهنده گان ذکور و اناث اظهار نموده اند که زنان نقش در انتخاب رهبری قریه شان را نداشته اند.[۱۹۲]

برنامه همبستگی ملی حکومت به مثابه یک برنامه عالی، که هدف نهایی آن تحت پوشش قرار دادن تمامی قرای افغانستان میباشد، با بر گذاری انتخاب نمودن دموکراتیک کمیته های انکشافی دهات، اقدام نموده است. این کمیته ها یک مقیاس از حکمروائی خودی خویش را از طریق اداره نمودن وجوه مالی برای پروژه های بازسازی و توسعوی را بکار میبرند. مع الوصف اینکه، مفکوره کمیته های انکشافی دهاتی در استقامت به شورا ها و یا جرگه های عنعنوی میباشد، اما اعضای آنها نسبت اینکه انتصاب گردند، انتخاب میشوند. لاکن این شیوه با تشویق نمودن مشارکت مساویانه زنان در انتخابات، رسم عنعنوی جرگه را شکستانده است. تجربه برنامه همبستگی ملی جهت فراهم شدن زمینه مشارکت زنان در سیاست های سطوح ملی با مقاومت و موانع در یک تعداد از محلات و با شک داشتن در باره پروگرام همبستگی ملی که یک نهاد "خارجی" و برنامه ضد اسلامی که هدف آن تغییر مذهب و از بین بردن ارزش های عنعنوی افغانها خاصتاً در رابطه به زن ها و فامیل ها میباشد مواجه گردیده است.[۱۹۳]

بی میلی جهت اجازه دادن به مشارکت زنان در تصمیم گیری در سطوح محلی چنانچه با باز نمودن دریچه برای مشارکت ایشان در امور عامه در پیوند نزدیک با اندیشه حجاب و عفت فامیلی به نظر رسیده است. ازاینرو دو موانع وجود دارد یکی بدست آوردن پذیرش مشارکت زنان در انتخابات کمیته های انکشافی قریه و بعداً پذیرش شمولیت کاندیدان منحیث زنان در کمیته های

---

[۱۹۱] اولیسن، ۱۹۹۵ در مورد انکشافات قانون اساسی در افغانستان و نظریات مختلف در مورد مشروعیت قدرت که در آن نهفته است بحث می کند.

[۱۹۲] مرکز بین المللی ضد گرسنگی بنام فینستین، ۲۰۰۴، ۸۹

[۱۹۳] بوی سن، ۲۰۰۴، صفحات ۲۸-۲۹

انکشافی ودهاتی. در اکثریت روستا ها مشارکت زنان در انتخابات پذیرفته شده است، اما تنها در یکتعداد محدود از محلات اهالی آماده گردیده اند بپذیرند که زنان منتخب میتوانند با هم قطاران کاندید مرد خویش پیرامون تصمیم گیری در باره اولویت های روستائی شان با هم بنشینند. اعتراض ابتدا از فامیل های مربوطه زنان که کاندید های شان انتخاب گردیده اند بوجود آمده، که حیثیت اعضای اناث فامیل شان با ظاهر شدن در چنین محافل عام لکه دار خواهد شد.

یک تعداد از روستا ها که بوسیله مؤسسات غیر حکومتی (انجو ها) کمک گردیده، بالای این موانع بوسیله تشکیل دادن جداگانه کمیته های انکشافی دهاتی متعلق به زنان که قادر به نماینده گی از زنان در اولویت دادن پروژه ها در سطح محلی میباشند، غلبه حاصل نموده اند. در حالیکه این یک آغاز نسبتاً معتدلانه به نظر میرسد و در حقیقت یک قدم نهایت مهم بسوی تضمین نمودن حقوق قانونی زنان منحیث سایر اتباع میباشد. سوال بعدی اینست که آیا زنان موفق خواهند شد تا صدای آنها شنیده شود و تثبیت آن شاید بطور قابل ملاحظه مشکل خواهد بود. زنان متعلق به شورای زنان در ولسوالی آقچه کلمات آتی را از خویش ارائه نموده اند:

> "نخست ما مجالسی از میان زنان راجع به پروژه ها را برگذار مینماییم. بعد از آن زنان از مردان اجازه صحبت با آنها را تقاضا میدارند (صحبت با آنها)، بعد از آن مردان میتوانند پروبلم را به شورای (ذکور) تقدیم بدارند". (*ibid, p.* ۶۵)

دریک تعداد از انتخابات کمیته های انکشافی دهاتی روستائی بسیاری از زنان به اندازه مردان (نزدیک ۱۰۰-۸۰٪) رای خویش را ابراز داشته اند[۱۹۴] و در مناطق متعدد تعداد آنها از تعداد مردان رای دهنده متجاوز میگردد. یک تعداد از زنان به کمیته های انکشافی روستائی انتخاب گردیدند و حتی یک کمیته انکشافی روستائی عضو اناث را منحیث رئیس خویش برگزیده است. این یک علامتی است، که آموزگار یک مکتب از آوانی که انتخابات بطور عام برگذار گردیده "زنانی که تعلیمات خویش را به پایه اکمال رسانیده توانسته اند برای بار نخست در انتخابات اشتراک ورزند. " از قرار معلوم این نظر همچنان توسط مردان باسواد پخش گردیده است (i) کنار گذاری مشارکت رسمی زنان در امور روستائی بطور وسیع گسترش و عمومیت دارد و اعضای اناث کمیته انکشافی روستائی و دهاتی امکان دارد مشکلات در ارائه نظریات و استماع و اذعان کردن آن را تشخیص دهند، اما زنان میتوانند نفوذ غیر مستقیم خویشرا از طریق اعضای ذکور فامیل خویش، تامین نماید، چنانچه این یک حقیقت است که بوسیله مردان اعتراف گردیده است.[۱۹۵]

قطع نظر ازان، در حقیقت زنان به اجازه وابستگان ذکور (محرم) خویش جهت دادن رأی ضرورت دارند. موانع عمده برای مشارکت و سهمگیری شان در سیاست های محلی محدودیت دسترسی شان به اطلاعات نیز میباشد. موجودیت بی سوادی

---

[۱۹۴] اید ممویر، هیئت نظارت از پروگرام همبستگی ملی، جولای ۲۰۰۴، بانک جهانی

[۱۹۵] این وضع در یک پروژه انکشاف دهاتی در مرحله اول در شمال افغانستان در سال ۱۹۷۰ تجربه شده بود، که در آن جا اعضای اناث خانواده در مشاورت های جامعه تصمیم گیرنده بودند، در حالیکه در ان تنها مردان در همچو مجالس سهم میگرفتند.

بیشتر و کمی تحرک پذیری نزد زنان عمدتاً برای دسترسی به اطلاعات وابسته به رادیو بر پایه تلاش های شخصی خود شان و یا بوسیله اطلاعات یک عضو مرد فامیل استوار است. مبتنی بر یک سروی که در سال ۲۰۰۳ انجام یافت، مشخص گردیده که ٪۷۸ از مردان افغان به مقایسه ٪۶۱ از زنان در مناطق شهری از جریان قانون اساسی باخبر گردیده اند.[۱۹۶]

در سطح کشور : قانون اساسی ۱۹۶۴ انتخابات آزاد و منصفانه به گونه روش غربی در افغانستان معرفی گردیده بود. علی الرغم تفویض حقوق رسمی برای تمامی اتباع افغانستان جهت رای دادن در انتخابات، در حقیقت سهمگیری و مشارکت مردم در محلات روستائی نهایت محدود بوده است. در نخستین انتخابات سال ۱۹۶۵، تنها ٪۱۰ از اتباع کشور رای خویشر ا ابراز نموده بودند. سپس در سال ۱۹۶۹، ٪۲۰ از اتباع کشور به زحمت رای خویشرا به صندوق ها ریختند.[۱۹۷] ناظرین پاره ئی از توضیحات در باره تفاوت عظیم بین شهر و ده را استناد نموده اند که در پاسخ به آن، راه برای کودتاه کمونستی و بعداً به قدرت رسیدن مجاهدین هموار گردید.

به موجب استقرار حکومت موقت و انتقالی در افغانستان، زنان جایگاه مهم را احراز نموده اند، چنانچه این موضوع در گزارش مطروحه به هنگام آن ذکر گردیده است. بر اساس موافقت نامه بن ضرروت شناختن نقش زنان در جامعه برجسته گردید و وزارت امور زنان ساختار و تشکیل را به منظور متمرکز نمودن توجه برای پیشرفت زنان فراهم نموده است. مساعی در زمینه دادن حق سیاسی به زنان را با تعیین نمودن سه وزیر اناث میتوان مشاهده کرد، منجمله وزیر صحت عامه، وزیر امور زنان و وزیر دولت برای زنان را میتوان نامبرد. حضور ٪۱۴ نماینده گان زن در نخستین لویه جرگه که حکومت انتقالی را برگزیدند، مشارکت زنان در طرح مسوده قانون اساسی، کمسیون قضائی، کمسیون انتخابات و مورد توجه قرار دادن زنان در برنامه اصلاحات خدمات ملی دلالت بر بهبود وضع روز افزون زنان میکند. یک قدم جلو تر توسط قانون اساسی مصوب لویه جرگه ماه دسمبر سال ۲۰۰۳ برداشته شده است که به موجب آن حقوق مساوی بین مرد و زن در برابر قانون را فراهم نموده و برای زنان حد اقل دو چوکی ولسی جرگه در هر ولایت و نصف دو سوم اعضای مجلس سنا را که توسط رئیس جمهور برگزیده میشود، اختصاص میدهد. در مجموع این تغییر سهم زنان را حد اقل ٪۲۵ در اسامبله ملی تامین خواهند نمود.

لویه جرگه در رابطه به نقش و حقوق زنان بدون واقعات نبوده است. نماینده گان زنان متذکر چندین مرتبه از طرف نماینده گان ذکور لویه جرگه مورد ارعاب قرار گرفته اند. در یک موضوع خاص، یک نماینده اناث بالای جنگ سالاران جهادی در رابطه به بد رفتاری به حقوق بشر در گذشته طور شفاهی حمله نمود که خشم برخی از نماینده گان ذکور را برانگیخت که با احتیاط در فراهم

[۱۹۶] اوتس و هلال، ۲۰۰۳، صفحه ۱۳

[۱۹۷] گریومیر، ۱۹۸۷

آوری تحفظ موصوفه رسیده گی بعمل آمد. این خاطره یک رویداد در پارلمان افغانستان در سال ۱۹۶۰ را هنگامیکه یک عضو اناث کمونست بنام راتب زاد (که بعداً وزیر در حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان) در حال ایراد بیانیه بود، توسط هم قطاران مرد اعضای پارلمان مورد حمله فزیکی قرار گرفت، بیاد میآورد.[۱۹۸]

انتخابات ریاست جمهوری، که در اکتبر سال ۲۰۰۴ انعقاد یافت، به سطح ملی و بین المللی موفقانه ارزیابی گردید. ثبت نام رای دهندگان با قدم های ناهموار و فراز و نشیب های اعم در رابطه به منطقه و جنسیت پیشرفت نمود و توسط حملات روبه افزایش تروریستی علیه کارمندان ملل متحد و حکومت که در پروسه ثبت نام اشتغال داشته موانع را بوجود آورده بودند.
هنگامیکه انتخابات نزدیک میگردید، چتری از واهمه و ترس همچنان علیه رای دهنده گان فزونی میافت و رای دهنده گان متعلق به قشر اناث خاصتاً مورد هدف قرار میگرفتند.
چنانچه حملات بمب گذاری در سرویس مینی بس که کارمندان اناث انتخابات را حمل مینمود در ماه جون که منجر به تلفات تعداد بیشتر آن ها گردید. علی الرغم ناهمواری ها در زمینه انتخابات رجوع مردم در سرتاسر کشور نشان داد، که اکثریت افغان ها با وجود برخی خطرات برای امنیت فزیکی شان، حقوق خویشرا برای رای دهی بکار بردند.

حکومت افغانستان، به یاری و کمک تمویل کننده گان بین المللی، سازمان های غیر حکومتی (انجی او ها) گام های مثبت را برای تشویق نمودن ثبت نام رای دهنده گان اناث در راستای پیشرفت انتخابات ریاست جمهوری از طریق برنامه های تعلیمات مدنی و استخدام کارمندان انتخاباتی اناث برداشته است. به تاسی از مساعی معطوف شده، بیشتر از ۴۱٪ رای دهنده گان ثبت شده را زنان احتوا نموده، که در حدود ۴۰٪ در قالب رای دهی حساب گردیده است. در مناطق پشتون، جریان رای دهی خاصتاً در جنوب شرق به تندی تغییر مینمود. زنان بیشتر از ۴۰٪ از رای دهندگان را بطور کلی تشکیل میداد، اما در ولایات شرقی و جنوب شرقی، هنگام رای دهی زنان، کمتر از ۱۵٪ از مجموع رای دهنده گان را خاصتاً در ولایت ارزگان، زابل و هلمند در بر گرفته است. در دو ولایت دیگر، دایکوندی و فاریاب، با داشتن جمعیت وسیع از ازبک و هزاره، بالترتیب زنان بیشتر از نصف رای دهنده گان را در بر گرفته اند و در ولایت نورستان برابری جنسیتی وجود داشته است.[۱۹۹]

با وجود تأخیرهای گوناگون، انتخابات ریاست جمهوری موفقیت وسیع و دست آورد بزرگ برای افغانستان شمرده شده است. سهمگیری و مشارکت زنان در انتخابات بسیاری محلات بر انگیزنده بوده و به وضوح آرزومندی زنان را جهت مشارکت در سیاست های ملی و در اتخاذ تصمیم گیری که بالای زنده گی شخصی و فامیلی و رفاهیت ایشان اثر میگذارد، روشن میسازد. حال آنکه بطور کامل ارزیابی هنوز صورت نگرفته، اما میتوان پنداشت که فقدان امنیت از دلایل عمده برای شاخص بسیار پائین ثبت نام برای رای دهی در ولایات جنوب کشور بشمار میرود. تجربه انتخابات ریاست جمهوری درس هایی را جهت براه انداختن موفقانه انتخابات پارلمانی در سال ۲۰۰۵ فراهم می نماید.

---

[۱۹۸] دوپری، ۱۹۷۳

[۱۹۹] گروپ بحران بین المللی، ۲۰۰۴ الف

اثرات پالیسی

...عنصر جنسیت (زن و مرد) مسئله جدی است. ما از تبعیض جنسیت به یکپارچگی جنسیت گذار میکنیم. عنوان کردن قابلیت های زنان به طرز فرهنگی مناسب، توجه مخصوص را خواستار میگردد. بهرحال، بطوری که در لویه جرگه نشان داده شد، هنگامیکه زنان چنین نقش را اتخاذ مینمایند آنها مورد قبول واقع میگردند، مسئله کلیدی بحث پیرامون نقش زنان در افغانستان نیست، بلکه ایجاد نمودن حقایق در زمینه یکپارچگی و نقش زنان است.[۲۰۰]

همان اندازه که اتباع افغانستان و زنان افغان در اصول دارای تساوی حقوق میباشند، اما در واقعیت با عدم تساوی حقوقی روبرو میباشند. برعلاوه، اختلاف بزرگ بین قانون متعارفی، قانون مدنی و دساتیر اسلامی وجود دارد. به همین گونه سیستم رسمی قضایی کشور گرایش برای اعطای حقوق محدود برای زنان را حاوی میباشد. در جریان سالهای کشمکش و تشدت بطور فزاینده به تحفظ حقوق (محدود) زنان صدمه وارد گردیده است. حکمفرما بودن فرهنگ بخشوده گی از مجازات و در ارتباط به تشدد و تخطی به شمول بکار بردن زور علیه زنان در داخل و خارج از خانواده را می توان نام برد. بدتر شدن وضعیت امنیتی در بسیاری از حصص و مناطق کشور موانع نهایت جدی را در برابر ارتقا بخشیدن نقش قانون، احترام برای حقوق بشر و معرفی اصلاحات حقوقی که به موجب آن زنان نسبت به سایر گروپ ها در جامعه منفعت خواهند برد، تشکیل میدهد.

اثرات پالیسی از ارزیابی اوضاع دوگانه، در کوتاه مدت ضرورت به پیگیری نمودن نهایت مؤثر حقوق مشروع زنان در محدوده قانون جاری را دارد.

- ✓ تأمین حقوق مشروع زنان از طریق تعلیمات حرفوی، کمک حقوقی، سیستم های میانجگری عنعنوی، کمک های خردمندانه و تحفظ مهاجرین.
- ✓ اطلاعات/کمپاین و آگاهی راجع به ماهیت غیر قانونی و تاثیرات منفی اجتماعی اجباری همراه با تشویق نمودن جهت به تاخیر انداختن عروسی تا رسیدن به سن بلوغ با استفاده از رسانه های جمعی و بوسیله سران جامعه، رهبران مذهبی و معلمین مکاتب.
- ✓ بهبود بخشیدن مصؤنیت مردان، زنان و اطفال و استحکام بخشیدن به سیستم حقوقی حمایت از نقش قانون.
- ✓ حمایت نمودن از گروپ های زنان در سطح محلی و ملی بمنظور قادر ساختن آنها جهت استفاده از حقوق تضمین شده سیاسی آنها و ارائه بکار بردن نفوذ سیاسی.

در درازمدت به انجام اصلاحات سیستم ها و چارچوب حقوقی بمنظور مطمئن ساختن زنان جهت بدست آوردن یک موقف متساوی در جامعه ضرورت است.

- ✓ اصلاحات حقوقی بمنظور برطرف کردن عدم تساوی جنسیت (زن و مرد) در چارچوب حقوق خانواده، در زمینه ازدواج، سن ازدواج، طلاق و میراث با الهام از کشور های اسلامی مانند ترکیه و مصر که کشور های متذکره مسیر اصلاحات را در زمینه طی نموده اند.

---

[۲۰۰] مصون ساختن آینده افغانستان، ۲۰۰۴



فصل ششم

زیانها و عواقب تجرید متداوم از لحاظ جنسیت

زیانها و عواقب تجرید متداوم از لحاظ جنسیت

در فصول گذشته این گزارش توضیح گردید که چگونه از تفاوت و خلا ها از لحاظ جنسیت غرض بازی های درونی متقابل بین نیرو های مختلف استفاده شده است. در فصل حاضر در مورد زیانها و عواقب خلا های جنسیتی و اهرم های ممکنه پالیسی ها که این مشکلات را دور سازد، صحت می شود. هدف این است تا روی آن اقدامات توجه صورت گیرد که ارجحیت داشته و دارای بازده و بازگشت در زمینه مصارف و زیانها باشد. مؤثر تمام شود. با وجود آن هم نه باید نقصان و مصارف اقتصادی ناشی از تجرید جنسیت را با مصارف پولی و نقده مغالطه کرد. اقتصاد دانان دقیقاً متوجه اند تا آن شیوه ها و طرق را که جهت ارزیابی خودی آسایش معیشت بشری ضروری است درین جهان با منابع محدود آن تشخیص کنند؛ نه تنها آن بخشی از آسایش و رفاه بشری که در محاسبات عادی تولید ناخالص داخلی (GDP) اندازه گیری شود.

این تفاوت بین "اقتصاد" به مفهوم وسیع و هم به مفهوم "خاص" در عرصه مباحثات از لحاظ برابری جنسیت دارای اهمیت است. جنسیت (جندر) از لحاظ تعریف یک ساختار عیار شده است که بالای ارزشهای (مذهبی، فرهنگی و یا اجتماعی) جهت توضیح برخورد ها و رویه های مسلط در مورد جنسیت ها بوده که در زمان، محل و چوکات اجتماعی معین مناسب می باشد. با این پیشنهاد بطور ساده گفته می توانیم که اقدام مبتنی بر پالیسی میتواند تولید ناخالص داخلی GDP اندازه شونده را بالا برده و یا هم بازده و برگشت زیاد و مشخص داشته، و در نتیجه باعث بازده زیاد اقتصادی خواهد بود، حتی اگر این اقدام در تصادم با ارزشهای اجتماعی و فرهنگی بوده و درک نا درست را در تحلیل های اقتصادی باعث میگردد. واضح است که این تفاوت و تفکیک در شرایط افغانستان، طوری که در فصول گذشته توضیح گردید، اهمیت دارد، مباحثه در مورد نقش های مناسب جنسیت خیلی قابل منازعه و اختلاف بوده و این مسئله خیلی ها سیاسی شده بود.

از این لحاظ درین فصل از یک تحلیل در زمینه آن سرمایه گذاری ها و تمویل آغاز میشود که دارای بازده خوب اقتصادی در عرصه رفاه معیشتی، پول و یا هم هردو باشد و از مواردی که کمتر قابل منازعه باشد با آن طرف میرود که نورمها و ارزشهای عنعنوی را

مورد چالش (چلنج) قرار میدهد.

تعلیم و آموزش : بسیاری ادعا خواهند نمود که تعلیم و آموزش برای دختران یک حق اساسی انسانی میباشد، در حالیکه سایرین استدلال میدارند تعلیم و آموزش برای دختران توسط بازگشت های شمرده شده در زمینه های خالص پولی توجیه گردیده است. لاکن حتی برای آنهاییکه اعتقاد دارند که نقش زنان اکیداً محدود به محیط خانواده خواهد بود، در آنجا ۴ توجیهات نیرومند برای سرمایه گذاری در تعلیم و آموزش دادن دختران، که به بازگشت های پولی وابسته نمیباشد، وجود دارند. نخست، تعلیم و آموزش، صحت شخصی زنان را بهبود بخشیده، خاصتاً در کاهش دادن میزان مرگ و میر اطفال شان. ثانیاً شواهد از اطراف و اکناف جهان اشاره مینمایند که تعلیم و آموزش صحت اطفال متعلق به زنان (از طریق اطلاعات بهتر، تصامیم بهتر، بکار بردن موثر خدمات طبی)، را بهبود میبخشد. سومی، اصلاح تعلیم و آموزش زنان یک چرخش برای بهبود بخشیدن تعلیم و آموزش اطفال شان مشتمل بر مرد و زن پنداشته میشود. چهارمی، تعلیم و آموزش زنان مولدیت ایشان را در امور خانواده بهبود میبخشد. حق تقدم توجه برای توسعه و گسترش دادن مکاتب نسوان بالای پندار هایی که زنان صرف برای مزد کار خواهند نمود، تکیه نمی نماید، بلکه میتواند کاملاً اقتصادی توجیه گردد، حتی بدون هرگونه تقاضا برای بازگشت های پولی.

صحت : همین طور در باره‌ء استقامت صحت، خاصتاً در باره صحت نوزادان، برخی میپندارند که کاهش میزان تولدات از اهدافی است که پالیسی سازان آنرا فعالانه پیگیری مینمایند. در حالیکه سایرین امکان دارد تولدات بیشتر را منحیث یک هدف مناسب برای خانواده و جامعه توجیه نمایند. سرمایه گذاری در بهبود صحت، که سازگار با چگونگی اهداف راجع به تولدات و یا نقش زنان باشد، امکان دارد که پالیسی سازان و خانواده ها آنرا دارا باشند. مداخلات حساس در امور جنسیت در صحت و حتی در صحت نوزادان در تحت یک مقیاس وسیع از ارزش ها میتواند توجیه گردد. نخست، مداخله بمنظور کاهش دادن مرگ و میر که بطور چشمگیری در افغانستان بلند رفته است و برای کاهش میزان فقر، برای ادامه هستی اطفال و حتی برای نوزادان، شایسته میباشد. ثانیاً، اطفال صحتمند مداخلات حساس صحی را برای واقعیت های جنسیتی نیاز دارند و اینکه زنان به طرزیکه بالای تمرینات صحی شان اثر بگذارد، نایل گردند. سومی، در چارچوب دادن فاصله زمانی برای میزان از تولدات زنان با دسترسی و کنترول اوقات تولدات میتواند مفیدیت های صحی عمده را داشته باشد که بموجب آن زنان میتوانند اوقات و فاصله بین تولدات را رعایت نموده و در نتیجه دارای اطفال سالم باشند. همینطور، حتی کسانیکه به فامیل های بزرگ ارزش میدهند، امکان ندارد که با داشتن یک نرخ بلند متراکم تولدات که به تعداد بزرگ از مرگ و میر اطفال همراه باشد، ارزش قایل گردند و ازینرو هم به (تعویض) تولدات. برای هریکی از سطح یا میزان اطفال زنده مانده آرزو برده شده بهبود دسترسی به صحت تولید مثل برای هستی انسانی مهم می باشد.

سهمگیری زنان در تولید اقتصادی: افغانستان یکی از کشور های فقیر جهان با داشتن رقم تولید ناخالص داخلی بر ارزش ۴.۷ بلیون دالر امریکائی (درآمد خاشخاش شامل آن نمی باشد) و عاید سرانه برمبنای تولید ناخالص داخلی به میزان ۲۱۲ دالر امریکائی به حساب میرود.[۲۰۱] بعد از موافقتنامه بن در دسمبر ۲۰۰۱ مساعی بکار برده شد، تا وضعیت اقتصادی کشور بهبود حاصل نماید. این بطور فزاینده احساس گردیده که زنان میتوانند یک نقش حیاتی را درین وظایف خطیر ایفا نمایند. ما باید هرچند نقش و سهمگیری زنان همراه با نظریه ارزیابی نمودن علامات احتمالی از بین بردن محرومیت های جنسیت که اکنون بوجود آمده، مورد آزمون قرار دهیم. این محیط چون بوسیله هریکی از سایر نماد های روابط جنسیت سروکار دارد. قدم اول عبارت از تشخیص کار حیاتی که زنان واقعاً آنرا انجام میدهند و نقش این کار، خاصتاً در خانواده های فقیر و نادار متبارز میباشد. ثانیاً، پروگرام و برنامه ها جهت بالابردن باروری زنان در کار های ایجاد شده فامیلی و کار های اقتصادی که میتواند دارای بازگشت های اعظمی باشند، نشانه گیری شده است. موضوع سهمگیری زنان در پرداختن مزد در کار های زور طلب منحیث یک هدف مستقل از پالیسی تفکرات بعدی است.

مقایسه شاخص های جنسیت با سایر کشور های اسلامی

اسلام یک دینی است که محافظت ها و ضمانت های معینی را برای زنان قایل بوده و نقش جنسیت و وابستگی آن در کشور های مسلط اسلامی انتخاب های اجتماعی که در گذشته و همچنان در حال حاضر بوجود آورده، انعکاس میدهد. درینجا کدام مفکوره قبول شده عمومی در زمینه نقش زنان وجود ندارد. ازینرو مردم در جوامع مختلف زنده گی مینمایند و اقتصادیات انتخاب های گوناگون در رابطه اعم از نورم های اجتماعی و برعلاوه ترتیبات اقتصادی را، بوجود میآورند. در عین زمان شواهد عظیمی از سراسر جهان وجود دارد که اکثریت نابرابری های جنسیت نشانه از پیامد هایی اند که انتخاب های آگاهانه را انعکاس نمیدهد و برطرف ساختن نابرابری های انفرادی مربوط به خانواده ها، اهالی و برعلاوه جامعه را در مقیاس وسیع و اقتصاد را در طرق مختلف، مستفید میگرداند. این مدرک بطور خلاصه ذیلاً بررسی گردیده است: خاصتاً در باره واقعیت حتی در بین سایر کشور های اسلامی و شاخص هایی در باره تعلیم و آموزش دختران و تندرستی نوزادان که به مراتب نسبت به افغانستان بهتر میباشد، ارائه میدارد.

خلا های تساوی جنسیت، البته تنها در افغانستان بی مانند نیستند. جدول شماره ۲۰ یک تصویر مقایسوی در باره ارقام انتخاب شده از جمعیت های کشور های بزرگ اسلامی، را ارائه می دارد.[۲۰۲] دورنمای مقایسوی در رابطه به نقش های معین عنعنوی و فرهنگی که به زنان نسبت داده میشوند و دارای تشابهات در سراسر کشور های اسلامی می باشد، اشاره میکند. این نشان دهنده کار اندکی مبنی بر سهمگیری زنان در تمامی این کشور ها میباشد.

[۲۰۱] بانک جهانی، ۲۰۰۴

[۲۰۲] درین تصویر از ارقام وسطی به سطح ملی کار گرفته می شود، زیرا تفاوت زیاد در حالات زنان افغان دیده می شود (همچنان طوریکه در سایر کشور ها بر مبنای قومیت آنها، محل اقامتشان-- دهات یا شهرها، متاهل یا غیر متاهل بودن ، سن و غیره). برکت و واردل ۲۰۰۱ دیده شود.

فیصدی اناث در نیروی کار در افغانستان در حدود ٪۳۵.۸ محاسبه گردیده که این رقم نسبت به اکثریت کشور های دیگر اسلامی به استثنای مالیزیا و اندونیزیا بلندتر می باشد.[۲۰۳]

لاکن نزدیک به هر شاخص دیگر موجود، زنان و یا نقش آنها در افغانستان نهایت پائینتر نسبت به سایر کشور های اسلامی میباشد. سطح سواد زنان بالغ در افغانستان (بیم از آن وجود دارد که این شاخص امکان دارد پائینتر باشد) مشابه با پاکستان بوده، اما در مقایسه با سایر کشور ها در سطح پائینتر قرار دارد. هرگاه ما به شمولیت مجموعی ابتدائی اطفال در کشور نگاه کنیم، اختلاف نهایت بزرگ است و همچنین اعم از میزان سطح شمولیت و خلای تساوی جنسیت خیلی بزرگتر نسبت به هر نقطه دیگر جهان است. شمولیت مجموعی دختران به مکاتب ابتدائیه در اندونیزیا به ٪۱۰۸، در ایران ٪۹۰.۴، در عربستان سعودی ٪۶۷ و در پاکستان ٪۶۲ در مقایسه با چهل فیصد(٪۴۰) در افغانستان، میرسند. هر چند این شاخص ها برای افغانستان پیشرفت اعظمی در مقایسه با پنچ فیصد سطح تخمین شده شمولیت دختران به مکاتب ابتدائی در سال ۱۹۹۹ (فصل ۳ جدول ۵) را ارائه میدارد و هنوز راه طولانی در پیش خواهد بود تا افغانستان درین موقف عقب مانده با کشور های مقایسه شوند حتی ایران و اندونیزیا برسد.

عمر متوقعه اعم از مردان و زنان در افغانستان خیلی پائینتر میباشد، حتی تفاوت برجسته بین عمر متوقعه زنان و مردان وجود دارد که بطور نمونه قشر اناث ازین رهگذر در بدترین وضع در افغانستان قرار دارند، در حالیکه طول عمر متوقعه زنان ک سال در افغانستان است، عین تفاوت در عربستان سعودی ۲.۶ در پاکستان ۲.۵ و در اندونیزیا ۴ سال میباشد.

یک دلیل عمده برای پائین بودن عمر متوقعه میان زنان میزان نهایت حراس آور مرگ و میر در افغانستان میباشد. سطح مرگ و میر به میزان ۱۶۰۰ (فصل شماره ۲ دیده شود) نسبت به هر کشور دیگر سه برابر در عمل افزون است. سطح مجموعی تولدات در سراسر کشور های اسلامی با تناسب جمعیت آن و سیعاً از هم فرق میکند. سطح مجموع تولدات در ایران ۲.۴ ، در اندونیزیا ۲.۴، در عربستان سعودی ۲.۶ و در پاکستان ۵.۱ در مقایسه با ۶.۸ در افغانستان میباشد.

به موجب این مقایسات ساده‌ء بین المللی، که برای بار نخست نشان داده شده تفاوت وسیع میان کشور های اسلامی در رابطه به شاخص های تعلیم و آموزش در رابطه به اناث وجود داشته خاصتاً در عرصه وضع صحی و تندرستی ولادی. ثانیاً، در باره مقایسه شاخص افغانستان بطور قابل ملاحظه نسبت به سایر کشور ها حتی هرگاه با کشور هایی که برخی ملاحظات (همچو محافظه کاری) تفسیر هایی از اسلام و با داشتن یک نقش کاملاً فعال اسلامی در تصامیم سیاسی مانند کشور های ایران، عربستان سعودی و پاکستان را مقایسه کنیم، در عقب قرار دارد.

مقایسه های ساده بین المللی نشان داد که نخست در کشور های اسلامی تنوع زیادی درشاخصهای معارف برای زنان، وضع صحی وصحت زایمان وجود دارد. دوم اینکه در هر شاخص افغانستان از سایر کشور ها خیلی زیاد عقب می ماند، حتی زمانیکه آنرا با

---

[۲۰۳] این مقایسه تنها تخمینی است، بخاطریکه از میتود های مختلف باید در جمع آوری ارقام کار گرفته شده باشد.

کشور های که خود را در زمینه تعبیر اسلام خیلی ((محافظه کار)) می دانند ودرفیصله های سیاسی شان اسلام نقش فعال دارد- مانند ایران، عربستان سعودی و پاکستان، مقایسه کرد.

تعلیم و تربیه :

قبل از حاکمیت طالبان تلاشهای زیادی صورت گرفت تا سطح معارف زنان ارتقاء یابد .[۲۰۴] زنانیکه به طبقات اشرافی طی سالهای اخیر ۱۹۷۰ متعلق بودند به معارف ومقامات رسیده گی داشتند. امروز، طبق ارقام بانک جهانی، اندازه سواد زنان تنها ٪۲۱ بوده وممکن است که این رقم پاینتر از آن باشد. گرچه دختران ٪۳۰ متعلمان را در افغانستان تشکیل می دهد. با وجود اینکه درین زمینه یک تزیید کتله ای نسبت به سالهای محدودیت طالبان بالای معارف دختران دیده می شود، ولی هنوز هم کم است وعدد مجموعی تنوع قابل ملاحظه را درسرتاسر کشور پنهان می سازد. در جنوب وشرق افغانستان شمولیت دختران خیلی پایین است.[۲۰۵] شمولیت بنیادی در مکاتب ابتدایی در ۲۰۰۰ درحدود ٪۴ برای دختران درمقایسه ٪۲۹ برای پسران می باشد.[۲۰۶]

اقدامات پالیسی جهت ارتقای سهمگیری دختران درمکتب رامیتوان از طرق مختلف مستدل ساخت، مگر درینجا کافی است تا بالای چهار منفعت غیر پولی که درنتیجه حمایت معارف دختران درسلسله از ارزشها ونورمهای فرهنگی ایجاد می شود، تاکید صورت گیرد.

تعلیم و تربیه زنان وصحت زنان: ر زنان به طور ابتدایی درخانه مصروفیت دارند، زنانیکه صحتمند هستند و انانیکه بعد از زایمان زنده می مانند منفعت زیادی برای جامعه دارند. معلوماتیکه از کشورها جمع آوری شده حاکی است که زنان تعلیم یافته زیادتر وخوبتر به مراقبت قبل از زایمان وبعد از زایمان رسیده گی داشته وباینترتیب صحت خود را بهبود می بخشند.

تنها ٪۳۴ زنان فاقد تعلیم در مصر مراقبت قبل از ولادت را دریافت نموده اند، که این رقم به تناسب ٪۷۵ از زنان دارای تعلیمات عالی و یا به سطح کالج میباشند، مقایسه گردیده است.[۲۰۷] معارف توأم با مهارت های بنیادی[۲۰۸] به افراد فقیر امکان می دهد تا منابع خود را تنظیم کنند و باینترتیب بهبودی درصحت، در طرز برخورد مردم بدون اینکه سایر تغییرات عمده در زیربنای ماحول بوجود آید، رونما میگردد.

---

[۲۰۴] بین اصلاحاتی که از جانب شاه امان الله و ملکه ثریا تعلیمات جبری برای هر دو پسران و دختران و پلانها برای مکاتب تعلیمات یکجائی پسر و دختر مورد نظر بود. همچنان حقوقی که برای زنان در قانون اساسی ۱۹۶۴ مد نظر گرفته شده بود یکی هم حق تعلیم بود. (منبع: برکت و واردل، ۲۰۰۱)

[۲۰۵] http://www.unicef.org/infobycountry/Afghanistan.html

[۲۰۶] بانک جهانی، ۲۰۰۴

[۲۰۷] سروی دموگرافیکی و صحت،، ۲۰۰۰

[۲۰۸] سروی ملی صحت خانواده، ۱۹۹۹

تعلیم صحی مادران و صحت طفل: شواهدی بدست آمده از مطالعات سایر کشور ها، مطالعات درکشور های منطقه ومقایسات در خانواده ها بطور مستدام نشان دهنده نقش مهم تعلیم مادر درصحت طفل می باشد، مطالعات کنونی که درکشور های جهان در زمینه مرگ ومیر نوزادان صورت گرفته، نقش معارف را برای مادران برجسته می سازد- حتی بخاطر کنترول عواید، تقسیم عواید ومصارف دولتی درصحت عامه نیز اهمیت دارد. ایالات مانند (کیرالا) که رقم سواد بالای زنان دارد، ایالتی است که درای سن بالا ازدواجی وشاخصای بهتر صحی می باشند. شواهد از خانواده ها درمصر در زمینه زنان عروسی شده سنین ۲۵ و ۲۹ سال را برای زنان تعلیم یافته نشان می دهد، وانهایکه تعلیم ندارند بطور اوسط در سن ۱۸ سالگی عروسی نموده ودرعمر ۲۰ سالگی صاحب طفل شده اند و این درمقابل زنانیکه درسنین ۲۳ و ۲۵ سال عمر عروسی نموده، دارای تحصیلات ثانوی وعالی بودند .[۲۰۹] تعلیم مادران برای یک یا سه سال ٪۲۰ نزول را درخطر مرگ نوزاد نشان میدهد. هرسال اضافی تعلیم، ٪۱۰-۵ نزول را درمرگ ومیر نوزادان بوجودمی آورد. مقایسه بین مرگ ومیر طفل بین مادران بدون تعلیم رسمی و آنانیکه دارای معارف ثانوی درمصر اند دو برابر است، یعنی در ازدواج اولی دو برابر بیشتر می میرند.[۲۱۰]

چینل های متنوع خبر داری از جانب مادران خوبتر تعلیم دیده بکار می افتد، تا اطفال صحتمند داشته باشند. یک مادر تعلیم یافته خوبتر از طفل مراقبت نموده ودر زمینه تغذیه و رژیم غذائی آن توجه می کنند و بطور عموم مراقبت بهتر اولیه را تضمین می کنند. از انجاییکه وقفه های زایمان عامل دیگر مهم تعیین کننده مرگ و میر طفل است، واقعیت اینست که تعداد زیاد زنان تعلیم یافته بعدتر ازدواج می کنند ودر وقفه ها تولدات دارند، بناً مرگ ومیر در زایمان کاهش می یابد. رابطه بین تعلیم زیاد وتاخیر درسن ازدواج خوبتر قابل درک است.[۲۱۱] ازدواج زود باعث توقف تعلیم برای دختران و دلیل اولی برای مسوؤلیت های مراقبت طفل وامورخانوادگی می شود.

---

[۲۰۹] رودی-فهیمی، و مغدم، ۲۰۰۳

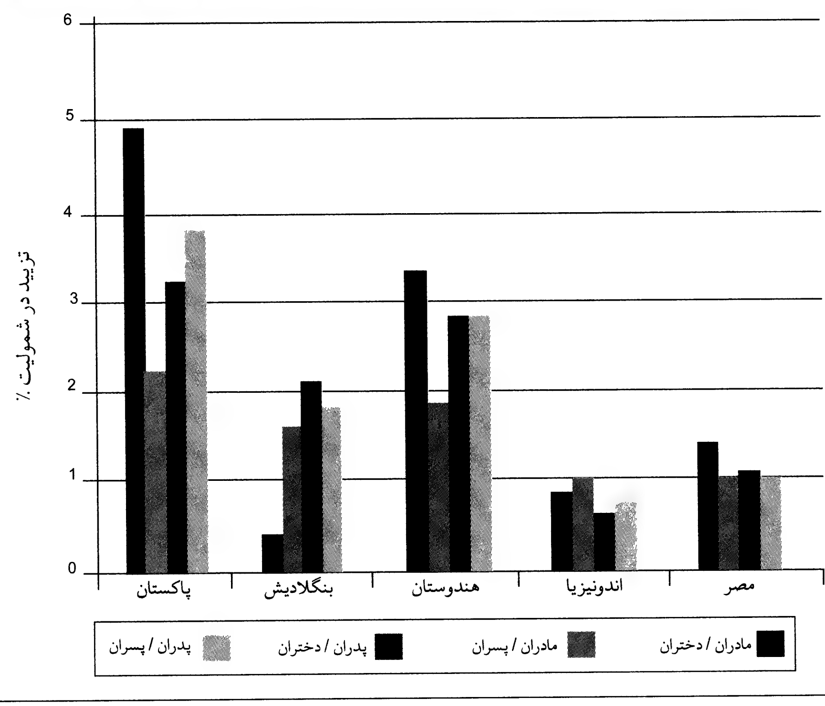
[۲۱۰] مرکز انکشاف محبوب الحق، ۱۹۹۸

[۲۱۱] جیفری و باسو، ۱۹۹۶

ارتباط بین تعلیم زنان وصحت درسند تحفظ آینده افغانستان (SAF) مورد تاکید قرار گرفته است. این واضح شده که بین فکتور هاییکه جلو بهبودی را درصحت عامه می گیرد عبارت از حیثیت ومقام پایین بوده که به زنان داده شده است. علاوه بران این سند حاکی است که اقدامات وقایوی صحی خیلی ضعیف است که اهمیت اساسی معارف را بمثابه عامل دربهبود صحت عامه بالخاصه صحت زنان که مراقبت کننده نخست درخانه هستند، نشان می دهد.

تعلیم و تربیه مادر و تعلیم و تربیه طفل : یک زن تعلیم یافته از تعلیم طفل خود، چه پسر وچه دختر، هردو بهتر حمایت می کند. درمصر مادرانیکه هیچگاه به مکتب نه رفته اند زیادتر مایل بودند تا مصارف معارف را دلیل عدم فرستادن دختران

شکل ۴ : ارتباط ثبت نام دختران و پسران با تعلیم پدران و مادران بین سنین ۱۴ - ۶



منبع : *Filmer* ، ۱۹۹۹. ساختار تفاوت های اجتماعی درمعارف : در جنسیت وثروت. مضمون کاری شماره (۵)جنسیت و انکشاف

به مکتب نسبت به پسران شان، نشان دهند.[۲۱۲] ایالاتی درهند که دارای تفاوت های زیاد ارقام حاضری درمکاتب می باشد از جمله ایالاتی بوده که خلا وفاصله بین سواد مردان و زنان خیلی بالامی باشد. درین زمینه (۱۹۹۹) Klasen همچنان تفاوت های عدم تساوی جنسیت را درمعارف درسطح خانواده یاد اورمی شود. اومی گوید که اطفال دارای تعلیمات برابر میتوانند رسیده گی های تعلیمی یکی دیگر راحمایت وتقویه کند،درحالیکه جوره های تعلیم یافته برابر میتوانند دلچسپی های تعلیمی هریکی را پشتیبانی نمایند.

شکل ۴ تخمینات از دیاد فیصدی را درشمولیت اطفال سنین ۶-۱۴ نشان میدهد، که با ازدیاد تعلیم مادر و پدر طی یک سال توأم می باشد- حتی بعد از کنترول ارقام شمولیت های ارتباطی قابل مشاهده درتعدادی ا زکشور هاییکه دارای بیشترین نفوس مسلمان اند وهندوستان، دیده می شود. تاثیر معارف مادران برای هردو پسران ودختران خیلی زیاد است، زیادتر نسبت به تعلیمات پدران. در پاکستان (برمبنای سیت ارقام DHS اوائیل ۱۹۹۰) ودر هندوستان (برمبنای NFHS در اوایل۱۹۹۰)، تاثیر تعلیم مادران خیلی بیشتر برای دختران نسبت به بچه ها بود، درحالیکه در بنگله دیش نشان دهنده نمونه معکوس می باشد ودرسایر کشور ها (اندونیزیا ومصر) زیادتر تاثیرات مشابه دارند.

ازدیاد مو لدیت زنان در فعالیت های موجود: یکه شواهد موجود است، ازدیاد درتعلیم زنان، مزد زنان را درفعالیت های بازار بیشتر می سازد، همچنان نشانه ازدیاد درمؤلدیت درتولیدات خانواده گی ومحصولات غیر مارکیت نیز دیده می شود.

با تمامی شواهد فوق الذکر ارتباط مستحکم میان تعلیم دختران / زنان ونتایج بهبود یافته، دیده میشود. اینجایک مشکل درتشخیص همه جانبه وکلی تاثیر فوری معارف و اینکه کدام چیز برای دخترانی که زیادتر تعلیم حاصل نموده اند قابل ذکر بوده که در بعضی حالات تفاوت نشان میدهد. بطور مثال، دخترانیکه بیشتر تعلیم یافته هستند از خانواده های دارای موقف بلند اجتماعی- اقتصادی اند، مکتب رأ به پایان رسانیده و صحت طفل آینده شان نسبتاً خوبتراست. حتی ما میتوانیم تاثیر حادثاتی تعلیم را در این مورد دریافت کنیم که ارتباط عمیق بین تعلیم و صحت را نشان میدهد.

تدابیر پالیسی جهت ازدیاد تعلیمات دختران

فراهم آوری تسهیلات وامکانات معارف ابتدایی برای همه اطفال سرمایه گزاری است که از آن سلسلهء یک منافع ونتایج متوقع است. به هراندازه یی که زیادتر مکاتب برای دختران مفتوح شود و به شمول انها تشویق گردد، نتایج بهتر است. درین مورد از

[۲۱۲] سروی نفوس (دموگرافیک) و صحت، ۲۰۰۰

قسمت های مختلف کشور عکس العمل به تاخیر رسیده و تعداد زیاد درشمولیت دختران درصنوف پایین دیده می شود. بادر نظر داشت رشد پایین درتقاضاهای مناطق روستایی طی پنج سال اینده ما میتوانیم توقع کنیم که مطابق اهداف معین برای سکتور معارف شمولیت متوسط الی ٪۵۵ برای دختران بالا خواهد رفت[۲۱۳] و یا به ۹.۹۰۰.۰۰۰ نفر خواهد رسید (جدول ۱۸ درپایان دیده شود). فرض کنیم که این تعداد بطور مساوی درهر پنج صنف ابتدایی تقسیم شده، اگر تعلیمات بیشتر با همان مصرف متوسط بوجود آوردن تعلیمات برای مکاتب موجود برای ٪۵۵ دختران در حدود ٪۲.۶ تولید ناخالص داخلی یا ۱۲۲ ملیون دالر آمریکایی در یک سال خواهد شد.

دراکثریت ساحات و مناطق دهاتی، تقاضا برای مکاتب دختران نسبت با اعمال نمودن مقررات عنعنوی درمورد جنسیت کم بوده، که درنتیجه آن دختران درخانه شان باقی مانده تا درزمینه مواظبت اطفال خورد سال و یا در وظایف دیگر منزل همکاری کنند ویاهم درامر نگهداری مواشی وغیره مصروف باشند. چنین حالتی بوجود میاید که ((حق تعلیم یک دختر غیرعادلانه دربرابر سایر مسوولیت های یک دختر قرار داده می شود))[۲۱۴]

جدول ۱۸ قیمت شمولیت اضافی دختران در مکاتب

صنف	تعداد دختر	مصارف فی نفردختر درمکتب AFN	مصارف فی نفر به دالر یک دالر=۴۹ افغانی	مجموع مصارف
۱	۱ ۹۸۰ ۰۰۰	۳۵۰	۷.۱۴	۱۴ ۱۴۲ ۸۵۷.۱۴
۲	۱ ۹۸۰ ۰۰۰	۳۵۰	۷.۱۴	۱۴ ۱۴۲ ۸۵۷.۱۴
۳	۱ ۹۸۰ ۰۰۰	۳۵۰	۷.۱۴	۱۴ ۱۴۲ ۸۵۷.۱۴
۴	۱ ۹۸۰ ۰۰۰	۱ ۰۰۰	۲۰.۴۱	۴۰ ۴۰۸ ۱۶۳.۲۷
5	۱ ۹۸۰ ۰۰۰	۱ ۰۰۰	۲۰.۴۱	۴۰ ۴۰۸ ۱۶۳.۲۷
جمله (صنوف ۱-۵)	۹ ۹۰۰ ۰۰۰			۱۲ ۳۲۴ ۴۸۹۷.۹۶

منبع : کنسرسیوم ریسرچ حقوق بشر و حمایت، ۲۰۰۴

یاداشت: درصورت عدم موجودیت ارقام ویژه صنف، درینجا فرض شده که گروپ مربوط مساویانه به صنوف (۱-۵) تقسیم گردیده است.

[۲۱۳] بانک جهانی

[۲۱۴] کارلیکا ر، ۲۰۰۰، صفحه ۹۱

درحالیکه موجودیت مکاتب ضرورت نخستین بوده، هردو، پسران و دختران را باید درمکتب شامل ساخت، تلاش خاص بکار است تا دختران به مکتب اورده شوند ودرمکتب نگاه شوند تابه یک صنف ویا سطح تعلیم قابل پذیرش برسند. درسایر کشور ها ضرورت تضمین معلمان اناث، تشناب های جداگانه واینکه مکاتب باید به خانه ها تاحدی ممکن نزدیک باشد، دیده می شود.علاوتاً مشوقات اکثراً بخاطر نگهداشت وتداوم آموزش دختران مفید ثابت شده است. از انجاییکه از دختران زیاد توقع می رود تا از برادران وخواهران کوچک شان مواظبت کنند، بناً امکانات محلی اکثراً بخاطر شمولیت دختران در مکتب مؤثریت دارد.

موجودیت کورسهای ارتباطی برای هردو، دختران و پسران، که ازمکاتب خارج گردیده اند، خیلی اهمیت دارد تا انها دوباره شامل سیستم شوند.

صحت

درعرصه صحت دومسئله عمده درارتباط با جنسیت بدون درنظر داشت ارزشهای فرهنگی وکلتوری وجود دارد، نقش زنان بمثابه مادران ومواظبت کننده درخانواده بوده ومرگ ومیر مادران وتدابیر برای کاهش ان، مسایل مرکزی وکلیدی می باشد. از انجاییکه مادر بودن خیلی با اهمیت بوده وبه یقین کامل مصئونیت ان تا حد امکان باید تضمین گردد. دوم به مسایل مربوط به جدا سازی "بی صلاحیت بودن زنان"، ازدیاد مرگ ومیر نوزادان که مسایلی کلیدی است، توجه شود.

مرگ و میر مادران : ید مساعی بخرچ داده شود، تا افغانها به مراقبت ومواظبت بنیادی صحی رسیده گی داشته باشند، ولی این خیلی قابل تشویش است که مرگ ومیر مادران درسطح بالا قرار دارد. مرگ مادر تاثیرات ناگوار بالای صحت اطفال وسایر اعضای فامیل دارد. یک مطالعه، که دربنگله دیش صورت گرفته، حاکی از آن است که مرگ مادر شدت چانس وفیات یا مرگ و میر اطفال الی ده سال آنرا بیشتر می سازد، بالخاصه درحالیکه مرگ پدر تاثیر قابل ملاحظه ندارد.[۲۱۵]

مرگ مادرهمچنان بالای معارف ومکتب رفتن اطفال وی تاثیر منفی دارد، بالخاصه درخانواده های فقیرو نادار که دران اطفال کوچک دیرتر درمکتب شامل شده وکلان سالان از مکتب خارج می گردند. یک مطالعه در هندوستان نشان داد زمانیکه زنان می میرند، بقای خانواده تحت چالش و مشکلات قرار گرفته زیرا مردان نمیتوانند امور روزمره ومالی را تنظیم کنند. خانواده ازلحاظ هیجانی، احساسات وهمچنان از لحاظ ضایعات اقتصادی متحمل می شود. درسطح اجتماعی ضایعات نسل وسهم پوتانسیال ان عملی نمی شود.[۲۱۶]

[۲۱۵] مرکز انکشاف محبوب الحق، ۲۰۰۰

[۲۱۶] صندوق وجهی ملل متحد برای ارزیابی نفوس، ۲۰۰۰

تدابیر پالیسی جهت کاهش مرگ ومیر مادران

تسهیلات: برای اینکه رشد اطفال تولد شده را بطور صحیح تضمین وبه خدمات صحی توسعه دهیم و رسیده گی زنان به این تسهیلات یقینی گردد، لازم است تا مساعی قاطعانه وسازنده بخاطر ازدیاد تعداد دوکتوران زنان وسایر کارکنان مواظبت صحی اتخاذ گردد. مطابق سند ((تحفظ آینده افغانستان)) درحال حاضرتنها ٪۴۰ افغانها به خدمات بنیادی صحی (BPHS) رسیدگی دارند، یکی از اقدامات حکومت افغانستان درزمینه فراهم ساختن مراقبت ابتدایی صحی است.

مگر رسیده گی زنان حتی تا اندازه زیادی محدود است، زیرا اکثر خدمات صحی ازجانب پرسونل تربیه شده زنان صورت نمی گیرد و محدودیت های فرهنگی اکثراً اجازه نمی دهد تا مریضان اناث ازجانب دوکتوران مرد، تحت معاینه قرار داده شوند.

توانمند ساختن زنان از راه دسترسی به تصمیم گیری: ر سال ۲۰۰۲ گزارش نمودند که مجبور اند تا از شوهر ویاهم خویشاوند مرد باید همیشه اجازه بگیرند، تا یکنفر حرفوی صحی را ببینند و سایر ٪۸ گفتند که بعضاً باید اجازه اخذ کنند . معلومات وارتقای سطح آگاهی میان مردان وزنان درزمینه صحت مادران این مشکل را حل می کند.

ازدیاد عمر ازدواج: ای حقوق بشر، سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال می باشد، ولی گزارش علاوه می کند که عمر مطلوب حین ازدواج بطور معقول بالا بوده وبه ۱۸ سال می رسد. درسال های کنونی جریان در ازدواج درآوردن دختران درسنین پایین موجوداست، که به مثابه ((استفاده از دختران)) به امید طویانه ویا مهر زیاد بوده، تا از طریق آن علیه غربت، ناداری وعدم مصئونیت مجادله کنند.[۲۱۷] بخاطر اینکه سن ازدواج را نزدیک به ۱۸ سال آورد،[۲۱۸] حکومت میتوانند که کمپاین معلوماتی وآگاهی را درزمینه خصوصیت غیر قانونی وتاثیرات منفی اجتماعی ازدواج اطفال وازدواج های اجباری با ارایه مشوق ها براه آندازد تا تاخیر در ازدواج الی بلوغیت را ممکن سازد.

جنسیت و مرگ طفل: مادران، افغانستان اندازه زیاد مرگ اطفال دارد. درحالیکه ابعاد مختلفه وفیات یا مرگ و میر وسیع است، سوالی که بمیان می آید آینست که قدرت محدود فیصله کردن توسط زنان درمسایل خانواده گی وقابلیت محدود زنان درزمینه روابط متقابل خارج از منزل، باعث ازدیاد رقم مرگ ومیر طفل می شود.

[۲۱۷] شویته، ۲۰۰۴

[۲۱۸] دوکتوران برای حقوق بشر، ۲۰۰۲

ضروری است تا دراقدامات درعرصه پالیسی بخاطر بهبود وضع اطفال وجلوگیری از وفیات تفاوت های موجود از لحاظ جنسیت وحساسیت های فرهنگی افغانستان درنظر گرفته شود. پیام صحت عامه باید طوری آماده شود که به گوش زنان برسد. خدمات صحی باید از طریقی آماده شود که با نورمهای اقداماتی مورد قبول تداوم داشته باشد. این باید مورد دلچسپی زیاد باشد که درایران جایی که درعرصه های سیاسی وعامه مقررات جدی وقوی اسلامی حکمفرماست به اندازه خوب درزمینه جلوگیری وفیات اطفال از طریق تمرکز مساعی دربنیاد هایی محلی وکارمندان صحت ابتدایی پیشرفت های دارد.

جنسیت و بازار

اقدامات درعرصه پالیسی جهت ارتقای شمولیت دختران درمکاتب وبهبود وضع مرگ ومیر مادران وقابلیت زنان بخاطر جلوگیری از وفیات طفل را میتوان بمثابه اولویت ها وترجیحات مستند ساخت، حتی اگر کسی نقش زنان را خیلی کم می پذیرد. درمقابل سهمگیری فعال زنان دراقتصاد بازار بحیث مزدکار، کارمند، ویاهم وظیفه شخصی درعرصه تجارت، زیاد قابل منازعه می باشد. به هر شکل تبعیض و محدودیت هایی برمبنای جنسیت درمشاغل اقتصادی، باعث کاهش وتقلیل تولید عمومی وحاصل دهی فی نفر می شود: درین قسمت دونکته عمده وکلیدی روشن می شود. نخست اینکه زنان درواقعیت دراقتصاد سهیم اند. علاوتاً از انجاییکه سهم اقتصادی اکثراً نخست ازخانواده های خیلی غریب وفقیر صورت گرفته که تولیدات رابدست زنان ازدیاد می بخشد ودرزمره فعالیت های شان ارجحیت دارد. دوم اینکه مصارف زیاد اقتصادی وجود دارد، که زنان را از تعلیم وسهم شان دراقتصاد بازار نفی می کند. درحالیکه بعضی ها شاید تاکید نمایند که این مصارف قابل برداشت بوده، تا سایر ارزشها را در زمینه فرهنگ افغانستان حفظ کرد و این هنوز هم استدلال برای مصارف است.

ساختار اقتصادی وسهم زنان

ساختار اقتصادی طی سال ۲۰۰۳ شدیداً در برابر زراعت میلان کرد(٪۵۲ عاید ملی) که دران سهم خیلی کم صنایع وخدمات الی ٪۲۴ بود. سند همه جانبه تحفظ آینده افغانستان (SAF) که درکنفرانس بین المللی کمک دهنده گان (دونر ها) منعقده برلین ارایه شد طی مدت ۱۲ سال رشد عاید متوسط سرانه سالانه را تا ٪۹ مستدلل ساخته است. چنین رشد را نمیتوان شاید بدون مساعی خاص جهت اشتراک دادن زنان درپروسه انکشاف بدست آورد. ارقام واضح را درمورد نقش زنان درهرسکتور به مشکل میتوان بدست اورده و این عمدتاً بخاطر محدود بودن ارقام بوده، ولی قسماً بخاطری که در افغانستان مانند سایر جاها نقش زنان وسهمگیری شان اکثرا قابل ملاحظه نبوده وبا ان ارج گذاشته نمی شود. با ان هم استفاده از معلومات دست داشته، اینرا ممکن می سازد تا نقش کلیدی زنان که درعرصه های اقتصادی موجود وحتی بیشتر از ان، که آنها ازلحاظ پوتانسیال دارند، برجسته شود.

زراعت: مرکزیت زراعت بخاطر رشد عمومی اقتصادی درسند تحفظ آینده افغانستان (SAF) برجسته شده است. امروز سهم زراعت در تولید ناخالص داخلی (GDP) قانونی ٪۵۲ است وطی ۱۲ سال اینده حتی با رشد سریع صنایع وخدمات زراعت ممکن بیشتر از SAF,۰۴GDP) ٪۴۰۰۲(را تشکیل دهد. نقش زنان در زراعت افغانستان درقسمت های اولی این گذارش برجسته گردیده است، معمولاً زنان غریب وخیلی نادار درمزرعه ها کارمی کنند، درحالیکه زنان از خانواده های متوسط و آسوده معمولاً درامور مربوط به زراعت که درخانواده انجام می شود مصروف هستند. درحالیکه ارقام کافی وجود ندارد، تا اندازه سهم گیری کنونی زنان در زراعت ازلحاظ مقداری معین شود. نظر به ارزیابی خطر و اسیب پذیری ملی سرتاسر کشور NRVA که درجولای- سپتمبر ۲۰۰۳ صورت گرفت، ٪۶.۲ گروپ های اناث در امور جمع اوری حاصلات (درو) و دیگر ٪۱۱.۹ درسایر کارهای فارم وزراعت مصروفیت دارند. NRVA کتگوری های تعیین شده کار را تنها سروی نموده است، بطور مثال: کشت و بذر ازان مستثنی بوده و این به این مفهوم است که ارقام بدست امده غالباً سهم گیری واقعی زنان را در زراعت کم نشان داده است. عامل دیگری که باعث تخمین کم گزارش شده عبارت از شرم و عار اجتماعی بوده که ناشی از کار زنان در مزرعه وکشت زار می باشد. علاوه بر زراعت، زنان همچنان در نگهداشت مواشی وسایر امور مربوطه مصروفیت دارند. انتقال موفقانه از کشت کوکنار به سایر نباتات زراعتی می طلبد که خصوصیت ودامنه اشتراک و سهمگیری زنان باید رسمیت پیداکند. مردان درخانواده فیصله اتخاذ می کنند که کوکنار زرع شود یانه، مگر سهم کار زنان در محصولات کوکنار را باید حین ارزیابی امکانات دریافت الترناتیف ومتبادل کشت کوکنار درنظر داشت.

اقتصاد غیر رسمی : در حدود ۸۰-٪۹۰ اقتصاد غیر رسمی است، به شمول هر دو، زراعت وسایر فعالیت های غیر زراعتی. اگر بصورت عموم بگوییم، در کشور های رو به انکشاف اقتصاد غیر رسمی بیشتر از ٪۴۰ محصول نا خالص ملی GNP[۲۱۹] را تشکیل میدهد. تصویری در زمینه اقتصاد غیر رسمی در افغانستان موجود است وعبارت از تناسب وسیع زنان مصروف در امور اقتصادی می باشد. در هندوستان بیشتر از ٪۹۶ زنان در وظایف غیر رسمی، به شمول انواع مختلف کار از مزدور کاری تصادفی و غیر مترقبه الی کار اداری فرعی و امور منزل مصروفیت دارند. اقتصاد غیر رسمی در افغانستان شامل ساحه وسیع فعالیت های قانونی، ولی غیر رسمی به شمول اقتصاد غیر مجاز تریاک میباشد.

شمولیت کاری زنان از ٪۳۵.۸ [۲۲۰]تخمین می گردد، مگر سروی NRVA نشان داد که ٪۵۵.۵ زنان در یک نوع از فعالیت های اقتصادی، در زراعت، امور منزل و خدمات مصروفیت دارند. در بعضی از مناطق مانند شمال شرق این رقم بالاتر از ٪۹۰.۲ می

---

[۲۱۹] شنا یدر، ۲۰۰۲

[۲۲۰] ۵۸۸۳۷۴&SMDK=۰۱۱&RMDK=۰W=؟http://devdata.worldbank.org/external/dgsector/asp

باشد. حتی اگر ما تعداد دقیق را پرسان کنیم، اینجا کمی شک وجود دارد که بیشتری از کار زنان اکنون ثبت نه شده و کم تخمین گردیده و اینکه سهم واقعی انها در تولید ناخالص داخلی GDP بلند تر است. یک تخمین محافظه کارانه (با استفاده از اندازه های کم مزد برای زنان) علاوه می کند که این رقم شاید 1.5 بار اضافتر از ان چه که دیده می شود، باشد (و این کار مثمر تولیدی را از محاسبات ما دور می سازد).

کار زنان باید درتمام عرصه های اقتصاد کلان متمرکز باشد. بخاطر ارزیابی فعالیت های جاری زنان دوشیوه وجود دارد، یک راه این است که مابه امور منزل زنان منحیث فعالیت اقتصادی غیر رسمی نگاه کنیم که مستقیماً رشد را متاثر می سازد ودیگر ایجاب نمی کند تابه آن توجه شود. درسایر کشور ها، گرچه به آن توجه نه شده وقابل ملاحظه نمی باشد. علت این نیست که کار در منزل برای زنان جالب است، زیرا آنها امور منزل ومراقبت اطفال رابه آن یکجا می سازند ودر جامعه یی که فعالیت گشت وگذار زنان ازلحاظ عنعنه محدود بوده، مورد پذیرش است. همچنان این کار درعین زمان برای متشبثین وصنعت کاران جالب بوده درزمینه های اجتماعی - فرهنگی و در صنایعیکه درانجا تغییرات تخنیکی نسبتاً بطی است یک سیستم مؤثر تولید شناخته می شود. شبکه های قوی اجتماعی قراردادها ی فرعی را درتوافق نظر استخدام کننده عقد میدارند، علاوتاً در معارف ومحل کار، تجهیزات اساسی

جدول ۱۹: تخمینات سهمگیری زنان در تولید ناخالص داخلی (GDP)	
اندازه مزد اناث	۰.۷۵ دالر امریکایی در روز (منبع NRVA) ۲۰۰۳
اگر فرض کنیم که ۱۸۰ روز کار در سال است، اندازه مزد متوسط اناث در سال	۱۳۵ دالر امریکایی
با در نظرداشت ۲۴۰ روز کار در سال، مزد متوسط زنان در سال	۱۸۰ دالر امریکایی
نفوس زنان در گروپ دارای سنین ۱۵-۴۹ سال	۶۶۷۲۷۷۵ راپور USAID، راپور احصاییوی صحی کشور، ۲۰۰۳
در ٪۵۵ اندازه سهم کاری (NRVA,۲۰۰۳) تمام عایدات	۳۷۰۰۲۶، و یا ۳.۶۷ میلیون برای ۱۳۵ روزگاری ۳.۶۷ میلیون دالر یا ۴۹۵ میلیون دالر برای ۱۸۰ روز کاری سال، و یا برای ۱۸۰ روزگاری ۳.۶۷ میلیون دالر یا ۶۶۰ میلیون برای ۲۴۰ روز های کاری سال.
از لحاظ فیصدی GDP (۷.۰ ملیارد)	٪۱۰.۵ برای ۱۸۰ روزهای کاری در سال و یا ٪۱۴ برای ۲۴۰ روز کاری در سال

وحتی در مصارف مستقیم مزد نیز تقلیل بعمل می آید.[۲۲۱]

اگر کار درمنزل در دنیای جهانی شده قابل تداوم نیست، پس پوتانسیال رشد آن چه است؟ نمونه ومثال بهتر آن شاید از تجارب Third Italy منشا گرفته باشد.[۲۲۲] تولیدات دستی یکی از فکتور های متحرک کننده وانرژی دهنده برای رشد است. کارکنان جوان به اصطلاح در Third Italy از دوکان شیرینی به ماشین تکنالوژی یا مرکز دیزاین، برای بدست آوردن مزد زیاد وحتی ترتیب وتنظیم کمپنی ها وشرکت های تکنالوژی عالی خودشان ارتقاء و رشد می کنند.[۲۲۳] استفاده از فکتورهای اجتماعی واقتصادی مفید ومؤثر واقع گردید. شرکت های کوچک از میتودهای مبتنی بر مهارت های مقدماتی کار گرفته و در زمینه عکس العمل با شرایط متحول مارکیت سریعتر بود. همکاری بین الشرکتی فعال وامتیازات قانونی کمک کرد تا از آن در رشد به مثابه نیروی رهبری کننده کارگرفت.

نتیجه پالیسی سهمگیری زنان در اقتصاد

کار زنان در اقتصاد غیر رسمی نه تنها یک واقعیت است، بلکه این یک بنیاد مستدام تولید و رشد اقتصاد نیز می باشد. بخاطری که این پوتانسیال را کسب کرد، ضرورت است تادر معارف وپرورش مهارت های زنان ودر مؤسساتی که فعالیت تولیدی آنها را از طریق کریدت، ارتباطات با مارکیت وغیره تقویه می کند، سرمایه گزاری صورت گیرد. چیزیکه درینجا مرکزی است تغییر طرز تفکر زنان (واز مردان در خانواده بوده که در نتیجه آنها ضرورت خواهد داشت، تا زنان را به مثابه نماینده فعال اقتصادی کمک کنند، تا خود را بمثابه نماینده مولد بینند، در امور رفاه خانواده از طریق فعالیت های خانگی و همچنان در رشد اقتصاد از طریق مصروفیت شان در زراعت، کار متمرکز در منزل و یا خدمات خود را سهیم سازند. با تغییر آن طرز تلقی میتوان در تبدیلی سلوک و روش اقتصادی و عکس العمل زنان در نقش های اقتصادی شان مؤثر واقع گردید.

بطور مثال کار متمرکز در منزل توسط عدم حضور صاحب کار مشخص شده، قرار داد کتبی وجود نداشته، ساعات کار مشخص نبوده و تضمین برای باز پرداخت اصغری وجود ندارد. اگر این کار تولیدی مثمر باشد و در احصاییه های رسمی مدنظر باشد در آنصورت کارمند زن (الف) مانند یک کارگر دیده خواهد شد، (ب) شاید یک بخش از کارکنان گروپی در یک انجمن ویا اتحادیه،

---

[۲۲۱] شورای ملی ریسرچ اقتصادی تطبیقی:، ۲۰۰۱

[۲۲۲] "یتالیای سومی" یک اصطلاح ویژه گی است که برای تکثیر ایجاد واحد های مهارت های کوچک که خاصتاً با انکشافات اخیر در یک قسمت ایتالیا (عمدتا در شمال شرق و مرکز) همراه بوده به کار میرود. توسعه اقتصادی در "ایتالیای سوم" عمدتاً مبتنی بر ولسوالی های صنعتی مقایسه شده که در شمال واقع شده و همچنان عقب ماندگی ایکه در محلات دور جنوب توام میباشد اعمار گریده است.

[۲۲۳] باگچی، ۱۹۹۹، ۲۷

خواهد توانست تا به بعضی منافع رسیده گی داشته باشند، (ج) شاید قابلیت آنرا خواهد داشت تا یک مزد حد اقل را تقاضا کند و (د) رسیده گی وی به مؤسسات صرفه جویی و پس انداز و هکذا رسیده گی به تریننگ ها، اموزش و ارتقای مهارت ها بالا می رود.

یکی از عوامل کم جلوه دادن سهمگیری زنان عبارت از اضافه گویی در تولید و بالا نشان دادن محصولات بوده، که بنوبه خود باعث اختصاص پوتانسیال غیر مؤثر منابع می گردد. بطور مثال زمانی را که زنان در امور زراعتی در محوطه خانه خود سپری می کنند، مانند: تصفیه کاری تخم بذری، جدا ساختن پوست گندم بخاطر فراهم نمودن ارد و غیره از نظر انداخته می شود، محصول دهی و تولید در چوکات روز های کار مرد بالا نشان داده شده و تمامی مصارف برای کارگر کم تخمین می گردد. چنین سناریو یک پیام مؤثر برای اقتصاد نبوده و باعث اختصاص غلط منابع در همچو حالات، مانند: صنایع قالین بافی، عدم شناخت رول و نقش زنان بطور خاص جدی بوده، زیرا مرحله خاص در پروسه تولید، یعنی تولید خود کالا یا خدمات به رسمیت شناخته نمی شود. از انجاییکه قالین یکی از اقلام عمده صادراتی افغانستان است، لازم است تا این صنعت در سطح بین المللی رقابت کند. ضرور است

چوکات ۱۴: تجربه SEWA

تجربه انجمن زنان خود توظیف شده در احمد آباد، هندوستان (SEWA) نشان میدهد که از طریق فعالیت های ان زمینه کاریابی جدید بوجود آمده، رسیده گی های جدید به منافع و سهمگیری های اضافی با همچو مؤسسات مانند شرکت های بیمه صورت می گیرد. بطور مثال SEWA پیش بینی می کند که منافع اضافی (به شکل مزد ازدیاد یافته و سایر عواید از مدارک وظایف جدید بود.[۲۲۴] اختلاط فعالیت های انکشافی و اقدام اتحادیه های صنفی که از جانب SEWA صورت پذیرفت به زنان امکان فراهم نمود تا بمثابه نماینده گان اقتصادی در سلوک و کردار خود تغییر بیاورند بطور مثال: آنها اکنون بیمه را دریافت می کنند تا در زمینه مصارف ملی وغیره معامله کنند، برای ما بعد خود پس انداز های کوچک داشته و برای خود خانه اعمار کنند. پروژه انکشافی روستایی که در نه ایالت هند زنان بی بضاعت و نادار را سازماندهی کرد، همچنان دست آورد های قابل ملاحظه داشتند. اثاثه ها بوجود آمده، منابع عایداتی در نتیجه رشد کار غیر شرکتی متنوع شده است. گزارش گردیده که بیشتر از ۳۰٪ اعضای زن سواد وظیفوی را بعد از شمولیت در گروپ های معاونت خودی کسب نموده است، ۷۰٪ اعضا به خدمات مناسب صحی رسیده گی دارند و ۹۲٪ دختران شان را به مکتب می فرستند و این رقم در مقایسه به ۶۵٪ در سال ۲۰۰۰ می باشد.[۲۲۵] در اینجا مصارف قابل ملاحظه غیر رسمی وجود دارد که مستند گردیده است: رشوه ستانی و رشد اقتصاد سیاه، سطوح پائین انکشاف بشری توسط معیار بلند بی سوادی و وضع ناگوار صحی، اطفال خارج از مکتب و در کار، بهبود در عرصه های کار از طریق رسمیت دادن کار بالای انکشاف اجتماعی و دست اورد های ان تاثیر وارد میکند.

[۲۲۴] SEWA ۲۰۰، صفحه ۱۹

[۲۲۵] بانک جهانی، ۲۰۰۴ ج

که در زمره سایر موارد، استعداد آن باید موجود باشد، تا به خواسته های مستهلکین بین المللی پاسخ ارایه شود. سلیقه و ذوق مستهلکین و ترجیحات آنها باید طی سلسله زنجیری از صادر کننده گان قالین الی بافنده گان قالین مورد نظر گرفته شود، بدینترتیب بین زنان بافنده تجار محلی خانواده گی و صادر کننده گان یک شبکه ارتباطی باید بوجود اید. به استثنای قالین بافی، در سایر فعالیت هایی که در خانواده صورت می پذیرد و دارای پوتانسیال صادراتی هستند مانند: میوه خشک، صنایع دستی و دستکاری هایی اگر نقش زنان شناخته نه شود، امکان ندارد تا پوتانسیال صادراتی این فعالیت ها را در کنترول در آورد. اعمار یک صنعت با معیار جهانی و قابل رقابت صادراتی ایجاب می کند، تا حلقه اساسی زنجیر ارزش را که عبارت از زنان کارگر مصروف در منازل است، درک کرد و درین پروسه پلانگذاری، معلومات تخنیکی، تریننگ و تمویل بازار را شامل ساخت که در واقعیت زمینه رشد صنعتی را فراهم می سازد.

رسمی نمودن سهمگیری زنان در نیروی کار از طریق شناخت و تصدیق همچنان باعث مالیه و جمع آوری محصولات برای دولت می شود. حتی در مورد زنان بی بضاعت که شامل شبکه و جال مالیه نگردیده اند، رسمیت سهمگیری آنها در نیروی کار باعث منفعت می باشد. رسمیت کار تقاضا و خواست زنان بی بضاعت را در برابر خدمات دولتی بیشتر ساخته که بنوبه خود این عمل نتایج مثبت را درکوتاه مدت و طویل المدت دارا می باشد. بطور مثال: اگر یک زن اطفال خود را در مراکز تسهیلاتی برای اطفال داخل می کند، نه تنها اطفال مستفید می شوند، بلکه زنان نیز امکان انرا بدست میاورند تا استوارانه و مطمئنانه کار کنند و عاید خوب بدست آورند. در نتیجه محاسبه و عمل حسابدهی خدمات عامه در برابر مردم از طرف مستفید شونده گان به طریق محاسبه کوتاه که در گزارش اقتصادی کشور طرح شده است، تحکیم می یابد.[۲۲۶]

بدینترتیب بصورت عموم رشد افغانستان در آینده بطور اساسی مربوط به تداوم و توسعه اشتراک زنان کارمند، بالخاصه در زراعت و کار مستقر در منزل می باشد.

عواقب تجرید جنسیت

شواهد مبتنی بر تجارب سایر کشور ها نشان میدهد که در صورت ازدیاد تخصیص و منابع جهت انکشاف قابلیت های زنان یک سلسله از منفعت هایی بدست می آید که وجود دارد. در اقتصاد کشور های جنوب شرق آسیا پیروزی های قابل ملاحظه در صادرات در نتیجه ازدیاد تعداد زنان در صنایع خفیفه بود، در حالیکه عدم تساوی از لحاظ جنسیت در آسیای جنوبی و شبه

[۲۲۶] بانک جهانی، ۲۰۰۴

صحرای افریقا رشد را تا اندازه ٪۰.۳ در برابر اقتصاد کشور های جنوب شرق آسیا کاهش داد.[۲۲۷] بیکر (۱۹۷۵) تاکید داشته که اگر کار مرد و زن مکمل تعویض شود، تبعیض وسیع را در مزد برای زنان باید ازبین برد، که این اقدام برای مردان نیز مفید است، زیرا تبعیض در زمینه منافع مشترک را کاهش داده و باینترتیب سرمایه گذاری و رشد نیز تقلیل می یابد.[۲۲۸]

تحکیم ارتباط بین رسیده گی به اثاثه های مؤلد و ازدیاد تولید خیلی قابل ملاحظه می باشد. در حالیکه زنان افغان در فعالیت های عاید آور شرکت دارند وبطور قابل ملاحظه در منابع خانواده گی نقش دارند، انها ندرتاً ثروت مولده را تصاحب می کنند. حتی بیوه های دارای ملکیت زمین که بالای زمین مالکیت دارند حقوق محدود دارند. انها زمین فروخته نمی توانند، زیرا این زمین باید به پسران و خویشاوندان مرد منتقل شود.[۲۲۹] رسیده گی محدود به اثاثه های مؤلد مانند زمین نشان میدهد که زنان امکان ندارد تا از زمین بحیث تضمین برای کریدت ها کار بگیرند. شواهد از کشور های افریقا نمایانگر است که زارعین اناث مانند همتا های مرد خود مؤثریت دارند، مگر مؤلدیت شان کمتر است، زیرا انها تمویل کم تولیدی و سرمایه بشری دارند.[۲۳۰] برای اینکه مولدیت و تولید بیشتر شود، رسیده گی زنان به منابع خانواده گی به شمول زمین به تغذیه و اسایش طفل متعلق است.[۲۳۱]

ریسرچ و تحقیق جدیدیکه از جانب Esteve -Volart[۲۳۲] در هندوستان صورت گرفت، همچنان برای افغانستان نیز مورد استفاده می باشد. در ریسرچ وی از ارقام در مورد ترکیب جنسیت در محل کار ------ در شانزده ایالت هندوستان برای دوره سالهای ۹۱-۱۹۶۱ بر مبنای طبقات استفاده کرد، تا تاثیرات تبعیض جنسیت را در مارکیت کار از لحاظ انکشاف اقتصادی ارزیابی کند.[۲۳۳] وی تخمین می نماید که مصارف ناشی از تبعیض علیه زنان در مارکیت خیلی زیاد است: ٪۱۰ تزیید در نسبت منیجران زن با مرد

[۲۲۷] کالیسن، ۱۹۹۹

[۲۲۸] پیترنوسترو، ۱۹۹۹

[۲۲۹] گریس، ۲۰۰۴، خانم مذکور خاطر نشان میسازد که زنان در برخی موارد صا حب مرغداری میباشند و به مرغداری خویش رسیده گی مینمایند. لاکن در امد بدست آمده از طریق فروش تخم ها محدود بوده اما مرغ ها همچنان نسبت به سایر مواشی به امراض بیشتر مبتلا میشوند که احتمالاً توضیح میگردد که اکثراً زنان مرغ دارند نه مرد ها.

[۲۳۰] بانک جهانی، ۲۰۰۳

[۲۳۱] انستیتوت بین المللی تحقیقات در مورد پالیسی غذا یک سلسله مطالعاتی را درین ارتباط انجام داده که این را بطه را زیر غور و مداقه قرار میدهد.

[۲۳۲] استیف - ولارت، ۲۰۰۴

[۲۳۳] خانم مذکور نخست علامات محرومیت زنان را در دور مانده از موقف های مدیریت دانسته و ثانیاً علامات کامل محرومیت زنان را از مارکیت کار تحلیل مینماید. محروم نمودن زنان از موقف های مدیریت و منجمنت مهارت های زنان را منحیث یک مدیر که مورد استفاده قرارگیرد به ناکامی مواجه میسازد. منحیث یک نتیجه رویهمرفته اوسط مهارت مدیران زن در کشور نسبتاً کمتر خواهد بود به تفسیر دیگر مفاد کمتر در آن فابریکات و بدینترتیب رشد کمتر درکشور به مشاهده میرسد.

محصول خالص ملی را ٪۲ فی نفر ازدیاد می بخشد، در حالیکه ٪۱۰ ازدیاد تناسب زن با مرد تمام کارگران GDP را فی نفر ٪۸ ازدیاد می دهد. خصوصاً وی تخمین می کند که اگرهمه ایالات هند مانند کارناتا کا ارقام بازار کار داشته باشد (ایالتی که تناسب بالاتر زن با مرد را درمنیجران دارد دارتباط به تعداد مجموعی زن با کارگران مرد است). محصول ناخالص هند GDP فی نفر درین دوره ۱۹۹۱-۱۹۶۱ بیشتر از ٪۳۰ بود. وی تاکید می ورزد که مؤثریت مصارف در سکتور غیر زراعتی بالاتر است، زیرا در انجا امتیاز فزیکی مردان نسبت به زنان زیاد است. مطالعه دیگر در امریکایی لاتین تخمین می کند که در نتیجه عدم برابری جنسیت در مارکیت کار میتواند مزد زنان را تا ٪۵۰ ازدیاد دهد، در حالیکه فراورد و محصول ملی ٪۵ بالا می بود.[۲۳۴]

تعلیم و تربیه و رشد اقتصادی

سند تحفظ آینده افغانستان از اقتصاد کشور های آسیای شرقی نقل قول نموده و امکان ٪۹ رشد اقتصاد را در افغانستان پیش بینی می کنند. یکی از عواملیکه باعث رشد سریع در اقتصاد کشور های آسیای شرقی شد، عبارت از تقلیل سریعتر خلای جنسیت در تعلیمات اساسی بوده که بنوبه خود این باعث تقلیل نا برابری برای زنان در امکانات اجتماعی به شمول سهم گیری شان در اقتصاد گردید.[۲۳۵] تعلیم برای دختران و زنان امکانات جدید را برای آنها بوجود اورده و انها به انواع جدید کار رسیده گی پیدا می نمایند. در پهلوی این استفاده از تکنالوژی بهتر و رسیده گی به اطلاعات بازار در کار موجود ممکن می شود. بدون سرمایه گذاری قابل ملاحظه در معارف برای هر دو (پسران و دختران) توسعه سکتور تولیدات صنعتی با مهارت های کاری اشکارا غیر ممکن می باشد. نبود و فقدان معارف نه تنها پوتانسیال منابع بشری برای پیشرفت را محدود می سازد، بلکه دور نمای انکشاف سریع بشری را در اینده مانع می شود.[۲۳۶] در اقتصاد زیاد ازاد جهانی کشور ها با ارقام که در زمینه سواد و خلا های کمی جنسیت در سواد باعث شده تا مستقیماً سرمایه گذاری خارجی را جذب کند، زیرا برای سرمایه گذاری خارجی کار ارزان و با مهارت ضروری است. جهانی شدن با اهمیت زیاد تشبثات کوچک و متوسط یکجا بوده که برای زنان امکانات کار را فراهم می سازد. یک مثال خوب در اینجا عبارت از امکانات زیاد در تجارت توأم با چالاکی و هوشیاری در آسیا است. مگر معارف یکی از نیازمندی های حد اقل جهت رسیده گی به این امکانات می باشد.[۲۳۷]

---

[۲۳۴] صندوق وجهی ملل متحد برای ارزیابی نفوس، ۲۰۰۰

[۲۳۵] دریز و سن، ۲۰۰۳

[۲۳۶] مرکز انکشاف محبوب الحق، ۱۹۹۸

[۲۳۷] رودی- فهیمی، و مغدم، ۲۰۰۳

در حالیکه کاهش در خلا از لحاظ جنسیت باعث رشد زیاد و سهم عظیم زنان در اقتصاد کشور توسط زنان خواهد بود، تداوم خلاهای زیاد در برابری جنسیت، رشد را متوقف می سازد. رشد اقتصادی (غیر مستقیم) متأثر می شود واین در نتیجه تاثیر اندازه بازگشت سرمایه گذاری فیزیکی می باشد. کیفیت پایان منابع بشری در نتیجه تعصبات در جنسیت باعث مؤلدیت پایان و در نتیجه بازگشت کم سرمایه گذاری می گردد و این پیش بینی شده که اخری باعث کاهش عاید سرانه در رشد اقتصاد کشور می شود و این در کشوری که خلای جنسیت در معارف مشابه به کشور های افریقا بوده که اکنون ۰.۳٪ می باشد.[۲۳۸]

تاثیرات پالیسی

تجارب کشور های جنوب آسیا این را کاملاً واضح می سازد که برابری جنسیت بدون تحلیل دقیق و طرح پالیسی های مناسب بدست امده نمی تواند. گرچه حکومت افغانستان قدم هایی را بر میدارد تا به شمولیت دختران در مکتب بهبود بخشیده و برای نفوس اناث کشور مراقبت و مواظبت طبی فراهم سازد، ولی خلا هایی از لحاظ جنسیت هنوز هم بهبود نیافته است. در جدول پاینتر از ۲۱ بوده و ما خصلت سرمایه گذاری را در زمینه منابع مالی وسایر موارد واضح می سازیم، تا به هدف برابری جنسیت در افغانستان رسیده و منافع متوقع را از ان بدست آوریم.

وضاحت حالت کنونی ارقام در باره افغانستان و تجربه محدود در زمینه اقدامات مختلفه قابل تعجب نیست، زیرا بدون آن ممکن نیست تا تاثیر این اقدامات را همه جانبه و اجمالی با کمیت روشن ساخت. علی الرغم تجارب کشور دیگر، نه تنها حالت رفاهی زنان، مردان و اطفال در نتیجه بهبود می یابد، بلکه ما نتایج مثبت رشد را در سطح کشور بدست می اوریم. گرچه این مشکل است تا منافع را همه جانبه و اجمالی در کمیت ظاهر ساخت. با ارایه دامنه موجود تفاوت های جنسیتی این قرین به واقیعت است که در حاشیه منافع مستقیم و غیر مستقیم اقدامات پالیسی، بخاطر ساحات اولویت بالاتر از مصارف درین ساحه می باشد.

تحلیل فوق حاکی است که از دور نمایی جنسیت سه هدف بخاطر بازگشت اعظمی پوتانسیال در عرصه های کنونی اقتصادی- سیاسی و اجتماعی عبارتند از:(i) باورمند ساختن و حمایت از آن که حد اقل ۵۵٪ دختران طی پنج سال اینده تعلیمات ابتدایی کسب می کنند؛(ii) کاهش در مرگ و میر مادران، کمتر از یک ربع سطح مرگ و میر کنونی . (iii) شناختن و حمایت از کار جاری زنان در اقتصاد غیر رسمی.

هر یکی از این اهداف، سلسله یی از اقدامات ذیل را ایجاب می کند (i) تا تعداد مکاتب برای دختران بیشتر و توسعه داده شود، به این معنی که تأسیسات مکاتب باید با حاضری دختران مطابقت داشته باشد، مشوق هایی باید در نظر گرفته شود، تا به خروج دختران از مکتب کاهش دهیم. علاوه بر ان، سلسله از اقداماتی و مشوقهایی بکار است تا دختران از وظایف مانند نگهداشت و

---

[۲۳۸] کلاسن، ۱۹۹۹

مواظبت از اطفال و کار در منزل فارغ گردند، مفکوره ها و عقیده ها در مورد نقش ممکنه و اینده انها در خانواده، جامعه(قریه) و اقتصاد ملی تغییر کند. (ii) بخاطری که مرگ و میر زنان کاهش یابد، باید سهولت های مراقبت صحی در قرا دور افتاده بشکل مناسب ایجاد شود (بالخاصه بخاطر زایمان ها) کارکنان صحی اناث در ان کار کنند. علاوه بر آن سلسله از اقدامات بخاطر ارتقای سطح اگاهی بین مردان و زنان همسان براه انداخته شود، تا سیستم زایمان صحی فعال گردیده و حساسیتی که از لحاظ جنسیت وجود دارد دور ساخته شده تا رسیده گی زنان به این تسهیلات بهتر شود. به تفاوت های موجود جغرافیایی باید از طریق رساندن تسهیلات و امکانات صحی در سرتاسر کشور توجه صورت گیرد. (iii) بخاطر اینکه کار زنان در اقتصاد غیر رسمی برسمیت شناخته شده و حمایت شوند، لازم است تا ترییننگ ها برای مهارت های انکشاف در زراعت و محصولات مالداری، فراهم اوری کریدت ها برای زنان تجار، ارتقای صنایع دستی عنعنوی بشکل تکنالوژیک جهت ازدیاد امکانات انها برای مارکیت داخلی و صادرات مورد نظر گرفته شود.

جدول ۲۰ - مروری بر تفاوت های جنسیت در افغانستان و کشور های همسایه (۲۰۰۲)

شاخص	افغانستان	پاکستان	هند	اندونیزیا	مصر	ایران	مالیزیا	عربستان
عاید سرانه از بابت تولید ناخالص داخلی (دالر امریکائی ۲۰۰۲)	۲۱۲	۴۰۸	۴۸۷	۸۱۷	۱۳۵۴	۱۶۵۲	۳۹۰۵	۸۶۱۲
فیصدی مجموع قوای بشری ◆ اناث	۳۵.۸	۲۹.۵	۳۲.۵	۴۱.۲	۳۱.۰	۲۸.۴	۳۸.۳	۱۷.۷
نرخ سواد برای کلان سالان								
◆ ذکور	۵۱	۵۷	۶۸	۹۲.۵	۶۷.۲	۸۳	۹۲.۰	۸۴.۱
◆ اناث	۲۱	۲۸	۴۵	۸۳.۴	۴۳.۶	۶۹	۸۵.۴	۶۹.۵
شمولیت مجموعی در مکاتب ابتدائی								
◆ ذکور	۲۹.۰	۸۳.۷	۱۰۷.۴	۱۱۱.۰	۱۰۰.۰	۹۳.۸	۹۷.۰	۶۹.۰
◆ اناث	۴.۱	۶۲.۰	۵۹.۶	۱۰۸.۰	۹۳.۰	۹۰.۴	۹۷.۰	۶۷.۰
شمولیت خالص در مکاتب ابتدائی (٪)								
◆ ذکور	۴۲.۱ (۱۹۹۳)	۷۶.۵	۹۰.۶	۹۲.۶	۹۲.۲	۸۰.۰	۹۵.۱	۶۱.۱
◆ اناث	۱۴.۵ (۱۹۹۳)	۵۶.۷	۷۵.۶	۹۱.۷	۸۷.۴	۷۸.۳	۹۵.۳	۵۶.۵
عمر متوقعه در اثنای تولدات (سالها)								
◆ ذکور	۴۳.۰	۶۲.۶	۶۲.۶	۶۴.۶	۶۶.۶	۶۸.۳	۷۰.۷	۷۱.۰
◆ اناث	۴۳.۵	۶۵.۱	۶۴.۲	۶۸.۶	۷۰.۸	۷۰.۳	۷۵.۶	۷۳.۶
سرعت بارداری مجموعی	۶.۸	۵.۱	۳.۱	۲.۴	۳.۳	۲.۴	۲.۹	۴.۶
مرگ و میر مادران در هر ۱۰۰۰۰۰ تولد زنده	۱۶۰۰	۵۰۰	۵۴۰	۲۳۰	۸۴	۷۶	۴۱	۹۱
فیصدی تولد های در آن پرسونل ماهر صحی حاضر بودند	۱۲	۲۰	۴۳	۶۴	۶۱	۹۰	۹۷	۲۳

یاداشت:

۱.شاخص های حروف برجسته از منابع بانک جهانی هستند.

۲.شاخص های کج مانند از منابع یونسف هستند.

۳.شاخص هایی که از دو مورد فوق مستثنی هستند، متعلق به UNDP میباشند.

منابع:

http://devdata.worldbank.org/external/dgsector.asp?W=0&RMDK=110&SMDK=473885

http://unicef.org/infobycountry/index.html

http://hdr.undp.org/statistics/data/indic/indic_123_1_1.html

گزارش انکشاف بشری اداره انکشافی ملل متحد ۲۰۰۴- UNDP

جدول ۲۱ : قیمت و فواید محو نمودن تفاوت های جندر			
	سرمایه گذاری ها/تدابیر که ضرورت میباشد	مستفید شوندگان متوقعه مستقیم	مستفید شوندگان متوقعه غیر مستقیم
تعلیم و آموزش/سواد آموزی	فراهم ساختن کورس های سواد آموزی برای زنان مسن گشایش مکاتب جدید دخترانه استخدام معلمین اناث تأمین تسهیلات حمل و نقل برای مکاتب که در فاصله دور قرار دارند. نصاب درسی حساس برای زنان بکار بردن انگیزش شمولیت دختران به مکاتب فراهم کردن تسهیلات فضای باور و اعتماد برای آنعده دختران که از زیر بار سنگین تفاوت های قومی و نژادی فرار مینمایند. کورس های افاقی، تسریع نمودن فرصت های آموزشی دادن چانس دوم تعلیم و تربیه	افزایش دادن تعلیمات برای دختران تقویت نمودن تعلیمات مکتب در پیوند با استخدام. استخدام بیشتر زنان در کار های با تادیه مزد تصور ایفا نمودن نقش مثبت زنان با وجود تاکید بر عنعنات محلی.	زندگی فامیلی در بهبود حیات اطفال شان ازدیاد می یابد. تقلیل تولدات و بلند بردن سن ازدواج نرخ پائین رشد نفوس باعث کاهش مصارف فامیل درباره مواظبت صحی میگردد.
صحت	اولویت برای خدمات اساسی صحی بر طرف ساختن تفاوت های منطقوی در تدارک خدمات صحی تأمین کردن کارمندان اناث تعلیم یافته طبی در مراکز صحی تشویق نمودن آموزش برای دایه های محلی/ شفادهنده ترتیب مدارک/توسعه راهکار ها بمنظور بلند بردن درک مردان از صحت ولادی و رهنمای خانواده. براه انداختن کمپاین های جمعی خبری مشتمل بر بحث در باره مخارج اجتماعی-اقتصادی برای فامیل ها از MM/IM سرمایه گذاری در باره تحقیق پیرامون پروبلم های زنان	تغذیه خوب مسبب وضعیت صحی بهتر میگردد. پروبلم های در رابطه به تندرستی ولادی تشخیص گردیده و به کاهش دادن MM/IM مراجعه میگردد.	تقلیل میزان مرگ و میر مولدیت بیشتر صحتمندی بهتر اطفال درآمد بیشتر
معیشت/ نرخ های مشارکت در کار	دادن آموزش و انکشاف مهارت در ساحه زراعت و مالداری تعلیم و آموزش حرفوی اعم در سکتور خدمات اجتماعی، تسهیلات اعتباری، استخدام شهری، پیوست بودن به آموزش دادن مهارت ها و تامین حقوق زنان از فروش ملکیت هایشان تسهیلات و مواظبت از اطفال اصلاح نمودن احصائیه ها، آموزش دادن تحقیق کننده گان و بلند بردن آگاهی در باره (کار چه است)	افزایش دادن فرصت های استخدام برای زنان افزایش درامد ها سهمگیری بیشتر در تولید ناخالص داخلی ارزیابی بهتر از کار های قابل دید جاری تخصیص بیشتر منابع مناسب	بهبود بخشیدن وضع زنان در کانون خانواده نتایج بهتر برای اطفال رقابت های بیشتر بین نیرو های کار آغاز به جمع آوری احصائیه های ملی بمنظور تشخیص نمودن و محاسبه سهمگیری زنان در فعالیت های اقتصادی



فصل هفتم

نتایج

نتایج

...مابايد دريک ديالوگ عامه وگروپی شامل شويم، تا امكانات برای زنان بيشتر شده وهمكاری بين مردان وزنان برمبنای فرهنگ ما وتجارب ساير كشورهای اسلامی ونورمهای جهانی حقوق بشر بهتر گردد.[۲۳۹]

ارزيابی جنسيت دركشور، بعضی ازجوانب خيلی مهم جامعه افغانی راكه به حيثيت وموقف زنان وروابط جنسيت تعلق می گيرد، مورد تحليل قرار داده اين تحليل بيانگر وضع جنسيت درافغانستان بوده ودرزمينه وچوكات سكتور های مختلف مانند صحت، معارف، كار زنان وشموليت سياسی آنها را مورد مطالعه قرار می دهد . راپور نشان ميدهد كه درهريكی ازين ساحات درحاليكه فرهنگ خيلی اهميت داشته وفكتور های وجود دارد كه مختص ومنحصر به افغانستان بوده كه بايد هم حين طرح پاليسی درنظرگرفته شود. دانستن ساختار اجتماعی كه دارای مشابهت های زيادی بين افغانستان وساير كشور ها درمنطقه بوده ضروری است. درحاليكه درافغانستان صحت عمومی وبطور اخص شاخص های صحت زايمان نسبتا خيلی ضعيف بوده، شاخصهای معارف وشاخص های كاراجباری زنان تاحد زيادی با همه منطقه مشابهت دارد. حتی درشاخص های صحی، افغانستان شايد باعين مشكلات درمرگ ومير نوزادان، مانند مناطق غريب هندوستان وپاكستان روبرو می باشد. چوكات پاليسی افغانستان، ساختار های تطبيقی موسسات وساختار بنيادی قريب همه درنتيجه بحران سياسی سالها تخريب شده كه اين علت و سبب شاخصهای ضعيف می باشد. بدينترتيب مسايلی مربوط به جنگ به شمول وضع موجود ضعيف امنيت كه دربخشهای زيادی وجود دارد بالای پيامد های ضعيف جنسيت نسبت به ساير عواملی كه ناشی از فرهنگ افغانی است، تاثير دارد. بعد از وضع جنگی در بنگله ديش

---

[۲۳۹] چارچوب انكشاف ملی ، ۲۰۰۲، صفحه ۱۳

شاخص ها خیلی ضعیف بود، ولی با مساعی جدی ملی اکنون این شاخصها درسطح منطقه بهتر گردیده است.

درحالیکه مداخلات پالیسی وحل های تخنیکی بطور کافی عمومی بوده - درارتباط با عرضه خدمات برای صحت ومعارف، پرورش درمهارت ها وکار و**چگونگی** فراهم اوری ان برای افغانستان خاص می باشد. درغیر آنکه، **موسسات موجود وپروسه ها منحیث بنیاد برای تطبیق مورد استفاده قرار میگیردوهمچو** ابتکارات کاری نخواهد بود. علاوه بران، این خیلی اهمیت دارد تا کارمندان تربیه شده ملی که همچو اقدامات راعملی می سازند جابجا شوند. بطور مثال برای اینکه زنان افغان قابلیت انرا دریابند تا درساحات دهات کارکنند، همچو تدابیر عملی مورد نظر باشد تا تحرک انها ممکن شود.

درس ستراتیژیک باید از مؤسسات مختلف وتجارب شان فراگرفته شود که مطابق جریان تاریخ افغانستان باشد وتشخیص نقشهای جنسیت درجامعه افغانی وفرهنگ آن مرکزی است و **هرگونه تغییر پلان شده نیاز به مشاورت ها دارد، نه تنها بطور انفرادی باخانواده بلکه با جامعه وسیع محلی ضرورت ان محسوس است.** مردان وزنان تا اندازه زیاد عین ارزشهای فرهنگی به شمول مفکوره نقشهای جندر(جنسیت) را شریک نموده و میخواهند که آنرا درجوامع محلی خود اعتبار دهند . سالهای متمادی جنگ بیشتر جوامع محلی رابه حالت خودباقی گذاشت وعدم اعتماد ارث شده بالای مراجع خارجی رامستحکم ساخته وارتباط را با ارزشهای محافظه کارانه ازدیاد بخشیده است. ارتباط ووحدت اجتماعی قابل ملاحظه که افغانها طی سالهای بحران با در نظر داشت مشکلات موجود داشتند، همچنان شامل نورمهای سخت اجتماعی وکنترول تطابق با این نورمها می باشد. از اینجا است که هرگونه تلاش برای تغییرات مشاورت ها و توافق زیادی را درمیان جوامع متاثر شده می طلبد.

مثالهای مشاورت ها با جامعه محلی جهت دریافت راه های حل محلی برای عرضه خدمات نشاندهنده آن است تا پروگرام های موفقانه برای زنان براه انداخته شود، ضرورت آن نه تنها برای زنان بوده، بلکه مردان رانیز احتواء می کند. درین زمینه یکی از موازات عبارت از **میانجیگری درسطح محلی** از طریق شوراهای ریش سفیدان بوده که توانسته تا راه **های حل صلح امیز را برای معضلات جدی خانواده** گی ناشی از ازدواج های اجباری وحل مسایل حساس درارتباط با جنسیت دریافت نماید. با انکه تبعیض از لحاظ جنسیت درافغانستان گسترده است، امکان ان ازطریق مؤسسات محلی وابتکارات موجود است، تابه وضع بهبود بخشیم واگر در قدم نخست بالای اقدامات مقامات دولتی توصل جسته شود این باعث بروز عکس العمل می شود.

نتیجه گیری مهم دیگری که ازین تحلیل دررابطه به تنوع-- منطقوی، شهری /دهاتی، درساحات جغرافیایی، قومی و ساختارهای اقتصادی به میان می آید میباشند. این عوامل دارای اهمیت اولی بوده وکاملاً باید درآوان طرح وارایه پالیسی ها درنظر گرفته شود. بدینترتیب ساحه یی مانند بدخشان وجود دارد که درانجا موقف وحیثیت زنان نسبتا بالا بوده وبالای فعالیت های شان قیودات کم است، مگر ساختار عامه خیلی ضعیف است. چنین ساحات درامر ارتقای موقف زنان،و **فرصت دست اوردهای سریع** دارد، مناطق

شهری ساختار وتاسیسات بهتر دارد ولی رسیده گی به آن نظربه برخی دلایل محدود می باشد. درساحات سرحدی با ایران رسیده گی به معلومات برای زنان بهتر است وبدینترتیب انها درزمینه مفکوره های جدید آماده گی بیشتری دارند، درحالیکه درساحات داخلی کمتراست. بمثابه نقطه اغازین، تحلیل بیشتر وعمیق درسطح محلی و منطقوی باید اتخاذ شود تا که **پالیسی به این تنوع ها درکشور پاسخ ارایه نموده** تا اینکه بعمومیت هاپردازند.

سوم اینکه نقش های ارتباطی زنان ومردان درافغانستان **با مفکوره تکمیل** کننده استوار بوده ونه بالای برابری با احساس غربی. جمع اوری نظرات عامه نشان داد که اتفاق نظر بین مردان وزنان درافغانستان درزمینه موجود است که مشکلات زیاد را زنان متحمل می شوند، علی الرغم این برداشت که اکثراً در این مشکلات نقش مردان شامل می باشد. عکس العمل های هردوجنسیت درمورد هرماده درزمینه موقف زنان مشابهت داشت.[۲۴۰] هردو مردان وزنان که با بآنها مصاحبه ها صورت گرفته به این نظر بودند که ((نبودن معارف وسواد)) ٪۴۷، ((حقوق زنان)) ٪۳۳ و((مراقبت صحی)) ٪۳۲ مشکلات عمده بوده که زنان با ان امروز دچار هستند.این **نظرات مشترک درزمینه خطوط موقف جنسیت** واهمیت تفکر عامه درارتباط با زنان که به عزت، ناموس وشهرت زنان تعلق دارد، نمایانگر ان است که نه تنها از طریقه ها وبرخوردهای **مبتنی بر روش اتکاء به جامعه** کارگرفته شود، بلکه از ان بمثابه **یک بر خورد درست درزمینه جنسیت** استفاده شود (که دربرابر برخورد تنها برای ((زنان)) باشد). توافق میان نقش های مردان وزنان باید بطور واضح مذاکراتی رامیان هردو جانب دربرداشته باشد تا این مذاکرات کامیاب شود.

یکی ازعرصه های مربوطه عبارت از نقش جامعه درزمینه فراهم نمودن رسیده گی بهتر به خدمات ومعلومات می باشد. افغانستان یک جامعه مبتنی بردهات وکمتر بالای انفرادیت استوار است. بدینترتیب حمایت جامعه دهاتی برای اصلاحات درهمه عرصه ها لازمی است، ودرساحه ارتباطات جنسیت اهمیت آن خیلی برجسته می باشد. تاثیرات پالیسی وعرضه برنامه ها و پروگرام های جدید باید نه تنها شوهران وخانواده ها را احتوا کند، بلکه همه جوامع دهاتی وموسفیدان این گروپ های وسیع رادر جامعه عنعنوی دربرداشته باشد. بدینترتیب درانجمن های والدین- معلم، گروپ های میانجیگری مانند شوراها وجرگه ها، گروپ های مایکروکریدت ویاهم بخاطر رسیده گی به تسهیلات صحت بنیادی ومعارف سهم جامعه دهاتی خیلی با اهمیت است. تشکیل کمیته های انکشافی دهاتی تحت پروگرام همبستگی ملی برای دهات زمینه یک تشکل وفورم جدید رامساعد ساخت، که بخاطر ارتقای سطح اداره محلی امکان قابل ملاحظه می باشد.

---

[۲۴۰] سروی پلانگذاری تعلیم رای دهندگان، انتخابات ملی افغانستان درسال ۲۰۰۴. یک گزارش بر اساس آرای عامه

بالاخره این تحلیل ها نقش وسهم NGOs را درزمینه فراهم ساختن ورسیده گی به اصلاحات وخدمات برجسته می سازد. NGOs حتی در دوران حاکمیت طالبان نیز کارکردند و اینها عمیقاً از امکانات ومحدودیت ها بخاطر به پیش بردن اجندای پیشرفت زنان اگاهی داشتند. درحالیکه بکاربردن امکانات کار NGOs بعضاً سهل نبوده، ازتجارب آنها بخاطر رهنمون کار بعدی استفاده شود، کارمندان ملی که توسط آنها تربیه می شوند میتوانند بحیث مربیون برای دیگران مورد استفاده قرار داده شوند.

گزارش حاکی است که درنتیجه شرایط اجتماعی، اقتصادی وسیاسی ساحات اساسی برای مداخلت ها وکار بخاطر حمایت از داعیه برابری جنسیت باید خطوط عمده ذیل باشد:

- ✓ تحکیم وتقویت قابل ملاحظه **استخدام زنان درسکتور های صحت ومعارف** که تاثیر مستقیم بالای شمولیت دختران درمکتب، رسیده گی زنان به خدمات صحی، مرگ ومیر مادران وبصورت عموم بالای صحت طفل وخانواده دارد.

- ✓ تحکیم **وگسترش شمولیت زنان درتولیدات محصولات زراعتی ومالداری** از طریق توسعه همچو خدمات وتریننگ ها وتسهیلات قرضه ها وامکانات بازار ومارکیت.

- ✓ انکشاف امکانات **وتسهیلات کار ووظایف مبتنی برمهارت ها و بدون مهارت های خاص برای زنان درسکتور شهری**، جهت پاسخ به نیازمندی های خانواده های فقیر و نادار که مسوولیت انرا زنان دارند.

- ✓ **اصلاحات قانونی** جهت از بین بردن عدم تساوی جنسیت، درقانون خانواده، درارتباط به ازدواج، سن ازدواج، طلاق و وراثت.

- ✓ جمع اوری **ارقام کافی جداگانه از لحاظ جنسیت درزمینه مصروفیت زنان ومردان درتمام سکتور ها**، بخاطر مستند ساختن آن و برای اینکه انکشافات بعدی وتاثیرات سرمایه گذاری در آینده تحت نظارت ومونیتورینگ قرار داده شود.

این موارد وعرصه های فعالیت یک سلسله از اقدامات رابه شمول ایجاد چوکات مناسب مؤسساتی، حمایت از تربیه زنان، ارتباطات مارکیت، رسیده گی به قروض وتسهیلات، محافظت طفل، تأسیسات مکتب به شمول تشویق هایی که خروج دختران از مکاتب را کاهش دهد وتسهیلات برای مراقبت صحی مادران که به نقاط دور دست دهاتی توسعه داشته باشد، ایجاب می کند. ارقام داده شده درمورد افغانستان وتجربه محدود درزمینه تنوع اقدامات، امکان ندارد تا تاثیرات ونفوذ انرا بطور فشرده مقداری روشن ساخت، باانهم برمبنای تجارب کشورهای دیگر نه تنها **بهبودی وضع زنان، مردان واطفال** درنتیجه بیشتر شده، بلکه بالای **انکشاف و رشد مثبت درسطح کشور** نیز تاثیربه سزایی دارد . درحالیکه برجسته ساختن مقدار فواید این عمل مشکل است و دامنه موجود تفاوت های جنسیت در واقعیت مسئله ای است که درحاشیه فواید مستقیم وغیر مستقیم اقدامات ناشی از پالیسی اتخاذ شده قرار دارد، تا درین ساحاتی که دارای اولویت ها بیشتر نسبت به مصارف است، اقدام شود.

مأخذ ها

جریان Contre La Faim - افغانستان ۲۰۰۴، نقشه برداری آسیب پذیری شهر کابل

Afghanaid سروی جنسیتی (مرد و زن) در بدخشان و برنامه ارزیابی در رابطه به جنسیت (زن و مرد)، لندن.
افغانستان ۲۰۰۴، قانون اساسی افغانستان، سال ۱۳۸۲ کابل

افغانستان، وزارت صحت عامه، تاریخ وجود ندارد. اسناد پروژوی برای تندرستی ولادی در رهنمای خانواده AFG/۰۳۴۳۲
مشاورت دهنده Altai، ۲۰۰۳ تعلیم و تربیه دختران، تحقیق سازنده، کابل

سازمان عفو بین المللی ۱۹۹۹، زنان در افغانستان: در گرو مبارزه مردان برای قدرت، AI تهیدست . ASA ۱۱/۰۱/۱۹۹۹
سازمان عفو بین المللی، ۲۰۰۳، افغانستان تأسیس مجدد حکمروائی قانون، AT :ASA: فهرست، ۱۱/۰۲۱/۲۰۰۳، ۱۴ آگست ۲۰۰۳
سازمان عفو بین المللی، a۲۰۰۳، افغانستان.

سازمان بین المللی ۲۰۰۳، افغانستان. نامه سرگشاده برای شرکت در کنفرانس بین المللی در باره‌ء مساعدت برای بازسازی افغانستان، March ۲۶ ،۱۱/۰۰۶/۲۰۰۴ AI Index:ASA

دفتر تحقیق و ارزیابی برای افغانستان، AREU. یک رهنما برای حکومت افغانستان جهت توسعه وظایف حکومتی خارج از کابل. مشاهدات به هنگام مبتنی بر بازدید از ولایات هرات، بادغیس، طرح کاری، کابل مارچ ۲۰۰۴.

بانک انکشاف آسیائی، ۲۰۰۲، افغانستان ارزیابی نیازمندی های جامع در رابطه به تعلیم و تربیه (گزارش نهایی طرح) قابل دسترسی به روی صفحه. http:www.adb.org/Afghanistan/can.educn.pdf

بانک انکشافی آسیائی ۲۰۰۳ یک آغاز جدید برای سکتور تعلیم و تربیه افغانستان،

Manila Astill. J، ۲۰۰۴، رفتار بد با زنان را وادار به خودکشی نموده است. واشنگتن تایمز. ۰۵/۱۱/۲۰۰۴

Azarbaijani-Moghadam, Sipi ، ۱۹۹۸، گزارش ۱۹۸۸ پروژه رهنمای مجتمع انکشاف زراعتی مطالعه بنیادی: قریه سرگل، ولسوالی جاجی داکار (DACAAR) پشاور.

Azarbaijani-Moghadam, Sipi، ۲۰۰۲، گزارش هیئت کمسیون اروپا (EC) پیرامون میکانیزم ارزیابی واکنش سریع، افغانستان. رهنمود های جنسیت (زن و مرد)، آپریل ۲۰۰۲، دفتر کمسیون اروپا در باره تنظیم جلوگیری از کشمکش و بحران، بروسل.

Atmar, H, Barakat, S, and Arne Strand, eds، ۱۹۹۸ "از سخن پراگنی به واقعیت" نقش کمک در اعمار صلح محلی در افغانستان. PRDU/BRAG/RTC/INTRC

Baghchi ۱۹۹، اقتصاد و سازماندهی، مؤسسات هندی تحت ریژیم افکار نوین، نشرات Sage دهلی نو.

Bahgam, S and Mukhtari, W ۲۰۴ مطالعه در باره‌ء ازدواج اطفال در افغانستان ۲۰۰۴، Medica Mondiale, Cologne May

Barakat,S. & Wardell, G. ۲۰۰۱ سرمایه گذاری بالای ظرفیت زنان افغان، در توجه به تمرکز برنامه در باره پاسخ به بحران و بازسازی، اوراق کاری ۴ ، دیپارتمنت احیأی مجدد و بازسازی، ژنیف دسمبر ۲۰۰۱.

Barfiled, T ۲۰۰۴، کوچی های رمه دار در افغانستان، بازسازی اقتصاد متعلق به شبانی آپریل ۲۰۰۴.
«http://www.bicusa.org/bicusa/issues/Nomadic-Pastoralists-final.pdt»

de Berry, J, et al. ۲۰۰۳ اطفال شهر کابل مباحثات با فامیل های افغان۳۰۲ Save the Children USA and UNICEF, Kabul June

Boesen, I، ۲۰۰۴ از موضوع تا شهروندان. مشارکت مردم محل در باره همبستگی ملی (NSP)، دفتر تحقیقات و ارزیابی افغانستان (AREU)، کابل ۲۰۰۴

Bolton, P and Betancourt, T.S، ۲۰۰۴ صحت روانی در افغانستان از جنگ برخاسته، سرمقاله JAMA کانفرانس مطبوعاتی ۳ اگست ۲۰۰۴.

Caritas International، ۲۰۰۳، زنان در شهر کابل. یک ارزیابی نیازمندی ها.

اداره مرکزی احصائیه و یونسف، ۲۰۰۴ پیشرفتن در پایان دو دهه جنگ، پیشرفت ولایات شاخص های مضاعف سروی های گروهی افغانستان از بابت سال ۲۰۰۳، اداره حکومت انتقالی افغانستان کابل.

اداره مرکزی احصائیه و یونسف، ۲۰۰۴ افغانستان - پیشرفت ولایات، شاخص های مضاعف سروی ۲۰۰۳. اداره انتقالی افغانستان کابل.

Christensen, Asger، ۱۹۸۲ خویشاوند "قرابت" "متعهد" نمونه های عروسی میان پشتون ها در کنر، گروه توده، ۲۴، انجمن انسان شناسی دنمارک کوپنهاگن.

Coke, A، ۲۰۰۴ تخم بذری گندم و برنامه زراعت در افغانستان: تاثیر نیرو های بالقوه بالای معیشت AREU اپریل ۲۰۰۴.

Doedens, Wilma، ۲۰۰۱، اوراق عمل کرد ها برای پاسخ به نیازمندی های صحت ولادی. شاخص های صحت ولادی برای افغانستان ۰۱-۰۹-۲۱ /Wilma Doedens/WHO/RHR .

Dollar, D and Gatti, R، ۱۹۹۹، نابرابری جنسیت، در آمد و رشد: اوقات خوب برای زنان شایسته هستند؟. گزارش مش تحقیقی در باره جنسیت (زن و مرد) و انکشاف، سلسله از اوراق کاری، نمبر ۱ بانک جهانی، واشنگتن دی.سی.

Dreze, J and Sen, A، ۲۰۰۳، توسعه در هند و مشارکت نشرات پوهنتون آکسفورد، دهلی.

اداره مواد مخدر و جرایم بین المللی متعلق به دفتر خارجی کامنولت ۲۰۰۴.

محرک کشت خاشخاش کیست؟ اتخاذ تصامیم در میان زرع کننده گان خاشخاش در افغانستان هنگام فصل کشت کردن آن، ۲۰۰۳/۰۴ یک گزارش از اداره مواد مخدر و جرایم بین المللی متعلق به دفتر کامنولت. لندن (؟).

N،Dupree ، ۱۹۹۹، زنان افغانستان کمیته سویدن برای افغانستان (SCA)

G،Esfandiari ، ۲۰۰۴، افزایش خودکشی زنان در ولایات غربی کشور، RFE/RL «http://rawa.false.net/immolation۲.htm»به دسترس قرار گرفته در ۵/۱۹/۲۰۰۴ .

Esteve-Volart, B، ۲۰۰۴ تبعیض جنسیت (زن و مرد) و رشد نظریه و شواهد از هند، پوهنتون اقتصاد علوم سیاسی لندن مارچ ۲۰۰۴ قابل دسترسی روی صفحه «-http://econ.lse.ac.uk/seminars/papers/devgr۱۳۱۰۰۳.pdf».

سازمان غذا و زراعت جهان (FAO، ۱۹۹۷) جنسیت (زن و مرد) و مشارکت پلانگذاری انکشاف زراعتی، دروس از افغانستان، تهیه اوراق دورنما برای ورکشاپ در باره زنان و اشتراک ایشان در پلانگذاری انکشاف زراعت افغانستان - هنگام برداشت محصول فصل.

Farell D، ۲۰۰۴، خطرات پوشیده اقتصاد غیر رسمی. نشرات ربع وار (نمبر ۳) ۲۰۰۴

مرکز قحطی بین المللی Feinstein ۲۰۴ مصونیت انسانی و معیشت افغانان روستائی ۲۰۰۲ - ۰۳ یک گزارش برای اداره بین المللی انکشافی ایالات متحده امریکا (USAID)، مرکز قحطی بین المللی Feinstein، برنامه جوانان روستائی، پوهنتون توفتس.

Ferdinand, K، ۱۹۶۹، چادر نشینی در افغانستان، با یک انضام در باره تولیدات شیر صفحه ۶۱ الی ۱۲۷، در Foldes, ed ،L ، Viehwirtschaft und Hirtenkultur. Ethnographische Studien, Akademiai Kiado Budapest:

Filmer، ۱۹۹۹، ساختار نابرابری های اجتماعی در تعلیم و آموزش، جنسیت و ثروت، جنسیت و اوراق کاری انکشافی.

سازمان غذا و زراعت جهان (FAO) ۲۰۳ افغانستان، سروی سکتور باغداری، روم

Frederiksen,B ۱۹۶، کاروان ها و تجارت در افغانستان. تفصیل زنده گی از کوچی های هزار بز
Thames and Hudson, London

جنبش جهانی برای گروپ کاری اطفال افغانستان، ۲۰۰۱ از دست دادن چانس ها، تغییر وضعیت اطفال در افغانستان ۱۹۹۰-۲۰۰۰.

حکومت افغانستان et al، ۲۰۰۴، مصؤنیت آینده افغانستان: اجراات و راه های استراتیژیک به پیشرو، گزارش برای کانفرانس بین المللی منعقده برلین.

Grace, J، ۲۰۰۳، یکصد خانواده در شهر کابل یک سروی از آسیب پذیری زمستانی، کاپی نمودن استراتیژی ها و تأثیرات برنامه های پول در مقابل کار بالای زندگی افراد آسیب پذیر AREU اگست ۲۰۰۳.

Grace, J، ۲۰۰۴، نقش زنان در زراعت مطالعات وضعیت از پنج قریه در شمال افغانستان، اداره تحقیق و ریسرچ افغانستان AREU، کابل مارچ ۲۰۰۴.

Grace, J and Pain, A، ۲۰۰۴، تفکر نمودن مجدد در باره معیشت روستائی در افغانستان، دفتر تحقیق و ارزیابی افغانستان AREU، ترکیب از سلسله اوراق کابل.

Grevemeyer، J-H، ۱۹۸۷، Afghanistan. Sozialer Wandel und Staat im ۲۰. Jahrhundert. Berlin, ۱۹۸۷.

کمک به اطفال افغان، ۲۰۰۳، وضعیت کنونی مواظبت صحی در افغانستان، ۲۱ اگست ۲۰۰۳ .
www.helptheafghanchildren.org/resources به دسترسی قرار گرفته در ۹/۲۴/۲۰۰۴.

Hill, Catherine، ۱۹۹۷، جنسیت (زن و مرد) و مشارکت در پلانگذاری انکشاف ولایتی، درس های از افغانستان. زنان در خدمات انکشافی، سازمان غذا و زراعت جهان (FAO).

Horus Banque et Finance، ۲۰۰۲، سروی مارکیت در افغانستان، گزارش نهایی ضمیمه پنج، پاریس، می ۲۰۰۲.

سازمان دیده بان حقوق بشر، ۲۰۰۱، تکذیب نمودن انسانیت، تخطی های سیستماتیک از حقوق زنان در افغانستان جلد ۱۵ شماره ۵ (C) واشنگتن دی.سی

سازمان دیده بان حقوق بشر، ۲۰۰۲، "ما می خواهیم به مثابه یک انسان زندگی نمایم" ممنوعیت زنان و دختران در غرب افغانستان، جلد ۱۴ شماره ۱۱ (C) دسمبر ۲۰۰۲، واشنگتن دی.سی

سازمان دیده بان حقوق بشر، "کشتن شما یک چیز ساده برای مان است" تجاوز به حقوق بشر در مناطق جنوب شرق افغانستان جلد ۱۵ شماره ۰۵ (C) جولای ۲۰۰۳، واشنگتن دی.سی

Hunte, P، ۱۹۷۸، زنان و پروسه انکشاف در افغانستان، جولای ۱۹۷۸ (پروژه: برنامه آموزش منطقوی برای زنان)

Hunte, P، ۱۹۹۲، یکپارچگی زنان در پروژه ها و برنامه های ملل متحد در افغانستان. گزارش تهیه شده برای اداره انکشافی ملل متحد (UNDP)/ کابل جولای ۱۹۹۲.

مؤسسه علوم جمعیت یا نفوس، سروی ملی صحت فامیلی، ۹۹-۱۹۹۸ ، IIPS, Bombay.

گروپ بحران بین المللی، ۲۰۰۳، افغانستان: زنان و بازسازی، گزارش گروپ بحران بین المللی در باره قاره آسیا، شماره ۴۸ ، کابل بروسل

گروپ بحران بین المللی، ۲۰۰۴، انتخابات و امنیت در افغانستان نشریه آسیا،

گروپ بحران بین المللی، ۲۰۰۴، افغانستان از انتخابات ریاست جمهوری تا انتخابات پارلمانی، گزارش آسیا، شماره ۸۸ کابل بروسل.

دفتر بین المللی کار (ILO)، ۲۰۰۲، مشارکت زنان مردان در اقتصاد غیر رسمی: یک تصویر احصائیوی ژنیو.

Jeffery and Basu، ۱۹۹۶، مکاتب دختران، استقلالیت زنان و تغییر بار داری در جنوب آسیا، نشرات Sage، دهلی نو.

Kabeer, N، ۲۰۰۳، مسیر اصلی زنان در امحای فقر و اهداف هزاره انکشافی: یک کتاب رهنما برای سیاست مداران و دست اندرکاران که به همکاری لندن انتشار یافته است. سکرتریت کامنولت و کانادا CIDA, IDRC .

Kalmthout, E، ۲۰۰۱، ارائه برای ورکشاپ بانک جهانی، تعلیم و آموزش برای افغانها، یونیسف ۱۹۹۹، در"تغییر نمودن وضعیت برای اطفال در افغانستان" ۱۹۹۹-۲۰۰۰، جنبش جهانی برای اطفال گروپ کاری افغانستان، جون ۲۰۰۱

Kandiyoti, D، ۲۰۰۴، تحلیل یکپارچگی زنان در ارزیابی نیازمندی های اقتصادی-اجتماعی در افغانستان. UNIFEM, ۲۰۰۴، London,(Draft) .

Karlekar, M، ۲۰۰۰، دسترسی دختران به مکاتب: یک ارزیابی در Wazir, R. (ed) خلای جنسیت (زن ومرد) در تعلیم و آموزش اساسی مؤسسات غیر حکومتی (انجو) یک نماینده تغییر پذیر، نشرات Sage، دهلی نو.

Kaufman, M، ۲۰۰۳، افغان های فقیر و نادار دختران خود را به عروسی می فروشند MSNBC، ۲۳ فبروری ۲۰۰۳

Kerr-Wilson, A and Pain, A، ۲۰۰۳، سه قریه در ولسوالی ننگرهار ولایت لغمان: یک مطالعه وضعیت از معیشت مناطق دهاتی. اداره‌ء تحقیق و ارزیابی افغانستان AREU، سلسله مطالعات وضعیت نومبر ۲۰۰۳.

Khurram, K، ۲۰۰۳، قوانین متعارف افغانستان، یک گزارش بوسیله بنیاد حقوقی بین المللی.

Kalsen, Stephan، ۱۹۹۹، آیا عدم تساوی جنسیت باعث کاهش میزان رشد و انکشاف میگردد؟ گواه از سیر قهقرائی عبور از کشور، سیاست و گزارش تحقیقی در باره جنسیت (زن و مرد) و انکشاف، مجموعه اوراق کاری شماره ۷، بانک جهانی، واشنگتن دی.سی

Klinnert, C (ed)، (۱۹۹۷a)، پروژهء رهنمائی ده حمزه، مطالعات اساسی: قریه ده حمزه خواجه عمری، داکار (DACAAR) پشاور جولای ۱۹۹۷.

Klinnert, C (ed)، (۱۹۹۷b)، پروژه رهنمای سالاب سفلی، مطالعات اساسی: قریه سالاب سفلی، ولسوالی ننگرهار، داکار (DACAAR)، پشاور نومبر ۱۹۹۷

Lahr, J and Azerbaijani-Moghadam, S، ۲۰۰۲، افغانستان، تعلیم و آموزش، گزارش هیئت کمسیون اروپا در باره ارزیابی میکانیزم عکس العمل سریع. دفتر مدیریت بحران و جلوگیری از کشمکش متعلق به کمسیون اروپا، بروسل.

Larsen, J، ۲۰۰۴، ایران، نمونه برای رهنمای خانواده انستیتوت پالیسی زمین.
www.washingtonfreepress.org/۶۰/iranModelForFamilyPlannning.htm به دسترس قرار گرفته در ۸/۶/۲۰۰۴ .

Lau, M، ۲۰۰۲، سیستم حقوقی افغانستان و مطابقت آن با معیار های حقوق بشر بین المللی. کمسیون بین المللی حقوق دانان، ژینو.

Maletta, H، ۲۰۰۳، زنان در کار: جنسیت (زن و مرد)، ثروت، مزد ها و استخدام در مناطق دهاتی افغانستان، ۲۰۰۲-۰۳ اوراق مباحثات. سازمان غذا و زراعت جهان (FAO)/ وزارت زراعت و مالداری مدیریت مواد غذائی زراعت و مالداری، کابل نومبر ۲۰۰۳

Mansfield, David، ۲۰۰۲، برتری اقتصاد ناشی از تولید غیر قانونی مواد مخدر: از افسانه تا واقعیت. زرع خاشخاش در افغانستان اگست ۲۰۰۱، اوراق تهیه شده برای کنفرانس بین المللی در بارهء نقش انکشاف متبادل در کنترول از مواد مخدر و انکشاف همکاری ها. Munich جنوری ۲۰۰۲

Matney, S، ۲۰۰۲، زنان تجار پیشه در شهر کابل: یک مطالعه در بارهء وضعیت اقتصادی برای زنان پیشقدم در تاسیس مؤسسات مشارکتی، گزارش ارزیابی Mercy Corps، کابل اکتوبر ۲۰۰۲

شورای ملی کاربرد پژوهش اقتصادی ۲۰۰۱، منابع بیرونی صنایع فابریکه های کوچک برای خانواده ها: عقد قرار داد فرعی بر مبنای کار در منزل در هندوستان - مطالعه سه سکتور، Zardosi, Agarbatti and Bidi.

Neirenberg, D، ۲۰۰۲، اصلاح کردن قابلیت نزدیک بینی زنان، تساوی جنسیت (زن و مرد)، رفاهیت زنان و محیط زیست. اوراق دیده بان جهانی صفحه ۱۶۱ انستیتوت دیده بان جهانی سپتمبر ۲۰۰۲

Oates, L and Helal, I.S، ۲۰۰۴، در مسیر عبور از کشمکش و دموکراسی. زنان و قانون مساوی به لویه جرگه افغانستان، حقوق و دموکراسی، مرکز بین المللی برای حقوق بشر و انکشاف دموکراتیک، مونتریال.

Olesen, A، ۱۹۸۲، نورم های ازدواج و بکار بردن آن در یکی از مناطق دهاتی و روستائی در شمال افغانستان. FOLK، جلد ۲۴، انجمن شرح نژاد های دنمارکی، کوپنهاگن.

Olesen, A، ۱۹۸۳، کودتای ثور و پاسخ مردم محلی به آن. In Breckle، Nauman and W.S ،

Hamburg. .۲۲ .No ،institut-Mittelilungen des Deutschen Orient .Forschungen in und uber Afghanistan .M.C (eds)

Olesen، A، ۱۹۹۴، پیشه وران افغان، دسته های از سه روستای گردنده (سیار). Thames and Hudson، London.

Olesen, A، ۱۹۹۵، اسلام و سیاست مداران در افغانستان، انستیتوت نژاد قد بلند از مطالعات و مونوگراف قاره آسیائی. سلسله شماره ۶۷. Richmond, Curzon.

Paternostro, S، ۱۹۹۹، تبعیض در پرداخت مزد و جنسیت در اقتصاد عبوری: در مورد وضعیت رومانیا، بانک جهانی.

Peterson, G، ۱۹۹۵، کوچی های افغان در عبور، یک قرن از تغییرات میان اقوام زاله خان خیل and Hudson, London .Thames

Peterson, S، یک مودل نا محتمل برای رهنمائی خانواده. http://www.fws.org/famnews/۱۱۹c.htm ۸/۶/۲۰۰۴

اطبا برای حقوق بشر ۲۰۰۱، تندرستی زنان و حقوق بشر در افغانستان بر مبنای ارزیابی نفوس واشنگتن دی.سی

اطبا برای حقوق بشر ۲۰۰۲، میزان مرگ و میر در ولایت هرات. ضرورت به تحفظ حقوق زنان، واشنگتن دی.سی

انستیتوت نفوس، ۱۹۹۸، برنامه فامیلی در ایران موفقانه پیش میرود. Popline، سرویس خبری انستیتوت نفوس جون ۱۹۹۸ www.overpopulation.org/Iran٪۲۰Popline٪۰۲Jun۹۸.html. به دسترس قرار گرفته در ۸/۶/۲۰۰۴.

Ramachandran, V، ۲۰۰۲، بار داری و استقلالیت زنان، سمینار موضوع شماره ۵۱۱ مارچ ۲۰۰۲

Rao, Vijendra and Walton Michael (eds.)، ۲۰۰۴، فرهنگ و اقدام همگانی: یک گفتگوی انظباطی عبوری در باره انکشاف پالیسی. از نشرات خبری پوهنتون Stanford

Reilly, B et al، ۲۰۰۴، نبرد برای دسترسی - مواظبت صحی در افغانستان ژورنال طبی انگلند جدید، می ۶ ۲۰۰۴

Roudi-Fahimi, Farzaneh and Moghadam, Valentine, M، ۲۰۰۳، دادن اختیارات به زنان، انکشاف جامعه، تعلیم و آموزش اناث در شرق میانه و شمال افریقا، بیروی مراجعت نفوس، ایالات متحده امریکا، اکتوبر ۲۰۰۳.

Schutte, S، ۲۰۰۴، آسیب پذیری شهری در افغانستان مطالعات وضعیت از سه شهر در کشور. دفتر تحقیق و ارزیابی افغانستان می ۲۰۰۴

Schneider, F، ۲۰۰۲، اندازه و مقدار اقتصاد غیر رسمی در ۱۱۰ کشور دورادور جهان. اوراق کاری بانک جهانی ۲۰۰۲

Sen, A، ۲۰۰۱، مواجه شدن زیاد ناشی از عدم تساوی جنسیت. در نشریه Frontline هندوستان به نشر رسیده است، ۹ نومبر ۲۰۰۱.

دفتر بررسی استراتیژیک، ۲۰۰۱، بدخشان SMU، گزارشات ساحه. دفتر بررسی استراتیژیک، افغانستان. اسلام آباد، می ۲۰۰۱

Sudarshan, R.M، ۲۰۰۲، هزینه های غیر رسمی، یک شرح از هند در رابطه به عدم تحفظ کارگران: چه نقش در اقتصاد غیر

رسمی دارند؟ سازمان بین المللی کار.

Terre des homes، ۲۰۰۲، سروی Terre des homes راجع به رهنمائی خانواده در شهر کابل، کانفرانس بین المللی، ۲۵ اپریل ۲۰۰۲ www.tdfafghanistan.org/pressrelease۷.htm

تحقیق در باره حقوق بشر و اتحادیه مدافع حقوقی ۲۰۰۴ ورقهء گزارش: پیشرفت در باره تعلیم و آموزش اجباری (صنوف ۱ تا ۹) افغانستان، مارچ ۲۰۰۴

مرکز انکشاف بشری محبوب الحق ۲۰۰۰، انکشاف بشری در جنوب آسیا ۲۰۰۰، پرسش جنسیت، مطبوعات پوهنتون آکسفورد.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان ۲۰۰۲، ساختار توسعه ملی.
۲۰۰۲, htpt://www.afghanistangov.org/resources/itsa/ig-april/NDE_Revised_Draft.pdf

دولت انتقالی اسلامی افغانستان ۲۰۰۴، مصؤنیت آینده افغانستان: اجراات و جاده استراتیژیک به پیش
www.af/recosting/index/html دولت انتقالی اسلامی افغانستان و نمایندگی های بین المللی ۲۰۰۴

شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد ۲۰۰۳، وضع زنان و دختران در افغانستان، گزارش از منشی عمومی، کمسیون وضعیت زنان E/CN.۶/۲۰۰۳/۴.

سرویس خبری، ملل متحد، ۲ اگست ۲۰۰۴، ندای هیئت ملل متحد بالای رأی دهنده گان که بکار نام نویسی پایان بخشد، کانفرانس مطبوعاتی.

هیئت امداد رسان ملل متحد برای افغانستان (UNAMA)، جدول مراتب حقایق تندرستی و تغذیه ۳۰ جنوری ۲۰۰۳

برنامه انکشافی ملل متحد (UNDP)، ۲۰۰۴، افغانستان گزارش ملی انکشاف قوای بشری،

وجوه انکشافی ملل متحد برای زنان، (UNIFEM)، نقش رهبری زنان در بازسازی افغانستان www.unifem.org

دفتر ملل متحد در باره کنترول مواد مخدر، ۲۰۰۰، نقش زنان در کشت خاشخاش در افغانستان، مطالعات استراتیژیکۓ ۶ مطالعات انکشاف متبادل، http://www.unodc.org/unodc/en/alternative_development_studies_۶.html. به دسترس قرار گرفته در ۴/۹/۲۰۰۴.

سازمان تعلیمی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)، EFA ۲۰۰، گزارشات ارزیابی کشوری، افغانستان www۲.unesco.org/wef/countryreports/afghanistan/rapport_۱.html. به دسترس قرار گرفته در ۶/۱۵/۲۰۰۴.

سازمان تعلیمی علمی فرهنگی ملل متحد (یونسکو) ۲۰۰۲، امور مالی، تعلیمی، سرمایه گذاری ها و بازگشت ها. تحلیل شاخص های جهانی، انستیتوت برای احصائیه ها

صندوق وجهی ملل متحد برای فعالیت های نفوس (UNFPA)، وضعیت جمعیت جهان، ۲۰۰۰ قابل دسترسی بروی صفحه

انترنت است /http://www.unfpa.org/swp/۲۰۰/english

(صندوق وجهی ملل متحد برای فعالیت های نفوس)، بحران بشری در افغانستان، جدول مراتب: شاخص های سلامتی ولادی برای افغانستان www.unfpa.org/emergencies/afghanistan/factsheet/htm بدسترس قرار گرفته در ۴/۱۶/۲۰۰۴ .

یونسف ۱۹۷۷، پروفیل احصائیوی اطفال و مادران در افغانستان، کابل

یونسف ۲۰۰۱، ازدواج نابه هنگام، زنا شوی خوردسالان، مجموعه بیگاناهی، شماره ۷ مارچ ۲۰۰۱ Florence

یونسف a ۲۰۰۱ ، چانس های از دست داده شده، تغییر وضعیت اطفال در افغانستان ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۰، جنبش جهانی برای اطفال افغانستان، گروپ کاری www.pcpafg.org.Organizations/uniecef/۲۰۰۱/Afghanistan_report_final.htm بدسترس قرار گرفته در ۸/۱۶/۲۰۰۴

یونسف ۲۰۰۴، در یک نگاه، احصائیه افغانستان http://www.unicef.org/infobycountry/afghanistan-statistics بدسترس قرار گرفته در ۳/۱۵/۲۰۰۴.

یونسف و ایالات متحده. مرکز برای جلوگیری و کنترول امراض. (CDC) ۲۰۲، مرگ و میر در افغانستان: بزرگی، اسباب، فکتور های خطر و جلوگیری، خلاصه از دریافت ها،

UNOCHA، (دفتر ملل متحد بر انسجام کمک های بشری)، ۲۰۰۴، ایران: تمرکز توجه بالای رهنمای خانواده www.irinnews.org/report/asp؟ReportID=۳۳۶۷۶ بدسترس قرار گرفته در ۸/۶/۲۰۰۴ .

(دفتر کمشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر)، ۱۹۹۷، گزارش نهایی در باره وضعیت حقوق بشر در افغانستان که توسط آقای Choong-Hyun Paik گزارشگر خاص در مطابقت به فیصله های کمسیون حقوق بشر تقدیم گردیده..Geneva۹۵/۷۹۹۱/۴E/CN,

اداره انکشافی بین المللی ایالات متحده امریکا ۲۰۰۳: گزارش احصائیوی تندرستی کشوری، ۲۰۰۳
Waldman, R and Hanif, H، ۲۰۰۲، سیستم صحت عامه در افغانستان، سلسله اوراق موضوعات جاری، می - جون ۲۰۰۲، دفتر تحقیق و ارزیابی افغانستان

Wilding, John and Azerbaijani-Moghadam, S، ۲۰۰۲، گزارش هیئت اروپائی RRM در مورد تامینات غذائی واحد تنظیم جلوگیری از کشمکش و بحران متعلق به کمسیون اروپا، بروسل

Wily, L. Alden، ۲۰۰۴، وابستگی به زمین در ولایت بامیان، دریافت ها از مطالعه وضعیت در ۱۵ قریه، سلسله مطالعات وضعیت، دفتر تحقیق و ارزیابی افغانستان، کابل، فبروری ۲۰۰۴

Wily, L. Alden، ۲۰۰۴، وابستگی به زمین در ولایت فاریاب. دریافت ها از مطالعه ساحوی در ۱۱ قریه، سلسله مطالعات وضعیت، دفتر تحقیق و ارزیابی افغانستان، کابل، جون ۲۰۰۴

Woodruff. B.A, et al، ۲۰۰۱، سروی تغذی و تندرستی در ولایت بادغیس افغانستان. فبروری مارچ ۲۰۰۲، یونسف و مراکز ایالات متحده امریکا برای کنترول و جلوگیری از امراض (CDC) اتلانتا و کابل

بانک جهانی، ۱۹۹۹، سلامتی مادر، دروس از تجارب ده ساله، شبکه انکشاف بشری، واشنگتن دی.سی
بانک جهانی، ۲۰۰۱، انکشاف و تولید نسل کردن: از طریق تساوی جنسیت در عرصه حقوق، منابع و صدا، واشنگتن دی. سی

بانک جهانی ۲۰۰۴، تساوی جنسیت و اهداف هزاره انکشافی ملل متحد، جنسیت، انکشاف گروپ. واشنگتن دی.سی

بانک جهانی، a۲۰۰۴، خاطرات هیئت، هیئت نظارتی برنامه همبستگی ملی، واشنگتن دی.سی

بانک جهانی b۲۰۰۴، پروژه اضطراری بهبود کیفیت تعلیم و آموزش. ضمیمه تخنیکی.

بانک جهانی، c۲۰۰۴، سرمایه گذاری در آینده افغانستان، یاداشت سیاست تعلیم وتربیه، (طرح) واشنگتن دی.سی

بانک جهانی d۲۰۰۴، فقر، آسیب پذیری و مصؤنیت اجتماعی در افغانستان، واحد انکشاف بشری، (طرح) واشنگتن دی.سی

سازمان صحی جهان ۲۰۰۴، شاخص های مواظبت صحی، http://www.who.int/country/afg/
بدسترس قرار گرفته در ۶/۲۵/۲۰۰۴.

Zachariah، ۱۹۸۳، یک کاهش در میزان تولدات غیر متعارف در ایالت کیرالای هند، گزارش بانک جهانی، شماره ۱ از RPO ۱۷۶-۰۷، بانک جهانی، واشنگتن دی.سی

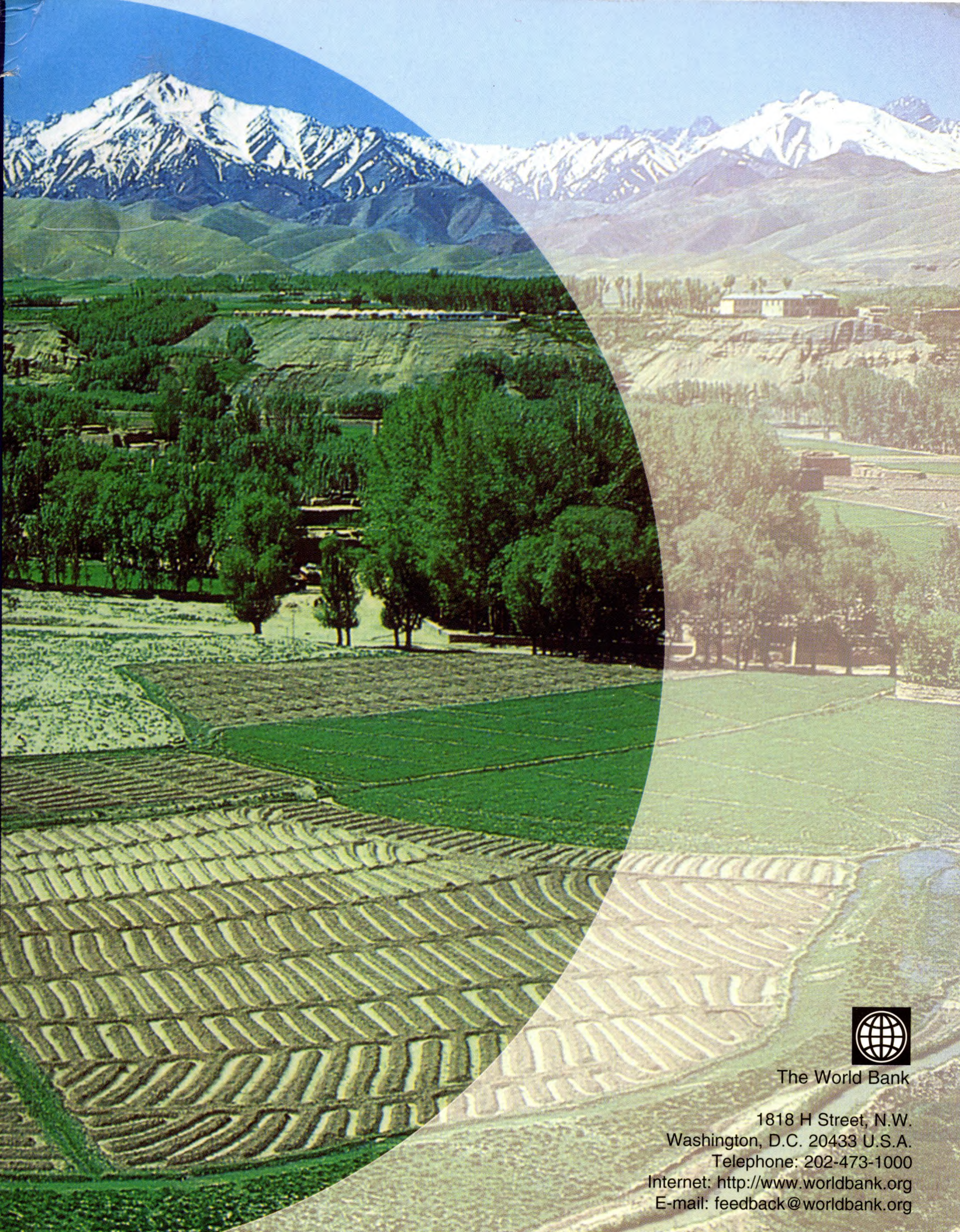
همایش چالش های جدید در بنگله دیش www.engenderhealth.org/itf/bangladesh

بیرون شدن از تاریکی در یک دنیا: گزارش مخصوص در باره زنان عرب ایکانومیک جون ۱۹، ۲۰۰۴

خط مشی برای اقدام. چهارمین کنفرانس جهانی در باره زنان، Beijing, China ۴۱۵ نومبر سال ۱۹۹۵ و ملل متحد، اعلامیه Beijing، نیویارک، ملل متحد ۱۹۹۶.

www.philter.ucsm.ac.uk/encyclopaedia/islam/sunni/hana.html
www.usinfo.state.gov/regional/nea/sasia/afghan/text/۱۱۰۶cdc.htm. به دسترس قرار گرفته در ۴/۱۶/۲۰۰۴

خلاصه گزارش سکتور صحی افغانستان: www.aims.org
http://www.worldbank.org/data/databytopic/databytopic.html
http://devdata.worldbank.org/genderstats/home.asp
http://devdata.worldbank.org/external/dgsector/asp؟W=۰&RMDK=۱۱۰&SMDK=۴۷۳۸۸۵
http://unicef.org/infobycountry/index.html.



The World Bank

1818 H Street, N.W.
Washington, D.C. 20433 U.S.A.
Telephone: 202-473-1000
Internet: http://www.worldbank.org
E-mail: feedback@worldbank.org